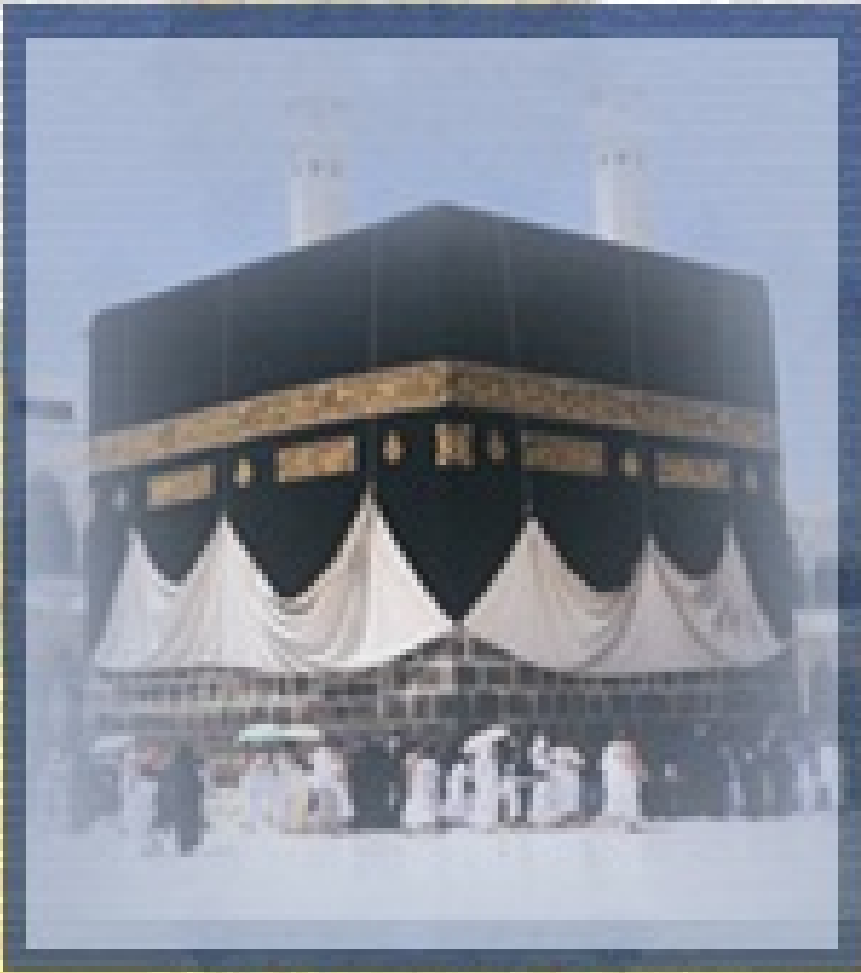


منگ حج



آیت اللہ سید محمد تقی مدرس سی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک حج آیت الله حاج سید محمد تقی مدرسی

نویسنده:

حاج سید محمد تقی مدرسی

ناشر چاپی:

دانشوران معاصر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	مناسک حج آیت الله حاج سید محمد تقی مدرسی
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	پیشگفتار
۱۴	در آغاز . . .
۱۴	چگونگی آماده شدن برای حج
۱۵	در مکتب حج
۱۶	ره‌آوردهای حج
۱۷	آداب معاشرت در حج
۱۷	بهره‌های دنیوی
۱۸	روحانیون
۱۹	بخش اول
۱۹	در آستانه حج
۱۹	۱ - حج در قرآن کریم
۱۹	اشاره
۲۰	حرم امن خدا
۲۱	خانه پاکی و تسلیم
۲۴	حدود الهی در حج:
۲۵	احرام:
۲۵	اشاره
۲۵	الف - جماع [الرَّفَث].
۲۵	ب - گناه [الْفُسُوق].
۲۶	ج - جدال

- د - شکار ۲۶
- مناسک حج ۲۷
- ۲ - آداب سفر ۲۹
- ۳ - چگونگی حج پیامبر صلی الله علیه وآله ۳۴
- ۴ - وصیت امام صادق علیه السلام به حاجیان ۳۶
- بخش دوم ۳۷
- استطاعت حج و اقسام آن ۳۷
- ۱ - اقسام و شرایط حج ۳۷
- قرآن کریم: ۳۷
- حدیث شریف: ۳۷
- تفصیل احکام: ۳۸
- تعریف حج ۳۸
- حکم حج: ۳۹
- اقسام حج: ۳۹
- ۲ - حج، بر چه کسی واجب است؟ ۳۹
- حدیث شریف: ۳۹
- تفصیل احکام: ۴۱
- شرایط و احکام استطاعت ۴۲
- ۳ - اعمال حج از کجا آغاز می‌گردد؟ ۴۳
- بخش سوم ۴۴
- تفصیل اعمال عمره و حج ۴۴
- پیرامون میقاتها ۴۴
- حدیث شریف: ۴۴
- تفصیل احکام: ۴۵

۴۶	احکام میقات:
۴۷	حج تمتع
۴۷	قرآن کریم:
۴۷	حدیث شریف:
۴۸	تفصیل احکام:
۴۸	اعمال عمره تمتع و دخول حرم
۴۸	۱ - احرام
۴۸	قرآن کریم:
۴۸	حدیث شریف:
۵۰	تفصیل احکام:
۵۰	احکام احرام
۵۱	احکام لباس احرام
۵۱	احکام تلبیه:
۵۲	مستحبات احرام:
۵۳	برخی از مکروهات احرام:
۵۳	محرمات احرام
۵۴	قرآن کریم:
۵۴	حدیث شریف:
۵۷	تفصیل احکام:
۵۸	مسائل این باب:
۶۴	در آستانه مکه مکرمه
۶۴	قرآن کریم:
۶۴	حدیث شریف:
۶۵	تفصیل احکام:

۶۸ ۲ - طواف
۶۸ اشاره
۶۸ شرایط صحّت طواف:
۶۸ واجبات طواف:
۶۹ پاره‌ای از احکام طواف:
۷۰ حکم شک در طواف
۷۱ ۳ - نماز طواف
۷۱ ۴ - سعی
۷۱ قرآن کریم:
۷۱ حدیث شریف:
۷۲ تفصیل احکام:
۷۲ پاره‌ای از احکام سعی:
۷۳ ۵ - تقصیر
۷۳ حدیث شریف:
۷۳ تفصیل احکام:
۷۳ پاره‌ای از احکام تقصیر:
۷۴ بخش چهارم
۷۴ تفصیل اعمال حجّ
۷۴ اعمال حجّ تمتّع
۷۴ حدیث شریف:
۷۵ تفصیل احکام:
۷۵ شرایط حجّ تمتّع:
۷۵ اعمال حجّ تمتّع:
۷۵ ۱ - احرام

۷۵	اشاره -
۷۵	پاره‌ای از احکام این باب:
۷۶	۲ - وقوف در عرفات
۷۶	حدیث شریف:
۷۶	تفصیل احکام:
۷۷	احکام وقوف در عرفات:
۷۷	مستحبات وقوف در عرفات:
۷۸	احکام دو وقوف:
۷۸	۳ - وقوف در مزدلفه
۷۸	قرآن کریم:
۷۸	حدیث شریف:
۷۹	تفصیل احکام:
۷۹	احکام وقوف در مشعر:
۸۰	مستحبات وقوف در مزدلفه:
۸۰	۴ - رمی جمره عقبه
۸۰	حدیث شریف:
۸۱	تفصیل احکام:
۸۱	واجبات رمی:
۸۲	احکام رمی:
۸۲	مستحبات رمی:
۸۳	۵ - قربانی
۸۳	قرآن کریم:
۸۳	حدیث شریف:
۸۴	تفصیل احکام:

- ۸۴ احکام قربانی:
- ۸۵ ۶ - حلق و تقصیر
- ۸۵ قرآن کریم:
- ۸۵ حدیث شریف:
- ۸۶ تفصیل احکام:
- ۸۶ احکام حلق و تقصیر:
- ۸۶ ۷ - طواف زیارت
- ۸۷ قرآن کریم:
- ۸۷ حدیث شریف:
- ۸۸ تفصیل احکام:
- ۸۸ ۸ - نماز طواف زیارت
- ۸۸ ۹ - سعی
- ۸۸ حدیث شریف:
- ۸۸ تفصیل احکام:
- ۸۹ ۱۰ - طواف نساء
- ۸۹ حدیث شریف:
- ۸۹ تفصیل احکام:
- ۸۹ ۱۱ - نماز طواف نساء
- ۹۰ ۱۲ - مبيت در منی
- ۹۰ حدیث شریف:
- ۹۰ تفصیل احکام:
- ۹۰ احکام مبيت:
- ۹۱ ۱۳ - رمی جمره‌های سه گانه
- ۹۱ حدیث شریف:

۹۱	تفصیل احکام:
۹۱	احکام رمی:
۹۱	بخش پنجم
۹۱	سایر احکام
۹۲	۱ - حج افراد
۹۲	حدیث شریف:
۹۲	تفصیل احکام:
۹۲	اعمال حج افراد:
۹۳	احکام حج افراد:
۹۳	۲ - حج قرآن
۹۳	حدیث شریف:
۹۳	تفصیل احکام:
۹۴	احکام حج قرآن:
۹۴	۳ - احکام حج زنان
۹۴	حدیث شریف:
۹۵	تفصیل احکام:
۹۶	۴ - حج پسر بچه و دختر بچه
۹۶	حدیث شریف:
۹۷	تفصیل احکام:
۹۷	۵ - احکام نیابت
۹۷	حدیث شریف:
۹۸	تفصیل احکام:
۹۹	احکام شخص بازداشته شده از حج
۹۹	اشاره

- ۹۹ حدیث شریف:
- ۱۰۰ الف - احکام مصدود
- ۱۰۰ ب - احکام محصور
- ۱۰۱ بخش ششم
- ۱۰۱ پیرامون زیارت و دعا
- ۱۰۱ زیارت پیامبر و اهل بیت او
- ۱۰۶ دعاء مکارم الأخلاق
- ۱۱۲ نمایه
- ۱۲۴ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مناسک حج آیت الله حاج سید محمد تقی مدرس

مشخصات کتاب

نویسنده: محمد تقی المدرسی

ناشر: [قم]: دانشوران معاصر

بر گرفته از:

<http://www.almodarresi.com/Persian/fbook/۳۲/index.htm>

پیشگفتار

پیشگفتار

سپاس خدای را که جهانیان را آفرید و درود بر محمد و خاندان پاک او.

خداوند با همه عظمت و جلالش تو را برگزیده تا از اعزایمیهای او باشی به خانه گرانسنگش، و به آستانه میهمانیش در آیی، و به فراخوانی ابراهیم خلیل به سوی حج لئیک گویی که بحق شرافتی سترگ است. ولی آیامی دانی ژرف اندیشی در احکام حج، و آداب والایی که در این سفر الهی باید به آنها عمل کنی، و مقدماتی که باید برای خویش فراهم آوری تو را - به خواست خدا - از گرامترین میهمانان خدا می گرداند که سود و توشه‌ای هنگفت به کف آورده. آری، حاجی گرامی! بر توست پیش از سفر به سرزمین مقدس یا در اثنای آن بکوشی تا مناسک حج و فلسفه احکام و شرایط قبول آن را بازشناسی.

خداوند تبارک و تعالی با مساعدت برادر فاضلمان حجّه الاسلام شیخ صالح کلباسی - حفظه الله - به ما توفیق آن را داد کتابی مختصر پیرامون حج بنگاریم و در آن، امور زیر را به کار بسته‌ایم:

نخست - اکتفا به مهمترین اعمال و مسائلی که بیشتر مورد ابتلاست آن هم بدون هیچ گونه تفصیلی که عموم حاجیان بدان نیازی ندارند، و تنها برای علما و راهنمایان مفید است که البته امیدواریم توفیق آن را بیابیم که مسائل مفصل را در کتابی جداگانه بیاوریم.

دوم - قرآن کریم مناسک و حکمت و آداب حج را با بلاغتی نافذ تبیین می کند و کسی که در آیات حج تدبّر کند، از آن پرتو می گیرد و بینش و بصیرت او در حقایق حج فزونی می پذیرد.

خداوند سبحان این توفیق را به ما داده تا در این آیات تدبّر کنیم و از نور آن پرتو بگیریم، و حقایقی را بیان داریم که از آن الهام می گیریم. امید آن که زایر خانه خدا در ابعاد این آیین مهم از آینه‌های دینش نیک بیندیشد.

سوم - سنت شریف نیز مناسک، علل و فلسفه مناسک حج را به گونه‌ای ممتاز روشن می کند که موجب می شود هدایت و رهیابی ما فزونی یابد. در حدیثی مشهور میان مسلمانان از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود:

"مناسک خود را از من بگیرید. " پیامبر صلی الله علیه و آله با مسلمانان حج گزار دو گام به گام مناسک آن را به مسلمانان آموزش داد، تا جایی که ایشان پاره‌ای از مناسک را در حالی انجام می داد که سواره بود تا همه او را ببینند و صدایش را بشنوند. حضرت صلی الله علیه و آله پس از مسجد شجره سواره لئیک گفت تا همه مسلمانان صدای او را بشنوند و در عرفات سواره و قوف کرد و سواره به طواف پرداخت.

از همین رو پیش از هر چیز، حج پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان داشتیم، و قبل از بیان احکام هر یک از اعمال حج، برخی از احادیث را برگزیدیم که با آن پیوند دارد، تا شخص حاجی مستقیماً از احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به احکام حج آگاهی یابد.

چهارم - ما از دیگر احادیث شریف در آداب سفر حج و آداب روابط اجتماعی، و نیز از تجربیات کارشناسان امور مربوط به حج و تجربیات خودمان در این سفر مبارک بهره جسته‌ایم، و از آنها سفارش‌ها و آموزش‌هایی استفاده کرده‌ایم که در مقدمه کتاب بیان‌شان داشته‌ایم، شاید که خواننده گرامی را سود رساند.

امیدواریم شخص حاجی در پرتو آنچه پیرامون اعمال این عبادت نگاشته‌ایم نسبت به احکام حج و شیوه انجام آن بصیرتی بیشتر یابد، البته مشروط بر آن که پیش از سفر به این سرزمین مقدس درباره آن اندیشه و تفکر نماید.

از خداوند بخشاینده مهربان می‌خواهیم بر من و کسانی که در فراهم کردن این مختصر یاری رساندند، و بر خواننده گرامی تفضل کند، و اعمال و کردارمان را به نیکی بپذیرد و حاجیان را در حالی به دیار خود بازگرداند که توشه تقوا را که بهترین توشه است اندوخته باشند، و اجری بزرگ را به غنیمت برده، و از صحت و سلامتی برخوردار باشند.

از خداوند می‌خواهیم این فشرده سخن را موجب بری الذمه بودن کسانی قرار دهد که بدان عمل می‌کنند. از خداوند می‌خواهیم آن را توشه‌ایشان سازد برای روزی که نه مالی سود رساند، نه فرزندی، مگر کسی که با قلبی سلیم نزد خدای آید و اوست شنونده دعا.

محمد تقی مدرس

۲۷ شوال ۱۴۱۵. ق

مشهد مقدس

در آغاز ..

چگونگی آماده شدن برای حج

در آغاز ..

چگونگی آماده شدن برای حج

اینک که حج را در خاطر داری و بر آن هستی تا فراخوان خدا را به سوی خانه‌اش پاسخ گویی بر توست که این امور را به جای آری:

۱ - دارایی خودت را از حقوق مردم بر تو، پاک گردانی و اگر کسی رامی‌شناسی که حقی بر گردن تو دارد آن حق را ادا کن، و اگر او رانمی‌شناسی به اندازه‌ای که در عهده توست به نیابت از او صدقه بده.

۲ - سپس بنگر، آیا از حقوق خدا چیزی همچون زکات یا خمس یا نذر برعهده ات هست، پس پیش از زیارت بیت‌الله حقوق خدا را به مستحقانش پرداز، اگر خشنودی خدا را می‌طلبی و از او می‌خواهی که توبه تو را بپذیرد.

۳ - در این سفر در جستجوی بهترین دوستان باش و کسی را بگزین که اخلاقی بهتر داشته باشد و آگاهی بیشتر به احکام، و پرهیزکاری فراگیرتر در عمل.

۴ - سپس در احکام حج و آنچه یک حاجی باید پیرامون این عبادت بدانند، و نیز در اهداف والای آن و دانستن فضیلت بیت‌الله الحرام و مسجد نبوی و آداب سفر به این دو جا اندیشه کن، تا نسبت به این دو مکان مقدس و باقیمانده‌های آثار روحی و نشانه‌های تاریخ امت مسلمان بینش کامل یابی.

۵ - از چگونگی سلامتی خود در داشتن توانایی ادای مناسک حج و دارو و دستورات بهداشتی که احتمالاً در آن سرزمین مقدس بدان نیاز خواهی یافت اطمینان حاصل کن، البته این امر، با رایزنی پزشکان و متخصصان صورت خواهد گرفت.

۶ - در صدد فراهم کردن لوازم شخصی بر بیا که بدان نیاز خواهی یافت، که این کار وقت تو را ذخیره می‌کند و مانع از آن می‌شود

که به اموری جز مناسک و اعمال حج بردازی.

۷- وصیت‌نامه خود را بنویس که موجب طولانی شدن عمرت می‌شود، و آن‌شان تسلیم تو در برابر اوامر الهی و تعهد به حدود خدایی است.

۸- با خویشان و دوستان وداع کن و از آنها بخواه حقوقی را که احتمالاً از آنها نادیده گرفته‌ای بر تو ببخشند، که به خواست خدا بدین ترتیب روانه‌خانه پاکی و رحمت خواهی شد.

۹- بر آن شو تا خویش را اصلاح کنی و در ساختن زندگی نوینی پس از بازگشت از حج توکل به خدای کن، تا زندگانی آکنده از ایمان و فعالیت و سعادت را در پیش داشته باشی.

در مکتب حج

در مکتب حج

از هنگام خروج از منزل، به مکتب حج گام می‌نهی، و هرچه همت توالاتر باشد بینش و آگاهی افزونتری خواهی یافت، زیرا در این مکتب بینشهای بسیاری بر علو روح و زیادت عقل و قوت اراده و رشد روحیه تقوا وجود دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (... وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (۱)). ... " و توشه برگیرید (و بدانید) که بهترین توشه تقوی است، و ای خردمندان از من پروا کنید".

بدین ترتیب تو از نخستین لحظه ترک خانواده و درآمدن به میهمانی خدا از نردبان تقوی بالا می‌روی و در مراتب دانش و اراده اوج می‌گیری، و اینک تو ای حاجی ارجمند برنامه‌ای را به کار بند که تو را بدان سفارش می‌کنیم:

۱- تلاوت قرآن در سرزمینی که در آن نازل شده است و تأمل در آیات آن بدون تردید صفای روح حاجی، او را در درک عمیق درسهای قرآنی و دریافت بینشهای آن یاری می‌رساند، و اگر توانستی در ایام حج قرآن را ختم کنی چنین کن که پاداشی سترگ در پی دارد و اگر با گروهی از برادرانت بودی با آنان پیرامون آیات قرآنی پس از تلاوت آن مباحثه کن که این، در شناخت حقایق قرآنی مؤثر است.

۲- یک حاجی باید در فهم دین و شناخت اصول و فروع آئین خود پایه‌های اخلاق اسلامی و شناخت امور مربوط به امت بکوشد، در کاروانهای حج شایسته است تا بیشترین حد ممکن از علما بهره‌برد، و می‌توان این کار را با ترتیب دادن جلسات درس در زمینه‌های مختلف انجام داد، چنان که حاجیان در آگاهی دارای مراتب مختلفی هستند و بهتر است در میان خود به بحث پیرامون ویژگیهای دین پردازند، و عالم آنها نعمت‌خدایی خود را به جاهل بیاموزد تا آنگاه که حاجی به سرزمین خود باز گردد همچنانکه توشه‌ای از تقوی و صلاح با خود دارد، ثروت علمی عظیمی رانیز با خود به خانه برد.

۳- دعاهای منقول از پیامبر خدا و ائمه معصومین زبان مخاطبه بنده است با خدایش در آستانه بیت‌الله الحرام، و شایسته است در خواندن آنها و اندیشیدن در واژه‌هایش اهتمام جدی به کار زده شود، و اگر نیاز به تفسیر یا ترجمه داشت باید که حاجی در راه دانستن آن خویش را به رنج افکند، بویژه دعاهای ذی‌الحجه و دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه، و شایسته است به دعایی معین روی آورد تا بینشهای حاجی با ژرف‌اندیشی در آن رسوخ بیشتری پیدا کند و ما برای شما دعای مکارم الاخلاق را برگزیدیم.

۴- ممکن است یک حاجی نمازهای قضایی داشته باشد که در طول زندگی فرصت به جای آوردن آن را پیدا نکرده باشد، او باید در آستانه خانه خدا به اقامه آن همت گمارد و بداند که یک رکعت در مسجد نبوی برابر است با هزار رکعت در مکان دیگر و یک رکعت در مسجد الحرام همسنگ صد هزار رکعت است در مکان دیگر. پس نباید چنین پاداش عظیمی را از دست دهد.

۵- در دو مسجد شریف (مسجد الحرام و مسجد نبوی) مدتی طولانی درنگ کردن، و به ذکر خدا و تلاوت قرآن و دعا و اقامه نماز

و همشناسی بادیگر مسلمانان پرداختن، از بزرگترین اعمالی هستند که هرگز نباید در آنهاستستی شود.

۶ - بزرگترین هدف تو در حج آن است که خداوند به توبه موفق گرداند، و حقیقت توبه همان بازگشت به پاکی ایمانی است بدور از وسوسه‌های تردید و ریا و کبر و حسد، و آنگاه اصلاح نفس به گونه‌ای که به حقیقت تقوی گرایش یابد، و نورش به کمال رسد، و پیوندش به خداوند باز گردد. پس آنگاه که حقیقتاً به درجه توبه رسیدی، در خویش شجاعت و قدرت و اعتماد کافی را برای قالب ریزی زندگی نوینت براساس شیوه‌های زیرمی‌یابی:

الف - در پیوند خود نسبت به همسر، کودکان، برادران، خواهران و فرزندان، و به طور کلی خویشان بنگر و ببین که آیا این پیوند، پیوند مشارکت و مشاوره و محبت و احترام است، یا می‌کوشی خویش را بر آنان تحمیل کنی و حقشان را زیر پا نهی؟ پس اگر پیوندت چنان باشد که خداوند سبحان بدان امر کرده خدای را سپاس گزار، و در غیر این صورت، به‌خواست خدا خواهی توانست در این سفر الهی این پیوند را اصلاح کنی.

ب - باید ببینی پیوند تو با مردم بر پایه دادگری و نیکوکاری استوار است یا براساس حق خوری و این که حقت را به کمال از ایشان می‌ستانی امیا در پرداختن حقوق آنها امروز و فردا می‌کنی؟ پس اگر در پیوند با دیگران خطاکاری آهنگ اصلاح خویش کن که ظلم گناهی است که نادیده گرفته نمی‌شود.

ج - بنگر آیا منبع روزی تو که در پرتو آن زندگی می‌کنی حلال است یا حرام، و آیا در آن شبهه حرمت وجود دارد یا خیر؟! از منبع روزی شبهه‌دارهایی یاب، و بدان که خداوند روزی دهنده است و آن که خدای را پرهیزد چنان‌که روزی رساند که خود گمان نبرد.

د - بنگر فاصله شیوه زندگی تو با شیوه‌های یک انسان با تقوی چقدر است. پس بر خدای تبارک و تعالی توکل جو و این فاصله را از میان بر، اگر چه به گونه‌ای تدریجی، بویژه آن که در قرآن کریم در پایان سوره فرقان شیوه‌های عبادالرحمان را خوانده‌ای، و در آغاز سوره مؤمنون عوامل رستگاری مؤمنان، و در ابتدای سوره بقره ویژگیهای پرهیزکاران رادانسته‌ای، پس در خود نگر که به اذن خدا چگونه خواهی توانست به آنها عمل کنی.

ه - برنامه‌ای عبادی همچون شب زنده‌داری، تلاوت قرآن، اقامه نوافل همراه با فرایض، کمک به تهیدستان و نظایر آن را برای خویش قرار ده.

ره آوردهای حج

ره آوردهای حج

ره آوردهای عملی که از حج با خود می‌آوری کدام است؟

۱ - پس از اصلاح نفس و تکامل روح، آنچه باقی می‌ماند این است که برادری دینی برای خود برگزین که این بهترین چیزی است که از حج به‌ارمغان می‌آوری. تو در حج با برادران عزیزی از دیگر سرزمینها در خواهی آمیخت، پس بنگر چگونه می‌توانی پیوند با آنها را استوار سازی تا در آینده از آنها سود ببری. تو می‌توانی در کاروان خود کسی را بیابی که برادر دینی تو باشد و با او در هیئتی دینی با طرحی نیکوکارانه و یا حتی تلاشی اقتصادی شرکت جویی، و از همین رو باید از آغاز در اندیشه یافتن برادرانی دینی باشی.

۲ - در اثنای سفر و پیش و پس از آن باید به وضع مسلمانان جهان اهتمام داشته باشی. زیرا در این سفر با صدها هزار برادر دینی و ایمانی برخورداری، پس باید زندگی آنها را بشناسی، و اگر مشکلی برای برخی از آنها وجود دارد دریابی، و در حل این مشکل یاریشان رسانی، و برای این کار همراهی را که می‌توانی برگزین، حتی اگر این راه با دعا و همیاری ایشان باشد به‌سخنی نیکو. پیامبر

اکرم صلی الله علیه وآله می‌فرماید: "کسی که صبح کند و به امور مسلمانان نپردازد از آنها نیست،" و او شالوده و بنیان توحید را برای امت اسلامی در سرزمینی مبارک و بویژه در روزهای حج ریخته است.

۳- اگر از حج بازگردی در حالیکه ثروتی سترگ از اطلاعات پیرامون مسلمانان به کف آورده‌ای، و اوضاع و تجربیات آنها را پژوهیده‌ای، و باندیشه‌های نوینی از حیات به همراه آگاهیهای والا به خانات گام نهاده‌ای، بدان که به خواست خدا در زندگیت کامیابتر خواهی شد، و بدینسان حج وسیله‌ای خواهد بود برای فزونی روزی و ابزاری برای سلامتی و برکت در نعمتهای خدا بر تو.

آداب معاشرت در حج

آداب معاشرت در حج

بدان که حج بزرگترین تجربه است برای اخلاق انسان و آداب معاشرت او با مردم. تو در کاروان خود با مردم گوناگونی روبرو هستی و این سفر تو را با گروههایی گردآورده که از جای جای کره زمین آمده‌اند و در مسجدالحرام و مسجد نبوی و هنگام طواف و سعی و در عرفات و مزدلفه و منی با گونه‌هایی از آدمیان روبرو هستی که آنها را نمی‌شناسی، و لذا باید هنگام تماس با آنها در اوج اخلاق باشی، زیرا آنها همه میهمانان خدایند، و روانیست تو بر آنها برتری جویی، و شایسته است در رفتار با آنها از نظر روانی خویش را تمرین دهی.

مردم به یک حاجی بدیده احترام و اعتماد می‌نگرند، زیرا حاجی در روزهای حج به تقوی و آداب نیکوی معاشرت و اخلاق فاضله مجهز شده‌است، ولی مردم در بدست آوردن مراتب تقوی و فضیلت متفاوت اند، گروهی از آنها با روحیه تقوی و حقایق آن باز می‌گردند، و گروهی دیگر تنها به ظاهر بسنده می‌کنند. کسانی که به روحیه تقوی مجهز می‌شوند، همان کسانی هستند که حقیقت تقوی آنها، در پیوند با برادران‌شان ظهور می‌یابد، پس هیچ‌گاه ظلم و ستمی روا نمی‌دارند، و حق را زیر پا نمی‌نهند، و کسی را مسخره نمی‌کنند. ولایت خدا و رسول و اهل بیت، با ولایت مؤمنان و محبت آنها و شتاب در برآوردن نیازهای آنها و همیاری با ایشان در نیکوکاری و تقوی، کمال می‌یابد. پس کسی که با این ولایت کامل از حج بازگردد به تحقیق با توشه‌ای سترگ بازگشته که در این جهان و آن جهان سودش رساند.

بهره‌های دنیوی

بهره‌های دنیوی

خداوند سبحان ما را فرمان داده به حج رویم تا منافع خویش را شاهد باشیم، که از این منافع بینشهای زیر است:
اول - حاجی در آستانه خانه خدا فرصت آن را می‌یابد که در امور خویش و از جمله وضع زندگیش بیندیشد. تو نیز اینک بیندیش که چگونه می‌توان مرتبه یا مراتبی بهتر به دست آری. اگر کارگری بیندیش چگونه می‌توانی بازرگان شوی، و اگر کارمندی طرحی در انداز تا رئیس شوی، و اگر دانشمند و کارشناسی طرحی در انداز تا به والا-ترین مراحل علمی دست یابی. چرا که نه؟ حال که میهمان خداوند رحمانی، و خداوند به دعا دستورت داده و پیمان بسته که دعایت را برآورده سازد، پس چرا در دنیا نیز همچون آخرت به مراتب بالا چشم ندوزی؟ پس بهره خود را از دنیا فراموش نکن.

دوم - در حدیث از حضرت سجاد علیه السلام آمده است که فرمود: "حُجُّوا وَاغْتَمِرُوا تَصِحُّ أْبْدَانُكُمْ" ("۲...") به حج و عمره بروید تا سلامتی یابید ...

و تو امروز در حجی، پس شایسته است برای سلامتی و حفظ نیروی خود برنامه‌ای داشته باشی، و اگر مرضی داری در کنترل و عدم انتشار آن در پیکر خود کوتاهی مکن. بدینسان آهنگ آن کن که بیماریهایت را بهبودبخشی و تندرستی خود را پاس داری، و از

خدای سبحان بخواه تا واپسین دم حیات سلامت بدارد و از او بخواه عمری طولانی همراه با سلامت دین و جسم، روزیت سازد. سوم - شایسته است نسبت به توصیه‌های بهداشتی کارشناسان چه در کشور خود و چه در سرزمین مقدس جدّاً متعهد باشی، و بدان که مخالفت با پاره‌ای از این توصیه‌ها گاهی به زبانی بزرگ منجر می‌شود که خود شرعاً حرام می‌باشد. بدین ترتیب اگر اهل منطقه‌ای هستی که دارای آب و هوای معتدل یا سرد است از خورشید زدگی یا خشک شدن آب بدن بپرهیزی، چه ممکن است امروز یا فردا به سلامتی تو زیان رساند. یک حاجی باید همیشه آدرس محل اقامت خود را در شهر یا مشاعر همراه خود داشته باشد، و حتی الامکان از اینکه تنها بیرون رود بپرهیزد، چرا که شاید نیازمند همراهت گردی. با خود برای موارد فوق‌العاده قدری پول همراه داشته باش، و اگر راه را گم کردی بیهوده این سو و آن سو نرو و از نزدیکترین فرد بدون فوت وقت یاری بجوی. همین شیوه را در پیش بگیر اگر احساس سرگیجه یا حالت غیر طبیعی یافتی، و اگر کسی از تو یاری خواست و تو بتوانی او را یاری‌رسانی تردید به خود راه نده. به طوری کلی، رهنمودهای مسؤول کاروان یا کارشناسان امور حجّ در سرزمینهای مقدس، بویژه توصیه‌های مربوط به بهداشت، اموری حیاتی هستند که نباید نسبت به آنها سستی ورزید.

روحانیون

روحانیون

نیاز به علمای دینی همچون نیاز به خود دین است که اهمیت آن در حجّ فزونی می‌یابد و مردم باید از آموزشهای آنها پیروی کنند، و در غیر اینصورت بیم آن می‌رود که حجّشان باطل گردد، یا به آنها کفاره تعلق گیرد، و علما نیز باید اهتمام بیشتری به مردم داشته باشند و آنچه در پی می‌آید پاره‌ای سفارشهاست که ما آنها را از تجربیات شخصی خود اندوخته‌ایم، یا از توصیه‌های علما که خداوند رفتگانشان را بیامرزد و ماندگانشان را پایدار دارد، برگرفته‌ایم که شرح آن چنین است:

- ۱ - آموختن دقیق احکام حجّ پیش از به عهده گرفتن امور مربوط به حاجیان، زیرا در احکام حجّ پاره‌ای نکات متشابه و دقیق وجود دارد که روحانی باید در آنها تدبّر فراوان کند و پیوسته از نظر بگذراند.
- ۲ - این که عالم و روحانی وقف امور حاجیان گردد و به تعلیم آنها اهتمام ورزد، و به علاوه بر احکام حجّ، به سایر ابواب فقه بویژه آنچه مربوط به کسب و محرمات آن و بطور کلی محرمات شرعی که حدود خدا در زندگی هستند، پردازد.

شایسته است یک روحانی برنامه‌ای را برای درسهای روزانه در فروع گوناگون شریعت اعمّ از عقاید یا اخلاق یا احکام، در سه ساعت جدا از هم برنامه ریزی کند، و اگر چه برخی از حاجیان از آن بی‌نیاز هستند ولی بیشتر آنها به این برنامه احتیاج دارند. پس ما نباید اهمیت این گونه درسهای روزانه را از یاد بریم.

- ۳ - همیاری با مسؤولان حجّ در اداره حاجیان تا مناسک حجّ را به گونه‌ای نیکوتر انجام دهند.
- ۴ - عالم و روحانی همچون یک پزشک است، و همان گونه که یک پزشک نباید علم خود را به هنگام نیاز بیماران از ایشان دریغ دارد، و باید خود را به آنها معرفی کند، و درمان آنها را به عهده گیرد، یک عالم و روحانی نیز نباید هویت خود را پنهان دارد، و مردم را در حالی رها کند که بیشترین نیاز را به او دارند. بلکه شایسته است که بیان احکام شریعت را پیرامون حجّ بر عهده گیرد، آن هم نه تنها برای همکاران و دوستان که برای همه مردم. یک عالم هرگاه از محل اقامت خود بیرون می‌آید باید لباس روحانی خود را بر تن داشته باشد تا مردم او را بشناسند و احکام دینشان را از او پرسند و در حل مشکلات پیش آمده بدو رجوع کنند، چه بویژه در سفر دشوار حجّ کسی همچون عالم و روحانی وجود ندارد که مردم بدو اعتماد ورزند.

بخش اول

در آستانه حج

۱ - حج در قرآن کریم

اشاره

بخش اول

در آستانه حج

۱ - حج در قرآن کریم

سارا، همسر با وفای ابراهیم الخلیل علیه السلام بود، ولی برای او فرزندی به‌ارمغان نیاورده بود. او کنیزی داشت بنام هاجر، پس کنیز را به ابراهیم هدیه کرد به امید آن که خداوند از او فرزندی بدو دهد، و این چنین هاجر اسماعیل را بزاد، ولی سارا چیزی یافت که زنان می‌یابند، و خداوند به ابراهیم فرمان داد هاجر و پسرش را در مکه در کنار خانه‌اش جای دهد. حضرت ابراهیم نیز فرمان خدای را گردن نهاد و عرض کرد: (رَبَّنَا إِنِّي أَسِيَّكُنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (۳)).

"پروردگارا، من برخی فرزندانم را در سرزمینی بی‌آب و علف، در جوار بیت الحرام تو، سیکنا داده‌ام، تا -پروردگارا- نماز را برپا دارند، پس دل‌های مردمی را متوجه آنها ساز، و از ثمرات روزیشان ببخشی، باشد که سپاس بگزارند".

بدین ترتیب هدف از ساختن این خانه در آن روزگار برپا کردن نماز بود. پس کعبه، قبله گردان نماز گشت.

خداوند دعای حضرت ابراهیم را استجابت کرد و بیت‌الله الحرام را کعبه‌دل‌هایی قرار داد که به سوی او می‌آیند و هرگونه میوه‌ای را در آن‌جا، گردمی‌آورند، چنان که بیت‌الله الحرام را بازگشتگاهی برای مردم قرار داد، که هرگاه مکه را زیارت می‌کنند، بدان دوباره روی می‌آورند، چه، عطر توحید و روح و روحیه ایمان از آن برمی‌خیزد و نخستین خانه‌ای است که برای مردم برپا شده است. خداوند می‌فرماید: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًىً لِلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۴)).

"نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شده، همان است که در مکه است که پربرکت، و مایه هدایت جهانیان است. در آنجاست آیات روشن و مقام ابراهیم، و هر که بدان داخل شود ایمن است. و برای خدا، حج آن خانه بر کسانی که قدرت رفتن به آن را داشته باشند واجب است، و هر که راه کفر پیش گیرد) بدانند که (خدا از جهانیان بی‌نیاز است".

از این سخنان این بینشها را می‌یابیم:

۱ - این که بیت‌الله الحرام نخستین خانه‌ای است برای بندگان خدا، که در آن پرستشی کنند بدون آن که چیزی غیر از تقدیس خدا اعم از قومیت‌گرایی یا نژادپرستی یا برتری رنگ یا هر آلودگی دیگر بشری، آن را بیالاید.

۲ - این خانه از آن همه مردم است؛ همه جهانیان از سیاه گرفته تا سفید و از عجمی تا عربی، از مجاور نزدیک گرفته تا زائر دور. این خانه همه مردمان است به یک سان.

۳ - آن خانه خداست در مکه که همه ملت‌ها و قبیله‌ها در آنجا با یکدیگر دیدار می‌کنند.

۴ - در این خانه برکت است برای همه مردمان؛ جایی که مردم در آن گردمی‌آیند تا شاهد منافع خویش باشند، و به تقوا و پاکی نایل آیند.

۵- در این خانه هدایت است برای مردم، خانه‌ای که زائران آن، به دین حقیقی خدا در آن ژرف‌اندیشی می‌کنند، و علم و ایمان می‌اندوزند. آیا در این خانه بینات دلایل روشنی از آثار ابراهیم و دیگر انبیاء و از صحت وعده‌الهی در یاری رساندن به بندگانش و پیروز کردن دینش بر همه ادیان دیده‌نمی‌شود؟ این مقام ابراهیم‌علیه السلام است که مردم آن را تا امروز محرابی می‌دانند برای نماز و دعایشان، که بزرگداشتی است از خدا برای بنده باوفایش حضرت ابراهیم الخلیل علیه السلام.

۶- از نشانه‌های خداوند سبحان این است که هر که به مکه در آید در امن خواهد بود زیرا خداوند این خانه را حرم امن قرار داده است، و این که هراسانی با هر نژاد و رنگی در کنار خانه خدا احساس آرامش می‌کند، اگرچه دنیا به ستیز با او برخاسته باشد. این احساس از نشانه‌های خداوند سبحان و از عوامل دوستی و انس مردم نسبت به این خانه است.

۷- خداوند از همه مردم خواسته است تا آهنگ خانه او کنند، و این شریعتی گشته است الهی که هم چون دینی بر ذمه همه مردم لازم‌الاجراست، (حج همان رویکرد به محل مقدس است) ولی خداوند این تکلیف را بر آن‌ها سبک ساخته است، زیرا توانایی را در وجوب حج شرط ندانسته و فرموده است: (مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا).

۸- توانایی، شرطی است مفهوم در میان مردم که مصادیق آن متناسب با هر زمان و مکان و شخص تغییر می‌کند. پس هنگامی که انسان قدرت رفتن به بیت الله الحرام را دریافت، و از صحت جسمی و امتیّت راه و زاد و توشه رفتن و برگشتن به سوی خانواده‌اش اطمینان حاصل کرد و دیگر پس از حج برای زندگی خود به احدی نیاز نیافت، می‌توان گفت حج بر او واجب گشته است، چه، راهی به سوی بیت الله الحرام یافته است.

حرم امن خدا

حرم امن خدا

خداوند مسجدالحرام را خانه‌ای همگانی برای تمامی مردم قرار داده است، و اهالی و زائران را در آن جا یکسان دانسته است، و به کسانی که مردم را از این خانه باز می‌دارند و یا در آن ستم روا می‌دارند با عذابی دردناک هشدار داده است. و این چنین خداوند آن‌جا را جایگاه و محل امنی قرار داده است برای مردم. خداوند می‌فرماید:

(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصِيدُونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدِقُهُ مِنْ عَذَابِ آلِيمٍ (۵)).

"آنهایی را که کافر شدند و مردم را از راه خدا و مسجدالحرام - که برای مردم چه‌مقیم و چه غریب یکسانش قرار داده‌ایم - باز می‌دارند، و نیز هر که در آن جا قصد کجروی یا ستمکاری داشته باشد، عذاب دردآور می‌چشانیم."

از این آیه کریمه بر حقایق زیر ره می‌یابیم:

۱- کسی که مردم را از رفتن به مسجدالحرام باز می‌دارد، و مانع از آن می‌شود که مردم بدان جا روند، به منزله کافر است.

۲- این که مسجدالحرام از آن هیچ کس نیست و برای مجاور یا زائری که از راه دور آمده یکسان است، زیرا که خانه، خانه خداست و از آن جهانیان.

۳- کسانی که در آن جا به مردم ستم روا دارند، خداوند به عذابی دردناک گرفتارشان می‌کند، و بدین ترتیب بشریت حرمت این خانه را درمی‌یابد، و حتی جباران و خود کامگان در می‌یابند که اعتراض به این خانه، یا بازداشتن مردم از رسیدن بدان موجب تعجیل عذاب برایشان خواهد شد، چنان که خداوند با اصحاب فیل چنین کرد و بر ایشان طیر ابابیل فرودستاد که آنها را همچون گاه خورده شده قرار داد.

۴- خداوند همه چیز از پرندگان و وحوش گرفته تا گیاهان را در اطراف این خانه امن قرار داده است. خداوند می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَتَوَّعُونَ فُضُلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَادُواكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۶)).

"ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حرمت شعائر الهی، و ماههای حرام، و قربانیهای بی نشان و نشان دار، و زائران بیت الحرام را که از پروردگارشان جویای گشایش معاش و خشنودی او هستند، نگه دارید، و چون از حال احرام بیرون آمدید می‌توانید به شکار بپردازید، و خصومت با مردمی که شما را از مسجد الحرام بازداشتند، بر آنان ندارد که تجاوز کاری کنید، و در نیکی و پارسایی همکاری کنید، نه در گناه و ستم کاری، و از خدا پروا کنید که خداوند سخت کیفر است."

پس هر که آهنگ خانه خدا کند، بس گرامی باشد که او نیز باید به سهم خود به مردم احترام گذارد، و از هنگامی که احرام بر تن می‌کند، و بر سرزمین حجاز گام می‌نهد، آنجا که بیت الله الحرام است، دیگر از این زمین شکار نکند. از آنجا که برخی از مردم با خود چهارپایانی را برای هدی "قربانی" می‌آورند، لذا هیچ کس حق ندارد متعرض این شعائر گردد.

۵ - خداوند بر مسلمانان حرام کرده که حتی بر کسانی متعرض شوند که ایشان را قبلاً از رسیدن به مسجد الحرام باز داشته‌اند. این جا منطقه امن الهی است که شایسته نیست مردم آن را عرصه تصفیه حسابها و میدان ستیزه‌گری قرار دهند، بلکه این نقطه محل همیاری در نیکوکاری و تقواست.

خانه پاک و تسلیم

خانه پاک و تسلیم

۱ - بیت الحرام میراث ابراهیم نبی است که خداوند او را پیشوای مردم قرار داد، و خانه‌ای را که او بنا کرد جایگاهی قرار داد امن برای مردم، و هنگامی خداوند او را گرامی داشت که به مسلمانان دستور داد، مقامش نماز بگزارند، و قبلاً به ابراهیم و اسماعیل فرمان داده بود تا خانه خدا را از هر گونه پلشتی بیالیند تا آماده طواف و اعتکاف و نماز گردد. خداوند می‌فرماید:

(وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۷)).

"و کعبه را جایگاه بازگشت و مکان امن مردم ساختیم، مقام ابراهیم را نمازگاه خویش گیرید. ما ابراهیم و اسماعیل را فرمان دادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و راکعان و ساجدان پاکیزه دارید."

۲ - پس خداوند دعای ابراهیم الخلیل را در مکه استجاب کرد و آن را جایی امن قرار داد و ثمراتی را نصیب اهالی آن ساخت ولی این هرگز بدان معنا نیست که مردم مکه نیز مقدس هستند و از ضلالت و کفر بدور. خداوند می‌فرماید:

(وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۸)).

"و ابراهیم گفت: ای پروردگار من! این شهر را جای امنی گردان و از مردمش، آنان را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، از هر ثمره روزی ساز. گفت: هر کس که کافر شد او را اندک برخورداری دهم، سپس به عذاب آتش دچارش گردانم که بدسرانجامی است."

۳ - ابراهیم از خدا خواست تا آیین حج را به او بنماید (پس مناسک حج بنا به خواست ابراهیم و هدایت الهی صورت پذیرفته است) و چکیده آن دعای پذیرش و ره یافتن به سوی اسلام است. خداوند می‌فرماید:

(وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً

لَكَ وَأَرَنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۹)).

"و ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه را بالا بردند. گفتند: ای پروردگار ما! از ما بپذیر که تو شنوا و دانا هستی. ای پروردگار ما، ما را تسلیم فرمان خود قرار ده، و ازدودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشند، و مناسکمان را به ما بیاموز و توبه ما بپذیر که تو توبه‌پذیرنده و مهربان هستی."

از این آیات به دست می‌آید که بهترین دعا در خانه خدا بعد از توبه، این دعاست که خداوند ما را از مسلمانانی حقیقی قرار دهد که در برابر خدای جهانیان تسلیم هستند، و این که خداوند حقایق اسلام را تا ابد در نسل ما؛ لَلهُ أَپَایِنده بدارد.

۴- قرآن روشن می‌کند که این خانه تنها برای پرستش خدا بنیان نهاده شده است، و روا نیست برای او شریکی بگیریم و این که این خانه باید از پلیدی شرک و پلشتی دیگر پاک گردد. خداوند می‌فرماید:

(وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۱۰)).

"و مکان خانه را برای ابراهیم آشکار کردیم و گفتیم: هیچ چیز را شریک من مسازو خانه مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و راکعان و ساجدان پاکیزه بدار."

شاید در این جا یکی از معانی شرک آن است که کسی این خانه را وسیله‌ای قرار دهد برای شالوده ریزی شخصیت یا اندیشه‌های خاص خویش. هرگز چنین نیست، آن خانه خداست که برای همه مردم نهاده شده است تا با طواف و نماز خدایشان را پرستش کنند. از این آیه نیز به دست می‌آید که خدمت حاجیان با پاک کردن خانه خدا یا آب رساندن به ایشان و فراهم کردن موجبات راحتی آنان از مسؤولیتهای عهده‌داران این خانه است، که کاری درخور و پسندیده به شمار می‌آید.

۵- از سیاق آیه به دست می‌آید که کارپرداز و سرپرست این خانه یا هر پرستشگاه دیگری باید شخصی الهی یا پیامبر یا جانشین پیامبر یا یکی از اولیای بزرگوار خدا باشد، و این چنین است که خداوند به ابراهیم نبی دستور می‌دهد دعوت حج را آشکار سازد. خداوند می‌فرماید:

(وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (۱۱)).

"و مردم را به حج فراخوان تا پیاده یا سوار بر شتران تکیده از راههای دور نزد تو بیایند."

همچنین از آیه مبارکه به دست می‌آید که گاهی رفتن به حج دشوار است، ولی مردم نباید برای دشواری، آن را ترک کنند. از آن جا که خداوند سبحان همه مردم را آگاه گردانیده و اعلام ابراهیم به حج را بدیشان ابلاغ کرده و بیت‌الله الحرام را فرودگاه دل‌های ایشان قرار داده لذا همه جانها شیفته زیارت این سرزمین الهی است، تا جایی که مردم را می‌بینی پیاده در هر دره عمیقی یا بر هر شتری که از دشواری راه تکیده شده، در راه رسیدن به این سرزمین هستند.

۶- و برای تشویق مردم به حج، آیات قرآن کریم بخشی از منافع دنیوی و اخروی حج را بیان کرده می‌فرماید:

(لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذُكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (۱۲)).

"تا سودهایی را که از آن آنهاست ببینند و نام خدا را در روزهایی معین به هنگام ذبح چارپایانی که خدا رزق آنها ساخته یاد کنند. پس از آنها بخورید و بینوایان فقیر را نیز اطعام کنید."

بدین سان، نخستین هدف حیاتی از حج آن است که مردم منافع خویش را لمس کنند، چه، یکدیگر را می‌شناسند و همیاری می‌کنند و تجربیات هم را با یکدیگر مبادله می‌کنند و به بازرگانی می‌پردازند و در منافع کشورشان و اتحاد علیه دشمنان به رایزنی باهم می‌پردازند. برپایی این آیین با قربانی کردن، صورت می‌پذیرد، و با ذکر نام خدا در روزهای عید و سپاس از پروردگار از برای روزی کردن چهارپایان برای مسلمانان که از آن می‌خورند و به بیچارگان و کم‌توشگان می‌خورانند. این درسی است برای آنها در بهره‌گرفتن از نعمتهای الهی که شاید اشارتی داشته باشد به اعمال منی در روز عید و قربانی کردن و زدودن چرکها.

قربانی کردن برای خدا سنتی است دیرینه که از شعائر شناخته شده است ولی خداوند دستور داده که باید این کار از خرافه‌های بت پرستی بدور باشد و هنگام قربانی کردن جز نام خدای آورده نشود.

۷- تقدیم کردن قربانی اشاره‌ای است به آمادگی انسان برای قربانی کردن خود و گرامی‌ترین چیزی که خداوند بدو داده است. در داستان ابراهیم علیه السلام که در خواب دید فرزندش را سر می‌برد، و دانست که باید پسرش را قربانی کند، و هر دو در برابر فرمان الهی سر تسلیم فرود آوردند و ابراهیم، اسماعیل را به چهره برانداخت، ولی خداوند او را به ذبحی عظیم ارمغان کرد، در این داستان چکیده‌ای از حکمت قربانی را در روز عید شاهد هستیم. خداوند می‌فرماید:

(فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ * فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ * وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ * قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ * وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ * وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ * سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ (۱۳)).

"هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: پسر! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ گفت: پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت. و چون هر دو تسلیم شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد. او را ندا دادیم که: ای ابراهیم! آن رؤیا را تحقق بخشیدی، ما این گونه، نیکوکاران را جزا می‌دهیم. این مسلماً همان امتحان آشکار است. ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم. و نام نیک او را در اتمتهای بعد باقی نهادیم. سلام برابر ابراهیم."

و سپس می‌گوید:

(ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ).

"سپس چرک از خود دور کنند و نذرهای خویش را ادا کنند و بر آن خانه کهنسال طواف کنند."

از اعمال روز عید است حلق و تقصیر و زدودن چرکهای ظاهری به عنوان سنبلی برای از میان بردن گناهان با اعمال حج که از آن جمله است وفا کردن به نذرها و دادن کفاره، و آنگاه زمانی که اعمال منی به پایان رسید، به سوی بیت‌الله می‌روند تا به طواف حج پردازند.

۸- خداوند به سنت قربانی کردن در میان ملت‌ها و به هدف از آن اشاره دارد و می‌فرماید:

(وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيُذَكَّرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ (۱۴)).

"برای هر امتی رسم قربانی کردنی نهادیم، تا بدان سبب که خدا از چهارپایان روزیشان داده است نام او را بر زبان رانند. پس خدای شما خدایی یکتاست، در برابر او تسلیم شوید و تواضع کنندگان را بشارت ده."

بدین ترتیب هدف از این آیین (تقدیم کردن قربانی) بیان این مطلب است که نعمتها از سوی خدا هستند و هدف والا از این کار تسلیم در برابر خدا و فرمانبری محض از شریعت اوست.

هنگامی که شتران برای سر بُریدن به صف ایستاده‌اند ما به یاد نعمت‌خدایی می‌افتیم که چگونه آنها را که پیکرشان بزرگتر از ماست در اختیار مقرر داده، و در پی آن سوال رخ می‌نماید که چرا خداوند چهارپایان رامسخر ما گردانیده است؟ شاید پاسخ آن این باشد که ما خداوند را سپاس بگذاریم و دیگران را از رزق خدا اطعام کنیم و تنها خدا را بی‌هیچ انبازی یادآوریم. خداوند می‌فرماید:

(وَالْيَذِّنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۵)).

"شتران قربانی را برای شما از شعایر خدا قرار دادیم. شما را در آن خیری است و همچنان که بر پای ایستاده‌اند نام خدا را بر آنها بخوانید و چون پهلویشان بر زمین رسید از آنها بخورید و فقیران قانع و گدایان را اطعام کنید. اینها را برای شما رام کردیم. باشد که

سیاسگزاری کنید."

حدود الهی در حج:

حدود الهی در حج:

۱ - خداوند حدود حج را روشن کرده و مهمترین آنها به پایان بردن حج برای خداست. حج شریعتی الهی است و ما باید برای خشنودی خدا آهنگ آن کنیم، و در انجام آن باید از ریا یا شهرت‌طلبی با هدف تکبر در زمین و تباهی کردن در آن دوری ورزیم. بدین ترتیب در می‌یابیم که همه اعمال حج باید از ابتدا از هنگام احرام که پیمانی قلبی است تا رمی جمرات با قصد قربت همراه باشد.

ما باید حج را تمام کنیم، پس کسی که به حج درمی‌آید روا نیست آن را ترک گوید یا باطلش کند. خداوند می‌فرماید:

(وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ (۱۶)).

"و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید."

نباید حج را ترک گفت مگر هنگام اضطرار مانند حصر به سبب بیماری، که در این هنگام می‌توان قربانی را به جایی فرستاد که ذبح می‌شود و نباید حلق کرد و از احرام خارج شد مگر پس از آن که قربانی به محلش رسیده باشد، مگر در عمره و منی در حج. خداوند می‌فرماید:

(فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ (۱۷)).

"و اگر (به سبب بیماری از حج) بازداشته شدید، آن قدر که میسر است قربانی کنید و سر متراشید تا قربانی شما به قربانگاهش برسد."

اما کسی که بیمار باشد و نتواند بر احرام صبر کند، یا در اثر ناراحتی احساس کند که بناچار باید به حلق، تن در دهد می‌بایست پس از حلق فدیة (کفاره) حلق دهد. خداوند می‌فرماید:

(فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفَدِيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ (۱۸)).

"اگر یکی از شما بیمار یا در سرش آزاری بود به عنوان فدیة روزه بدارد یا صدقه دهد یا قربانی کند."

۲ - حج انواعی دارد: حج تمتع، حج افراد و حج قرآن، ویژگی حج تمتع قربانی کردن می‌باشد که فرض است بر کسی که وطنش نزدیک مکه نباشد. خداوند می‌فرماید:

(فَإِذَا أَمِنتُمْ فَمَنْ تَمَنَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَّةً يَوْمَ تَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۱۹)).

"هر که از عمره تمتع به حج باز آید آن قدر که او را میسر است قربانی کند، و هر که را قربانی میسر نشد سه روز در حج روزه بدارد و هفت روز چون از حج بازگردد تا ده روز کامل شود، و این حکم برای کسی است که از مردم مکه نباشد. از خدا بترسید و بدانید که خدا بسختی عقوبت می‌کند."

بدین ترتیب حج تمتع فریضه کسانی است که از راه دور به خانه خدای آیند، و امتیاز حج تمتع این است که حاجیان در فاصله میان احرام عمره و احرام حج، از آنچه در حال احرام بر آنان حرام است، بهره می‌جویند.

قربانی کردن بر شخص تمتع واجب است و کسی که توانایی آن رانداشته باشد باید سه روز در مکه، و هنگام بازگشت هفت روز روزه بگیرد تا به جای قربانی ده روز روزه اش کامل گردد. اما کسی که خانواده اش اهل مسجد الحرام باشد، و اطراف آن (به شعاع چهل و هشت مایل به گونه‌ای که مکه مرکز آن باشد و بدان آمد و شد کند) از قربانی معاف است. و هنگامی که خداوند می‌فرماید:

(فَمَّا اسْتَيْسَرَ رَمَزَ الْهَدْيِ) درمی‌یابیم که بهترین قربانی شتر است، و میانه آن سر بریدن گاو و حداقل آن قربانی کردن یک گوسفند است. و می‌توان بیش از یک قربانی تقدیم کرد چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای خود و حضرت علی علیه السلام صد شتر قربانی کرد.

مورد: اول

احرام:

اشاره

احرام:

۱ - احرام حج باید در ماههای مشخص (شوال، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه) باشد، نیت در آن شرط است و آن چنین است که آدمی بر خود فرض کند ترک آنچه را که باید شخص مُحْرَم آن را ترک گوید، و این خود پاسخی است به دعوت خدا در حج، زیرا که خداوند به ابراهیم نبی می‌فرماید: (وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ) و بدین سان شخص محرم هنگام بستن احرام خدا را لبیک می‌گوید: "لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ". گفتن این جمله نیز از شرایط احرام است. خداوند می‌فرماید:

(الْحَجُّ أَشْهَرُ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ... (۲۰)).

"حج در ماههای معینی است، هر که در آن ماهها این فریضه را ادا کند..."

۲ - شخص مُحْرَم باید چهار چیز اساسی را ترک گوید:

الف - جماع [الرَّفَث].

الف - جماع [الرَّفَث].

و آن عبارت است از همبستر شدن با زنان. شرع مقدمات این کار را نیز حرام دانسته که عبارتند از عقد، شهادت دادن بر عقد، نگاه کردن به زنان از روی شهوت، لمس زنان و آنچه نظیر جماع باشد همچون استمناء، منظور دوری جستن از شهوت جنسی در همه ابعاد آن است.

ب - گناه [الْفُسُوق].

ب - گناه [الْفُسُوق].

میهمانان خدا در لحظاتی روحانی به سر می‌برند به دور از وابستگی به قومیت و زمین، پس فخر فروشی و برتری جویی به هر وسیله‌ای بر ایشان حرام است:

۱ - خداوند افاضه را از غیر موقف حرام کرده و بر مسلمانان واجب دانسته که خدا را همچون پدرانشان یا بیش از ایشان یاد کنند (که بعداً از آن سخن خواهیم گفت).

۲ - خداوند آرایش را با همه اقسام آن حرام دانسته خواه پوشیدن لباس، یا سرپوش برای مردان، یا آنچه چهره و دو کف زنان را

پوشاند، یا پای راهمچون کفش در خود جای دهد، یا اصلاح سر و کوتاه کردن ناخنها و بکاربردن عطر و کرمهای معطر و سرمه کشیدن به قصد زینت، یا انگشتر زینتی برانگشت کردن یا استفاده از عینکهای زینتی یا بستن ساعت به قصد زینت و نظایر آن، و یا حتی نظر کردن بر خویش در آینه یا زیر سایه بودن به هنگام راه رفتن.

ج - جدال

ج - جدال

شرع مقدس آن را با قسم خوردن مشخص کرده به این که شخص بگوید: "لا والله" یا "بلی والله" که در مقام رد یا اثبات سخن دیگران بر زبان بیاید. خداوند درباره اموری که در احرام باید از آنها چشم پوشید می فرماید:

(فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ (۲۱)).

"و هر کس (با بستن احرام، و شروع به مناسک حج) حج را بر خود فرض کرده است (باید بداند که) در حج آمیزش جنسی با زنان و گناه و جدال نیست ..."

د - شکار

د - شکار

خداوند، پرتاب تیر یا هر سلاح دیگر به سوی شکار، و ذبح و راهنمایی کردن و شرکت در شکار یا حفظ صید و یا حتی خوردن گوشت آن را حرام کرده می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُنْتَلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (۲۲)).

"ای کسانی که ایمان آورده‌اید به پیمانها وفا کنید. حیوانات چهارپا مگر آنهایی که از این پس برایتان گفته می شود بر شما حلال شده‌اند و آنچه را که در حال احرام صید می کنید حلال نه شمارید. خدا به هر چه می خواهد حکم می کند."

حکمت این محرمات آن است که به مردم می آموزد جلوی شهوتهای خود را بگیرند، زیرا که شهوتهای سرکش بشری عبارتند از:

- ۱ - شهوت جنسی: که آدمی را به انجام بسیاری از محرمات فرامی خواند (محرماتی همچون نگرستن به زنان نامحرم، زنا، انحراف جنسی) که گاهی آدمی را به پاره‌ای جنایات و اقدامات واهی دارد.
- ۲ - شهوت برتری جویی: که آدمی را به تکبر و فخر و مسخره کردن دیگران و حسادت و دشمنی واهی دارد، و در نتیجه موجب می شود به بسیاری از محرمات شریعت دامن بیاید. همین گرایش موجب شد پدر ما آدم علیه السلام و همسرش از بهشت اخراج شوند و حال آن که خداوند بهشت را جایگاه کسانی قرار داده که از برتری جویی پرهیز کنند:

(تِلْكَ الدَّارُ الْأَخْرَىٰ نَجَعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۲۳)).

"این سرای آخرت را از آن کسانی ساخته‌ایم که در این جهان نه خواهان برتری جویی هستند و نه خواهان فساد و سرانجام نیک، از آن پرهیزکاران است."

در حج خدا به ما می آموزد چگونه از این گرایش شیطانی پرهیزیم.

۳ - شهوت جدال: خداوند درباره آن می فرماید:

(وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (۲۴)).

"ولی آدمی بیش از هر چیز به جدل برمی‌خیزد".

خداوند به ما دستور داده در حج از گفتن سخن بیهوده بپرهیزیم:

(فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (۲۵)).

"پس از بت‌های پلید و سخن باطل و دروغ اجتناب ورزید".

پذیرش حق و تسلیم در برابر آن برای آدمی دشوار است و از همین رومی‌بینیم که انسان در حق بیش از هر چیز دیگر به مجادله می‌پردازد.

۴ - شهوت تملک: که بارزترین مصادیق آن شکار است.

و بدین ترتیب خداوند حج را وسیله‌ای قرار داده برای کنترل شهوات و افزایش تقوا چه، آدمی را به ترک محرمات احرام فرمان می‌دهد.

مورد: اول | قبلی | بعدی

مناسک حج

مناسک حج :

۱ - حج در عرفه خلاصه می‌شود، و وقوف در عرفات، شامگاه نهم ذیحجه نخستین و مهم‌ترین آیین حج پس از احرام است.

۲ - سپس حاجیان از عرفات به سوی مشعر کوچ می‌کنند، و این (افاضه) کوچ کردن، دومین آیین حج است.

۳ - حاجیان سپس در مشعر گرد می‌آیند تا خدا را یاد کنند و او را در مهم‌ترین نعمت یعنی هدایت سپاس بگذارند.

خداوند می‌فرماید:

(لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفْضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ * ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۶)).

"اگر (به هنگام حج) طالب روزی خدا باشید مرتکب گناهی نشده‌اید، و چون از عرفات کوچ کردید خدا را در مشعر الحرام یاد کنید؛ از آن رو که شما را هدایت کرده درحالی که پیش از آن گمراه بوده‌اید، سپس از همان جا که مردم کوچ می‌کنند (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید، و از خدا آمرزش بخواهید که آمرزنده و مهربان است".

قریش برای فخر فروشی بر دیگران در عرفات وقوف نمی‌کردند (شاید همین از برجسته‌ترین مفاهیم فسوق است) در حالی که قرآن کریم از این کار باز می‌دارد و به آنها دستور می‌دهد از عرفات افاضه کنند نه از مشعر.

۴ - بدین ترتیب افاضه از عرفات به سوی منی با گذر از مشعر صورت می‌پذیرد و در این مسیر الهی حاجیان تکبیر و تهلیل می‌گویند، و در منی به بارگاه خدا قربانی می‌کنند. خداوند آیین قربانی را به تفصیل بیان کرده است و روشن ساخته که شخص متمتع باید آن قربانی را که در توان اوست تقدیم کند.

۵ - در اینجا حاجی خدا را به یاد می‌آورد، و در وادی منی به امت توحید می‌پیوندد، و بر آوردن نیازهایی را از خدا می‌خواهد که تنها به دنیا منحصر نیست بلکه آخرت را نیز در برمی‌گیرد. خداوند می‌فرماید:

(فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ * وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۲۷)).

"چون مناسکتان را به جای آوردید همچنان که پدران خویش را یاد می‌کردید - حتی بیشتر از آن - خدای را یاد کنید. برخی از مردم می‌گویند: ای پروردگار ما! ما را در دنیا چیزی بخش، اینان را در آخرت نصیبی نیست، و برخی از آنها می‌گویند: پروردگار ما!

در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش دور گردان".

۶ - سپس حاجی در ایام تشریق (یازدهم و دوازدهم) در منی خدایش رابه یاد می‌آورد، پس از آن که در مکه و در روز عید خانه خدا را طواف می‌کند.

کسانی هستند که تا روز سیزدهم در منی باقی می‌مانند، و ایشان همان کسانی هستند که در احرام خود از شکار و زن روی برناتفته. خداوند می‌فرماید:

(وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعِيدَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا - إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۸)).

"و خدا را در روزهای معینی یاد کنید، و هر کس شتاب کند، (و ذکر خدا را در دو روز انجام دهد)، گناهی بر او نیست؛ و هر که تأخیر کند (و سه روز انجام دهد) نیز گناهی بر او نیست؛ برای کسی که تقوی پیشه کند. از خدا بپرهیزید؛ و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد".

پس از بجا آوردن اعمال منی، گناهی بر حاجی نیست خواه در رفتن از منی در روز دوازدهم شتاب کند، یا تا روز سیزدهم باقی بماند ولی کسیکه از شکار و زن روی برناتفته در سیزدهم از منی می‌رود تا خداوند گناهان او را؛ ۳۳ آیات می‌فرماید:

۷ - از مناسک حج نیز طواف بیت عتیق است. خداوند می‌فرماید:

(ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۲۹)).

"سپس چرک از خود دور کنند و نذرهای خویش را ادا کنند و بر بیت‌العتیق طواف کنند".

خداوند خانه‌اش را از تملک دیگری آزاد ساخته است، پس این خانه هم چون خانه‌های دیگر در تملک مردم نیست. خانه‌ای است آزاد از پیوندهای شخصی و کسی که بدان طواف کند پرستش را برای خداوند سبحان خالص کرده است و از پلشتی بتها و پیوند به دنیا بیانی یافته است و از ثروتمندان و سلطه‌مداران و صاحبان نام کناره جسته است. خداوند سبحان پس از بیان طواف می‌فرماید:

(ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ * حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ (۳۰)).

"همچنین هر کس دست از حرام بردارد، در نزد پروردگارش برایش بهتر است، و چهارپایان بر شما حلالند مگر آنهایی که برایتان خوانده شده. پس از بتهای پلید و سخن باطل و دروغ اجتناب ورزید. روی آورندگان به خدا باشید و شرک نیاوردگان به او، و هر کس که به خدا شرک آورد چونان کسی است که از آسمان فروافتد و مرغ او را برباید یا بادش به مکانی دور اندازد".

بدین ترتیب با طواف پیرامون خانه خدا شعائر الهی را بزرگ داشته‌ایم تا از پلیدی شیطان و شهوات و طاغوت و باطل دوری کرده باشیم و از آلودگی شرک با همه گونه‌های آن (کار بر اساس ریا یا شهرت طلبی یا سرمستی) پاک گردیم. مشرک بهره شیطان است که به ژرف نای دوزخ سقوط می‌کند.

۸ - از مناسک است نماز پس از طواف نزد مقام ابراهیم علیه السلام، زیرا خداوند می‌فرماید:

(وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى (۳۱)).

"از مقام ابراهیم مصلی برگزینید".

۹ - از مناسک حج است سعی میان دو کوه صفا و مروه، که از شعائر الهی به شمار می‌آید اگرچه، جاهلیت این آیین را تحریف کرد و دو بت بر این دو کوه نهاد که خود موجب شد برخی از این آیین خودداری کنند، پس خداوند آن را نفی کرد و فرمود:

(إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ (۳۲)).

"صفا و مروه از شعائر خداست. پس کسانی که حج خانه را به جای می‌آورند یا عمره می‌گذارند اگر بر آن دو کوه طواف کنند"

مرتکب گناهی نشده‌اند. پس هر که کار نیکی را به رغبت انجام دهد، بداند که خدا شکر پذیرنده‌ای داناست."

این سعی گواه آن است که به بازی گرفته شدن پاره‌ای شعائر از سوی جاهلیت آن را لغو نمی‌کند، و شایسته نیست آیینی ترک گفته شود به بهانه این که کفار آن را از جایگاه و اهدافش دور ساخته‌اند.

۱۰ - یکی دیگر از بینشهای قرآن درباره حج، خدمت به مهمانان خداست اعم از آب دادن بدیشان و آباد کردن مسجد، ولی کافران و منافقان نباید این کار را ابزار طغیان خویش سازند، زیرا که ایمان به خدا و پیامبر و جهاد در راه خدا بالاتر از اینهاست. خداوند می‌فرماید:

(أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (۳۳)).

"آیا آب دادن به حاجیان و عمارت مسجد الحرام را با ایمان به خدا و روز قیامت و جهاد در راه خدا برابر می‌دانید؟ نه، نزد خدا برابر نیستند و خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند. آنان که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا به مال و جان خویش جهاد کردند، در نزد خدا در جتی عظیمتر دارند و کامیافتگانند."

بدین سان خداوند فضیلت خدمت به حاجیان را بیان می‌دارد ولی بر حذر می‌دارد که مبادا این کار بر ایمان حقیقی برتری داده شود.

۲ - آداب سفر

۲ - آداب سفر

احادیث شریفه آکنده است از تعالیم ارزشمند پیرامون سفر و بویژه سفر حج، و ما این تعلیمات را برای حاجیان می‌آوریم به امید آن که خداوند ایشان را توفیق دهد تا از این تعلیمات پرتو بگیرند، و از این سفر خدایی به بهترین شکلی باز گردند.

۱ - باید سفر با سلامتی همراه باشد و جهاد با غنیمت و حج با بی‌نیازی. در حدیث شریفی به نقل از امام جعفر الصادق علیه السلام، فرموده است: "سَافِرُوا تَصِحُّوا، وَجَاهِدُوا تَغْنَمُوا، وَحُجُّوا تَسْتَعْنُوا" (۳۴).

"سفر کنید تا سالم بمانید و جهاد کنید تا غنیمت بگیرید و حج کنید تا بی‌نیاز گردید."

۲ - پیش از سفر باید همراه بگزینی، چه، در حدیث شریف آمده است: "دوست و سپس راه." "اسلام چندین ویژگی برای همراهان سفر بر شمرده است:

الف - این که دوست همسنگ تو باشد. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

"إِذَا صَحِبْتَ فَاصْحَبْ نَحْوَكَ، وَلَا تَصْحَبْ مَنْ يَكْفِيكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ مَدَلَّةٌ لِلْمُؤْمِنِ" (۳۵).

"دوستی همسنگ خویش برگزین و نباید همراه کسی شوی که بر تو انفاق می‌کند، زیرا این موجب خواری مؤمن است."

ب - به مسافر فرمان داده شده است که دوستانش کمتر از هفت نفر باشند. از محمد بن علی بن حسین نقل شده که گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

"أَحَبُّ الصَّحَابَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعَةٌ، وَمَا زَادَ قَوْمٌ عَلَى سَبْعَةٍ إِلَّا كَثُرَ لَعْنُهُمْ" (۳۶).

"بهترین دوستان نزد خدا چهار تن هستند، و هیچ گروهی از هفت تن تجاوز نکردند مگر آن که غوغایشان فزونی یافت."

ج - و به او دستور داده شده است با دوستان به مهربانی رفتار کند، چون از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت شده که فرمود:

"مَا اضْطَحَبَ اثْنَانِ إِلَّا كَانَ أَكْبَرُهُمَا أَجْرًا وَأَحَبُّهُمَا إِلَى اللَّهِ أَزْفَقُهُمَا بِصَاحِبِهِ" (۳۷).

"دو کس دوستی نکردند مگر آن که با پاداش‌ترین و محبوبترین آن دو نزد خدا، مهربانترین آن دو است به دوستش."

۳ - به مسافر دستور داده شده است برای سفرش توشه بردارد که این کار از شرافت مرد به شمار آمده است. در حدیثی به نقل از

امام باقر آمده است که گفت:

"مِنْ شَرَفِ الرَّجُلِ أَنْ يُطَيَّبَ زَادَهُ إِذَا خَرَجَ فِي سَفَرٍ (۳۸).

"از شرف مرد است که هنگام سفر توشه نیکو برگیرد."

این کار جوانمردی به شمار آمده است. از امام رضا به نقل از پدرانش علیه السلام آمده است که گفته‌اند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

"سِتَّةٌ مِنَ الْمُرُوءَةِ، ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْحَضَرِ، وَثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي السَّفَرِ، فَأَمَّا الَّتِي فِي الْحَضَرِ: فِتْلَاوَةٌ كِتَابِ اللَّهِ، وَعِمَارَةٌ مَسَاجِدِ اللَّهِ، وَاتِّخَاذُ الْأَخْوَانِ فِي اللَّهِ، وَأَمَّا الَّتِي فِي السَّفَرِ: فَبَذْلُ الزَّادِ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ، وَالْمِرَاحُ فِي غَيْرِ الْمَعَاصِي (۳۹).

"شش امر از جوانمردی است. سه تا در حضر و سه تا در سفر. اما در حضر تلاوت قرآن و آباد کردن مساجد و برادر دینی گرفتن. و در سفر، توشه گرفتن و خوش اخلاقی، و شوخی در اموری که خدا عیبناشود."

"وَجَاءَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ أَنَّهُ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَافَرَ إِلَى مَكَّةَ لِلْحَجِّ أَوْ الْعُمْرَةِ تَزَوَّدَ مِنْ أَطْيَبِ الزَّادِ مِنَ اللَّوْزِ وَالسُّكَّرِ وَالسَّوِيقِ الْمُحَمَّضِ وَالْمُحَلِيِّ (۴۰).

"در حدیث دیگری آمده است که هنگامی که علی بن الحسین علیه السلام قصد سفر حج یا عمره می کرد بهترین توشه را از بادام و شکر و آشامیدنی ترش و شیرین برمی گرفت."

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

"فِي وَصِيَّتِهِ لِقَمَانَ لِإِنِّي: يَا بَنِيَّ، سَافِرٌ بِسَيْفِكَ وَخُفِّكَ وَعِمَامَتِكَ وَحَبَالِكَ حَبَائِكَ (وَسَفَائِكَ وَخِيُوطِكَ وَمِخْرَزِكَ، وَتَزَوَّدَ مَعَكَ مِنَ الْأَدْوِيَةِ مَا تَنْتَفِعُ بِهِ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ، وَكُنْ لِأَصْحَابِكَ مُوَافِقًا إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (۴۱).

"لقمان در سفارشهای خود به پسرش می گفت: پسر من! با شمشیر و کفش و عمامه و خیمه و مشک و نخ و سوزن به سفر برو، و داروهایی را با خود بگیر که تو و همراهانت را سود بخشد، و با دوستانت همراهی کن مگر در معصیت خداوند."

مستحب است فرد قدری خاک شفا با خود بردارد. از علی بن طاووس در "امان الاخطار" و "مصباح الزائر" به نقل از امام صادق آمده است که به ایشان عرض شد:

"تَزَبُّهُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، فَهَلْ هِيَ أَمَانٌ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ؟ فَقَالَ: نَعَمْ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ آمِنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ فَلْيَأْخُذْ الْمِسْبَحَةَ مِنْ تَرْبَتِهِ، وَيَدْعُو بِدَعَاءِ الْمَيْتِ عَلَى الْفَرَاشِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ يَقْبَلُهَا وَيَضَعُهَا عَلَى عَيْنَيْهِ وَيَقُولُ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التَّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ، وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا، وَبِحَقِّ جَدِّهِ، وَبِحَقِّ أَبِيهِ، وَبِحَقِّ أُمِّهِ، وَبِحَقِّ أَخِيهِ، وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ، اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ، ثُمَّ يَضَعُهَا فِي جَنِبِهِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ فِي الْغَدَاةِ فَلَا يَزَالُ فِي أَمَانِ اللَّهِ حَتَّى الْعِشَاءِ، وَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ فِي الْعِشَاءِ فَلَا يَزَالُ فِي أَمَانِ اللَّهِ حَتَّى الْغَدَاةِ (۴۲).

"آیا خاک قبر امام حسین علیه السلام بر هر دردی شفاست؟ و آیا این خاک در هر ترسی امان است؟ امام علیه السلام فرمود: آری

اگر هر یک از شما می خواهد که از ترس در امان باشد باید تسبیحی از تربت امام را بردارد و سه بار دعاء خواب را بخواند، و سپس بوسه بر آن زند و بر چشمش نهد و چنین گوید: "خداوند! تو را بحق این تربت و بحق صاحب آن و بحق جد او و بحق پدرش و بحق مادر و برادرش و بحق فرزندان پاکش آن را شفای بر هر دردی و امان بر هر ترسی و موجب حفظ از هر گونه بدی قرار ده،" و سپس آن را در جیب خود نهد که اگر این کار را در بامداد کند تا شامگاه در امان خدا خواهد بود و اگر در شامگاه کند تا پگاه در امان خدا خواهد بود."

۴- این که بر خدا توکل کند و سفرش را بر اساس وسوس شیطانی و بدبینی هایی که او در دل دامن می زند به تأخیر نیندازد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:

"الطَّيْرَةُ عَلَى مَا تَجْعَلُهَا، إِنَّ هَوْنَتَهَا تَهَوَّنَتْ، وَإِنْ شَدَّدْتُهَا تَشَدَّدَتْ، وَإِنْ لَمْ تَجْعَلْهَا شَيْئًا لَمْ تَكُنْ شَيْئًا" (۴۳).

"بدبینی در اختیار توست اگر آن را ناچیز انگاری ناچیز گردد و اگر بدان شدت بخشی شدید شود و اگر آن را نادیده بینداری از میان برود".

در حدیث دیگری از امام آمده است که گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرموده است: "کفارہ بدبینی توکل است" (۴۴).

۵ - برای مسافر مستحب است هر گاه به سفر می‌رود این آیه را بخواند زیرا حضرت صادق علیه السلام هر گاه پای در رکاب می‌نهاد می‌گفت: (سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ) و هفت بار می‌فرمود: "سُبْحَانَ اللَّهِ" و هفت بار هم می‌فرمود: "الْحَمْدُ لِلَّهِ" و هفت بار هم می‌گفت "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" (۴۵).

۶ - مستحب است کسان مسافر با این دعای منقول از امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با مسافر خود خداحافظی کنند که پیامبر هر گاه با مسافری وداع می‌کرد دست او را می‌گرفت و می‌فرمود:

"أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الصَّحَابَةَ، وَأَكْمَلَ لَكَ الْمَعُونَةَ، وَسَهَّلَ لَكَ الْحُرُوقَةَ، وَقَرَّبَ لَكَ الْبُعِيدَ، وَكَفَّاكَ الْمُهْمَ، وَحَفِظَ لَكَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ، وَوَجَّهَكَ لِكُلِّ خَيْرٍ، عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، اسْتَوْدِعِ اللَّهَ نَفْسَكَ، سِرَّ عَلَى بَرَكَهَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ" (۴۶).

"خداوند دوستان تو را نیکو گرداند، و یاریت را کامل کند، و راههای ناهموار را برایت هموار سازد، و دور را برایت نزدیک گرداند، و در امور مهم تو را بسنده باشد، و دین و امانت و پایان کارهایت را خود عهده‌دار گردد، و به خیر رهنمایت شود. پس تقوی در پیش گیر و خود را به خدا بسپار و در پر تو برکت خدا ره بسپار".

۷ - شخص مسافر شایسته است به هزینه خود توجه داشته باشد. در حدیث صفوان جمال آمده است:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: خانواده‌ام همراه من هستند و من قصد حج دارم و هزینه‌ام را به کمر بسته‌ام. حضرت فرمود: "نَعَمْ إِنَّ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: مِنْ قُوَّةِ الْمَسَافِرِ حِفْظُ نَفَقَتِهِ" (۴۷).

آری پدر من علیه السلام می‌فرمود: "از قوت مسافر است حفظ هزینه‌اش".

۸ - مسافرت باید به طور کلی با میانه روی همراه باشد ولی در حج و عمره مستحب چنین است که با گشاده دستی عمل گردد.

از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می‌فرمود:

"مَا مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ نَفَقَةِ قَصْدٍ، وَيُبْغِضُ الْأَسْرَافَ إِلَّا فِي حَجِّ أَوْ عُمْرَةٍ" (۴۸).

"هیچ هزینه‌ای نزد خدا از میانه روی محبوب‌تر نیست و خداوند زیاده روی را دشمن می‌دارد مگر در حج یا عمره".

۹ - هنگامی که وارد شهری شد مستحب است دعایی را بخواند که در وصیت پیامبر صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام آمده است که فرمود:

"يَا عَلِيُّ، إِذَا أَرَدْتَ مَدِينَةً أَوْ قَرْيَةً فَقُلْ حِينَ تَعَابُنَهَا: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا، اللَّهُمَّ حَبِّبْنَا إِلَى أَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِي أَهْلِهَا إِلَيْنَا" (۴۹).

"ای علی، هر گاه به شهر یا روستایی رفتی به هنگام مشاهده آن این دعا را بخوان: خداوند خیر آن را از تو می‌خواهم، و از شر آن به تو پناه می‌برم، خداوند ما را محبوب اهالی آن گردان، و صالحان آن را دوست ما کن".

۱۰ - مستحب است هم صحبتی با دوستانش را نیکو گرداند به ویژه در دوام که در روایات بدان تأکید شده است:

الف - انتظار کشیدن کسی که کاری برایش پیش آمده تا برآوردن نیازش.

از امام موسی بن جعفر روایت شده که فرمود:

"أَمِيرَانَ وَلَيْسَ بِأَمِيرِينَ: صَاحِبُ الْجَنَازَةِ لَيْسَ لِمَنْ يَتَّبِعُهَا أَنْ يَرْجِعَ حَتَّى يُؤَدَّنَ لَهُ، وَامْرَأَةٌ حَجَّتْ مَعَ قَوْمٍ فَأَعْتَلَتْ بِالْخَيْصِ فَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَرْجِعُوا وَيَدْعَوْهَا حَتَّى تَأْدَنَ لَهُمْ" (۵۰).

"دو نفر امیر هستند که در واقع امیر نمی‌باشند: صاحب جنازه که نباید تشییع کنندگان باز کردند مگر این که از او اجازه بگیرند، و زنی که با کسانش حج می‌گزارد و به حیض مبتلا می‌شود پس آنها حق ندارند باز گردند مگر آن که او بدیشان اجازه دهد".
ب - سخن نگفتن پیرامون اسرار سفر.

از حفص بن غیاث روایت شده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: "لَيْسَ مِنَ الْمَرْوَةِ أَنْ يُحَدِّثَ الرَّجُلُ بِمَا يَلْقَى فِي سَفَرِهِ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ" (۵۱).

"جوانمردی نیست، فرد از خیر و شری سخن گوید که در سفر بدان آگاهی یافته".

۱۱ - مستحب است برای بازگشت از سفر شتاب کند.

از امام سجاده علیه السلام نقل است که فرمود:

"السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ السَّفَرِ، فَإِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ سَفَرَهُ فَلْيَسْرِعِ الْعُودَ إِلَى أَهْلِهِ" (۵۲).

"سفر بخشی از دوزخ است، پس هرگاه کسی سفرش را به انجام رساند، به شتاب به سوی خانواده‌اش باز گردد".

۱۲ - مستحب است از همان راهی باز نگردد که رفته است بلکه چنانچه اگر دو راه وجود دارد راه دیگری برگزیند.

از ابوالحسن علیه السلام نقل است که فرمود:

"أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حِينَ عَمَدَا مِنْ مَنَى فِي طَرِيقِ ضَبِّ وَرَجَعَ مَا بَيْنَ الْمَازِمِينَ، وَكَانَ إِذَا سَلَكَ طَرِيقًا لَمْ يَرْجِعْ فِيهِ" (۵۳).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام رفتن به منی از راه ضب می‌رفت و از میان مازمین بازمی‌گشت، و هرگاه از راهی می‌رفت از راه دیگر باز می‌گشت".

۱۳ - مستحب است با هدیه‌ای به خانه باز گردد و لو قدر و قیمت آن ناچیز باشد.

در حدیثی از جعفر بن محمد علیه السلام آمده است که فرمود: "إِذَا سَافَرَ أَحَدُكُمْ فَقَدِمَ مِنْ سَفَرِهِ فُلْيَأْتِ أَهْلَهُ بِمَا تَيْسَّرَ وَلَوْ بِحَجْرٍ، فَإِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ إِذَا ضَاقَ أَتَى قَوْمَهُ، وَأَنَّهُ ضَاقَ ضَيْقَةً فَأَتَى قَوْمَهُ فَوَاقَقَ مِنْهُمْ أَرْمَةً، فَرَجَعَ كَمَا ذَهَبَ، فَلَمَّا قَرَّبَ مِنْ مَنْزِلِهِ نَزَلَ عَنْ حِمَارِهِ فَمَلَأَ خُرْجَهُ رَمْلًا إِرَادَةً أَنْ يُسَكِّنَ مِنْ رَوْحِ سَارَةِ" (۵۴).

"هرگاه کسی از شما به سفر رفت در بازگشت برای خانواده‌اش هدیه‌ای آورد که برای او مقدور است اگرچه تکه سنگی باشد. ابراهیم علیه السلام هنگامی که دلش برای کسانش تنگ می‌شد به سوی آنها می‌رفت و انبساط خاطر می‌یافت و در بازگشت هنگامی که به خانه‌اش نزدیک می‌شد از مرکبش فرود می‌آمد و خرچین مرکب را پُر از ریگ می‌کرد تا با این کار سارا را خوشحال سازد".

۱۴ - مستحب است مؤمنان به‌ویژه در سفر حج مسافران را یاری رسانند.

در روایتی به نقل از امام باقر علیه السلام آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

"مَنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا مُسَافِرًا فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثًا وَسَبْعِينَ كُرْبَةً، وَأَجَارَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنَ الْغَمِّ وَالْهَمِّ، وَنَفَسَ كَرْبَةَ الْعَظِيمِ يَوْمَ يَعْصُ النَّاسُ بِأَنْفُسِهِمْ" (۵۵).

"کسی که مؤمن مسافری را یاری رساند خداوند هفتاد و سه غم از او بگیرد، و در دنیا و آخرت از غم و حزن پناهش بخشد، و در روزی که مردمان پشیمان گردند، غمی سترگ از دوششان بردارد".

نیز مستحب است مؤمنان به خانواده حاجیان توجه داشته باشند، و آنان را زیارت کنند، و در صورت نیاز بدیشان خدمت کنند.

از ابوعبدالله علیه السلام روایت است که گفت: علی بن الحسین علیه السلام می‌فرماید:

"مَنْ خَلَّفَ حَاجًّا فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ كَانَ لَهُ كَأَجْرِهِ حَتَّى كَأَنَّهُ يَسْتَلِمُ الْأَحْجَارَ" (۵۶).

"کسی که عهده‌دار خانواده و اموال یک حاجی گردد، همچون حاجی اجر می‌برد، گویی که خود شخصاً به حج رفته است".

۱۵ - مستحب است به هنگام بازگشت حاجی به دیار خود به دیدار او روند.

در حدیثی از ابو عبدالله علیه السلام آمده است که فرمود:

"مَنْ لَقِيَ حَاجًّا فَصَافَحَهُ كَانَ كَمَنْ اسْتَلَمَ الْحَجْرَ" (۵۷).

"کسی که حاجی را دیدار کند و با او دست دهد مانند کسی است که حجر الاسود را به دست گرفته است."

شایسته است در دیدار حاجی شتاب شود.

از ابو عبدالله علیه السلام روایت است که فرمود: "كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: يَأْدُرُوا بِالسَّلَامِ عَلَى الْحَاجِّ وَالْمُعْتَمِرِ وَمُصَافَحَتِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُخَالِطَهُمُ الذُّنُوبُ" (۵۸).

"علی بن الحسین علیه السلام می فرمود: به حاجی و شخص عمره رفته زودتر سلام کنید و با او دست دهید قبل از این که با گناهان درآمیزد."

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله این را حقی از حقوق مسلمانان نسبت به یکدیگر دانسته، می فرماید:

"حَقُّ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا أَنْ يُعْلِمَ إِخْوَانَهُ، وَحَقُّ عَلَى إِخْوَانِهِ إِذَا قَدِمَ أَنْ يَأْتُوهُ" (۵۹).

"حق است بر مسلمان هنگامی که آهنگ سفر می کند برادرانش را آگاه سازد، و حق است بر برادرانش که هر گاه او از سفر آمد به دیدارش روند."

۱۶ - در وصیت فراگیری از لقمان حکیم نکاتی آمده که مسافر به ویژه حاجی را در این سفر الهی سود می رساند.

از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: "لقمان به فرزندش گفت: هر گاه با گروهی سفر کردی در هر امر خود و ایشان زیاد رایزنی کن، و لبخند فراوان بر چهره ظاهر ساز، و در توشه ات در میان آنها بخشنده باش، و هر گاه تو را خواندند بدیشان پاسخ گو، و هر گاه از تو کمک طلبیدند یاریشان رسان. سکوت فراوان به کار بند، و نماز بسیار بجای آور، و در مرکب و آب و توشه به همراهانت ایثار کن، و هر گاه تو را به گواهی بر حقی خواستند بدیشان گواهی ده، و هر گاه از تو مشورت جُستند اندیشه ات را کامل به کار انداز. قبل از درنگ و تفکر تصمیم مگیر، و در مشورت پاسخ مگو تا بعد گوناگون آن را نیک بدانی و در حالی بخواب، بخور و نماز بگزار که اندیشه و حکمت را در مشورت به کار می بندی. کسی که نصیحتش را برای آن که از او مشورت خواسته خالص نگرداند خداوند اندیشه اش را از او برستاند و امانت را از او برگیرد. هر گاه دوستان را دیدی که راه می روند تو نیز با آنها راه برو، و هر گاه ایشان را دیدی کار می کنند تو نیز با آنان به کار پرداز، و هر گاه صدقه دادند و قرض، تو نیز بده. سخن کسی را که از تو بزرگتر است بشنو، و هر گاه به تو فرمانی دادند یا از تو چیزی می خواستند در پاسخ ایشان "آری" گو و از گفتن "نه" پرهیز چه، نه، ناتوانی است و موجب نکوهش. هر گاه در راه سرگردان شدید فرود آید و هر گاه تردید کردید بایستید و تدبیری بیاندیشید. اگر یک نفر را تنها دیدید پیرامون راه از او بپرسید و از وی راهنمایی مجوید، زیرا یک نفر در بیابان مشکوک است، شاید که جاسوس دزدان باشد یا شیطانی که شما را به تحیر کشد. از دو شخص نیز پرهیزید، مگر اینکه نظرتان غیر از این باشد، چه عاقل هنگامی که به چشم چیزی را ببیند حق را از آن بازشناسد، و حاضر چیزی را می بیند که غایب نمی بیند.

پسرم هر گاه وقت نماز شد آن را برای چیزی به تأخیر مینداز، نماز بگزار و راحت شو که آن دینی است بر عهده تو. نماز را به جماعت برپا کن اگر چه بر نوک پیکانی. اگر خواستید فرود آید در سرزمینی فرود آید که رنگش نکوتر و خاکش نرمتر و گیاهش بیشتر باشد، و هر گاه فرود آمدی پیش از آن که بنشیند دو رکعت نماز بگزار، و برای قضای نقطه ای دور را برگزین، و به هنگام رفتن نیز دو رکعت نماز بگزار و زمینی را که بدان در آمدی وداع گو و به آن و اهالیش درود فرست زیرا هر سرزمینی را فرشتگانی است. اگر پیش از آن که خوراکی بخوری توانستی آن را با دادن صدقه بیغازی پس بیغاز. مادام که سواره هستی قرآن بخوان، و به هنگام کار تسیح گو، و به هنگام بیکاری دعا بخوان. از حرکت در اول شب پرهیز و در آخر شب ره پوی، و مباد که

در راه صدای خویش بلند کنی. (۶۰)"

۳ - چگونگی حج پیامبر صلی الله علیه و آله

۳ - چگونگی حج پیامبر صلی الله علیه و آله

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: "مناسک حج را از من یاد بگیرید." و در احادیث چگونگی حج پیامبر به طور مفصل آمده است، و مروایتی از آن را بیان می‌داریم، شاید که سودی سترگ برای حاجیان ارجمند داشته باشد.

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ده سال در مدینه بود و حج نگرارد و سپس این آیه نازل شد: (وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ). پس پیامبر به مؤذنان دستور داد بارساترین صدا اعلان کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله در این سال حج خواهد گزارد.

پس مردم مدینه و اطراف نشینان و بادیه‌نشینان بدان آگاهی یافتند، پس جمع شدند و پیامبر حج گزارد، و مردم پیرو پیامبر بودند، هرچه دستور می‌داد اجرا می‌کردند، و هر کاری انجام می‌داد، انجام می‌دادند.

پس پیامبر صلی الله علیه و آله چهار روز مانده به پایان ذی القعدة خارج شد، و چون به ذی الحلیفه رسید و خورشید زوال کرد (وقت ظهر شرعی) غسل نمود، سپس خارج شد تا به مسجد شجره رسید، و نماز ظهر را در آنجا گزارد، و احرام حج افراد بست و خارج شد تا به صحرا رسید، و مردم به صف ایستاده بودند پس پیامبر برای حج افراد تلبیه را بجا آورد، و شصت و شش یا شصت و چهار شتر برای قربانی با خود برد، تا در چهارمین روز ماه ذی‌الحجه به مکه رسید، و هفت بار خانه خدا را طواف کرد، و در پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز گزارد، و سپس بازگشت (به طرف کعبه) و سنگ حجر الاسود را لمس کرد. حضرت صلی الله علیه و آله در آغاز طواف نیز آن را با دست لمس کرده بودند.

سپس فرمود: صفا و مروه از شعائر الهی است، پس بیاغزید از آنجا که خدا آغازیده. مسلمانان گمان می‌کردند سعی بین صفا و مروه پدیده‌ای است ساخته مشرکان که خداوند این آیه را فر فرستاد: (إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا). حضرت سپس به صفا رفت و بر بالای آن صعود فرمود، و در برابر رکن یمانی قرار گرفت و خدا را ستود و ستایش کرد، و دعایی خواند که مقدار آن چنان بود که سوره بقره را بی وقفه بخواند، سپس به سوی مروه رفت و در آنجا همچون صفا بایستاد، سپس به سوی صفا بازگشت، سپس به سوی مروه رفت تا از سعی خود فارغ شد. سپس در حالی که حضرت در مروه بود جبرئیل بر او نازل شد و به او عرض کرد که مردم دستور دهد از احرام بیرون آیند مگر کسی که قربانی با خود آورده باشد. پس مردی گفت: از احرام بیرون آییم در حالیکه از مناسک فارغ نشده‌ایم؟ حضرت فرمود: آری.

هنگامی که پیامبر در مروه پس از فراغت از سعی بایستاد روی به مردم کرد و خدا را ستود و فرمود: این جبرئیل است (و با دستش اشاره به پشتش کرد) که به من دستور می‌دهد تا به شما دستور دهم هر که با خود قربانی نیاورده از احرام بیرون آید. و اگر من آنچه را اکنون می‌دانم، قبلاً می‌دانستم، همین کار را می‌کردم که به شما دستور دادم، ولی من با خود قربانی آورده‌ام، و هر کس با خود قربانی آورده حق ندارد از احرام بیرون آید تا قربانی به قربانگاه برسد.

پس مردی از جماعت گفت: آیا در حالی که حج برویم که هنوز آب غسل از موهایمان می‌چکد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود تو هرگز ایمان نخواهی آورد.

پس سراقه بن مالک بن خثعم کنانی گفت: ای پیامبر! دین ما را به مایاموز، گویی امروز زاده شده‌ایم. آیا این که امروز بدان دستورمان می‌دهی برای همین سال است یا برای آینده نیز؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برای آینده تا روز رستاخیز، و سپس انگشتان دو دستش را در میان یکدیگر برد و گفت: عمره داخل حج شد تا روز قیامت.

علی علیه السلام از یمن در حالی نزد پیامبر آمد که ایشان در مکه بودند، پس برفاطمه علیها السلام وارد شد در حالی که فاطمه از احرام بیرون آمده بود. علی علیه السلام بوی خوش استشمام کرد و بر تن فاطمه جامه‌ای دید رنگین. پس فرمود: این چیست ای فاطمه؟ فاطمه در پاسخ گفت: پیامبر به ما چنین دستوری داده است. پس حضرت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد تا از ایشان بخواهد مسأله روشن شود. علی علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: فاطمه را دیدم که از احرام بیرون آمده بود و لباس رنگین بر تن داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود من به مردم چنین دستوری دادم. و تو ای علی چگونه احرام بستی؟ حضرت عرض کرد: یا رسول الله! همچون پیامبر. پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: همچون من بر احرامت باقی بمان و تو در قربانی کردن شریکم هستی.

راوی می گوید: پس پیامبر اکرم به همراه یاران به بطحاء در آمد و به خانه‌ها نرفت. چون روز ترویبه فرارسید به هنگام زوال آفتاب مردم را دستورات تا غسل کنند و برای حج احرام بندند، و این همان است که خداوند بر پیامبرش نازل کرد: (وَاتَّبِعُوا مَلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ) پس پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش احرام بستند و به حج در آمدند تا به منی رسیدند. پس حضرت در آنجا نماز ظهر، عصر، مغرب، عشاء و صبح را بگزارد و همراه مردم برفت. پس مردم قریش از مزدلفه افاضه (کوچ می کردند و نمی گذاشتند مردم از آنجا افاضه کنند. پس پیامبر صلی الله علیه و آله روی آورد در حالی که مردم قریش امیدوار بودند پیامبر از همانجایی افاضه کند که آنها افاضه می کردند. پس خداوند بر پیامبر این آیه را نازل کرد: (ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ) یعنی افاضه ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و پیشینیان ایشان.

پس هنگامی که قریش دیدند کجاوه پیامبر صلی الله علیه و آله رفت، چیزی در دلشان پدید آمد، زیرا امیدوار بودند پیامبر از مکان ایشان افاضه کنند، تا به "نمره" رسیدند که روبه روی اراک در دل عرفه قرار دارد. پس خیمه حضرت صلی الله علیه و آله برپا شد و مردم نیز خیمه‌هایشان را در همانجا زدند. چون خورشید به زوال رسید (ظهر شد) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خارج شد و قریش همراه او، در حالیکه غسل کرده بود، و تلبیه را قطع نمود و در مسجد بایستاد، و مردم را پند داد، امر و نهیشان کرد، سپس نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه پیادداشت. سپس به موقف (محل وقوف در عرفات) رفت و درنگ کرد پس مردم از هم پیشی می گرفتند تا اطراف محل توقف شتر پیامبر را به عنوان موقف برگزینند. پیامبر شتر خود را کنار بُرد، مردم همان کار را انجام دادند، سپس حضرت فرمود: "ای مردم! تمام این مکان موقف است" و با دست خود موقف را به مردم نشان داد. پس مردم پراکنده شدند، و همین کار را در مزدلفه نیز کرد. پس وقوف کرد تا خورشید غروب کرد، و بدنبال آن افاضه کرد و مردم را به آرامش خواند تا اینکه به مزدلفه رسید که همان مشعر الحرام است. حضرت با یک اذان و دو اقامه نماز مغرب و عشا را بخواند، و در آنجا اقامت کرد تا نماز صبح را بگزارد، و ضعیفان بنی هاشم را در شب به شتاب واداشت و بدیشان دستور داد تا خورشید طلوع نکرده رمی جمره (جمره عقبه) نکنند. پس هنگامی که روز روشن شد، به سوی منی افاضه کرد و به رمی جمره عقبه پرداخت. قربانی که پیامبر با خود آورده بود شصت و چهار یا شصت و شش تا بود و حضرت علی علیه السلام نیز سی و چهار یا سی و شش قربانی آورده بود. پس پیامبر شصت و شش قربانی نحر کرد و علی علیه السلام سی و چهار تا. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد از هر شتر قدری گوشت بگیرند بپزند، و پس از آن که گوشت پخته شد پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام از گوشت آن بخوردند و از شوربایش سر کشیدند، و نه پوست آنها را به قصاب دادند و نه خرجین آنها را و نه قلاده‌های آنها را و آنها را صدقه دادند. سپس پیامبر حلق کرد و به طواف بیت الله پرداخت، و به منی بازگشت و تا روز سوم از روزهای تشریق در آنجا بماند و سپس رمی جمرات کرد و برفت تا به ابطح رسید. پس عایشه گفت ای پیامبر! زنان تو با حج و عمره بازگردند، و من تنها با حج بازگردم، پس پیامبر در ابطح اقامت کرد و عبدالرحمان بن ابوبکر را با عایشه به تنعیم فرستاد و عایشه برای عمره احرام بست و سپس بیامد و طواف بیت الله کرد و در مقام ابراهیم دو رکعت نماز بگزارد و سعی بین صفا و مروه کرد و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. پیامبر همان روز برفت بی آن که به

مسجد الحرام شود و طواف بیت الله کند و از قسمتهای بالای مکه از عقبه‌المدینین داخل شد و از قسمتهای پایین مکه از ذی طوی خارج گشت. (۶۱)

۴ - وصیت امام صادق علیه السلام به حاجیان

۴ - وصیت امام صادق علیه السلام به حاجیان

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

"هرگاه آهنگ حج کردی پیش از تصمیم دلت را از هرگونه مشغله‌ای پاک گردان، و پرده‌های آن را بدر و تنها از آن خدا ساز. همه کارهایت را به آفریننده‌ات واگذار، و در همه حرکات و سکناات خویش بر او توکل کن و تسلیم قضا و قدر او باش. دنیا و آسایش و خلاق را رها کن."

و حقوق مردم را که بر عهده‌داری بپرداز.

بر توشه و مرکب و دوستان و نیرو و جوانی و مال خود اعتماد نکن که مباد همه بر تو دشمن گردند، و باید بدانی که جز با توفیق الهی، نه توانی داری و نه چاره‌ای.

همچون کسی آماده شو که امید بازگشت ندارد.

هم نشینی را نیکو گردان.

از اوقات فرایض الهی و سنتهای پیامبر مراقبت و به وظایف خود در رعایت کردن ادب و شکیبایی و سپاس‌گزاری و مهربانی و بخشش و ایثار در توشه پیوسته عمل کن.

سپس با آب توبه خالص خود را از گناهان بشوی و جامه صدق و صفا؛ آو فروتنی بر تن کن.

و با احرام بستن، هر چیز را که تو را از یاد خدا باز می‌دارد و مانع از فرمانبری تو می‌شود بر خود حرام کن.

ولیکن بگو، به مفهوم پاسخ زلال و بی‌شائبه به خداوند در فراخواندن توبه سوی او با چنگ زدن به عروۃ الوثقی.

و با قلبت به همراه فرشتگان پیرامون عرش الهی طواف کن، همچنانکه به همراه مسلمانان با پیکرت پیرامون بیت الله الحرام طواف می‌کنی.

و از هوی و هوس و تمامی نیرو و قوتت به شتاب گریز کن.

و از غفلت و لغزشهایت با خارج شدن به سوی منی، خارج شو، و چیزی را تمنا مکن که بر تو روا نیست و سزاوار آن نیستی.

و در عرفات به خطایت اعتراف کن و با وحدانیت خدا پیمانت را با او تجدید گردان.

و در مزدلفه به خدا تقرب جوی و از او بپرهیز و با بالا رفتن از کوه، روح را به عالم بالا فراکش.

و حنجره هوی و هوس و آزارها را هنگام قربانی کردن ذبح کن.

و شهوت و حساست و پستی و کارهای نکوهیده را هنگام رمی جمرات، رمی کن.

و عیوب ظاهری و باطنی را با تراشیدن سر خود، از خود دور کن.

و با وارد شدن به حرم، به امان الهی و حمایت و پوشش و حفظ کبریائی در آی، و با پای برهنه برای بزرگداشت صاحب خانه و شناخت جلال و کبریائی او بیت الله را زیارت کن.

و حجرالاسود را لمس کن تا خشنودی خود را از قسمت او، و فروتنی خویش را از عظمت او نشان دهی، و با طواف وداع جز او را رها کن.

و روح و دلت را برای دیدار با خدا، با وقوف در صفا، صفا بخش، و درمروه با از میان بردن ویژگیهای خود، مروت به چنگ آر.

بر شرایط حجّت و وفاداری به پیمانی که با خدا بستی و آن را تا روز قیامت بر خود واجب گرداندی استقامت ورز. و بدان که خداوند حجّ را واجب نگردانده، مگر آنکه آن را از میان همه طاعتها به خود اختصاص داده است، زیرا خداوند می‌فرماید: (وَلَلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا) و پیامبر خدا سنتی را در خلال مناسک بدین ترتیب قرار نداده مگر برای آمادگی و اشاره به مرگ و قبر و رستاخیز.

حجّ عرصه‌ای است برای مشاهده پیوستن بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ که خرد ورزان و فرزنانگان آن را از لایه لای مناسک حجّ آشکارا می‌بینند. (۶۲)

بخش دوم

استطاعت حجّ و اقسام آن

۱ - اقسام و شرایط حجّ

قرآن کریم:

بخش دوم

استطاعت حجّ و اقسام آن

۱ - اقسام و شرایط حجّ

قرآن کریم:

۱ - خداوند می‌فرماید: (وَلَلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) (۶۳).

"برای خدا، حجّ آن خانه بر کسانی که قدرت رفتن به آن را داشته باشند واجب است و هر که راه کفر پیش گیرد بداند که خدا از جهانیان بی‌نیاز است."

۲ - خداوند سبحان می‌فرماید: (وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ... (۶۴)).

"و مردم را به حجّ فراخوان تا پیاده و سوار بر شتران تکیده از راههای دور نزد تو بیایند تا سودهایی را که از آن آنهاست ببینند و نام خدا را در روزهایی معین به هنگام ذبح چهارپایان یاد کنند..."

مورد: اول | قبلی | بعدی

حدیث شریف:

حدیث شریف:

۱ - از امام رضا علیه السلام در حدیث گسترده‌ای آمده است که فرمود:

"إِنَّمَا أُمِرُوا بِالْحَجِّ لِعَلَّةِ الْوَفَادَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَطَلَبِ الزِّيَادَةِ، وَالْخُرُوجِ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ الْعَبْدُ تَائِبًا مِمَّا مَضَى، مُشْرِئًا لِمَا يَشَاءُ تَقَبُّلًا، مَعَ مَا فِيهِ مِنْ إِخْرَاجِ الْأَمْوَالِ، وَتَعَبِ الْأَبْدَانِ، وَالْإِسْتِعْجَالِ عَنِ الْأَهْلِ وَالْوَالِدِ، وَحَظْرِ النَّفْسِ عَنِ اللَّذَاتِ، شَاخِصًا فِي الْحَرِّ وَالْبُرْدِ، تَائِبًا عَلَى ذَلِكَ دَائِمًا، مَعَ الْخُضُوعِ وَالْإِسْتِكَانَةِ وَالتَّذَلُّلِ، مَعَ مَا فِي ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْخَلْقِ مِنَ الْمَنَافِعِ لِجَمِيعِ مَنْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَعَرْبِهَا، وَمَنْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ، مِمَّنْ يُحُجُّ وَمِمَّنْ لَمْ يُحُجِّ، مِنْ بَيْنِ تَاجِرٍ وَجَالِبٍ وَبَائِعٍ وَمُسْتَرٍ وَكَاسِبٍ وَمُسِيكِينَ وَمُكَارٍ وَفَقِيرٍ، وَقَضَاءِ حَوَائِجِ أَهْلِ الْأَطْرَافِ فِي

الْمَوَاضِعِ الْمُمْكِنِ لَهُمُ الْاجْتِمَاعُ فِيهِ، مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّفَقُّهِ وَنُقُلِ اخْتِيَارِ الْبَائِمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ إِلَى كُلِّ صَيِّعٍ وَنَاحِيَةٍ، كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَلَوْلَا نَفَرٌ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (۶۵)) (وَلِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ (۶۷)) (۶۶).

"مردم به حج دستور داده شده‌اند تا به حضور خدای در آیند، و فزونی طلبند، و از گناهان خود در حالی بیرون آیند که از گذشته توبه می‌کنند و آینده را از سر می‌گیرند، بادر نظر گرفتن مخارج حج و خستگی تن و فراموش کردن همسر و فرزندان، و به کنارداشتن نفس از لذات، و خویش را در برابر گرما و سرما قرار دادن، با فروتنی و خضوع و خواری، با در نظر گرفتن منافع آن برای همه مردمان از شرق زمین گرفته تا غرب آن و از خشکی تا دریا، برای هر آن که حج گزارده یا نه، از خریدار گرفته تا فروشنده، و از کاسب گرفته تا مسکین، و از توانگر تا تهیدست، و بر آوردن نیازهای اهالی همه سرزمینهایی که می‌شود در آنجا گرد آمد، با در نظر گرفتن ژرف اندیشی در دین و نقل کردن اخبار امامان به هر ناحیه و سرزمینی، چنان که خداوند می‌فرماید: (فَلَوْلَا نَفَرٌ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (وَلِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ)).

۲ - امام رضا علیه السلام می‌فرماید: "عَلَّةُ فَرَضِ الْحَجِّ مَرَّةً وَاحِدَةً لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَضَعَ الْفَرَائِضَ عَلَى أَدْنَى الْقَوْمِ قُوَّةً، فَمِنْ تِلْكَ الْفَرَائِضِ الْحَجُّ الْمَفْرُوضُ وَاحِدًا، ثُمَّ رَغَبَ أَهْلُ الْقُوَّةِ عَلَى قَدْرِ طَائِفَتِهِمْ" (۶۸).

"دلیل واجب کردن حج برای یک بار این است که خداوند فرایض را بر اساس توانایی ضعیفترین مردم قرار می‌دهد و از همین روست که فریضه حج را یک بار واجب گردانیده است، و در پی آن توانگران را تشویق کرده به قدر توان به حج بروند."

۳ - از ابو عبدالله امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: "إِذَا قَدِرَ الرَّجُلُ عَلَى مَا يَحِجُّ بِهِ ثُمَّ دَفَعَ ذَلِكَ وَلَيْسَ لَهُ شُغْلٌ يَعْدِرُهُ بِهِ فَقَدْ تَرَكَ شَرِيعَةً مِنْ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ" (۶۹).

"اگر فردی بتواند حج کند و از آن سرباز زند بی آن که کاری داشته باشد که او را معذور دارد شریعتی از شرایع اسلام را ترک گفته است."

۴ - از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: "مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَحِجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ لَمْ يَمْنَعُهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تَجْحَفُ بِهِ، أَوْ مَرَضٌ لَا يَطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ، أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ، فَلَيْمَتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا" (۷۰).

"کسی که بمیرد و حج نگذارد بی آن که نیازی او را از این کار باز دارد، یا مرضی که در حج آن را طاقت نیاورد، یا سلطانی که از حج او جلوگیری کند، مسیحی یا یهودی مرده است."

۵ - از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: "عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَرَمُودَهُ اسْت: "حُجُّوا وَاعْتَمِرُوا تَصِحُّ أَبْدَانُكُمْ، وَتَسْتَسَعُ أَرْزَاقُكُمْ، وَتُكْفَوْنَ مَوْنَاتِ عِيَالِكُمْ،" وَقَالَ: "الْحَاجُّ مَغْفُورٌ لَهُ، وَمَوْجُوبٌ لَهُ الْجَنَّةُ، وَمُسْتَأْنَفٌ لَهُ الْعَمَلُ، وَمَحْفُوظٌ فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ" (۷۱).

"حج و عمره بگذارید تا جسدتان به سلامتی گراید، و روزیتان فزونی پیدا کند، و مخارج خانواده‌تان تأمین گردد." نیز می‌فرماید: "حاجی، بخشوده است و بهشت براو واجب، می‌تواند کار خویش را از سر گیرد و خانواده و مالش محفوظ خواهد بود."

۶ - از معاویه بن عمار نقل است که گفت: از ابو عبدالله علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: "الْحَجُّ ثَلَاثَةٌ أَصْيَانٌ: حَجٌّ مُفْرَدٌ، وَقِرَانٌ، وَتَمَتُّعٌ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، وَبِهَا أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَالْفَضْلُ فِيهَا، وَلَا نَأْمُرُ النَّاسَ إِلَّا بِهَا" (۷۲).

"حج سه گونه است: حج مفرد، حج قران، و حج تمتع، و پیامبر صلی الله علیه و آله بدین دستور داده است و ما نیز جز بدان دستور نمی‌دهیم."

تفصیل احکام:

تعریف حج

تفصیل احکام:

تعریف حج

حجّ شریعتی است از شرایع الهی، و مقصود از آن در آیین اسلام عبارت است از: آهنگ بیت الله الحرام و اماکن متبرکه برای ادای اعمالی مخصوص در آنجا، در مقطع زمانی خاص.

حکم حج:

حکم حج:

حجّ یا واجب است یا مستحبّ، و واجب آن سه گونه است به شرح زیر:

- ۱ - حجّه الاسلام: و آن حجّی است که یک بار در عمر بر کسی واجب می‌گردد که شرایط وجوب حجّ در او باشد.
 - ۲ - حجّی که انسان با نذر، پیمان یا قسم بر خود واجب گرداند.
 - ۳ - اگر انسان خود را اجیر دیگری کند تا به نیابت از او حجّ گزارد.
- گونه‌های دیگر حجّ مستحب است.

اقسام حج:

اقسام حج:

حجّ - از نظر چگونگی انجام دادن آن - سه گونه است به شرح زیر:

- ۱ - حجّ تمتّع: که غالباً بر کسی واجب است که وطنش از مکه بیش از چهل و هشت مایل یا شانزده فرسنگ یا حدود نود کیلومتر فاصله داشته باشد. کسی که حجّ تمتّع بر او واجب است باید در همان سال و پس از ماه رمضان، پیش از حجّ، عمره بجا آورد زیرا عمره بخشی از حجّ تمتّع است.
 - ۲ - حجّ افراد: این حجّ واجب است بر اهالی مکه و کسانی که در اطراف آن می‌زیند. به شرطی که مسافت آنها تا مکه بیش از شانزده فرسنگ یعنی حدود نود کیلومتر نباشد. در این حجّ قربانی کردن واجب نیست.
 - ۳ - حجّ قران: آن نیز بر اهالی مکه و اطرافیان آن واجب است با این تفاوت که حاجی باید در آن قربانی را با خود همراه کند.
- این گونه‌های سه‌گانه در بسیاری از اعمال حجّ با هم اشتراک دارند، چنان که تفاوت‌های نیز دارند که به خواست خدا در جای خود از آنها سخن خواهیم گفت.

۲ - حجّ، بر چه کسی واجب است؟

حدیث شریف:

۲ - حجّ، بر چه کسی واجب است؟

حدیث شریف:

۱ - از شهاب از ابو عبدالله علیه السلام در حدیثی آمده است که گفت: از حضرت علیه السلام پرسیدم آیا پسر بچه ده ساله می‌تواند حج بگزارد؟ فرمود:

"عَلَيْهِ حِجَّةُ الْإِسْلَامِ إِذَا احْتَلَمَ، وَكَذَلِكَ الْجَارِيَةُ عَلَيْهَا الْحُجُّ إِذَا طَمَثَتْ" (۷۳).

"اگر محتلم شود حج بر او واجب می‌شود، و نیز دختر هنگامی که حیض شود حج بر او واجب می‌گردد."

۲ - از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

"لَوْ أَنَّ غُلَامًا حَجَّ عَشْرَ حَجَجٍ ثُمَّ احْتَلَمَ كَانَتْ عَلَيْهِ فَرِيضَةُ الْإِسْلَامِ" (۷۴).

"اگر پسر بچه‌ای ده بار هم حج بگزارد و سپس محتلم گردد باز حج بر او واجب خواهد بود."

۳ - از ابو الحسن موسی بن جعفر علیه السلام نقل است که فرمود:

"لَيْسَ عَلَى الْمَمْلُوكِ حَجٌّ وَلَا عُمْرَةٌ حَتَّى يُعْتَقَ" (۷۵).

"بزرده، نه حج دارد نه عمره تا آن که آزاد گردد."

۴ - از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که پیرامون آیه: (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا) فرمود:

"مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ، مُخْلِئًا سِرْبَهُ، لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ فَهُوَ مُسْتَطِيعٌ لِلْحَجِّ" (۷۶).

"کسی که جسمش سالم باشد و راهش باز و توشه و مرکب داشته باشد، مستطیع حج خواهد بود."

۵ - از امام جعفر الصادق علیه السلام در حدیثی پیرامون شرایع دین آمده است که فرمود:

"وَحِجُّ الْبَيْتِ وَاجِبٌ عَلَى مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، وَهُوَ الزَّادُ وَالرَّاحِلَةُ مَعَ صِحَّةِ الْبَدَنِ، وَأَنْ يَكُونَ لِلْإِنْسَانِ مَا يَخْلِفُهُ عَلَى عِيَالِهِ، وَمَا يَزْجَعُ

إِلَيْهِ بَعْدَ حَجِّهِ" (۷۷).

"حج خانه خدا واجب است بر هر که استطاعت آن را داشته باشد. این استطاعت همان توشه و مرکب و سلامتی است و این که

شخص پس اندازی برای خانواده‌اش بجای بگذارد، و نیز چیزی داشته باشد که پس از بازگشت از حج آن را به کار زند."

۶ - از فضل بن عبدالملک به نقل از حضرت صادق علیه السلام در حدیثی آمده است: از حضرت پیرامون فردی سؤال شد که شتر

اجاره می‌دهد و از آن سود می‌برد، و با شترهای خود به حج می‌رود از حضرتش علیه السلام سؤال شد که آیا این حج پذیرفته است؟

یا فردی که با تجارت خود به مکه می‌رود و حج می‌کند و در داد و ستدش سود و یا زیان می‌برد. آیا حج او کامل است یا ناقص؟ یا

اینکه باید فقط به نیت حج برود؟ یا اینکه هر دو را با هم (تجارت و حج) نیت کند؟ آیا حج چنین فردی هم کامل است؟

حضرت علیه السلام فرمود:

"نَعَمْ، حِجَّتُهُ تَامَةٌ" (۷۸).

"آری، حجش کامل است."

۷ - از ابی بصیر نقل است که گفت: از ابو عبدالله علیه السلام شنیدم که گفت:

"مَنْ عُرِضَ عَلَيْهِ الْحُجُّ وَلَوْ عَلَى حِمَارٍ أَجْدَعَ مَقْطُوعِ الذَّنْبِ فَأَبَى فَهُوَ مُسْتَطِيعٌ لِلْحَجِّ" (۷۹).

"اگر بر کسی حج رفتن عرضه گردد، اگر چه بر دراز گوش باشد که دماغ و دُمش بریده است، و از حج سرباز زند او مستطیع حج

خواهد بود" ۲۰ - حج، بر چه کسی واجب است؟

حدیث شریف:

۱ - از شهاب از ابو عبدالله علیه السلام در حدیثی آمده است که گفت: از حضرت علیه السلام پرسیدم آیا پسر بچه ده ساله می‌تواند

حج بگزارد؟ فرمود:

"عَلَيْهِ حِجَّةُ الْإِسْلَامِ إِذَا احْتَلَمَ، وَكَذَلِكَ الْجَارِيَةُ عَلَيْهَا الْحُجُّ إِذَا طَمَثَتْ" (۷۳).

"اگر محتلم شود حج بر او واجب می‌شود، و نیز دختر هنگامی که حیض شود حج بر او واجب می‌گردد."

۲- از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

"لَوْ أَنَّ عَلَامًا حَجَّ عَشْرَ حَجَجٍ ثُمَّ اِحْتَلَمَ كَانَتْ عَلَيْهِ فَرِيضَةُ الْإِسْلَامِ" (۷۴).

"اگر پسر بچه‌ای ده بار هم حج بگزارد و سپس محتلم گردد باز حج بر او واجب خواهد بود."

۳- از ابو الحسن موسی بن جعفر علیه السلام نقل است که فرمود:

"لَيْسَ عَلَى الْمَمْلُوكِ حَجٌّ وَلَا عُمْرَةٌ حَتَّى يُعْتَقَ" (۷۵).

"بزرده، نه حج دارد نه عمره تا آن که آزاد گردد."

۴- از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که پیرامون آیه: (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا) فرمود:

"مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ، مُخْلِئًا سِرْبَهُ، لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ فَهُوَ مُسْتَطِيعٌ لِلْحَجِّ" (۷۶).

"کسی که جسمش سالم باشد و راهش باز و توشه و مرکب داشته باشد، مستطیع حج خواهد بود."

۵- از امام جعفر الصادق علیه السلام در حدیثی پیرامون شرایع دین آمده است که فرمود:

"وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاجِبٌ عَلَى مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، وَهُوَ الزَّادُ وَالرَّاحِلَةُ مَعَ صِحَّةِ الْبَدَنِ، وَأَنْ يَكُونَ لِلْإِنْسَانِ مَا يَخْلِفُهُ عَلَى عِيَالِهِ، وَمَا يَزْجَعُ

إِلَيْهِ بَعْدَ حَجِّهِ" (۷۷).

"حج خانه خدا واجب است بر هر که استطاعت آن را داشته باشد. این استطاعت همان توشه و مرکب و سلامتی است و این که

شخص پس اندازی برای خانواده‌اش بجای بگزارد، و نیز چیزی داشته باشد که پس از بازگشت از حج آن را به کار زند."

۶- از فضل بن عبدالملک به نقل از حضرت صادق علیه السلام در حدیثی آمده است: از حضرت پیرامون فردی سؤال شد که شتر

اجاره می‌دهد و از آن سود می‌برد، و با شترهای خود به حج می‌رود از حضرتش علیه السلام سؤال شد که آیا این حج پذیرفته است؟

یا فردی که با تجارت خود به مکه می‌رود و حج می‌کند و در داد و ستدش سود و یا زیان می‌برد. آیا حج او کامل است یا ناقص؟ یا

اینکه باید فقط به نیت حج برود؟ یا اینکه هر دو را با هم (تجارت و حج) نیت کند؟ آیا حج چنین فردی هم کامل است؟

حضرت علیه السلام فرمود:

"نَعَمْ، حَجَّتُهُ تَامَةٌ" (۷۸).

"آری، حجش کامل است."

۷- از ابی بصیر نقل است که گفت: از ابو عبدالله علیه السلام شنیدم که گفت:

"مَنْ عُرِضَ عَلَيْهِ الْحَجُّ وَلَوْ عَلَى حِمَارٍ أَجْدَعَ مَقْطُوعِ الذَّنْبِ فَأَبَى فَهُوَ مُسْتَطِيعٌ لِلْحَجِّ" (۷۹).

"اگر بر کسی حج رفتن عرضه گردد، اگر چه بر دراز گوش باشد که دماغ و دُمش بریده است، و از حج سرباز زند او مستطیع حج

خواهد بود."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

حجّه الاسلام) یا حج واجب (بر هر کس که شرایط زیر در او جمع گردد یک بار در عمر واجب می‌گردد:

۱- بلوغ: این که پسر پانزده سال را تمام کرده وارد شانزده سالگی شده باشد، یا اینکه نشانه‌های مردانگی، اعم از خروج منی،

روئیدن موی درشت زیر شکم و روی شرمگاه او، در وی پدید آمده باشد. دختر نیز باید در سال تمام کرده وارد ده سال شده باشد.

۲- عقل: حج بر انسان دیوانه واجب نیست.

۳ - آزادی: پس بر برده (چه مرد و چه زن) واجب نیست.

۴ - استطاعت: که با فراهم آمدن شرایط زیر در یک زمان به دست می‌آید.

شرایط و احکام استطاعت

شرایط و احکام استطاعت

حج بیت الله الحرام بر انسان مستطیع واجب است. استطاعت چیست؟ و احکام و شرایط آن کدام است؟ اینک شرایط استطاعت را بیان می‌داریم:

۱ - فراهم بودن هزینه‌های سفر رفت و برگشت به بیت الله الحرام به گونه‌ای متعارف و به دور از هر گونه سختی، نیز داشتن توانایی در پرداختن نفقه خانواده در مدت سفر.

۲ - داشتن نیروی بدنی لازم برای پرداختن به چنین سفری و در کار نبودن مرضی که حاجی را از رفتن به سفری هم چون حج باز دارد یا چنان بر او سخت باشد که حاجی توانایی تحمل آن را نداشته باشد.

۳ - نبودن مانعی در راه که شخص را از پیمودن آن باز دارد؛ مانعی همچون دزد و دشمن و نظایر آن، مگر آن که شخص بتواند بی هیچ سختی این مانع را بر طرف سازد.

۴ - داشتن وقت کافی از هنگام استطاعت برای پیمودن مسافت و رسیدن به مکه مکرمه و پرداختن به اعمال حج در وقت معین.

۵ - این که رفتن به حج موجب نگردد اخلال جدی به زندگی او یا خانواده او پس از بازگشت از حج، وارد آید، همچون بیکار شدن.

شرایط استطاعت چنین بود، و اینک شماری از مسائل مورد نیاز حاجی در این باب:

اول - شخص نباید برای فراهم کردن استطاعت مالی تلاش زیاد به کاربندد یا به گرفتن قرض تن در دهد، ولی اگر چنین کرد و می‌توانست پس از بازگشت بدون مشکل قرض خود را پردازد بعید نیست که حج بر او واجب گردد و حجّه الاسلام به حساب آید.

دوم - مقروضی که پس از ادای قرض - اگر زمان ادای قرض فرارسیده باشد - دیگر پولی برایش نماند باید قرضش را پردازد. اما اگر فرصت داشت و می‌توانست در وقت دیگری قرض خود را پردازد، یا طلبکار پول خود را از او طلب نکرد، یا پس از ادای قرض توانایی مالی حج رفتن را نیز داشت، حج بر او واجب است.

سوم - کسی که حقوقی بر عهده دارد باید آنها را پردازد و سپس ببیند آیا باقیمانده آن برای هزینه‌های حج بر حسب شرایط کافی است که حج بر او واجب است، یا خیر، که حج بر او واجب نیست.

چهارم - اگر کالایی در اختیار داشت که می‌توانست آن را بفروشد به گونه‌ای که بر زندگیش اثر نهد، بر او واجب است که آن را به فروش برساند و بهایش را هزینه حج کند.

پنجم - اگر هزینه‌های حج فزونی یابد، ملاک در استطاعت توانایی شخص است در پرداختن هزینه‌های حج بدون هیچ گونه سختی (عسر و حرج) یا زیان قابل توجه.

ششم - مسؤولان کاروانها و روحانیون و پزشکان و کارگران و دیگرانی که معمولاً حج را همراهی می‌کنند در صورتی که حاجیان هزینه سفر ایشان را عهده‌دار شوند و آنها نیز به همراهی حاجیان راضی گردند حج بر ایشان واجب می‌گردد البته مشروط بر آن که سایر شرایط استطاعت نیز در آنها گرد آید.

هفتم - کسی که استطاعت می‌یابد نباید استطاعت خویش را از میان بردچنانکه اموال خود را به کسانی هدیه کند که دیگر نتواند از ایشان باز ستاند همچون پدر یا مادر، و اگر چنین کرد حج از او ساقط نمی‌گردد.

هشتم - کسی که نیاز مبرم به ازدواج دارد و پول او تنها برای حج یا ازدواج کافی است، باید ازدواج را بر حج مقدم دارد. مفهوم نیاز مبرم آن است که کسی از آن بهراسد که اگر ازدواج نکند به حرام می‌افتد یا بیمار می‌گردد یا به گرفتاری و حرج می‌رسد.

نهم - کسی که هزینه حج بدو پرداخت شود و شرط گردد که با آن به حج رود و او از پذیرش این مال به دشواری و حرج نیفتد باید آن را بپذیرد و حج گزارد.

دهم - حج بر کسی که بتواند بدون دشواری به مناسک حج همچون سفر و جز آن اقدام کند و مانعی نداشته باشد واجب می‌گردد. پس بیماری که نمی‌تواند به زیارت بیت الله الحرام برود، یا این کار برای او بسی دشوار باشد حج از او ساقط می‌گردد، اگر چه سایر شرایط وجوب حج را نیز داشته باشد، پس باید بهبودی را انتظار کشد تا به حج رود، اما اگر بیماری او چنان مزمن بود که امیدی به بهبودی وی نمی‌رود باید نایب بگیرد، و احوط آن است که نایب او از کسانی باشد که برای نخستین بار به حج می‌رود.

یازدهم - اگر کسی شرایط استطاعت را یافت ولی برای رسیدن به حج وقت بر او تنگ بود باید به انتظار سال آینده بنشیند، پس اگر شرایط استطاعت تغییر نیافت به حج می‌رود.

دوازدهم - اگر به هنگام داشتن استطاعت از رفتن به مکه سرباز زند تا آن که استطاعتش از میان برود، باید در سالهای بعد به حج برود گرچه شرایط استطاعت را نیابد زیرا حج بر او ثابت گشته.

۳ - اعمال حج از کجا آغاز می‌گردد؟

۳ - اعمال حج از کجا آغاز می‌گردد؟

حاجی ارجمند پیش از هر چیز باید بداند فریضه‌ای که باید به آن پردازد کدام است؟ آیا حج تمتع است یا حج افراد یا حج قرآن و سپس برای حج آماده شود و از امور زیر اطمینان یابد:

۱ - آیا شرایط استطاعت را دارد، و به دیگر سخن مستطیع است یا خیر؟

۲ - آیا بدهی‌ها و حقوق کسانش را پرداخته و حقوق خدا و فقرا را اعم از خمس و زکات و غیره داده است؟

۳ - آیا وصیت‌نامه‌اش را نوشته است و حساب و کتابش را مرتب کرده است؟

۴ - آیا لوازم سفر حج را اعم از احرام، قرآن و جز آن را فراهم آورده است؟

۵ - آیا از نظر فیزیکی می‌تواند اعمال حج را برگزار کند. پس اگر برای مثال در خود ناراحتی قلبی احساس کرد بهتر است به پزشک خود مراجعه کند تا از سلامت خویش اطمینان یابد.

اگر از این امور مطمئن شد باید چنین کند:

خانواده خود را گرد آورد، دو رکعت نماز بگزارد، خداوند را بزرگ بشمارد، بر محمد و آل او درود فرستد و دست خویش را بالا برد و چنین گوید: "اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ دِينِي وَمَالِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَجَمِيعَ جِيرَانِي وَإِخْوَانَنَا الْمُؤْمِنِينَ الشَّاهِدِينَ مِنَ الْغَائِبِ عَنَّا."

"بارخدا! امروز دین، مال، جان، خانواده، فرزندان، همسایگان و برادران مؤمن حاضر و غائب خود را به تو می‌سپارم."

و به هنگام خروج بگوید:

"بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أُخْرَجُ."

"به نیرو و توان خدا خارج می‌شوم."

و هنگامی که سفر خود را آغازید این نجوا را بر لب داشته باشد:

"بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ."

"به نام خدا و با یاری خدا و در راه خدا و بر آیین پیامبر خداصلی الله علیه وآله".

و هنگامی که بر مرکب سفر جای گرفت بگوید:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا إِلَى الْإِسْلَامِ، وَمَنْ عَلَيْنَا الْإِيمَانَ، وَعَلَّمَنَا الْقُرْآنَ، وَمَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: (سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ".

"سپاس خدای را که ما را به اسلام رهنمود و با ایمان بر ما منت نهاد و قرآن به ما آموخت و با وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بر ما منت نهاد، منزّه است آن کس که اینها را رام ما کرد و گرنه ما راتوان آن نبود و ما به سوی پروردگاران باز می گردیم). و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است".

او باید بسیار استغفار کند و تسیح و تهلیل و تکبیر گوید و بر محمد و خاندانش درود فرستد و با هم نشینانش خوش اخلاق باشد و خشم خویش فروخورد و سخن اندک گرداند و از تردید و دو دلی پرهیزد. (۸۰)

بخش سوم

تفصیل اعمال عمره و حج

پیرامون میقاتها

حدیث شریف:

بخش سوم

تفصیل اعمال عمره و حج

پیرامون میقاتها

حدیث شریف:

۱ - امام صادق علیه السلام می فرماید: "الْأَحْرَامُ مِنْ مَوَاقِيتِ خَمْسَةٍ وَقَّتْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، لَا يَتَّبِعِي لِحَاجٍّ وَلَا لِمُعْتَمِرٍ أَنْ يَحْرِمَ قَبْلَهَا وَلَا بَعْدَهَا، وَقَّتْ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحَلِيفَةِ وَهُوَ مَسْجِدُ الشَّجَرَةِ يُصَلِّي فِيهِ وَيَفْرُضُ الْحُجَّ، وَقَّتْ لِأَهْلِ الشَّامِ الْجُحْفَةَ، وَقَّتْ لِأَهْلِ النَّجْدِ الْعُقَيْقِ، وَقَّتْ لِأَهْلِ الطَّائِفِ قَرْنَ الْمَنَازِلِ، وَقَّتْ لِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلْمَلَمَ، وَلَا يَتَّبِعِي لِأَحَدٍ أَنْ يَزْعَبَ عَنْ مَوَاقِيتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ" (۸۱).

"احرام از میقاتهای پنجگانه است که پیامبر صلی الله علیه وآله آنها را مشخص کرده، و حاجی و عمره گزار را شایسته نیست که پیش یا پس از آن احرام کنند. پیامبر برای اهل مدینه ذوالحلیفه، همان مسجد الشجره را میقات قرار داده که در آن نماز گزارند و با احرام حج را آغاز کنند، و برای مردم شام جحفه را میقات قرار داد، و برای اهل نجد عقیق را، و برای اهل طائف قرن المنازل را، و برای اهل یمن یلملم را، و هیچ کس را روانیست که از میقاتهای رسول اکرم روی برتابد".

۲ - و همچنین فرمود: "مَنْ أَقَامَ بِالْمَدِينَةِ شَهْرًا وَهُوَ يُرِيدُ الْحَجَّ ثُمَّ يَدَا لَهُ أَنْ يَخْرُجَ فِي غَيْرِ طَرِيقِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ الَّذِي يَأْخُذُونَهُ، فَلْيُكُنْ إِخْرَامًا مِنْ مَسِيرِهِ سِتَّةَ أَهْيَالٍ، فَيَكُونُ حِذَاءَ الشَّجَرَةِ مِنَ الْبَيْدَاءِ" (۸۲).

"هر که یکماه در مدینه اقامت کند و آهنگ حج کند، ولی تصمیم بگیرد که از غیرراهی خارج گردد که اهل مدینه از آن خارج می گردند. پس احرامش باید از شش مایلی صورت پذیرد، یعنی جایی در صحرا که موازی مسجد الشجره می باشد".

۳ - از اسحاق بن عمار نقل است که گفت: امام موسی بن جعفر علیه السلام پیرامون مردی سؤال کردم که برای عمره می آید و قصد

عمره در رجب رادارد ولی پیش از رسیدن به عقیق، هلال بر او هویدامی گردد (یعنی ماه شعبان فرا می‌رسد) آیا پیش از میقات احرام بندد و عمره را برای رجب قرار دهد، یا اینکه احرام را تا عقیق به تأخیر اندازد و به شعبان واگزارش کند؟ حضرت علیه السلام فرمود:

"يُحْرَمُ قَبْلَ الْوَقْتِ لِرَجَبٍ فَإِنَّ لِرَجَبٍ فَضْلًا وَهُوَ الَّذِي نَوَى (۸۳)".

"پیش از میقات برای رجب احرام می‌کند که رجب را فضیلتی است، و این همان است که نیت کرده بود."

۴- از علی بن حمزه نقل است که گفت: به حضرت صادق علیه السلام نوشتم و از او درباره مردی پرسش کردم که -توسط نذر یا قسم- بر خود واجب کرده بود که از کوفه احرام کند. حضرت علیه السلام فرمود:

"يُحْرَمُ مِنَ الْكُوفَةِ (۸۴)".

"از کوفه احرام کند."

۵- از ابو عبدالله علیه السلام در حدیثی نقل است که فرمود:

"وَمَنْ كَانَ مَنزِلُهُ خَلْفَ هَذِهِ الْمَوَاقِيتِ مِمَّا يَلِي مَكَّةَ فَمِيقَاتُهُ مَنزِلُهُ (۸۵)".

"کسی که منزلش بعد از این میقاتها و قبل از مکه است پس میقات او همان منزل اوست."

۶- از ایوب برادر ادیم آمده است: از ابو عبدالله علیه السلام پرسیده شد: در کجایم از کودکان بگیرند؟ حضرت علیه السلام فرمود:

"كَانَ أَبِي يُجَرِّدُهُمْ مِنْ فَحٍّ (۸۶)".

"پدرم از فحج جامه از ایشان می‌گرفت."

۷- از ابی عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

"مَنْ أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْ مَكَّةَ لِيَعْتَمِرَ، أَحْرَمَ مِنَ الْجَعْرَانَةِ أَوْ الْحُدَيْبِيَّةِ أَوْ مَا أَشْبَهَهَا (۸۷)".

"کسی که می‌خواهد از مکه برای احرام عمره خارج شود، از جعرانه یا حدیبیه یا نظایر آن احرام می‌کند."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

میقات به موضعی گفته می‌شود که شارع مقدس آن را مشخص کرده تا محل احرام حاجیان باشد که همگی ده موضع می‌باشند که حاجی باید در یکی از آنها احرام بندد و حق ندارد از روی اختیار و پیش از احرام بستن از آنها بگذرد. شرح آن چنین است:

اول - ذوالحلیفه: که مسجد شجره در آن قرار دارد. آن دورترین میقات از مکه مکرمه است و تقریباً چهارصد و هشتاد و شش کیلومتر دورتر از مکه است و فقط هفت کیلومتر از مدینه منوره فاصله دارد، این میقات اهل مدینه یا کسانی است که از راه مدینه حج می‌کنند.

دو مسأله:

۱ - بهتر است که حاجی داخل مسجد شجره احرام کند، اگرچه می‌تواند در این منطقه به احرام پردازد، و بهتر آن است که موازی مسجد و در روبروی قبله قرار گیرد به نحوی که مسجد در کنار او قرار گیرد.

۲ - احوط عدم تأخیر احرام است از مسجد شجره به جحفه برای کسی که از آن می‌گذرد، مگر به سبب ضرورتی همچون بیماری یا ضعف شدید.

دوم - وادی العقیق: و آن موضعی است که با مکه مکرمه حدود یکصد کیلومتر فاصله دارد، که شامل سه موضع می‌شود: از سوی

عراق از مسلخ آغاز می‌گردد و غمره در میانه قرار می‌گیرد و به ذات عرق منتهی می‌شود و آن میقات مردم نجد و عراق و کسانی است که از این راه به حج می‌روند.

بهرتر آن است که برای احرام، نخست مسلخ، سپس غمره برگزیده شود، و احوط آن است که احرام به ذات عرق از روی اختیار به تأخیر نیفتد.

سوم - جحفه: و آن موضعی در حدود یکصد و پنجاه و شش کیلومتری مکه مکرمه است و آن میقات اهل شام و مصر و کسانی است که از این دوسرزمین می‌آیند و در راه به میقات دیگری بر نمی‌خورند.

چهارم - قرن المنازل: که تقریباً در نود و چهار کیلومتری مکه قرار دارد و آن میقات اهل طائف و کسانی است که از این راه به حج می‌روند.

پنجم - یلملم: کوهی است از کوههای تهامه، تقریباً در هشتاد و چهار کیلومتری مکه که میقات مردم یمن و کسانی است که از این راه به مکه می‌روند.

ششم - دویرة الاهل: که مقصود از آن منزل حاجی است که بعد از میقات قرار دارد، که حاجی می‌تواند از منزل خود احرام کند چنانچه می‌تواند از میقاتهای دیگر نیز احرام کند که این بهتر است.

هفتم - مکه مکرمه: و آن میقات است برای احرام حج تمتع که می‌توان از هر نقطه آن احرام بست. ولی بهتر آن است که احرام از مسجد الحرام و دقیقاً از مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام صورت پذیرد.

هشتم - ادنی الحل: یعنی از حدود منطقه حرم که مکه مکرمه را در بر می‌گیرد، و آن میقات احرام عمره مفرده است برای کسی که عمره مفرده راقصد کند و حال آنکه در داخل حدود حرم قرار دارد، و بهتر آن است که احرام در یکی از مواضع زیر صورت پذیرد:

۱ - حدیبیه.

۲ - جعرانه.

۳ - تنعیم.

نهم - فحّ: موضعی است در کنار مکه مکرمه که میقات کودکان است که می‌توان احرام آنها را تا این نقطه به تأخیر انداخت.

دهم - محاذات: یعنی موازی یکی از میقاتهای پنجگانه‌ای که بیان آن گذشت:

۱ - ذوالحلیفه یا مسجد شجره.

۲ - وادی العقیق.

۳ - جحفه.

۴ - یلملم.

۵ - قرن المنازل.

محاذات هنگامی حاصل می‌شود که قبله در برابر قرار گیرد، و یکی از میقاتهای پنجگانه در طرف راست یا چپ او قرار گرفته باشد، در محاذات به شرط است که میقات آن قدر دور نباشد که عرفاً محاذات گفته نشود. محاذات، میقات کسی به شمار می‌آید که از یکی از میقاتهای پنجگانه گذرنکرده باشد.

احکام میقات:

احکام میقات:

۱ - حاجی نباید احرامش را بر میقات مقدم دارد و اگر چنین کرد باید هنگام گذر از یکی از میقاتها یا آنچه محاذی آن قرار دارد

نیت کرده، و تلبیه) لَبَّيْكَ گفتن (را از سر گیرد.

دو مورد از این حکم استثناست:

الف - اگر یک حاجی نذر کند که احرام خود را پیش از میقات در جایی مخصوص مثل مسجد النبی در مدینه منوره، ببندد، باید به نذر خود وفا کند و احرامش نیز صحیح خواهد بود، و رفتن به میقات برای او ضروری نیست چنان که اگر هم به میقات گذر کرد تجدید احرام بر او واجب نمی‌گردد.

ب - هنگام تنگی وقت برای کسی که در ماه رجب آهنگ عمره مفرده کرده است و هراس آن دارد که مبدا پیش از پایان ماه رجب نتواند میقات رادرک کند. چنین کسی می‌تواند پیش از میقات احرام ببندد و عمره رجب برای او حساب می‌شود حتی اگر سایر اعمال عمره در ماهی جز رجب صورت پذیرد.

۲ - کسی که آهنگ حج یا عمره می‌کند باید در نخستین میقاتی که از آن می‌گذرد احرام ببندد و نباید از روی اختیار از این میقات در گذرد مگر آن که محرم باشد اگرچه در برابرش میقات دیگری نیز باشد. بدین ترتیب برای کسی که از مدینه گذر می‌کند احوط آن است که احرامش را از مسجد الشجره به جحفه به تأخیر نیندازد.

و اگر چنین کند گناه کرده است و بنا به قول اقوی احرامش صحیح است، و اگر بدون احرام از میقات بگذرد باید بدان میقات باز گردد و احرام ببندد.

۳ - جایز نیست کسی بدون احرام به مکه مکرمه وارد شود، حتی برای کسی که از آغاز قصد آن را نداشته باشد و سپس تصمیم گیرد به مکه در آید. بنا به احوط حکم ورود به حرم نیز چنین است.

۴ - کسی که با احرام صحیح به مکه وارد شده و از آن خارج گشته می‌تواند پیش از پایان یافتن یکماه از وارد شدنش، بار دیگر بدون احرام به مکه در آید.

۵ - کسی که همچون رانندگان به اقتضای شغلش پیاپی به مکه آمد و شدمی کند می‌تواند بدون احرام به مکه در آید و "بیمار" به همین صورت است.

مورد: اول | قبلی | بعدی

حج تمتع

قرآن کریم:

حج تمتع

قرآن کریم:

(فَإِذَا أَمِنْتُمْ مِمَّنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصَةَ يَوْمِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَهُ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۸۸)).

"و چون ایمن شوید هر که از عمره تمتع به حج در آید آن قدر که او را میسر است قربانی کند، و هر که را قربانی میسر نشد سه روز در حج روزه بدارد و هفت روز چون از حج باز گردد تا ده روز کامل شود، و این حکم برای کسی است که از مردم مکه نباشد، از خدا بترسید و بدانید که خدا به سختی عقوبت می‌کند."

حدیث شریف:

حدیث شریف:

ابو عبدالله علیه السلام می‌فرماید: "التَّمَتُّعُ أَفْضَلُ الْحَجِّ، وَبِهِ نَزَلَ الْقُرْآنُ وَجَرَتْ السُّنَّةُ، فَعَلَى الْمُتَمَتِّعِ إِذَا قَدِمَ مَكَّةَ طَوَافٌ بِالْبَيْتِ، وَرَكَعَتَانِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ، وَسَيِّعِي بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، ثُمَّ يَقْضَرُ، وَقَدْ حَلَّ هَذَا لِلْعُمْرَةِ وَعَلَيْهِ لِلْحَجِّ طَوَافَانِ، وَسَيِّعِي بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَيُصَلِّي عِنْدَ كُلِّ طَوَافٍ بِالْبَيْتِ رَكَعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ" (۸۹...).

"حج تمتع با فضیلت‌ترین حج است که در قرآن نازل شده و سنت بر آن جاری گشته است، پس بر تمتع است هنگامی که به مکه درمی‌آید بیت الله را طواف کند و در مقام ابراهیم دو رکعت نماز گزارد و سعی بین صفا و مروه کند و سپس به تقصیر اقدام ورزد، که با این کار از احرام عمره خارج می‌شود، و در حج باید دو طواف کند و سعی بین صفا و مروه را فرونگذارد و هنگام هر طوافی دو رکعت نماز در مقام ابراهیم بجای آرد."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

حج تمتع بر کسی واجب است که از مکه دور باشد، چنان که پیشتر گفتیم (و از دو فریضه ترکیب می‌شود که به هر دو باهم حج تمتع گفته می‌شود):

۱ - عمره تمتع.

۲ - حج تمتع.

و اینک اعمال هر یک از آنها را به ترتیب بیان می‌کنیم:

اعمال عمره تمتع و دخول حرم

۱ - احرام

قرآن کریم:

اعمال عمره تمتع و دخول حرم

۱ - احرام

قرآن کریم:

(الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ (۹۰)).

"حج در ماههای معینی است. هر که در آن ماهها این فریضه را ادا کند باید که در اثنای آن جماع و فسقی از او سر نزنند و مجادله نکند."

حدیث شریف:

حدیث شریف:

۱ - از امام رضا علیه السلام نقل است که فرمود:

"وَأِنَّمَا أُمِرُوا بِالْإِحْرَامِ لِيُحْشَدُوا قَبْلَ دُخُولِهِمْ حَرَمَ اللَّهِ وَأَمْنِهِ، وَلِيَلْمُوا وَيَسْتَعْلُوا بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا وَلَذَاتِهَا، وَيَكُونُوا جَادِّينَ فِيمَا هُمْ فِيهِ قَاصِدِينَ نَحْوَهُ، مُقْبِلِينَ عَلَيْهِ بِكُلِّيَّتِهِمْ، مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّعْظِيمِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلِيُنَبِّئَهُ، وَالتَّذَلُّلِ لَأَنْفُسِهِمْ عِنْدَ قَضَائِهِمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَوَفَادَتِهِمْ إِلَيْهِ رَاجِعِينَ تَوَابَهُ، رَاهِبِينَ مِنْ عِقَابِهِ، مَاضِينَ نَحْوَهُ، مُقْبِلِينَ إِلَيْهِ بِالذُّلِّ وَالْإِسْتِكَانَةِ وَالْخُضُوعِ" (۹۱).

"حاجیان به احرام دستور داده شده‌اند تا پیش از ورود به حرم امن الهی خشوع بیابند و به زینت و لذتی از امور دنیوی سرگرم نگردند، و در جائی که آهنگش را دارند جدی باشند و با تمام وجود بدان روی آورند، و خدای عز و جل و خانه‌اش را بزرگ‌شمارند، و به هنگام قصد کبریایی و ورودشان به بارگاه الهی خود را به خواری کشند در حالی که پاداشش را امید می‌برند، و از کیفرش در هراسند، و به سویش درمی‌گذرند و با فروتنی و خضوع به سوی او روی می‌آورند."

۲- از اسماعیل بن جابر نقل است که گفت: به ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم به هنگام حج چقدر موی دراز کنم؟ حضرت علیه السلام فرمود:

"اعْفِهِ شَهْرًا" (۹۲).

"یک ماه رهایش کن."

۳- از ابی عبدالله علیه السلام در حدیثی آمده است که فرمود:

"وَاعْلَمَ أَنَّهُ وَسِعَ لَكَ أَنْ تُحْرِمَ فِي ذُبُرِ فَرِيضَةٍ أَوْ نَافِلَةٍ أَوْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ" (۹۳).

"بدان که تو می‌توانی احرام خود را پس از نماز واجب، یا نماز مستحب، در شب یا در روز، ببندی."

۴- و فرمود: "كُلُّ تَوْبٍ تُصَلِّي فِيهِ فَلَا بَأْسَ أَنْ تُحْرِمَ فِيهِ" (۹۴).

"هر جامه‌ای که در آن نماز می‌گزاری، اشکال ندارد که در آن احرام ببندی."

۵- از حماد بن عثمان از ابی عبدالله علیه السلام آمده است که به حضرت عرض کرد: می‌خواهم عمره تمتع را برای حج انجام دهم، پس چه بگویم، حضرت علیه السلام فرمود:

"تَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَمَّتَّ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَإِنْ شِئْتَ أَضَمَرْتَ الَّذِي تُرِيدُ" (۹۵).

"بگو: بار خدایا! آهنگ عمره تمتع دارم برای حج بر اساس کتاب تو و سنت پیامبرت، و می‌توانی این امر را در قلب خود نیت کنی."

۶- از حلبی آمده است که گفت پرسیدم: چرا لبتیک گفتن وضع شده است؟ حضرت علیه السلام فرمود:

"إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ (وَأَذَّنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ)، فَنَادَى فَاجِيبَ مِنْ كُلِّ وَجْهِ يَلْبُونَ" (۹۶).

"خداوند تبارک و تعالی به ابراهیم علیه السلام وحی کرد که: (وَأَذَّنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ) (پس حضرت علیه السلام ندا در داد و از هر سو او را لبتیک گفتند)."

۷- امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

"جَاءَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لَهُ: إِنَّ التَّلْبِيَةَ شِعَارُ الْمُحْرَمِ فَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالتَّلْبِيَةِ: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ" (۹۷).

"جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شد و گفت: لبتیک گفتن شعار مُحْرِم است، پس صدایت را به لبتیک بالا بر و بگوی: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ."

۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

"إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَضَعَ عَنِ النَّسَاءِ أَرْبَعًا: الْإِجْهَارُ بِالتَّلْبِيَةِ، وَالسَّعْيُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ - يَعْنِي الْهَزْوْلَةَ -، وَدُخُولُ الْكَعْبَةِ، وَاسْتِئْذَانُ الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ" (۹۸).

"خداوند عزّ وجلّ چهار امر از زنان برگرفت: لثیک گفتن با صدای بلند، سعی بین صفا و مروه - یعنی هروله - وارد شدن به کعبه و لمس کردن حجرالاسود".

۹ - و فرمود: "الْمَتَمُّعُ إِذَا نَظَرَ إِلَى بُيُوتِ مَكَّةَ قَطَعَ التَّلْبِيَةَ" (۹۹).

"تمتع گزار هرگاه خانه‌های مکه را ببیند گفتن لثیک را قطع نماید".

۱۰ - و همچنین فرمود:

"مَنْ اعْتَمَرَ مِنَ التَّنْعِيمِ فَلَا يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى الْمَسْجِدِ" (۱۰۰).

"کسی که از تنعیم عمره کند لثیک گفتن را قطع نکند تا اینکه مسجدالحرام را ببیند".

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

اعمال عمره تمتع پنج امر است که نخست بدانها اشاره می‌کنیم و سپس هر یک از آنها را به طور کامل توضیح می‌دهیم:

۱ - احرام از یکی از میقاتها.

۲ - طواف پیرامون بیت الله الحرام.

۳ - گزاردن دو رکعت نماز طواف نزد مقام ابراهیم.

۴ - سعی میان صفا و مروه.

۵ - تقصیر.

احکام احرام

احکام احرام

۱ - احرام؛ واجب گرداندن حج است بر خویشتن با نیت، همراه با تلبیه (لثیک) گفتن و پوشیدن جامه احرام. اینک به تبیین واجبات سه گانه احرام می‌پردازیم:

الف - نیت.

ب - پوشیدن دو جامه احرام.

ج - تلبیه (یا لثیک گفتن):

الف - نیت عبارت است از اینکه شخص، احرام عمره تمتع را، که خودبخشی از حج تمتع است، با قصد نزدیکی و تقرب به درگاه خداوند، بر خود واجب گرداند. و وجود نیت ترک محرمات احرام در آن کافی است، البته بر زبان آوردن نیت لازم نیست، بلکه به زبان آوردن نیت در مناسک عمره و حج مستحب است.

درباره نیت عمره تمتع مستحب است آنچه در صحیح ابن عمّار به نقل از امام صادق علیه السلام آمده گفته شود:

"اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ مَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ التَّمَتُّعِ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَيَسِّرْ ذَلِكَ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، وَأَعِنِّي عَلَيْهِ، فَإِنْ عَرَضَ شَيْءٌ يَحْبِسُنِي فَحَلِّئِنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةً فَعُمْرَةً، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِي وَعَصْبِي مِنَ النِّسَاءِ وَالثِّيَابِ وَالطِّيبِ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ."

"بار خدایا من آهنگ عمره برای حج تمتع را بر اساس کتاب تو و سنت پیامبرت صلی الله علیه و آله دارم که بدان فرمانم داده‌ای. پس

آن را برایم آسان گردان، و از من بپذیر، و در انجامش یاریم رسان، و اگر برای من چیزی پیش آمد که مرا (از ادامه حج) بازداشت، مرا از آنچه که بر پایه قضا و قدرت بازداشته‌ای رها گردان. خدایا اگر نتوانستم حج را بجا آورم پس به انجام عمره توفیقم ده. احرام بسته برای تو موی و پوست و گوشت و خون و استخوان و مغز و اعصابم از زنان و جامه و بوی خوش، خواسته‌ام از این کار تویی و روز واپسین است."

احکام لباس احرام

احکام لباس احرام

ب - پوشیدن دو جامه احرام

مردان باید دو قطعه جامه بر تن کنند که عبارتند از: پیش بند و بالا- بند که یکی را به مانند لنگ می‌بندد و دیگری را بر دوش می‌افکند.

۱ - در لباس احرام هشت امر شرط است بدین ترتیب:

اول- طهارت، که از آن استثنا شده است آنچه در نماز مورد عفو قرار گرفته ولی اگر آنگونه نجس شد که در نماز نادیده گرفته نمی‌شود باید تطهیر شود، و در غیر این صورت شخص به گناه افتاده است ولی این امر زیانی به احرامش وارد نمی‌کند، و کفاره هم ندارد.

دوم- مباح بودن، پس جایز نیست با لباس غضبی احرام بست.

سوم- نباید لباس احرام از اعضای (میتة) مردار همچون پوست او باشد.

چهارم- از حیواناتی حرام گوشت همچون روباه و خرگوش نباشد.

پنجم- طلا باف نباشد.

ششم- اینکه بدن را بپوشاند، بنابراین نباید جامه بدن نما انتخاب شود.

هفتم- اینکه ابریشم خالص نباشد، پس نباید جامه احرام مرد از ابریشم خالص باشد، ولی اگر جامه او مخلوط با ابریشم باشد اشکال ندارد، در مورد زن احوط آن است که جز برای ضرورت از پوشیدن ابریشم چشم پوشد.

هشتم- این که جامه احرام مردان دوخته نشده باشد، پس مردان پیش از پوشیدن جامه احرام باید لباسهای دوخته شده خود را درآوردند حتی اگر این لباسها جامه زیر باشد، اما زنان می‌توانند با جامه‌های عادی خود احرام ببندند.

۲ - مُحَرَّم می‌تواند در حال لزوم مثلاً هنگام ورود به حمام یا زمان استراحت جامه احرام از خود برگیرد.

۳ - مُحَرَّم می‌تواند برای احرام بیش از دو جامه بپوشد - مشروط بر آن که از جامه‌هایی باشد که احرام بستن با آنها جایز است - خواه برای جلوگیری از سرما یا گرما یا جز آن.

۴ - مُحَرَّم می‌تواند هرگاه خواست جامه احرامش را عوض یا پاک کند، ولی بهتر آن است که به هنگام ورود به مکه مکرمه و طواف جامه‌ای را بر تن داشته باشد که با آن احرام بسته.

۵ - احوط آن است که شخص مُحَرَّم دو جامه احرام را گره نزند و با سوزن یا سنجاق آنها را نبندد.

۶ - احوط آن است که مُحَرَّم در حال احرام بدن خود را از نجاست پاک کند.

احکام تلبیه:

احکام تلبیه:

ج - تلبیه (یا لئیک گفتن)

و آن کلماتی است که احرام با آن منعقد می‌گردد و واجب است در تلبیه پس از احرام یک بار بگوید: "لَيْتِكَ اللَّهُمَّ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْتِكَ."

و احوط آن است که هنگام احرام بگوید: "لَيْتِكَ اللَّهُمَّ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْتِكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْتِكَ."

چنان که مستحب است در پی آن بگوید: "لَيْتِكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ دَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ عَفَّارَ الذُّنُوبِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ أَهْلِيلَ التَّلْبِيَةِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ تُبْدِيُّ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ تَسْتَعْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِيكَ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ يَا كَرِيمُ لَيْتِكَ."

۱ - تلفظ به تلبیه به گونه‌ای صحیح آنگونه که تلبیه نامیده شود واجب می‌باشد، و احوط رعایت دستور زبان عربی است و هر که توان این کار را ندارد باید از دیگری چنین یاری بگیرد که او یک یک واژه‌ها را بدو تلقین نماید و او تکرارشان کند و اگر این کار را هم نتوانست انجام دهد باید نایب بگیرد.

۲ - شخص لال با اشاره و تکان دادن زبان تلبیه می‌گوید، ولی احوط آن است که او نیز نایب بگیرد.

۳ - تلبیه، یک بار کافی است ولی مستحب است تا می‌تواند تلبیه را تکرار نماید و در پس هر نماز واجب یا نافله یا بالا رفتن و پائین آمدن از ارتفاعات و درّه‌ها، و هنگام خواب و بیداری، یا سوار شدن و پیاده شدن و نیز هنگام برخورد با سواره‌ها و در سحرگاهان تکرار آن مستحب است. و بر مردان - و نه زنان - مستحب آن است که تلبیه را با صدای بلند بخوانند، به خصوص در موارد یاد شده.

۴ - اگر حاجی فراموش کند در حال احرام تلبیه را بر زبان آورد، باید به میقات باز گردد و تلبیه را تلفظ کند، و اگر توان این کار را نداشت می‌تواند هر کجا که تلبیه را به یاد آورد آن را بر زبان جاری سازد.

۵ - کسی که عمره تمتع به جا می‌آورد، احتیاطاً باید هنگام مشاهده خانه‌های مکه از گفتن تلبیه خودداری نماید.

مستحبات احرام:

مستحبات احرام:

۱ - پاک کردن بدن از آلودگیها، پیش از احرام با شستن آب و صابون و یانظایر آن، کوتاه کردن ناخن، گرفتن سیل و از میان بردن موی زیر بغل و زیر شکم.

۲ - غسل احرام در میقات قبل از بستن احرام، ولی اگر غسل برای او مشکل باشد مستحب است بجای آن تیمم کند و هنگام غسل یا پس از آن مستحب است گفته شود:

"بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي نُورًا وَطَهُورًا، وَحِزْزًا وَأَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسِقْمٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ نِيَّ وَطَهِّرْ قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صِدْرِي، وَأَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي مَحَبَّتِيكَ وَمَدْحَتَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيَّكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَعَلِمْتُ أَنَّ قَوْمَ دِينِي التَّشَلُّيمُ لَكَ وَالْإِتْبَاعُ لِشَيْئِهِ نَيْبِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ."

"به نام خدا و بیاری خدا، بار خدایا! آن را برای من نور، پاکی، پناه و امن از هر ترس و شفا از هر درد و بیماری قرار ده. خدایا! مرا پاک گردان و قلبم را پاکیزه کن، و شرح صدرم ده. و محبت، ستایش و ثنای خود را بر زبانم جاری ساز، پس توانی نیست جز به یاری تو، دانسته‌ام که قوام‌دینم تسلیم در برابر تو و پیروی از سنت پیامبر توست."

۳ - جامه احرام نخى و سفید باشد.

۴ - مستحب است که احرام را پس از دو رکعت نماز نافله بندد و بهتر از آن شش رکعت نماز است، بهتر از آن نماز واجب است، بهتر آن است که پس از نماز ظهر احرام بندد، و مستحب است در رکعت نخست پس از حمد سوره (توحید) و در رکعت دوم پس از حمد سوره (جحد) (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) را بخواند. و مستحب است پس از آن حمد خدای را بجای آورد و بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستد و بگوید: "اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَأَمَّنْ بَوَّعِدَكَ وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ لَمَّا أَوْقَى إِلَاءًا ذَمِيمًا وَفَيْتَ، وَلَمَّا أَخَذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَيَّ فَاسْأَلُكَ أَنْ تَغْرِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَقْوِينِي عَلَى مَا ضَمُّعْتُ، وَتَسَلِّمَ لِي مَنَاسِكَي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيتَ وَارْتَضِيتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شَفَقِهِ بَعِيدَةٍ وَأَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَعُمْرَتِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَيَّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَخَلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ.

اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَجَّةَ فَعُمْرَةً، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِي وَعَصِيْبِي مِنَ النِّسَاءِ وَالنِّبَابِ وَالطِّيبِ أَبْتِغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ (۱۰۱).

۵ - مستحب است هنگام پوشیدن احرام بگوید:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُورِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأُوْدَى فِيهِ فُرْجَتِي، وَأَعْبَدُ فِيهِ رَبِّي، وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَبَ دُتَّهُ فَبَلَّغَنِي، وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي، وَقَبَلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي، وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِزْرِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي (۱۰۲).

برخی از مکروهات احرام:

برخی از مکروهات احرام:

۱ - مُحْرَم شدن در جامه سیاه.

۲ - مُحْرَم شدن در جامه رنگین.

۳ - خوابیدن بر هر آنچه که احرام در آن مکروه است، مانند: خوابیدن در بستر سیاه.

۴ - مُحْرَم شدن در جامه چرکین.

۵ - استفاده از حنا.

۶ - استحمام.

۷ - پاسخ دادن مُحْرَم به کسی که او را می خواند با گفتن کلمه (لَبَّيْكَ).

۸ - گشتی گرفتن.

۹ - سرودن شعر، مگر آنکه در آن پندی باشد یا در مدح و یا رثای پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام او باشد.

۱۰ - هر کاری که به سبب آن احتمال می رود که زخمی برای مُحْرَم پیش آید یا مویی از بدن او بر زمین افتد.

محرّمات احرام

قرآن کریم:

محرمات احرام

قرآن کریم:

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (۱۰۳)).

"ای کسانی که ایمان آورده‌اید به پیمانها وفا کنید. حیوانات چهار پا مگر آنهایی که از این پس برایتان گفته می‌شود، بر شما حلال شده‌اند و آنچه را که در حال احرام صید می‌کنید حلال نشمارید. خدا به هر چه می‌خواهد حکم می‌کند."

۲- أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۱۰۴)).

"شکار دریایی و خوردن آن به جهت بهره‌مند شدن از آن، بر شما و مسافران حلال شده است، و شکار صحرائی تا هنگامی که در احرام هستید بر شما حرام شده. از خداوندی که به نزد او گرد آورده می‌شوید بترسید."

۳- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا... (۱۰۵)).

"ای کسانی که ایمان آورده‌اید شعائر خدا و ماه حرام و قربانی نشان‌دار و بی‌نشان حرمت نشکنید و آزار آنان را که به طلب روزی و خشنودی پروردگارشان آهنگ بیت‌الحرام کرده‌اند روا ندارید و چون از احرام در آمدید صید کنید..."

۴- الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ... (۱۰۶)).

"حج در ماههای معینی است. هر که در این ماهها این فریضه را ادا کند باید که در اثنای آن جماع نکند و فسقی از او سر نزند و مجادله نکند..."

حدیث شریف:

حدیث شریف:

۱- از امام جعفر الصادق علیه السلام نقل است که فرمود:

"لَا تَشْرَبْ شَيْئًا مِنَ الصَّيْدِ وَأَنْتَ حَرَامٌ، وَلَا وَأَنْتَ حَلَالٌ فِي الْحَرَمِ، وَلَا تُدِلَّنْ عَلَيْهِ مُحِلًّا وَلَا مُحْرِمًا فَيَصِيطَاكَ، وَلَا تُشِيرْ إِلَيْهِ فَيَسِيَّ تَحَلُّ مِنْ أَجْلِكَ، فَإِنَّ فِيهِ فِدَاءٌ لِمَنْ تَعَمَّدَهُ" (۱۰۷).

"در حالی که مُحْرِم هستی یا هنگامی که در حرم هستی چه مُحْرِم باشی یا نباشی، صیدی را حلال نشمار و دیگری را، چه مُحْرِم باشد یا نه، بر صیدی رهنمون نشو، و به صیدی اشاره نکن تا به سبب تو آن را روا دارد که هر که عمداً چنین کاری کند فدیة به او تعلق گیرد."

۲- از مسمع ابی سیار نقل است که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود:

"يَا أَبَا سَيَّارٍ، إِنَّ حَالَ الْمُحْرِمِ ضَيِّقَةٌ، إِنَّ قَبَلَ امْرَأَتِهِ عَلَى غَيْرِ شَهْوَةٍ وَهُوَ مُحْرِمٌ فَعَلَيْهِ دَمٌ شَاءَ، وَإِنْ قَبَلَ امْرَأَتَهُ عَلَى شَهْوَةٍ فَأَمْنِي فَعَلَيْهِ جُرُورٌ وَيَسِيءُ تَعْفُرُ اللَّهُ، وَمَنْ مَسَّ امْرَأَتَهُ وَهُوَ مُحْرِمٌ عَلَى شَهْوَةٍ فَعَلَيْهِ دَمٌ شَاءَ، وَمَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ نَظَرَ شَهْوَةٍ فَأَمْنِي فَعَلَيْهِ جُرُورٌ، وَإِنْ مَسَّ امْرَأَتَهُ أَوْ لَازَمَهَا مِنْ غَيْرِ شَهْوَةٍ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ" (۱۰۸).

"ای ابوسیار! وضع شخص مُحْرِم با محدودیت همراه است. اگر زنش را بدون شهوت ببوسد در حالی که مُحْرِم است باید گوسفندی

قربانی کند، و اگر با شهوت او رابوسد به گونه‌ای که از او منی خارج گردد باید شتری قربانی کند و از خداوند آمرزش جوید، و کسی که زنش را در حال احرام از روی شهوت لمس کند باید گوسفندی قربانی کند، و هر که از روی شهوت به زنش بنگرد و از او منی خارج گردد باید شتری قربانی کند ولی اگر بدون شهوت زنش را لمس کند یا ملازم او گردد چیزی بر او تعلق نمی‌گیرد."

۳- از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود:

"الْمُحْرِمُ لَا يَنْكُحُ، وَلَا يَنْكُحُ، وَلَا يَشْهَدُ، فَإِنْ نَكَحَ فَنِكَاحُهُ بَاطِلٌ" (۱۰۹).

"مُحْرِمٌ نَهَى نِكَاحَ مَنْ كَانَتْ بَيْنَهُمَا نِكَاحٌ دَرَمِيٌّ آيِدٌ، وَ (بِرِ عَقْدِ نِكَاحٍ) كَوَاهِي نَمِي دَهْدُ وَ اِگَر نِكَاحِ كَرْدِ پَس نِكَاحِشِ بَاطِلِ اسْت."

۴- از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود:

"لَا تَمَسَّ شَيْئًا مِنَ الطَّيِّبِ وَأَنْتَ مُحْرِمٌ، وَلَا مِنَ الدَّهْنِ، وَأَمْسِكْ عَلَى أَنْفِكَ مِنَ الرِّيحِ الطَّيِّبِ، وَلَا تَمْسِكْ عَلَيْهَا مِنَ الرِّيحِ الْمُتَنَبِّهِ، فَإِنَّهُ لَا يَتَّبِعِي لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَتَلَذَّذَ بِرِيحِ طَيِّبَةٍ، وَأَتَّقِ الطَّيِّبَ فِي زَادِكَ، فَمَنْ ابْتَلَى بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ فَلْيَعِدْ غُدْلَهُ، وَلْيَتَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ بِقَدْرِ مَا صَبَّحَ، وَإِنَّمَا يُحْرِمُ عَلَيْكَ مِنَ الطَّيِّبِ أَرْبَعَةٌ أَشْيَاءُ: الْمِسْكُ وَالْعَبْرُ وَالْوَرْسُ وَالزُّعْفَرَانُ، غَيْرَ أَنَّهُ يُكْرَهُ لِلْمُحْرِمِ الْأَذْهَانُ الطَّيِّبَةُ إِلَّا الْمُضْطَرَّ إِلَى الزَّيْتِ أَوْ شِبْهِهِ يَتَدَاوَى بِهِ" (۱۱۰). در حالی که محرم هستی نه عطری بر خود بمال و نه روغنی، و بینی خود را از بوی خوش بگیر و در استشمام بوهای ناخوش رهاش کن، زیرا مُحْرِمٌ را سزاوار نیست که از بوی خوش لذت برد. در توشه خود عطر نگذار و اگر کسی به عطر آلوده شود باید غسل خود از سر گیرد و به قدر گناه صدقه پردازد. چهار گونه عطر بر محرم حرام است: مُسْكٌ، عُنْبُرٌ، ورس و زعفران. استفاده از روغن خوش بو برای مُحْرِمٌ مکروه است مگر برای کسی که به منظور مداوا یا نظایر آن به استفاده از روغن مجبور باشد."

۵- از حماد بن عثمان نقل است که گفت: از ابو عبدالله علیه السلام پیرامون بوی خوشی سؤال نمودم که در کعبه و قبر (پیامبر) به کار می‌رود. حضرت علیه السلام فرمود: "لَا بَأْسَ بِهِمَا هُمَا طَهْرَانِ" (۱۱۱). آن دو پاکند و باکی از آنها نیست."

۶- از علی بن جعفر نقل است که گفت: از برادرم موسی علیه السلام درباره مفهوم رفت، فسوق و جدال سؤال نمودم، و این که چگونه است حال مرتکبان آن؟ حضرت علیه السلام فرمود:

"الرَّفْثُ: جِمَاعُ النِّسَاءِ، وَالْفُسُوقُ: الْكُذْبُ وَالْمُفَاخَرَةُ، وَالْجِدَالُ: قَوْلُ الرَّجُلِ: لَأُوَالِّهِ، وَبَلَى وَاللَّهِ" (۱۱۲).

"رفت، هم بستر شدن با زنان است و فسوق، دروغ و فخر فروشی است و جدال، چنین است که فرد بگوید: به خدا نه، یا به خدا آری."

۷- از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

"لَا يَكْتَحِلُ الرَّجُلُ وَالْمَرْأَةُ الْمُحْرِمَانِ بِالْكُحْلِ الْأَسْوَدِ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ" (۱۱۳).

"مرد و زن مُحْرِمٌ سرمه سیاه بر چشم نمی‌مالند، مگر برای بیماری."

۸- از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

"لَا تَنْظُرُ فِي الْمِرَاةِ وَأَنْتَ مُحْرِمٌ؛ لِأَنَّهُ مِنَ الزَّيْنَةِ" (۱۱۴).

"در حالی که مُحْرِمٌ هستی به آینه نگاه نکن، زیرا این کار زینت است."

۹- از ابی عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

"لَا تَلْبَسُ ثَوْبًا لَهُ أَرْزَاؤُ وَأَنْتَ مُحْرِمٌ إِلَّا أَنْ تُنْكِسَهُ، وَلَا ثَوْبًا تَدْرَعُهُ، وَلَا سِرَاوِيلَ إِلَّا أَنْ لَا يَكُونَ لَكَ إِزَارٌ، وَلَا خَفَيْنِ إِلَّا أَنْ لَا يَكُونَ لَكَ نَعْلَانِ" (۱۱۵).

"در حالی که محرم هستی جامه‌ای نپوش که دکمه داشته باشد، مگر اینکه آن راوارونه بر تن کنی، جامه و شلوار دوخته شده نپوش؛ مگر اینکه ازار (لنگ احرام) نداشته باشی، و کفش بر پای نکن، مگر این که نعلین نداشته باشی".

۱۰ - مسمع در حدیثی به نقل از ابو عبدالله علیه السلام می‌گوید: عرض کردم آیا شخص محرم انگشتری بر دست می‌کند؟ حضرت علیه السلام فرمود:

"لَا يَلْبَسُهُ لِلزَّيْنَةِ" (۱۱۶).

"برای زینت خیر".

۱۱ - از یعقوب بن شعیب نقل است که گفت: از ابو عبدالله علیه السلام پیرامون مُحرمی سؤال کردم که پول را در جامه خود می‌بندد، حضرت علیه السلام فرمود:

"نَعَمْ، وَيَلْبَسُ الْمِنْطَقَةَ وَالْهَمِيَانَ" (۱۱۷).

"اشکال ندارد، همچنین بستن کمر بند و همیان".

۱۲ - از امام صادق علیه السلام به نقل از پدرش آمده است که فرمود:

"الْمُحْرِمَةُ لَا تَنْقُبُ لِأَنَّ إِحْرَامَ الْمَرْأَةِ فِي وَجْهِهَا وَإِحْرَامَ الرَّجُلِ فِي رَأْسِهِ" (۱۱۸).

"زن مُحرم نقاب بر چهره نمی‌اندازد، زیرا احرام زن در چهره و احرام مرد در سر اوست".

۱۳ - از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

"الْمُحْرِمَةُ تَلْبَسُ الْخُلْيَ كُلَّهُ إِلَّا خُلْيَاءَ مَشْهُورًا لِلزَّيْنَةِ" (۱۱۹).

"زن مُحرم از هر گونه زیور و آلات استفاده می‌کند، مگر زیوری که به جهت زینت باشد".

۱۴ - از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

"إِنَّ الْمُحْرِمَ إِذَا خَافَ الْعُدُوَّ يَلْبَسُ السَّلَاحَ، فَلَا كَفَّارَةَ عَلَيْهِ" (۱۲۰).

"مُحرم اگر از دشمن بهراسد بی هیچ کفاره‌ای سلاح می‌بندد".

۱۵ - از ابو عبدالله علیه السلام درباره مُحرم پرسیدند که آیا حجامت او رواست؟ حضرت فرمود:

"لَا، إِلَّا أَنْ يَخَافَ التَّلَفَ وَلَا يَسْتَطِيعَ الصَّلَاةَ". وَقَالَ: "إِذَا آذَاهُ الدَّمُ فَلَا بَأْسَ بِهِ وَيَخْتَجِمُ وَلَا يَحْلِقُ الشَّعْرَ" (۱۲۱).

"خیر، مگر آنکه از هلاکت بترسد و نتواند نماز بگذارد". و نیز فرمود: "اگر خون، او را بیازارد باکی نیست که حجامت کند و موی نتراشد".

۱۶ - از معاویه بن عمّار نقل است که گفت: از ابو عبدالله علیه السلام پرسیدم که شخص مُحرم چگونه سر خویش بخاراند؟ حضرت علیه السلام فرمود:

"بِأَظْفِيرِهِ مَا لَمْ يُدْمِ أَوْ يَقْطَعَ الشَّعْرَ" (۱۲۲).

"با ناخنهایش به شرط آنکه خونی نکند و مویش را بر نکند".

۱۷ - از معاویه بن عمّار از ابو عبدالله علیه السلام آمده است که از ایشان درباره مردی سؤال کردم که ناخنهایش بلند شده است. حضرت علیه السلام فرمود:

"لَا يَقْصُ شَيْئًا مِنْهَا إِنْ اسْتَطَاعَ، فَإِنْ كَانَتْ تُؤْذِيهِ فَلْيَقْصَّهَا وَلْيُطِعمَ مَكَانَ كُلِّ ظُفْرِ قَبْضَةً مِنْ طَعَامٍ" (۱۲۳).

"اگر توانست چیزی از آن را نچیند، ولی اگر آزارش داد آنها را کوتاه کند و بجای هر ناخن یک مُشت گندم فدیّه بدهد".

۱۸ - ابو عبدالله علیه السلام می‌فرماید:

"لَمَّا يَرُمِي الْمُحْرِمُ الْقَمَامَةَ مِنْ تَوْبِهِ، وَلَمَّا مِنْ جَسَدِهِ مُتَعَمِّدًا، فَإِنْ فَعَلَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَلْيُطِعمَ مَكَانَهَا طَعَامًا، فَسَيَلَّ كَمْ؟ قَالَ: "كَفَاً"

وَاحِدًا (۱۲۴).

"شخص مُحَرَّم نباید شپش را از جامه و جسم خود به عمد براند، و اگر چنین کرد باید بجای آن اطعام کند،" راوی می‌گوید: عرض کردم چقدر؟ حضرت علیه السلام فرمود: "یک مُشت".

۱۹ - و همچنین فرمود: "كُلُّ مَا يَخَافُ الْمُحْرَمُ عَلَى نَفْسِهِ مِنَ السَّبَاعِ وَالْحَيَاتِ وَغَيْرِهَا فَلْيَقْتُلْهُ وَإِنْ لَمْ يَرِدْكَ فَلَا تَرُدَّهُ" (۱۲۵).

"مُحَرَّم از هر چه نظیر درندگان، مارها و نظایر آن ترسید اشکال ندارد که آنها را بکشد، ولی اگر متعرض شخص مُحَرَّم نشدند او نیز نباید متعرض آنها شود".

۲۰ - از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

"كُلُّ شَيْءٍ يَثْبُتُ فِي الْحَرَمِ فَهُوَ حَرَامٌ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ إِلَّا مَا أُتْبِتَهُ أَنْتَ وَعَرَسْتَهُ" (۱۲۶).

"هر چیزی که در حرم برآید بر همه مردم حرام است، مگر آنچه تو آن را رویانده و نشانده‌ای".

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

محرمات احرام؛ عبارت است از آنچه پس از بستن احرام بر حاجی مادامی که مُحَرَّم است حرام می‌باشد و باید از آنها بپرهیزد. و آن اموری است که ارتکاب برخی از آنها موجب کفاره می‌شود.

اول - صید جانوران خشکی:

صید جانوران خشکی بر مُحَرَّم حرام است، و روانیست به هر گونه درصید آن مشارکت داشته باشد خواه با عمل، یا سخن، یا گرفتن، یا ذبح آن، و تفاوتی میان حلال گوشتها و حرام گوشتها نیست و نیز حرام است که گونه‌های مختلف پرندگان را صید کند. خوردن گوشت شکار بر مُحَرَّم حرام است اگرچه آن را غیر مُحَرَّم شکار کرده باشد، و هر آنچه بر شخص مُحَرَّم در غیر حَرَم حرام است، بر شخص غیر محرم نیز در حرم خدا حرام است، پس حتی شخص غیر مُحَرَّم نمی‌تواند در حرم خدا پرند و یا شکاری را صید کند و نه بدان راهنمایی کند و نه ذبحش گرداند.

همان گونه که صید حرام است جوجه و تخم آن نیز حرام می‌باشد چه خوردن و یا از بین بردن آن، در این میان تفاوتی ندارد که خود به این کار پرداخته باشد یا موجبات آن را فراهم کرده باشد، و در هر حال به او کفاره تعلق می‌گیرد.

اینک پاره‌ای از احکام صید:

۱ - جایز است ذبح و خوردن حیوانات اهلی مانند: گوسفند، گاو، مرغ و نظایر آن.

۲ - شخص مُحَرَّم می‌تواند از دریا صید کند، یعنی حیواناتی که در آب دریاها، یا رودها، یا آبگیرها، یا نظایر آن زندگی می‌کنند همچون ماهی و میگو، اما ملاک در "دوزیستن‌ها" این است که آیا در آب تخمی می‌گذارد و تولید مثل می‌کند که در این صورت آبری به شمار می‌آید، و اگر در خشکی تخم می‌گذارد و تولید مثل می‌کند حیوان خشکی شمرده می‌شود. هم چنین حرام است صید ملخ خشکی، همچنان کشتن آن نیز حرام است اگرچه اصلش دریایی باشد.

۳ - مُحَرَّم می‌تواند حیوانات و یا حشراتی را که بدو حمله می‌کنند یا از وجود آنها بر خود می‌هراسد بکشد؛ حیواناتی همچون درندگان، مارها، کژدمها، مگسها، زنبورها و نظایر آن، نیز حشراتی همچون شپش و کک در صورتی که موجب آزار گردند.

۴ - کفاره صید نسبت به حیوانات متفاوت است و صید هر حیوانی تفصیلات، احکام و مسائل بسیاری دارد که معمولاً در روزگار ما نیازی به دانستن آن نیست و کسی که خواهان تفصیل آن باشد می‌تواند به کتب فقهی مفصل مراجعه کند.

دوم - پرداختن به امور جنسی و مسائل وابسته به آن:

مُحَرَّم، چه مرد و چه زن باشد، به هیچ وجه نمی‌تواند به مسائل جنسی همچون آمیزش، بوسیدن، لمس کردن، نگاه کردن یا از روی شهوت در آغوش گرفتن پردازد، خواه این کار از او منی خارج کند و یا نه، نیز بر او حرام است کاری انجام دهد که از روی شهوت از او منی خارج شود همچون بازی کردن با خویش یا تصوّر امور جنسی یا شنیدن صدای بیگانه.

تمام این امور بر شخص مُحَرَّم حتّی بر زن و شوهر حرام است، نیز بر مُحَرَّم حرام است که صیغه عقد نکاح را برای خود و یا دیگری جاری سازد، چنانچه حرام است که در مجلس عقد حضور یابد و شهادت دهد، و اگر امری از این امور تحقق یابد کفّاره بر او واجب می‌گردد (۱۲۷)، و طبیعاً با تکرار عمل، کفّاره نیز تکرار می‌گردد، و در حرمت این امور و لزوم پرداخت کفّاره تفاوتی میان احرام اقسام حجّ و عمره، مستحبّ و واجب نیست.

مسائل این باب:

مسائل این باب:

۱ - مُحَرَّم می‌تواند به همسر خود نگاه کند یا به او دست زند و یا از جایی به جایی حملش کند به شرط آن که تمامی این امور بدون شهوت صورت پذیرد.

۲ - اگر مرد مُحَرَّمی، با علم به حرام بودن این عمل، زنی را برای خود عقد کند این عقد باطل است و آن زن برای همیشه بر او حرام می‌گردد.

۳ - محتلم شدن شخص مُحَرَّم، یا خروج منی از او به صورت غیر ارادی کفّاره بر او واجب نمی‌گرداند و به اعمالش زیانی نمی‌رساند.

۴ - شخص مُحَرَّم مادامی که مُحَرَّم است نمی‌تواند به امور جنسی پردازد، اما این حرمت پس از تقصیر در عمره تمتّع، و بعد از نماز طواف نساء در حجّ از او مرتفع می‌گردد.

۵ - بر جاهل و یا کسی که از روی سهو، فراموشی و یا اجبار زنی را لمس کند کفّاره‌ای تعلق نمی‌گیرد.

۶ - اگر مرد مُحَرَّمی در حال احرام عمره تمتّع و پس از سعی و قبل از تقصیر عمدتاً و با آگاهی نسبت به حرام بودن این عمل، با زنش نزدیکی کند عمره‌اش صحیح است ولی باید شتری را کفّاره بدهد، و اگر نتوانست گاوی را و باز هم اگر نتوانست گوسفندی را، ولی عمره‌اش صحیح است.

اما اگر قبل از سعی با او آمیزش کند عمره‌اش باطل می‌شود، و کفّاره نیز باید بدهد.

بدین سان او عمره را تمام می‌کند و اگر وقت داشت آن را از سر می‌گیرد، و گرنه اقرب آن است که حجّ بگذارد و سپس عمره مفرده بجای آرد و احتیاطاً مستحب آن است که در سال آینده حجّش را اعاده کند.

۷ - کسی که با علم و عمد در حالی که مُحَرَّم است برای حجّ، پیش ازوقوف در مشعرالحرام با همسرش نزدیکی کند حجّش باطل است و اگر زنش بدین کار خشنود بوده باشد حجّ او نیز باطل است و باید امور زیر را بجای آورند:

الف - قربانی یک شتر به عنوان کفّاره.

ب - جدا شدن از یکدیگر تا پایان احرام حجّ، و احوط آن است که تابازگشت به مکّه از هم جدا باشند. معنی جدایی این است که با یکدیگر خلوت نکنند مگر آنکه شخص سومی در میان آن دو باشد که ایشان را از نزدیکی باز دارد.

ج - کامل کردن مناسک حجّ.

د - تکرار حج در سال آینده.

ه - جدایی هر یک از دیگری در سال آینده هنگام رسیدن به محل حادثه.

۸- اگر مرد مُحَرَّمی با آگاهی و از روی عمد پس از وقوف در مشعر الحرام و پیش از طواف نساء با همسر خود نزدیکی کند باید یک شتر کفاره دهد، ولی حجّش باطل نیست و نیز اگر با زنش ملاعبه کند بی هیچ دخولی و از او منی خارج شود باید یک شتر قربانی دهد، ولی حجّش باطل نمی‌شود حتی اگر پیش از دو موقوف باشد.

۹- اگر مرد مُحَرَّمی در احرام عمره مفرده پیش از سعی عالماً و عامداً با همسر خود نزدیکی کند باید یک شتر قربانی دهد و عمره او باطل می‌شود، و باید احرام از سر گیرد و عمره مفرده را دوباره به جا آورد و بهتر آن است که تا ماه بعد منتظر بماند تا عمره گزارد.

اما اگر این امر پس از طواف نساء و پیش از نماز طواف صورت پذیرد عمره او صحیح است و کفاره‌ای به او تعلق نمی‌گیرد.

۱۰- آمدن منی بسبب نگاه کردن، یا لمس کردن، یا بوسه و یا بازی از روی شهوت موجب می‌شود شتری را کفاره دهد، ولی اگر این امر پیش از دو موقوف در حجّ صورت پذیرد احتیاطاً مستحب پرداختن به وظائف کسی است که با زنش در این هنگام همبستر شده، یعنی هم کفاره به او تعلق می‌گیرد و هم باید در سال آینده حجّ گزارد.

۱۱- حرام است جاری کردن صیغه عقد نکاح برای مُحَرَّم، و کسی که چنین کند باید یک شتر قربانی دهد، چنان که شخص مُحَرَّم نیز باید کفاره بدهد، و نیز همسر اگر بداند به عقد مُحَرَّمی درمی‌آید. این همه در صورتی است که دخولی صورت گیرد. این حکم در روایتی از معصومین آمده است:

سوم - بوییدن عطر و استفاده از آن:

بر شخص مُحَرَّم حرام است بوییدن همه انواع عطرها و استفاده از آنها به منظور خوشبو کردن، و در این میان تفاوتی میان عطرها قدیمی همچون مُشک و عنبر و یا خوشبو کننده‌های جدید نیست.

از این میان استثناست عطرهایی که برای خوشبو کردن کعبه یا قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کار می‌رود که بوییدن آنها حرمتی ندارد. نیز نباید مُحَرَّم به هنگام رسیدن به بوی ناخوش بینی خود را بگیرد.

اینک توجه حاجیان گرامی را جلب می‌کنیم به مسائلی که احتمالاً در این باب بدان نیازمندند:

۱- مُحَرَّم باید از رسیدن بوهای خوش به بینی‌اش به وسیله دست یا دستمال و یا نظایر آن جلوگیری کند، ولی اگر بویی بی‌اختیار به بینی او رسیدنی به او وارد نمی‌کند.

۲- مُحَرَّم نباید در خوراک و نوشیدنی خود خوشبو کنندگانی همچون زعفران، مُشک، عنبر، و نظایر آن به کار برد، ولی می‌توان میوه‌هایی همچون سیب و پرتقال بخورد که بوی خوشی دارند، اما باید از بوییدن آنها پرهیزد.

۳- احوط آن است که شخص مُحَرَّم از بوییدن شکوفه‌ها و گل‌هایی که بوی خوشی دارند پرهیزد.

۴- مُحَرَّم می‌تواند عطر و نظایر آن را بخورد ولی نمی‌تواند حتی برای یک‌بار به منظور آگاهی از بوی آن بوییدش.

۵- همانگونه که مُحَرَّم نمی‌تواند عطر به کار برد مجاز نیست صابون معطر یا کرم خوشبو و نظایر آن را به کار برد.

۶- شخص مُحَرَّم می‌تواند از داروی شیمیایی، یا گیاهی، یا پانسمان خوشبو به هنگام ضرورت استفاده کند، چنانچه مثلاً پزشک بدو دستور این کار را داده باشد.

۷- شخص محرم باید بوهای خوش را از بدنش بزدايد، گرچه این بوها بدون اختیار به جسم او رسیده باشد.

۸- در صورت تکرار استفاده از عطر، کفاره آن نیز تکرار می‌شود.

۹- اگر شخص مُحَرَّم که احرام حجّ دارد پیش از پایان دادن به سعی بمیرد نباید او را با آب کافور غسل داد و یا با کافور حنوطش

کرد و نیز چنین است حکم مُحَرَمِی که در احرام عمره به سر می‌برد و پیش از تقصیر می‌میرد.

۱۰- مُحَرَمِ نباید بینی خود را از بوهای بد که به مشامش می‌رسد بگیرد، ولی برای رهایی از آن می‌تواند به شتاب از آن ناحیه بگذرد.

۱۱- اگر مُحَرَمِی به عمد از عطر استفاده کند باید گوسفندی کفّاره دهد، اما بر انسان جاهل و فراموش کار، کفّاره‌ای تعلق نمی‌گیرد و احوط آن است که به عنوان صدقه شکم یک مسکین را سیر کند.

چهارم - پوشیدن جامه برای مردان:

برای مردان حرام است جامه‌هایی چون پیراهن و شلوار و لباسهای دوخته شده بر تن کنند و به طور کلی نباید جامه‌ای بپوشند که دارای آستین و دکمه باشد که جسم ایشان را دربرگیرد.

اینک تفصیل احکامی که ممکن است حاجی بدان نیاز یابد:

۱- زن می‌تواند لباس پوشد و براو باکی نیست، ولی بر او حرام است دستکشی به دست کند که انگشتان و دو کف او را بپوشاند.

۲- مُحَرَمِ می‌تواند از فتق بند استفاده کند اگرچه دوخته شده باشد، همیان و کمر بند به خویش بندد، چنانچه می‌تواند کیفی را با خود همراه داشته باشد و یا آن را بر خویش بیاویزد.

۳- احوط آن است که دو جامه احرام ولو به مقدار ناچیز دوخته نشود.

۴- اگر مرد مُحَرَمِی با آگاهی و به عمد جامه دوخته شده بر تن کند باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

۵- با تکرار پوشیدن لباس دوخته شد، کفّاره نیز تکرار می‌شود، و اگر جامه‌ها تعدّد یابد کفّاره نیز به تعداد آن جامه‌ها تعدّد می‌یابد، مثلاً کسی که پیراهن، شلوار و عبایی بر تن کند سه کفّاره باید پردازد.

۶- مردی که ناگزیر است جامه دوخته بر تن کند - همچون فرد بیمار - می‌تواند چنین کند، ولی بنا به وجه اقوی کفّاره از او ساقط نمی‌شود.

۷- اگر فرد جاهل و یا فراموش کار جامه دوخته بر تن کند بر او کفّاره‌ای تعلق نمی‌گیرد، ولی باید به محض آگاهی یافتن، آن را از تن بیرون آورد.

۸- اگر پس از احرام به عمد و با آگاهی از حرمت پوشیدن لباس دوخته شده، آن را بر تن کند باید آن را پاره کند و از پای بیرون آورد.

۹- اگر مُحَرَمِی نیاز یافت شکم، یا پا و یا دست خود را با پارچه‌ای ببیچد باکی بر او نیست.

پنجم - سرمه کشیدن:

بر شخص مُحَرَمِ، مرد و یا زن باشد، حرام است که بر چشم خویش سرمه سیاه را که زینت به شمار می‌رود، به کار بندد، اما اگر سرمه‌ای زند که سیاه نباشد و زینتی به شمار نیاید کفّاره‌ای به او تعلق نمی‌گیرد.

و نیز بر مُحَرَمِ روا نیست که سرمه‌ای معطر به کار بندد.

احتیاط مستحب آن است که سرمه سیاه به کار برده نشود حتی اگر زینت به شمار نیاید.

ششم - دیدن خویش در آینه:

مُحَرَمِ نمی‌تواند خویش را در آینه نگاه کند، زیرا این کار جزو زینت است، اما نگاه کردن در آینه به منظورهای دیگری چنانچه راننده از آینه پشت خود را نگاه می‌کند، یا نگاه کردن در آینه به منظور مداوای زخم و واریسی کردن پیرامون بیماری و نظایر آن اشکالی ندارد.

ولی آنچه گاهی بر مُحَرَمِ اتفاق می‌افتد و چشم او بی‌هیچ عمدی به آینه حمامها و یا آسانسورها می‌افتد بدور از اشکال است. اگرچه

احوط آن است که به قدر توان از همه آنها دوری کند، ولی اگر نتوانست مستحب آن است که پس از هر مورد بگوید: "لَبَّيْكَ،" از جهت نگاه کردن در آینه، کفاره تعلق نمی‌گیرد.

هفتم - پوشیدن کفش و جوراب:

شخص مُحَرَّم نمی‌تواند کفش و یا جورابی به پا کند که پای او را پوشاند و ظاهر آن را پنهان دارد. اینک تفصیل آن از خلال چند مسأله به شرح زیر است:

۱ - باکی نیست اگر فرد دمپایی به پا کند که ظاهر پا را پوشاند، ولی اگر چنین دمپایی نیافت می‌تواند انواع دیگر کفش را بر پا کند به شرط اینکه پشت آن کفش را بشکافد به گونه‌ای که ظاهر پا پنهان نماند.

۲ - می‌توان ظاهر پا را بدون پوشیدن چیزی پوشاند، چنانچه شخص بر دو پای خود بنشیند یا مثلاً هنگام خواب آن دو را با روانداز بپوشاند.

۳ - اگر مُحَرَّم کفش، جوراب و نظایر آن بر پا کند احتیاطاً باید یک گوسفند کفاره دهد.

۴ - ظاهراً این حکم به مردان اختصاص دارد و پوشیدن کفش و یا جوراب بر زنان حرام نیست.

هشتم - فسوق:

بر شخص مُحَرَّم فسوق حرام می‌باشد، منظور از فسوق: عموم دروغ است چه همراه با سوگند و یا بدون سوگند باشد، و دشنام دادن، و فخر فروشی است، اما دروغ به قصد اصلاح میان دو نفر و یا دفع خطر از نفس محترمه و نظایر آن حرمتی ندارد. کسی که در احرام این حرام را مرتکب شود باید استغفار کند، تا حجتش کامل شود.

نهم - جدال:

بر شخص مُحَرَّم جدال حرام است، آن عبارت است از جر و بحث همراه با عبارات: "لا وَاللَّهِ" (به خدا نه) یا "بلی وَاللَّهِ" (به خدا آری) و اگر کسی این سخن را به دروغ بر زبان آورد هر بار یک کفاره، و اگر آن را به راستی بر زبان آورد هر سه بار یک کفاره به او تعلق می‌گیرد.

احکام جدال:

۱ - سوگند به یکی از این دو صیغه کفایت می‌کند: "لا وَاللَّهِ" و "یا بلی وَاللَّهِ".

۲ - اگر سوگند به زبانی جز عربی و به خدا باشد بنابه وجه اقوی همین حکم را دارد.

۳ - احوط آن است که به هر زبانی از قسم خوردن به دیگر اسامی حُسنای خدا پرهیز شود.

۴ - اگر قسم برای بزرگداشت صاحب آن باشد، یا برای اثبات حق و دور کردن باطل (همچون قسم در دادگاه) اشکالی ندارد.

۵ - بهتر آن است هرگونه مشاجره، مجادله، هر واژه زشتی و هر آنچه آزاری به مؤمنان رساند ترک شود.

۶ - اگر فردی در حال راستگویی قسم یاد کند، برای بار اول و دوم استغفار می‌کند و اگر برای بار سوم تکرار شد باید یک گوسفند ذبح کند.

۷ - اگر کسی به دروغ قسم یاد کند در بار اول باید یک گوسفند کفاره دهد.

۸ - اگر فردی دوبار به دروغ قسم یاد کند، احوط آن است که گاوی کفاره دهد.

۹ - اگر به دروغ بیش از سه بار قسم یاد کند، باید یک گاو قربانی کند.

دهم - کُشتن حشرات بدن:

بر فرد مُحَرَّم حرام است حشرات بدن را همچون شپش، ساس و کک رابکشد، و نیز حرام است آنها را از روی جسم و یا از لباس خود دور کند، مگر آنکه زیان و یا آزار بسیاری را موجب شود که در این صورت مُحَرَّم می‌تواند آن را دور کند و یا بکشد.

اگر مُحرمی حشره‌ای را که زیان ندارد از جسمش دور اندازد باید کفاره‌دهد و کفاره آن یک مُد طعام (۷۵۰ گرم گندم) برای فقیر است.

یازدهم - استفاده از انگشتری برای زینت:

بر شخص مُحرم، چه زن و یا مرد باشد استفاده از انگشتری برای زینت حرام است، ولی استفاده از آن برای ثواب اشکال ندارد.

دوازدهم - آرایش زن با استفاده از زیور آلات:

حرام است بر زن استفاده از زینت آلات به قصد آرایش، ولی آن چه زن عادتاً پیش از احرام برای همسرش از آن استفاده می‌کرده است، از این حکم استثناء شده، و زن می‌تواند از آن بدون قصد آرایش استفاده کند.
اینک چند مسأله:

۱ - مقصود از زیور آلات حرام، هر نوع زینتی است خواه از طلا، یا نقره و یا فلز دیگری که به طور کلی برای آرایش به کار می‌رود باشد.

۲ - اما آنچه زنان به کار می‌گیرند، مانند رژلب احوط آن است که ترک شود و نیز ترک هر نوع آرایشی که از پیش آن را نداشته است.

۳ - لازم نیست زن زیور آلتی را کنار گزارد که به استفاده از آنها عادت کرده به شرط آنکه آن را حتی برای شوی خود آشکار نسازد.

سیزدهم - چرب کردن:

بر شخص مُحرم حرام است، بدن، یا موی خود را با روغن و کرم و یا نظایر آن اگر عطر به همراه داشته باشد چرب کند، و نیز جایز نیست قبل از احرام به خود چربی بمالد اگر عطر آن تا هنگام احرام باقی می‌ماند، اما اگر روغن یا کرم بوی عطر آگین نداشته باشد می‌تواند قبل از احرام از آن استفاده کند حتی اگر اثرش تا پس از احرام باقی بماند، اما پس از احرام استفاده از آن جایز نیست. مُحرم می‌تواند اگر ضرورت باشد همچون درمان آفتاب‌زدگی، یا مصونیت در برابر آن از روغن، یا کرم مخصوص استفاده کند.

چهاردهم - گرفتن موی:

حرام است بر شخص مُحرم گرفتن موی از سر، ریش و یا بدن، اعم از کندن، یا تراشیدن، یا چیدن، خواه کم و یا زیاد باشد حتی اگر یک موی باشد، مگر آنکه مثلاً برای درمان چنین کند که در آن صورت باکی نیست.

و نیز بر او حرام است موی فرد دیگری را خواه محرم باشد و یا نه بگیرد. کفاره گرفتن موی سر، یک گوسفند، یا سه روز روزه، یا دادن دو مُد طعام برای شش بینواست، و در کفاره تفاوتی ندارد فرد به جهت ضرورت این کار را کرده باشد، یا نه.

پانزدهم - پوشاندن سر برای مرد و چهره برای زن:

بر مرد مُحرم حرام است که سر خود را بپوشاند و همچنان که بر زن مُحرم حرام است پوشاندن چهره خود را.

چند مسأله مهم:

۱ - همان گونه که پوشاندن کامل سر حرام است پوشاندن قسمتی از سر نیز حرام است.

۲ - منظور از پوشاندن سر قرار دادن چیزی بر سر است، یا پوشیدن عمامه، یا کلاه و یا نظایر آن، یا اینکه سر با هر ماده‌ای دیگر پوشانده شود.

۳ - جایز نیست سر و یا چهره با اجسام شفافی همچون شیشه یا پلاستیک و یا پارچه نازکی پوشانده شود.

۴ - پوشاندن سر و چهره با دو دست برای پرهیز از آفتاب، یا باران اشکالی ندارد.

۵ - اگر مردی سر خود و اگر زنی چهره خود را بپوشاند، باید یک گوسفند کفاره دهد.

شانزدهم - سایه گزیدن مردان، در حال حرکت:

بر مرد مُحْرِم حرام است پیاده و یا سواره سایه گزیند چنانچه از چتر استفاده کند، یا زیر سقفها و پلها راه برود، یا بر ماشینهای سقف‌دار و نظایر آن سوار شود، مگر در حال ضرورت و اضطرار باشد.

اینک بیان تفصیلی حکم از خلال چند مسأله:

۱ - زن، پسر بچه و دختر بچه مُحْرِم می‌توانند با اختیار، سایه گزینند، همچون جایز است مریضی که از سایه گزیدن بی‌نیاز نیست چنین کند. همین طور است حکم مضطر، یا مجبور و یا کسی که از بیماری می‌هراسد، یا پیرزن و پیرمرد، و نیز جایز است در حال تقیه و سختی و در دسترس نبودن ماشینهای بدون سقف.

۲ - اشکالی ندارد، زیر سقفهای منازل، یا بازارها و یا جز آن همچون خیمه‌ها به هنگام رسیدن به مکه مکرمه، یا هنگام رسیدن به منی و عرفات سایه گزیده شود.

۳ - مُحْرِم می‌تواند هنگام توقف در اماکن یا قهوه خانه‌های سر راه برای استراحت و خواب سایه گزیند یا زیر سقفها راه برود، بنشیند و یا دراز بکشد.

۴ - اگر مردی سایه گزیند باید یک گوسفند کفاره بدهد و در این بین تفاوتی نیست میان مختار و مضطر، و اقوی آن است که یک کفاره برای سایه گزیدن در احرام عمره کفایت می‌کند، و کفاره دیگری برای سایه گزیدن در احرام حج حتی در صورتی که در هر احرام بارها این کار تکرار شود.

۵ - احوط، پرهیز از سایه گزیدن است به هنگام راه رفتن داخل شهر مکه مکرمه و یا در حدود منی، ولی راه رفتن در بازارهای سقف‌دار و سایه‌ساختمانها جایز است.

۶ - احوط پرهیز از زیر سقف و یا سایبان قرار گرفتن در شب است، به‌ویژه اگر به منظور جلوگیری از سرما، یا باران، یا نظایر آن باشد، و اگر کسی برای ضرورت این کار را بکند، باید فدیة بپردازد.

هفدهم - خونی کردن:

و آن عبارت است از این که شخص مُحْرِم موجب گردد به هر نحوی خون از بدن خارج شود، خواه با ابزاری تیز همچون چاقو، یا با سوزن، یا خاراندن و یا استفاده از مسواک به گونه‌ای که خون خارج شود آنهم با آگاهی از آمدن خون و یا احتمال دادن آن. پس اگر کسی چنین کند باید کفاره بپردازد.

اما کسی که مجبور به این کار است همچون کسی که در حال احرام نیازمند آزمایش خون و یا حجامت باشد، باکی بر او نیست و کفاره‌ای به او تعلق نمی‌گیرد. و نیز اگر مسواک زند و خون بیرون آید ولی بدون قصد قبلی، یا به هنگام معالجه زخم، خون آید همین حکم را دارد.

کفاره خونی کردن استغفار است، و گفته شده است یک مُد طعام، و برخی گفته‌اند یک گوسفند که احتیاط مستحب همین است.

هجدهم - گرفتن ناخنها:

گرفتن ناخن به هر شکلی بر شخص مُحْرِم حرام است، اگر چنین کند کفاره بر او واجب می‌گردد، مگر در حال ضرورت همچون معالجه و یا گرفتن ناخن شکسته به منظور رهایی از آزار آن.

اما کفاره آن: برای هر ناخن یک مُد طعام است تا نه ناخن، اما کفاره ده‌ناخن یک گوسفند است اگر در یک مجلس صورت گرفته باشد، ولی اگر مثلاً همه ناخنهای دو دست در یک مجلس گرفته شده باشد و ناخنهای هر دو پادر مجلس دیگری، پس برای هر یک باید گوسفندی دهد.

نوزدهم - قطع گیاهان و درختان:

بر شخص مُحَرَّم و غیر مُحَرَّم حرام است در حرم (مکه و اطراف آن) درختان و گیاهان را قطع کند، و در این میان استثناست آنچه در ملک او پس از امتلاکش بروید، یا گیاهی که خود در ملک خویش بکارد که در این صورت می‌تواند آن را کوتاه و یا قطع کند. تفاوتی در حرمت میان قطع کردن با ابزار، یا تلف کردن آن با سوزاندن، یا مواد شیمیایی و یا نظایر آن نیست.

اگر کسی چنین کرد باید استغفار کند و بهای درخت را صدقه دهد، و باکی نیست اگر میوه‌های درخت را بچیند و بخورد.

کفاره قطع کردن درختان و گیاهان بنا به احتیاط مستحبّ به شرح زیر است:

۱ - کفاره قطع کردن درخت بزرگ از روی علم و عمد یک گاو است.

۲ - کفاره قطع یک درخت کوچک یک گوسفند است.

۳ - کفاره قطع کردن شاخه‌ها، برگها و یا علفها صدقه دادن به میزان بهای آن است.

بیستم - حمل سلاح:

بر شخص مُحَرَّم حرام است انواع سلاح را با خود داشته باشد خواه قدیمی باشد همچون شمشیر و زره و یا خواه جدید باشد همچون تفنگ، مسلسل و یا نارنجک و به هر روی مقصود از آن تجهیزات و لوازم جنگی است که در این میان استثناست آنچه همچون چاقو که برای اهداف دیگری همچون ذبح حیوانات و یا کارهای آشپزی به کار می‌رود.

همراه داشتن سلاح در حال انتظار حمله دشمن و نظایر آن جایز است و در این میان تفاوت نمی‌کند که فرد سلاح را به خود آویزان کند یا به دست گیرد و یا وسیله‌ای جنگی همچون تانک و زره‌پوش را براند. آری؛ جایز است که در میان کالاهای مُحَرَّم سلاح باشد بی آنکه به خود بندد.

در آستانه مکه مکرمه

قرآن کریم:

در آستانه مکه مکرمه

قرآن کریم:

خداوند می‌فرماید: ...وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا... (۱۲۸).

... "از مقام ابراهیم عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید" ...

حدیث شریف:

حدیث شریف:

۱ - از ابان بن تغلب نقل است که گفت: با امام جعفر صادق علیه السلام بین مکه و مدینه همراه بودم، پس چون به حرم رسیدم از مرکب فروشد و غسل کرد و دو کفش خود را به دست گرفت و با پای برهنه به حرم در آمد و من هرچه او کرد به جای آوردم. پس حضرت فرمود:

"ای ابان! هر که برای تواضع در برابر خدا آن کند که من کردم خداوند صد هزار گناه از او محو کند، و صد هزار نیکی برای او بنگارد، و صد هزار درجه بدو دهد، و صد هزار نیازش بر آورد. (۱۲۹)"

۲ - از حضرت صادق علیه السلام نقل است که فرمود:

"إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: (طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) (فَيَتَّبِعُنِي لِلْعِبَادِ أَنْ لَا يَدْخُلَ مَكَّةَ إِلَّا وَهُوَ طَاهِرٌ قَدْ غَسَلَ عَرَفَةَ وَالْأَذَى وَتَطَهَّرَ) (۱۳۰).

"خداوند عزوجل در کتابش می‌فرماید: (خانه مرا برای طواف کنندگان، اعتکاف کنندگان و راکعان و ساجدان پاک کنید). پس بنده را سزاوار نیست به مکه وارد شود مگر آنکه پاک باشد، و عرق و آلودگی از خود زدوده باشد و پاکیزه شده باشد."

۳ - حضرت باقر علیه السلام فرمود: "مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ بِمَكَّةَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَيَرَى مَنْزِلَهُ مِنَ الْجَنَّةِ" (۱۳۱).

"کسی که قرآن را در مکه ختم کند نمی‌میرد، مگر آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله را ببیند و جایگاه خویش را در بهشت نظاره کند."

۴ - در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که فرمود:

"يَا عَلِيُّ، إِنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ سَنَّ فِي الْجَاهِلِيَّةِ حَمْسَ سِنِينَ أَجْرَاهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ فِي الْإِسْلَامِ: حَرَّمَ نِسَاءَ الْأَبَاءِ عَلَى الْأَبْنَاءِ - إِلَى أَنْ قَالَ: وَلَمْ يَكُنْ لِلطَّوَافِ عَدَدٌ عِنْدَ قُرَيْشٍ فَسَنَّ لَهُمْ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ فَأَجْرَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ فِي الْإِسْلَامِ" (۱۳۲).

"ای علی! همانا عبدالمطلب در جاهلیت پنج سینه نهاد که خدا آنها را در اسلام تنفیذ کرد. او زن پدر را بر فرزند حرام گرداند - تا آن که فرمود: - و برای طواف عدد خاصی میان قریش نبود پس عبدالمطلب هفت شوط را قرار داد و خداوند همین را در اسلام تنفیذ فرمود."

۵ - حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: "يُصَلِّي زُكَّعَتِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْمَقَامِ بِ (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) (وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ)" (۱۳۳).

"باید دو رکعت نماز طواف فریضه پشت مقام با "قل هو الله احد" و "قل يا ايها الكافرون" به جای آورده شود."

۶ - از حسین بن عثمان نقل است که گفت: ابوالحسن علیه السلام را دیدم دورکعت نماز فریضه را نزد مقام به جای آورد که به دلیل زیادی مردم به سایه بانها نزدیک بود. (۱۳۴)

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

منطقه حرم همان منطقه‌ای است که از روزگار ابراهیم نبی علیه السلام شناخته شده است، و او این منطقه را با راهنمایی جبرئیل و به فرمان الهی مشخص کرده، سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشانه‌های آن را از نو مشخص ساخت و مسلمانان آن را پاس داشتند تا جایی که به حمد خدا تا امروز همچنان شناخته شده مانده است.

مرزهای حرم از ناحیه شمال، منطقه "تنعیم" یا مسجد العمرة است که از مسجد الحرام حدود شش کیلومتر و ۱۴۸ متر فاصله دارد، و از طرف غرب منطقه "علمین" یا "حدیبیه" است که از مسجد الحرام تقریباً ۴۸ کیلومتر فاصله دارد، و از جهت جنوب مرز آن "أضواء لبن" که ۱۲ کیلومتر و ۹۵ متر با مسجد الحرام فاصله دارد. و از سمت شرق به منطقه "جعرا نه" که حدوداً ۳۰ کیلومتر از مسجد الحرام فاصله دارد. (۱۳۵)

خداوند این ناحیه را حرم امن قرار داده است و در آیاتی چند بدان اشاره کرده است.

منطقه حرم احکام خاصی دارد چنانکه وارد شدن بدان نیز از آداب ویژه برخوردار است که به ترتیب به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم.

الف - احکام حرم:

- ۱ - شکار در آن حرام است.
- ۲ - قطع درخت و گیاه آن حرام است.
- ۳ - کفار نمی‌توانند به آن در آیند.
- ۴ - لُقطه آن، یعنی چیزی که در آن پیدا می‌شود به مالکیت کسی در نمی‌آید - اگر بیشتر از یک درهم باشد - حتی پس از گذشت یک سال از اعلان آن.
- ۵ - ثواب عبادت در آنجا چند برابر است.
- ۶ - پناه خواه در آنجا پناه داده می‌شود، ولی اگر مجرم باشد در خوراک و نوشیدنی و مانند آن بر او تنگ گرفته می‌شود تا از آنجا بیرون آید و سزای عمل خویش بیند.
- ۷ - مسافر می‌تواند در مکه مکرمه و مدینه منوره نمازهای خود را تمام بجا آورد و همچنان می‌تواند شکسته بجا آورد و در اتمام نیت اقامت شرط نمی‌باشد و جایز بودن اتمام منحصر به مسجد الحرام و مسجد النبی نمی‌باشد، بلکه می‌توان در تمام شهر مکه و مدینه نمازها را تمام بجا آورد.
- ۸ - جایز است بر سنگ فرشهای حرمین شریفین سجده کرد و به هنگام ضرورت می‌توان بر فرش آن نیز سجده نمود.

ب - آداب ورود به حرم:

- ۱ - غسل برای ورود به حرم.
 - ۲ - ورود با پای برهنه با آرامش و وقار و گرفتن کفش بر دست.
 - ۳ - خواندن دعای زیر:
- "اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: (وَأَذَّنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكَّرَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ) اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ. فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَتَّبِعِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ، وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي، وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ.
- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ" (۱۳۶).

ج - آداب دخول به مسجد الحرام:

- ۱ - غسل برای دخول به مسجد.
- ۲ - ورود با پای پیاده با آرامش و وقار.
- ۳ - دخول از باب " بنی شیبیه " که اینک در امتداد باب السلام قرار دارد.
- ۴ - بر در مسجد بایستد و بگوید:

"السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ

حَمِيدٌ مَّجِيدٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلِّمْ عَلَيَّ الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ الْإِيمَانِ أَيْدِئاً مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَرُؤَاغِهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَعَلَى كُلِّ مَرَاتِي حَقٌّ لِمَنْ آتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَرَاتِي وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صِدْقٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًّا أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدِيَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِيَّائِي بَرِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ (۱۳۷).

و سه بار بگوید: "اللَّهُمَّ فَكِّرْ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ" (۱۳۸).

و بگوید: "وَأَوْسَعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَادْرَعْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ" (۱۳۹).

و داخل مسجد الحرام شود و بگوید:

"بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ" (۱۴۰).

و دستش را به سوی آسمان بالا برد و روی به کعبه آرد و بگوید:

"اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَأَنْ تَجَاوِزَ عَن حَاطَتِي وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ الْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأَوْثَمُ طَاعَتِكَ، مُطِيعًا لَأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ مِنْ عَقُوبَتِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ" (۱۴۱).

و کعبه را مخاطب قرار داده و بگوید: "الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ، وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ" (۱۴۲).

و هنگام دیدن حجرالاسود بگوید:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّنْ أَخْشَى وَأَخْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. وَسَلِّمْ عَلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رِسْلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ" (۱۴۳).

و هنگام لمس کردن حجرالاسود بگوید -حتی اگر به سبب ازدحام از دور به آن اشاره کند:-

"اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى وَعِبَادَةِ كُلِّ نَدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ" (۱۴۴).

و بگوید:

"اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَّطْتُ يَدِي، وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي، فَأَقْبِلْ سُجُودِي، وَاعْفُ عَنِّي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ" (۱۴۵).

۲ - طواف**اشاره****۲ - طواف**

حال که با احرامِ عمره وارد مکه مکرمه و مسجد الحرام شده‌ای، باید به‌دومین عمل از اعمال عمره پرداز و آن طواف است. طواف؛ عبارت است از هفت بار گردش به دور کعبه مقدّس، که هر شوط آن از حجر الاسود آغاز و سپس به آن پایان می‌یابد، به گونه‌ای که در حال گردش، کعبه در سمت چپ قرار گیرد. در حجّ تمتّع، حجّ قرآن، حجّ افراد و عمره مفرده دو طواف واجب است، و طواف اول در آن رکنی است که با ترک عمده آن حجّ و عمره باطل می‌شود، اما طواف دوم یعنی طواف نساء اگرچه واجب است ولی رکن نیست. برای آن که طواف حاجی صحیح باشد ناگزیر باید پیشاپیش از شرایط صحت طواف و واجبات آن آگاهی یابد.

شرایط صحت طواف:

شرایط صحت طواف:

- ۱ - نیت؛ یعنی قصد قربت از این طواف به خداوند تعالی.
- ۲ - طهارت از حدث اکبر و اصغر؛ یعنی پاک بودن از حدثهایی همچون جنابت و حیض که غسل بر آنها واجب است و نیز داشتن وضو.
- ۳ - طهارت بدن و لباس از نجاستها به‌جز آنچه که در نماز استثنا شده است.
- ۴ - اینکه مذکر ختنه شده باشد و اگر یک حاجی، چه بالغ و یا کودک باشد، در صورتیکه ختنه نشده باشد طوافش صحیح نیست.
- ۵ - پوشاندن عورت که شرط پوشاک در آن همان شرط پوشاک در نماز است.

واجبات طواف:

واجبات طواف:

- ۱ - آغازیدن طواف از حجر الاسود و به پایان بردن هر شوط به آن.
- ۲ - قرار گرفتن کعبه در سمت چپ حاجی هنگام طواف.
- ۳ - قرار دادن حجر اسماعیل علیه السلام داخل طواف.
- ۴ - انجام دادن طواف بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام که افضل واحوط است.
- ۵ - شامل شدن طواف همه اجزاء کعبه را بنا به احوط، حتی اساس کعبه یعنی شاذروان (۱۴۶) را نیز شامل گردد، و باکی نیست اگر حاجی هنگام طواف دیوار کعبه و یا ارکان آن را لمس کند.
- ۶ - اینکه طواف هفت شوط کامل باشد، نه بیشتر و نه کمتر، ولی اگر حاجی پیش از آغاز به حجر الاسود و پس از به پایان بردن، بدون اینکه بخواهد و بدون قصد طواف، کمی بر آن بیفزاید باکی نیست.

۷- موالات در شوطهای هفتگانه طواف، بدین معنا که حاجی پس از هر شوط بی هیچ فاصله‌ای شوط بعدی را آغاز نماید.

پاره‌ای از احکام طواف:

پاره‌ای از احکام طواف:

- ۱- کسی که طواف عمره و حج را عمداً ترک گوید تا جایی که زمان آن از دست برود حجش باطل است و باید عمره و حج را از سر گیرد، زیرا طواف، رکنی از ارکان حج و عمره است.
- ۲- کسی که طواف را فراموش کند هرگاه آن را به خاطر آورد باید انجامش دهد، حج و عمره اش هم باطل نمی‌شود، حتی اگر پس از بازگشت به وطنش آن را به خاطر آورد باید در این هنگام خود بنابه احوط اگر برایش مقدور است به مکه باز گردد و طواف را قضا کند، و اگر برایش مقدور نبود باید از کسی بخواهد تا از سوی او طواف کند.
- ۳- در آغاز نمودن از حجرالاسود و پایان یافتن به آن، دقت لازم نیست. همچنین در قرار دادن سمت چپ طواف کننده به سوی کعبه، بلکه آنچه را عرف تصدیق کند کفایت می‌کند، ولی اگر از رکنی جز رکن حجرالاسود آغاز نموده و به پایان برساند طوافش باطل است، و چنین است اگر به گونه‌ای طواف کند که کعبه در سمت راست او قرار گیرد یا آن گونه طواف کند که در بیشتر اوقات چهره اش رو به کعبه باشد.
- ۴- طواف در حال سواره و یا در حالی که حاجی را کسی حمل کند یا در حال دویدن حتی اگر به اختیار صورت گیرد صحیح است.
- ۵- جایز است طواف پشت مقام ابراهیم علیه السلام صورت گیرد به ویژه هنگام ازدحام، ولی احوط آن است که در حالت غیر ازدحام، طواف بین مقام و کعبه و در حدود همان مسافت از سایر جهات صورت پذیرد.
- ۶- اگر حاجی به سبب پیش آمدن عذری همچون بیماری و یا باطل شدن وضو، یا حیض شدن زنان، طواف را قطع کند، باید به هنگام از میان رفتن عذر طواف را کامل گرداند، البته در صورتی که چهار شوط یا بیشتر از طواف گذشته باشد، و در غیر این صورت باید طواف را از سر گیرد.
- ۷- اگر در حال طواف وقت نماز واجب فرارسد، مستحب است طواف را قطع کند و پس از ادای نماز واجب، طواف را کامل گرداند حتی اگر در شوطهای نخست باشد.
- ۸- برای مردان مستحب است که حجرالاسود را لمس نموده و بیوسند، و در این هنگام دو دست را به دعا بلند کنند، همچنان مستحب است پس از استلام حجرالاسود (یعنی لمس کردن آن) دست را بیوسند.
- ۹- مستحب است حاجی هنگام طواف خشوع داشته باشد و ذکر خدا بر لب جاری نموده و بر محمد و خاندان او درود فرستد و دعا نماید، بویژه دعاهای منقول از پیامبر و خاندان او را بخواند. نیز مستحب است چشم خویش فرو گیرد.
- ۱۰- مستحب است در خلال اقامت در مکه مکرّمه ۳۶۰ بار طواف کند، یا ۱۰ بار در هر شبانه روز، یا به اندازه‌ای که مقدور است، ولی طواف هر چه بیشتر باشد فضیلتش بیشتر خواهد بود.
- ۱۱- در اثنای طواف مکروه است سخنی جز ذکر خدا و دعا بر لب آورده شود.
- ۱۲- شایسته نیست جز در هنگام ضرورت و یا نیاز، طواف واجب قطع شود، ولی باکی نیست اگر طواف مستحب بدون عذر قطع گردد.
- ۱۳- اگر حاجی طواف را عمداً قطع کند، اما پیش از آنکه موالات عرفی از بین رود و قبل از آنکه حرکتی صورت گیرد که با طواف

منافات داشته باشد، از محلی که طواف را قطع کرده آن را دوباره ادامه دهد و طوافش صحیح است، ولی اگر آنقدر فاصله بیافتد که در عرف، موالات از بین برود، یا حرکتی از اوسر زند که با طواف منافات دارد طوافش باطل است، در صورتی که شوطهای پیشین او به بیش از نصف نرسیده باشد و اگر به بیش از نصف رسیده باشد احتیاط این است که طواف، کامل گردد و دوباره اعاده شود.

حکم شک در طواف

حکم شک در طواف

شک در شمار شوطهای طواف بدو گونه تقسیم می‌شود:

اول - شکي که بدان توجه نمی‌شود و عبارت است از:

الف - شک در صحت طواف پس از فراغت کامل از آن.

ب - شک در شمار شوطهای طواف پس از فراغت از طواف و دخول به عبادت واجب دیگری همچون نماز طواف، اگر یکی از دو طرف شک، هفت شوط باشد مثل اینکه تردید کند که آیا پنج شوط رفته است یا هفت شوط، یا هفت شوط بجا آورده یا هشت شوط.

ولی اگر در واجب دیگری وارد نشده باشد و شک پس از پایان یافتن طواف حاصل آید شایسته نیست در اعاده طواف ترك احتیاط کند.

ج - اینکه در پایان شوط، در افزون بر هفت شوط شک کند در حالی که یقین دارد هفت شوط را کامل کرده است.

دوم - آنچه که طواف بدان باطل می‌گردد:

الف - اینکه طرفهای شک همگی کمتر از هفت شوط باشد مانند شک میان سه و چهار، یا میان پنج و شش.

ب - اینکه پیش از فراغت از طواف میان هفت و کمتر از آن شک کند.

ج - اینکه میان کمتر از هفت و بیشتر از آن شک کند همچنان که میان شش و هشت.

د - اینکه پیش از پایان یافتن طواف بین هفت و کمتر و یا بیشتر از آن شک کند همچنان بین شش و هفت و هشت.

ه - اینکه پیش از رسیدن به حجرالاسود و کامل کردن شوط بین هفت و بیشتر از آن شک کند.

مسائل مربوط به شک:

۱ - حکم ظن (گمان) در طواف همان حکم شک است مادامی که اطمینانی حاصل نیاید که همان علم عرفی است.

۲ - در حال شک در کمبود هنگام طواف مستحب و طواف نذر، بنا بر کمترین گذارده می‌شود و طواف صحیح است.

۳ - اگر در اثنای طواف باشد و نداند چند شوط طواف کرده، طواف را از سر می‌گیرد.

۴ - در شمارش تعداد شوطها جایز است بر بینه و شخص مورد اعتماد تکیه کرد.

۵ - اگر شک کرد که آیا شش شوط طواف نموده، یا هفت شوط و حکم مسأله را نمی‌دانست و بنا را بر شش نهاد و شوط آخر را پیمود، و وقت طواف از دست رفت باکی بر او نیست.

۶ - کسی که در شوط هشتم وارد شد در حالی که فراموش کرده، تا آنکه به رکن عراقی (اولین رکن پس از رکن حجرالاسود) رسید، احوط آن است که هفت شوط دیگر را کامل گرداند، (تا مجموع طواف او چهارده شوط گردد) (و اگر پیش از رسیدن به رکن عراقی به یاد آورد طواف را قطع می‌کند و باکی بر او نیست).

۳ - نماز طواف**۳ - نماز طواف**

نماز طواف سومین عمل از اعمال عمره تمتع می‌باشد و آن عبارت است از دو رکعت نماز که حاجی پس از طواف مستقیماً پشت مقام ابراهیم علیه السلام بجای آورد. این نماز هم در عمره تمتع، هم در حج و هم در عمره مفرده واجب است. و تفاوتی میان واجب و مستحب آن نیست. این نماز احکامی دارد که در زیر بدان اشاره می‌کنیم:

۱ - شخص نماز گزار می‌تواند به هنگام ازدحام در سمت راست، یا در سمت چپ مقام بایستد و هرچه به مقام نزدیکتر باشد فضیلتش بیشتر است. این در حالت عادی است، اما هنگام افزایش ازدحام می‌تواند به گونه‌ای بایستد که مقام ابراهیم میان او و کعبه قرار گیرد، در غیر اینصورت می‌تواند در هر نقطه‌ای از مسجد الحرام، هرچه نزدیکتر به مقام، هنگام تنگی وقت بایستد. این درباره طواف واجب، اما درباره طواف مستحب می‌تواند این نماز را به اختیار در هر جای مسجد اقامه کند.

۲ - کسی که نماز طواف را فراموش کرد باید به هنگام یاد آوردن آن قضایش را بجای آورد و این زیانی به اعمال پس از طواف او نمی‌رساند. اگر در مکه مکرمه باشد در مقام قضایش می‌کند، و اگر خارج از مکه باشد در هر کجا می‌تواند آن را قضا کند، ولی بهتر آن است که به مکه باز گردد و در مقام قضایش را بگذارد یا کسی را نایب خود گیرد تا از سوی او این نماز را بجای آورد.

۳ - اقامه این نماز همچون نمازهای دیگر، باید صحیح باشد، پس شخص نماز گزار باید واژه‌های نماز را صحیح تلفظ کند، و هر که نتواند کلمات نماز را صحیح بر زبان آورد باید آن را بیاموزد و خود، نماز را بجای آورد، زیرا در اینجا گرفتن نایب کفایت نمی‌کند.

۴ - سعی**قرآن کریم:****۴ - سعی**

قرآن کریم:

(إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا... (۱۴۷)).

"صفا و مروه از شعائر خداست، پس کسانی که حج را به جای می‌آورند یا عمره می‌گذارند مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند..."

حدیث شریف:

حدیث شریف:

۱ - حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: "السَّعْيُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فَرِيضَةٌ" (۱۴۸).

"سعی میان صفا و مروه واجب است".

۲ - از ابو بصیر نقل است که گفت: از ابو عبدالله علیه السلام شنیدم که گفت:

"مَا مِنْ بَقْعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْمَسْعَى لِأَنَّهُ يُدَلُّ فِيهَا كُلَّ جَبَّارٍ" (۱۴۹).

"هیچ سرزمینی نزد خدا محبوب‌تر از محل سعی نیست، زیرا در آنجا هر جباری فروتن می‌شود".

۳- از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

... "ثُمَّ انْحَدِرْ مَا شِئْتَ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ حَتَّى تَأْتِيَ الْمَنَارَةَ، وَهِيَ طَرْفُ الْمَسْعَى، فَاسْعِ مِلَّءَ فُرُوجِكَ، وَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقُلْ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَعْفُ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمَاعِزُ الْمَأْكُورُ، حَتَّى تَبْلُغَ الْمَنَارَةَ الْآخِرَى."

قَالَ: "وَكَانَ الْمَسْعَى أَوْسَعَ مِمَّا هُوَ الْيَوْمَ، وَلَكِنَّ النَّاسَ ضَعِيفُونَ، ثُمَّ امْشِ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ، فَاصْبِرْ عَلَيْهَا حَتَّى يَبْدُو لَكَ الْبَيْتُ فَاصْنَعْ عَلَيْهَا كَمَا صَنَعْتَ عَلَى الصَّافَا، ثُمَّ طُفْ بَيْنَهُمَا سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ تَبْدَأُ بِالصَّافَا وَتَخْتِمُ بِالْمَرْوَةِ، ثُمَّ قَصِّرْ" (۱۵۰...).

... "سپس پیاده بیا در حالی که آرامش داری و وقار، تا به مناره آیی و آن گوشه مسعی است. پس هروله (۱۵۱) کن و بگو: "بنام خدا و خدا بزرگتر است و درود خدا بر محمد و خاندان او" و نیز بگو: "خدایا ببخش و رحم کن و در گذر از آنچه می دانی که تنها تو عزیزترین و کریمترین، تا به مناره دیگر رسی" حضرت می افزاید: "محل سعی بزرگتر از آن چیزی بوده است که امروز، ولی مردم آن را محدود کرده اند و سپس پیاده رو در حالی که آرامش داری و وقار. پس از مروه بالا رو تا خانه خدا را بینی و انجام ده آنچه را بر صفا انجام داده ای، سپس میان آندو هفت بار سعی کن که از صفا آغاز و به مروه ختم می گردد و در پی آن تقصیر کن." ...

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

سعی چهارمین عمل از اعمال عمره تمتع است و آن عبارت است از پیمودن هفت بار فاصله میان صفا و مروه است به اینکه شوط نخست از صفا به سوی مروه آغاز می شود و شوط دوم از مروه به سوی صفا تا اینکه شوط هفتم به مروه ختم می گردد.

پاره‌ای از احکام سعی:

پاره‌ای از احکام سعی:

۱- حج و عمره با ترک عمدی سعی باطل می شوند، اما اگر ترک آن به سبب جهل یا فراموشی مسأله باشد مبطل نیست، بلکه حاجی باید خود آن را در صورت امکان قضا کند، اگر نتوانست، نایب بگیرد و حتی پس از ماه ذی الحجّه باید انجام دهد.

۲- سعی باید با نیت قربت صورت گیرد، بدین ترتیب که قصد کند سعی را برای فرمانبری از خدا انجام می دهد، در آن طهارت از حدث یعنی وضو و غسل و نیز طهارت از خبث یعنی طهارت بدن و لباس از نجاسات، شرط نیست، بلکه مستحب می باشد.

۳- مستحب است پیش از روی آوردن به صفا برای آغاز نمودن سعی حجرالاسود را لمس کند یا حداقل بدان اشاره کند و سپس از آب زمزم بنوشد و از آن بر سر و پشت و شکمش بریزد و دعا کند که خداوند آن را علم نافع، رزق گسترده و بهبودی از هر مرض و بیماری قرار دهد.

۴- در سعی واجب نیست از صفا بالا رود و بر سنگها صعود کند همچنان لازم نیست با پا سنگهای مروه را لمس کند، بلکه در سعی کافی است از لبه صفا شروع کند و به لبه مروه برسد.

۵- جایز است مسافت میان صفا و مروه به هر صورتی پیموده شود خواه با پای پیاده، یا دویدن یا سواره و امثال آن.

۶- احوط آن است که در طبقه بالا سعی نکند.

- ۷- برای مردان مستحب است میان دو نشانه نهاده شده که اینک با چراغ سبز مشخص است هروله کنند.
- ۸- واجب است سعی هفت شوط کامل باشد بی هیچ افزایش و کاهش هرگونه افزایش و کاهش عمدی سعی را باطل می‌کند، اما اگر از روی سهو، یا نسیان، یا جهل باشد افزایش، زبانی بدان وارد نمی‌کند و باید کاهش راجبران کرد.
- ۹- به شک در صحت سعی و یا شمار شوطها پس از فراغت از سعی اعتنائی شود.
- ۱۰- اگر پس از فراغت از سعی یقین کند که سعیش کمبود داشته باید کاستی را جبران کند و سعیش صحیح خواهد بود.
- ۱۱- در سعی، موالات واجب نیست. پس در اثنای سعی می‌تواند استراحت کرد، آشامید و یا نوشید، از محل سعی خارج شد و نماز گزار، مشروط به آنکه فاصله بسیار ایجاد نشود مثل اینکه سعی به فردا موکول گردد.
- ۱۲- در خلال سعی اشکالی ندارد اگر کسی سخن بگوید، ولی بهتر است این کار را نکند و به ذکر خدا و دعا مشغول گردد.
- ۱۳- اگر خطا کرد و یک شوط افزود، شوط افزوده را نادیده می‌گیرد و هفت شوط را به شمار می‌آورد، و اگر خطا کرد و گمان بُرد که هر رفت و برگشت یک شوط به شمار می‌رود، و چهارده شوط سعی کرد، هفت شوط نخست را به شمار آورد و اشکالی بر او نیست.

۵- تقصیر

حدیث شریف:

۵- تقصیر

حدیث شریف:

از حضرت صادق علیه السلام نقل است که فرمود:

"إِذَا فَرَعْتَ مِنْ سَعِيكَ وَأَنْتَ مُتَمِّعٌ فَقَصِّرْ مِنْ شَعْرِكَ مِنْ جَوَانِبِهِ وَلِحْيَتِكَ، وَخُذْ مِنْ شَارِبِكَ، وَقَلِّمْ أَظْفَارَكَ، وَأَبْقِ مِنْهَا لِحْجَكَ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ أَهَلَّتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَحِلُّ مِنْهُ الْمُحْرِمُ وَأَحْرَمَتْ مِنْهُ، فَطُفْ بِالْبَيْتِ تَطَوُّعًا مَا شِئْتَ" (۱۵۲).

"هرگاه از سعی خود فارغ شدی در حالی که در عمره تمتع به سر می‌بری، پس از گوشه‌های موی و ریش تقصیر کن و سبیل خود را بگیر و ناخن را کوتاه کن و اندکی از آن را برای حجت باقی بگذار. پس هرگاه چنین کردی هرچه بر مُحْرِم حرام است بر تو حلال گردد و خانه را داوطلبانه هرچه خواستی طواف کن."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

تقصیر پنجمین عمل از اعمال عمره تمتع است و آن عبارت از کوتاه کردن مقداری موی از سر، یا ریش، یا سبیل و یا گرفتن مقداری از ناخن پس از فراغت از سعی به نیت تقرب به خداوند سبحان است. و بوسیله آن آنچه بر مُحْرِم با احرام، حرام شده بود حلال می‌گردد جز تراشیدن که بنا به احتیاط حاجی باید برای حج موی خود را نگاه دارد.

پاره‌ای از احکام تقصیر:

پاره‌ای از احکام تقصیر:

- ۱ - کندن موی به جای چیدن آن در تقصیر کفایت نمی‌کند، ولی جایز است با هر ابزار تیزی و حتی با دند آنها آن را کوتاه کرد.
- ۲ - واجب نیست بلافاصله پس از سعی اقدام به تقصیر کند، بلکه می‌توان تقصیر را پس از مدتی نیز انجام داد و شرط نیست این کار در مروه صورت پذیرد، بلکه می‌توان تا به منزل به تأخیرش انداخت، ولی به هر صورت باید پیش از احرام حج انجام پذیرد.
- ۳ - عمره کسی که تا وقت احرام حج، تقصیر را عمداً ترک کند باطل است و حجش باطل می‌گردد و او باید پس از فراغت از اعمال حج، حج افراد، عمره مفرده به جای آورد.
- ۴ - کسی که از روی جهل تقصیر را ترک گوید یا گمان برد تقصیر کرده است و پس از احرام حج از آن آگاهی یابد عمره اش صحیح خواهد بود و اشکالی ندارد. اما کسی که از روی نسیان آن را ترک گوید عمره اش نیز صحیح خواهد بود، ولی بنا به احوط باید گوسفندی را کفاره دهد.
- ۵ - مستحب است که از گوشه‌های موی و ریشش تقصیر کند و سیلش را کوتاه کند و ناخنش را بگیرد و چیزی از آن را برای حجش باقی بگذارد.
- ۶ - جایز نیست به جای تقصیر سرش را حلق کند و اگر چنین کرد بنا به احوط کفاره به او تعلق می‌گیرد.
- ۷ - مستحب است کسی که تقصیر می‌کند با پوشیدن دو جامه احرام به افراد مُحَرَّم تشبه جوید.

بخش چهارم

تفصیل اعمال حج

اعمال حج تمتع

حدیث شریف:

بخش چهارم

تفصیل اعمال حج

اعمال حج تمتع

حدیث شریف:

از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود:

"إِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَاغْتَسِلْ ثُمَّ الْبَسْ ثَوْبَيْكَ، وَادْخُلِ الْمَسْجِدَ حَافِيًا، وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ، ثُمَّ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْ فِي الْحِجْرِ، ثُمَّ اقْعُدْ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ فَصَلِّ الْمَكْتُوبَةَ، ثُمَّ قُلْ فِي دُبُرِ صَلَاتِكَ كَمَا قُلْتِ حِينَ أَحْرَمْتَ مِنَ الشَّجَرَةِ، وَأَحْرِمِ بِالْحَجِّ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ" (...۱۵۳).

"چون روز ترویبه فرارسید، به خواست خدا غسل کن و سپس دو جامه‌ات را بپوش و با پای برهنه به مسجد داخل شو در حالی که آرامش و وقار داری، سپس در مقام ابراهیم علیه السلام یا در حجر دو رکعت نماز بگذار، سپس بنشین تا خورشید به زوال (ظهر شرعی) رسد و نماز واجب خویش بجای آور، و در پس نمازت بگو همان چیزی را که هنگام احرام در مسجد الشجره گفتی و برای حج احرام کن."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

پیشتر گفته شد که حج تمتع آمیخته‌ای است از دو واجب که نخست آن عمره تمتع - که قبلاً اعمال آن را گفته‌ایم - و دوم آن حج تمتع که در آینده به اعمال آن اشاره خواهیم کرد و پیش از آن باید اشاره‌ای به شرایط حج تمتع داشته باشیم.

شرایط حج تمتع:

شرایط حج تمتع:

- ۱ - نیت؛ و آن عبارت است از قصد قربت در انجام مناسک حج همراه با انجام همه اعمال که از نخستین بخش عمره تمتع آغاز شده و تا اعمال پایانی آن می‌باشد.
- ۲ - به جا آوردن حج تمتع با عمره تمتع در یکی از ماههای حج که عبارتند از: ذی القعدة و ذی الحجه همان سال.
- ۳ - احرام حج باید در مکه مکرمه صورت پذیرد.

اعمال حج تمتع:**۱ - احرام****اشاره**

اعمال حج تمتع:

۱ - احرام

تفاوتی نیست میان احرام عمره تمتع و احرام حج از نظر شرایط، وظایف و محرمات احرام، مگر اینکه این احرام باید در مکه مکرمه صورت پذیرد، و بهتر آن است که در مسجد الحرام باشد، و بهتر از آن این است که در مقام ابراهیم و یا حجر اسماعیل احرام بندد. بهترین وقت برای احرام همان روز ترویبه است یعنی هشتمین روز از ماه ذی الحجه، پس از آنکه حاجی احرام می‌بندد، بسوی منی روی می‌آورد و شب عرفه را در آنجا سر می‌کند، و پس از پگاه روی به سوی وادی عرفات می‌کند و از وادی محسر عبور نمی‌کند، مگر پس از طلوع خورشید که این همه از روی استحباب صورت می‌پذیرد.

پاره‌ای از احکام این باب:

پاره‌ای از احکام این باب:

- ۱ - کسی که نتواند در مکه مکرمه احرام بندد می‌تواند در هر جا که مقدرش است احرام بندد و احرامش صحیح خواهد بود حتی در عرفه.
- ۲ - کسی که در غیر از مکه مکرمه با علم و عمد احرام بندد احوط آن است که به مکه باز گردد و از آنجا احرام کند. آری! اگر پس از عمره تمتع از مکه خارج شده باشد و پس از یک ماه بدان باز گردد از میقات احرام حج می‌کند.
- ۳ - کسی که در غیر از مکه مکرمه از روی جهل یا فراموشی احرام بندد باید هر جا که دانست یا به خاطر آورد دوباره احرام بندد،

اگرچه در وادی عرفات باشد و چیزی بر او نیست. و اگر از روی جهل یا فراموشی تا پایان همه اعمال حج احرام نبندد، حجش صحیح است.

۴ - جایز نیست پس از تکمیل عمره تمتع و پیش از احرام حج تمتع، اگر بترسد که وقت حج فوت شود، از مکه خارج شود، مگر برای ضرورتی، اما اگر چنین هراسی را نداشته باشد اشکالی ندارد که خارج شود و در این هنگام جایز نیست از مکه احرام بندد و خارج شود و اگر وقت تنگ بود به وادی عرفات روی می آورد بی آنکه به مکه باز گردد.

۲ - وقوف در عرفات

حدیث شریف:

۲ - وقوف در عرفات

حدیث شریف:

۱ - حضرت صادق علیه السلام می فرماید: "فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى عَرَفَاتٍ فَاصْرِبْ حِبَاءَ كَبْنَمِرَةَ وَنَمْرَةَ هِيَ بَطْنُ عَرَفَةَ دُونَ الْمُؤَقِفِ وَدُونَ عَرَفَةَ، فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ عَرَفَةَ فَاغْتَسِلْ وَصَلِّ الظُّهْرَ وَالْعَصِيرَ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ، فَإِنَّمَا تُعَجَّلُ الْعَصِيرَ وَتَجْمَعُ بَيْنَهُمَا؛ لَلتُفَرِّغَ نَفْسَكَ لِلدُّعَاءِ، فَإِنَّهُ يَوْمٌ دُعَاءٍ وَمَسْأَلَةٍ" (۱۵۴).

"پس چون به عرفات رسیدی خیمهات را در نمره برپا کن،... و چون در روز عرفه خورشید زوال کرد، غسل کن و با یک اذان و دو اقامه نماز ظهر و عصر بگزار و این دو نماز را با هم می خوانی تا وقت آن را بیابی که به دعا پردازی، زیرا که این روز، روز دعا و درخواست است."

۲ - محمد بن علی بن الحسین می گوید: "رَوَى أَنَّ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ ذَنْبًا مَنْ وَقَفَ بِعَرَفَاتٍ ثُمَّ ظَنَّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ" (۱۵۵).

"روایت شده است که گناهکارترین مردم کسی است که در عرفات وقوف کند و گمان برد که خدا او را نبخشیده است."

۳ - از عمر بن اذینه به نقل از ابو عبدالله علیه السلام در حدیثی آمده است که گفت: از حضرت علیه السلام پیرامون معنی حج اکبر سؤال کردم. پس حضرت فرمود: "الْحَجُّ الْأَكْبَرُ: الْمُؤَقِفُ بِعَرَفَةَ وَرَمَى الْجِمَارِ" (۱۵۶...).

"حج اکبر همان وقوف عرفه و رمی جمره است."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

وقوف در عرفات (۱۵۷) دومین واجب از واجبات حج تمتع است و آن رکنی است از ارکان حج که با ترک عمدی آن حج باطل می گردد.

مراد از وقوف در عرفات اقامت در آنجاست به جهت اطاعت امر خداوند سبحان از ظهر نهم ذی الحجه تا مغرب همان روز. یک حاجی باید حضور خود را در عرفات در روز عرفه مغتنم بشمارد، زیرا ممکن است این روز برای او تکرار نشود، او باید بکوشد از برکت این روز بهره مند گردد. این روز، روز رحمت و بخشش است و حاجی باید یقین داشته باشد گنااهش هرچه هم بزرگ باشد توبه اش پذیرفته خواهد شد، زیرا گمان بخشیده نشدن در این روز خود گناه بزرگی است. شیخ صدوق (علیه الرحمه) در کتاب خود "من لا یحضره الفقیه" می گوید:

گناهکارترین مردم از اهل عرفات کسی است که از عرفات باز گردد و گمان کند بخشوده نشده است.

احکام وقوف در عرفات:

احکام وقوف در عرفات:

- ۱ - کسی که وقوف در روز عرفه را از دست بدهد، باید قدری اگر چه یک ربع ساعت در شب دهم بین مغرب تا پگاه در آن وقوف داشته باشد.
- ۲ - برای وقوف در عرفات از هنگام زوال آفتاب تا یک ساعت بعد از آن، نیت واجب است و بهتر به زبان آوردن نیت می باشد.
- ۳ - ترک وقوف در عرفات برای مدتی از وقت مذکور بی هیچ عذری گناه است. ولی به صحت حج زیانی وارد نمی کند.
- ۴ - کسی که وقوف در عرفات را فراموش کند حجش صحیح است ولی هنگامی که آن را به یاد آورد باید مدتی در آن وقوف کند و گرنه باید به وقوف اضطراری شب دهم تن در دهد و در غیر این صورت چیزی بر او نیست.
- ۵ - منظور از وقوف در عرفات درنگ و اقامت است در آن برای مدتی مشخص بدون آنکه از آن خارج گردد بی آنکه تفاوتی میان جلوس، یا خواب، یا راه رفتن در طول این مدت باشد، بلکه بهتر آن است در سمت راست جبل الرحمه بایستد و بازاری از خداوند بخواهد توبه اش را بپذیرد.

مستحبات وقوف در عرفات:

مستحبات وقوف در عرفات:

برای وقوف در عرفات مستحباتی است که به مهمترین آنها اشاره می کنیم:

- ۱ - خواندن این دعا هنگام رفتن به سوی عرفات:
 "اللَّهُمَّ إِنِّي آتَيْتُكَ صِيَامًا، وَإِيَّاكَ عِتَمَةً، وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رَحَلَتِي، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي" (۱۵۸).
- ۲ - غسل کردن.
- ۳ - اقامه دو نماز (ظهر و عصر) با یک اذان و دو اقامه در اول وقت ظهر برای کسی که در خارج از عرفه (مثل نمره) خیمه زده است و این برای زودتر رسیدن به عرفات است که به پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت می پذیرد.
- ۴ - باقی ماندن بر وضو در طول اقامت در عرفات.
- ۵ - وقوف در دامنه کوه. بالا رفتن بر کوه جز برای ضرورت کراهت دارد.
- ۶ - توجه به خداوند سبحان از ژرفای دل و تکرار اذکار زیر بشمار یکصد بار: "اللَّهُ أَكْبَرُ"، "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ"، "الْحَمْدُ لِلَّهِ"، "سُبْحَانَ اللَّهِ"، "مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ" و "اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ".
- ۷ - خواندن سوره ها و آیات زیر به شمار یکصد بار: سوره اخلاص، سوره قدر، سوره فلق، سوره ناس و آیه الکرسی.
- ۸ - پرداختن فراوان به دعا و ذکر و درود بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او.
- ۹ - پرداختن به توبه و استغفار از گناهان و ذکر یک یک آنها.
- ۱۰ - خواندن دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه و نیز دعای امام زین العابدین علیه السلام و دعاها را فراوان مشابه که در کتابهای دعا موجود است.
- ۱۱ - خواندن زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه.
- ۱۲ - پناه بردن به خدا از شر شیطان رجیم.

۱۳ - خواندن دعای زیر هنگام خروج از عرفات:

"اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَارْزُقْنِيهِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَأَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَاعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَهَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ مَالٍ أَوْ أَهْلِ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَبَارِكْ لَهُمْ فِي" (۱۵۹).

احکام دو وقوف:

احکام دو وقوف:

مهمترین ارکان حج ذکر خداست هنگام وقوف در مشعر الحرام در شب عید تا ظهر روز عید. پس کسی که مدتی از این زمان را در این سرزمین سر کند حج را درک کرده است و کسی که هرگز آن را درک نکند حج را ازدست داده است. مقدار ضروری آن درنگی است هر چند اندک اگر چه به قدر گذری باشد. کسی که وقوف در عرفه را ترک کند بنابه حکم اقوی حجی ندارد و کسی که وقوف در مشعر را از روی عمد و علم ترک گوید حجش باطل گشته است. تفصیل سخن پیرامون مسأله دو وقوف را در جدول ص ۱۷۲ آورده‌ایم.

۳ - وقوف در مزدلفه

قرآن کریم:

۳ - وقوف در مزدلفه

قرآن کریم:

(لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفْضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ * ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۶۰)).

"اگر به هنگام حج طالب روزی خدا باشید مرتکب گناهی نشده‌اید و چون از عرفات باز گشتید خدا را در مشعر الحرام یاد کنید از آن رو که شما را هدایت کرده درحالی که پیش از آن گمراه بوده‌اید. سپس از آنجا که دیگر مردم کوچ می‌کنند شما نیز کوچ کنید و از خدا آمرزش بخواهید که آمرزنده و مهربان است."

حدیث شریف:

حدیث شریف:

۱ - امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

"إِذَا غَزَبَتِ الشَّمْسُ فَأَفِضْ مَعَ النَّاسِ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ، وَأَفِضْ مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ، وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ، فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْكُتَيْبِ الْأَحْمَرِ عَنْ يَمِينِ الطَّرِيقِ فَقُلْ: اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي وَزِدْ فِي عَمَلِي، وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَتَقَبَّلْ مِنِّي مَنَاسِكَي وَإِيَّاكَ وَالْوَجِيفَ الَّذِي يَصْنَعُهُ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَإِنَّهُ بَلَّغْنَا أَنَّ الْحَجَّ لَيْسَ بِوَصْفِ الْخَيْلِ، وَلَا بِإِضَاعِ الْإِبِلِ، وَلَكِنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَسَيِّرُوا سَيْرًا جَمِيلًا، وَلَا تُؤْطُوا ضَعِيفًا، وَلَا تُؤْطُوا مُسْلِمًا، وَأَقْتَصِدُوا فِي السَّيْرِ" (۱۶۱).

"هنگامی که خورشید غروب کرد در حالی با مردم افاضه کن که آرامش و وقار داری و برو از همانجایی که مردم می‌روند و از خداوند طلب بخشش کن که خداوند بخشنده و رحیم است، و هرگاه از سمت راست راه به کتیب احمر رسیدی بگو: "خدا یا بر

موضع من [در روز قیامت] رحم کن و عمل مرا بیفزای و دینم را سالم نگهدار و مناسک مرا بپذیر." از توند راه رفتن که بسیاری از مردم چنین می‌کنند بپرهیز، زیرا به ما خبر رسیده است که حج همچون گله اسبان و شتران نیست. از خدا بترسید و نیکو گام بردارید، ضعیف و مسلمان را پایمال نکنید و در ره سپردن میانه رو باشید."

۲- از حضرت صادق علیه السلام نقل است که فرمود:

"الْوُقُوفُ بِالْمِشْعَرِ فَرِيضَةٌ" (...۱۶۲).

"وقوف در مشعر فریضه است..."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

وقوف در مشعر الحرام سومین واجب از واجبات حج تمتع است و رکنی به‌شمار می‌آید از ارکان حج که اگر عمداً ترک شود موجب بطلان حج می‌گردد.

واجب است از طلوع فجر تا طلوع خورشید روز عید در مشعر الحرام وقوف کند، ولی بهتر است از شب عید قربان تا طلوع خورشید به نیت اطاعت از خدا در آنجا بیتوته کند.

مشعر الحرام داخل حدود حرم قرار دارد و مزدلفه نیز نامیده می‌شود و حدود آن ثابت و شناخته شده است.

احکام وقوف در مشعر:

احکام وقوف در مشعر:

۱- وقوف در مشعر الحرام در مدت مذکور واجب است، ولی رکن این واجب همان چیزی است که وقوف نامیده می‌شود ولو اندک. اگر یک حاجی تنها چند دقیقه در آنجا توقف کرد و سپس عمداً بسوی منی افاضه نمود حجش صحیح است، گرچه با خروج از آنجا پیش از طلوع خورشید مرتکب گناه شده است.

۲- وقوف در مشعر الحرام سه وقت دارد:

الف - از اول شب عید تا پیش از طلوع فجر که ویژه اشخاص مضطر، مریض، پیرمرد، پیرزن، زنان و بطور کلی کسانی است که نمی‌توانند در وقت مقزّر وقوف کنند.

ب - پس از طلوع فجر از روز عید قربان و این همان وقت مقزّر در حال اختیار است، ولی احوط آن است که قبل از طلوع خورشید از مشعر خارج نشود.

ج - از طلوع خورشید تا زوال آن (یعنی ظهر شرعی) در روز عید قربان که همان وقت اضطراری است، برای کسی که در دو وقت مذکور وقوف در مشعر الحرام را درک نکرده و یا فراموش نموده است.

۳- کسی که دو وقوف یعنی وقوف عرفات و مشعر الحرام را درک نکند حجش باطل می‌شود و باید با احرامی که دارد عمره مفرده بجای آورد. درک و یا عدم درک این دو وقوف، اشکال گوناگونی دارد که باید به جدول رجوع شود.

۴- مراد از وقوف همان اقامت و درنگ است و اشکالی ندارد که شخص نشسته باشد یا راه برود، ولی بهتر آن است که ایستاده باشد.

۵- وقت نیت هنگام طلوع فجر است و مقصود از نیت اراده وقوف در مشعر الحرام است قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، و جهت هم سویی با دستورات او بهتر آن است همچون سایر اعمال حج، نیت تلفظ شود.

۶ - افاضه از مشعر الحرام به منی پیش از طلوع فجر برای شخص مضطرّ، یا مریض، یا زنان و کسانی که باید همراه ایشان باشند جایز است.

مستحبات و قوف در مزدلفه:

مستحبات و قوف در مزدلفه:

- ۱ - بسیار گفتن: "اللَّهُمَّ اَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ" (۱۶۳).
- ۲ - این که حاجی با طهارت باشد (وضو یا غسل).
- ۳ - استغفار و پرداختن به ذکر خداوند سبحان، ستایش، یادآوری نعمتها، عظمت و آزمونهای او.
- ۴ - گفتن شهادتین و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و ذکر یک‌یک ائمه و دعا کردن برای ایشان و برای حضرت حجت علیه السلام و دعا برای تعجیل فرج حضرتش.
- ۵ - قرائت این دعا:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكِّرْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَأَدْرَأْ عَنِّي فَسَادَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ، وَلِكُلِّ وَادٍ حَائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي وَمَوْقِفِي هَذَا أَنْ تُقْبِلَنِي عَشْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعِيدَتِي وَتَتَجَاوَزَ عَنِّي حَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱۶۴).

۶ - زاری کردن به درگاه خداوند و دعا برای خود، پدر، مادر، خویشان، برادران و همه مؤمنین و مؤمنات.

۷ - گفتن "اللَّهُ أَكْبَرُ"، "الْحَمْدُ لِلَّهِ"، "سُبْحَانَ اللَّهِ" و "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" به شمار یکصد بار.

۸ - برگرفتن ریگ از مشعر الحرام برای رمی جمرات سه گانه در منی و مستحب است بیش از هفتاد ریگ برگردد. چگونه ریگ باید چنین باشد:

الف - به قدر سرانگشت باشد.

ب - این که ریگها باید نه سیاه، نه سفید و نه قرمز باشند بلکه رنگی شرمه‌ای باشند.

ج - مکروه است ریگ شکسته باشد.

د - سعی کردن (هروله) هرگاه به وادی محسّر رسید، و آن وادی است در نزدیکی منی، و مستحب است بگوید:

"اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَهْدِي، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي" (۱۶۵).

۴ - رمی جمره عقبه

حدیث شریف:

۴ - رمی جمره عقبه

حدیث شریف:

۱ - از ابو عبدالله علیه السلام درباره رمی جمره آمده است که فرمود:

"لَهُ بِكُلِّ حَصَاةٍ يَوْمِي بِهَا يَحُطُّ عَنْهُ كَبِيرَةٌ مُوبِقَةٌ" (۱۶۶).

"حاجی با هر ریگی که پرتاب می کند یک گناه کبیره و مهلک از خود وامی نهد."

۲ - از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام آمده است:

"إِنَّمَا أَمْرٌ بِرَمَى الْجِمَارِ لِأَنَّ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ كَانَ يَتْرَأَى لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَوْضِعِ الْجِمَارِ فَيَزِجُمُهُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَزَتْ بِذَلِكَ السُّنَّةُ" (۱۶۷).

"به حاجی دستور داده شده است رمی جمرات کند، زیرا ابلیس لعین خود را در موضع جمرات به ابراهیم علیه السلام نمود و ابراهیم او را سنگسار کرد پس این سنت جاری گشت."

۳- از امام صادق علیه السلام درباره ریگهای جمره آمده است که فرمود:

"لَا تَأْخُذُهُ مِنْ مَوْضِعَيْنِ: مِنْ خَارِجِ الْحَرَمِ، وَمِنْ حَصَى الْجِمَارِ" (۱۶۸...).

"ریگها را از دو موضع: از خارج حرم و از ریگهای جمرات... برنگیر."

۴- از صفوان بن مهران نقل است که گفت: از ابو عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمود:

"أَزِمِ الْجِمَارَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الشَّمْسِ إِلَى غُرُوبِهَا" (۱۶۹).

"بین طلوع خورشید و غروب آن رمی جمره کن."

۵- از ابو بصیر نقل است که گفت: از ابو عبدالله علیه السلام پیرامون کسی سؤال کردم که می تواند در شب رمی کند که این افراد کیانند؟ حضرت علیه السلام فرمود:

"الْحَاطِيَةُ، وَالْمَمْلُوكُ الَّذِي لَا يَمْلِكُ مِنْ أَمْرِهِ شَيْئًا، وَالْخَائِفُ، وَالْمَدِينُ، وَالْمَرِيضُ الَّذِي لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَزُمِيَ يُحْمَلُ إِلَى الْجِمَارِ، فَإِنْ قَدَرَ عَلَى أَنْ يَزُمِيَ وَإِلَّا فَارْمِ عَنْهُ وَهُوَ حَاضِرٌ" (۱۷۰).

"هیزم فروش، برده‌ای که اختیار خویش ندارد و شخص هراسان و بدهکار و مریضی که نمی تواند رمی کند باید بدانجا حملش کرد اگر توانست رمی می کند و اگر نتوانست به نیابت از او در حضور او رمی نماید."

۶- از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

"الْمَرِيضُ الْمَغْلُوبُ وَالْمَغْمَى عَلَيْهِ يُزُمِي عَنْهُ وَيُطَافُ بِهِ" (۱۷۱).

"بجای شخص بیمار و بیهوش، رمی و طواف صورت می گیرد."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

رمی جمره عقبه چهارمین واجب از واجبات حج تمتع است. و جمره عقبه نخستین جمره از جمرات سه گانه‌ای است که نزدیک مکه قرار دارد.

ولی جمرات چیست؟ جمرات سه گانه عبارت است از ستونهای سنگی که نزدیک به هم در زمین استوار شده‌اند و اشاره بدین دارند که ابلیس ملعون کوشید تا ابراهیم خلیل الله را در این سه مکان بفریبد ولی ابراهیم نبی در هر بار با هفت ریگ او را راند که به دور شدن او موجب گشت.

واجبات رمی:

واجبات رمی:

۱- نیت، یعنی قصد قربت کردن و گردن نهادن در برابر فرمانهای الهی که بهتر است با تلفظ همراه باشد.

۲- رمی جمره با هفت ریگ.

۳- رمی کردن ریگ به جمره یعنی پرتاب کردن آن، پس قرار دادن ریگ در موضع جمره کافی نخواهد بود.

- ۴- اصابت کردن ریگ به جمره پس صرف پرتاب کردن کافی نخواهد بود.
- ۵- باید ریگها را یک یک پرتاب کرد. پس پرتاب همگی آنها باهم کافی نخواهد بود.
- ۶- رمی باید در روز عید بین طلوع و غروب باشد و جایز است کسی که شبانگاه از مشعر افاضه کرده در همان شب رمی کند و منتظر طلوع آفتاب نماند.

احکام رمی:

احکام رمی:

- ۱- ریگها باید برچیده شده از داخل حدود حرم باشند و باید به گونه‌ای باشند که بتوان آنها را "ریگ" نامید پس صخره بزرگ، یا شن و یا معدن کفایت نمی‌کند.
- ۲- نیز در ریگها شرط است که قبلاً کسی آنها را پرتاب نکرده باشد. پس جایز نیست کسی ریگهای جمع شده پیرامون جمرات را جمع کند و به پرتاب کردن آنها پردازد.
- ۳- لازم نیست ریگها طاهر باشند ولی مستحب است، و نیز واجب نیست که شخص پرتاب کننده با طهارت (وضو و یا غسل) باشد، ولی بهتر است.
- ۴- بر کسی که نسبت به وجوب رمی جاهل باشد و یا آن را فراموش کرده باشد، واجب است که هرگاه از آن آگاهی یافت یا به یاد آورد و لو در روز سیزدهم ذی‌الحجه رمی جمرات کند.
- ۵- به هنگام شک در شمار ریگهای پرتاب شده رمی باید تا به دست آمدن یقین نسبت به پرتاب کردن هفت ریگ ادامه داد، اما اگر شک پس از فراغت از پرتاب کردن و به هنگام پرداختن به واجب دیگری از حج همچون ذبح پدید آید اعتنایی بدان نمی‌شود.
- ۶- کسانی همچون بیماران و کودکان که توان پرتاب کردن ندارند باید نایب بگیرند.
- ۷- جایز است از طبقه بالایی جمرات، رمی صورت پذیرد.
- ۸- زمان رمی بین طلوع خورشید و غروب آن است، ولی افراد معذور همچون زنان، بیماران و کودکان در شب نیز می‌توانند رمی کنند.

مستحبات رمی:

مستحبات رمی:

- ۱- وضو.
- ۲- برگرفتن ریگها با دست چپ و پرتاب کردن آنها با دست راست.
- ۳- قرار دادن ریگ بر انگشت ابهام و سپس پرتاب کردن آن به کمک انگشت سبابه به سوی جمره.
- ۴- گفتن: "اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَاتِي فَأَخْصِبْنِي لِي وَأَرْفَعْنِي فِي عَمَلِي" (۱۷۲)، هنگام گرفتن ریگها و آماده شدن برای پرتاب کردن آنها.
- ۵- اینکه در هر پرتاب کردن بگوید: "اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ اذْهَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ، وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا" (۱۷۳).
- ۶- اینکه حاجی به هنگام رمی جمره عقبه پشت به قبله باشد.
- ۷- حاجی هنگام بازگشت بگوید:

"اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ" (۱۷۴).

۸- اینکه بین حاجی و بین جمره ده تا پانزده ذرع فاصله باشد.

۵- قربانی

قرآن کریم:

۵- قربانی

قرآن کریم:

۱- "...فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصَةَ يَوْمِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ" (۱۷۵).

"هر که از عمره تمتع به حج باز آید، آن قدر که او را میسر است قربانی کند و هر که راقربانی میسر نشد سه روز در حج روزه بدارد و هفت روز چون از حج بازگردد، تا ده روز کامل گردد، و این حکم برای کسی است که از مردم مکه نباشد. از خدا بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است."

۲- "...وَاللَّيْدَانَ جَعَلْنَا هَيَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا حَيٌّ فَمَا ذُكِرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَّافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَا هَالِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ * لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتَكْبُرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ" (۱۷۶).

"شتران قربانی را برای شما از شعایر خدا قرار دادیم. شما را در آن خیری است، و همچنان که بر پای ایستاده‌اند نام خدا را بر آنها بخوانید و چون پهلویشان بر زمین رسید از آنها بخورید و فقیران قانع و گدایان را اطعام کنید. اینها را برای شما رام کردیم. باشد که سپاسگزاری کنید. گوشت و خون این شتران به خدا نمی‌رسد. آنچه به او می‌رسد پرهیزگاری شماست. همچنین آنها را رام شما ساخت تا خدا را به شکرانه آن که هدایتان کرده است به بزرگی یاد کنید و نیکوکاران را بشارت ده."

۳- "لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنَ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ" (۱۷۷).

"تا سودهایی را که از آن آنهاست ببینند و نام خدا را در روزهایی معین به هنگام ذبح چارپایانی که خدا رزق آنها ساخته یاد کنند. پس از آنها بخورید و بینویان فقیر را اطعام کنید."

حدیث شریف:

حدیث شریف:

۱- محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت کرده است که از حضرت پرسیدم نسبت به حج تمتع چقدر کفایت می‌کند؟ حضرت علیه السلام فرمود: "شاه" (۱۷۸...).

"یک گوسفند".

۲- از معاویه بن عمار آمده است که از ابو عبد الله علیه السلام پیرامون حج افراد پرسید. حضرت علیه السلام فرمود:

"لَيْسَ عَلَيْهِ هَدْيٌ وَلَا أُضْحِيَّةٌ" (۱۷۹).

"در این حج دادن قربانی لازم نیست".

۳- از ابوالصباح کنانی آمده است که گفت از ابو عبد الله علیه السلام پیرامون گوشت‌های قربانی پرسش کردم پس حضرت علیه

السلام فرمود:

"كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَأَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَتَصَدَّقَانِ بِثَلَاثِ عَلَى جِيرَانِهِمْ، وَثَلَاثِ عَلَى السُّوَالِ، وَثَلَاثِ يُمَسِّكَانِهِ لِأَهْلِ الْبَيْتِ" (۱۸۰).
 "علی بن الحسین و ابو جعفر علیه السلام یک سوم آن را به همسایگان نشان صدقه می دادند و یک سوم را به سائلها و یک سوم دیگر را برای اهل بیت نگه می داشتند."

۴- از ابی عبدالله علیه السلام پیرامون این آیه مبارکه: (فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ)، آمده است که فرمود:
 "الْقَانِعُ الَّذِي يَقْنَعُ بِمَا أُعْطِيَتْهُ، وَالْمُعْتَرُّ الَّذِي يَغْتَرِيكَ، وَالسَّائِلُ الَّذِي يَسْأَلُكَ فِي يَدَيْهِ، وَالْبَائِسُ هُوَ الْفَقِيرُ" (۱۸۱).
 "قانع یعنی کسی که به آنچه بدو می دهی خرسند است، و معتر به کسی گفته می شود که خود را به تو عرضه می کند، و سائل به کسی گفته می شود که با دست از تو چیزی می خواهد، و بئس همان بینواست."

۵- از محمد بن مسلم بن نقل از ابو عبدالله علیه السلام آمده است که گفت: از حضرت پیرامون خارج کردن گوشت قربانیان از منی سؤال کردم. پس حضرت فرمود:

"كُنَّا نَقُولُ لَا يُخْرَجُ مِنْهَا بَشَاءٌ لِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَأَمَّا الْيَوْمَ فَقَدْ كَثُرَ النَّاسُ فَلَبَّاسٌ بِإِخْرَاجِهِ" (۱۸۲).
 "ما می گفتیم که گوشتی از قربانی به سبب نیاز مردم بدان، خارج نمی شود، اما امروز مردمان فزونی یافته اند و اشکالی ندارد که گوشت آن خارج شود."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

ذبح قربانی پنجمین واجب از واجبات حج تمتع و دومین واجب از واجبات منی است و در آن اموری واجب است که ذیلاً ذکر می شود:

- ۱- نیت، و آن قصد قربت به خداست از این کار.
- ۲- قربانی باید از چهارپایان سه گانه (شتر، گاو یا گوسفند) باشد. شتر می تواند دو کوهانه باشد و جایز است گاو، گاو میش، بز و میش. اگر قربانی شتر باشد باید کمال یافته باشد و احوط آن است که پنج سال را تمام کرده داخل سال ششم شده باشد، و اگر گاو باشد باید کامل باشد و احوط آن است که سال دوم را تمام کرده به سال سوم وارد شده باشد، و اگر میش باشد باید کامل باشد که معمولاً در هفت ماهگی کامل می گردد، و گاهی نیازمند آن است که یکسال از زایش او بگذرد تا به کمال رسد. بز نیز باید به کمال رسیده باشد و احوط آن است که در سال دوم عمرش باشد.
- ۳- احوط آن است که ذبح در روز عید در منی آنهم پس از رمی جمره عقبه صورت گیرد، هنگام عذر، یا فراموشی و یا جهل، ذبح در شب و یا در ایام تشریق یعنی روز یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه صورت پذیرد، و جایز نیست بیشتر از این چهار روز به تأخیر افتد، ولی اگر به تأخیر افتاد باید در باقیمانده ذی الحجه ذبح را انجام دهد.
- ۴- قربانی باید سالم و از نظر آفرینش کامل باشد، پس کافی نیست اگر قربانی مریض باشد یا ضعیف یا گوش بریده یا ناقص الخلقه همچون لنگ، یا شاخ شکسته و یا یکی از اعضای او قطع شده باشد.
- ۵- بهتر است ذبح در منی صورت گیرد ولی اگر در مکه هم باشد گناهی صورت نگرفته است.

احکام قربانی:

احکام قربانی:

۱- بر حاجی واجب نیست خود مستقیماً ذبح و یا نحر کند و می‌تواند نایب بگیرد و خود نیت قربت کند.

۲- اگر به قربانی صحیح و سالم دست نیافت می‌تواند هر آنچه میسر است ذبح کند.

۳- اگر قربانی یافت نشود و یا حاجی نتواند آن را خریداری کند باید ده‌روز روزه بگیرد که سه روز آن در ماه ذی‌الحجه و پیاپی باشد، چنانچه مثلاً روز هفتم، هشتم و نهم را روزه گیرد، اگر روز هفتم را از دست داد روز هشتم، نهم و سپس روز سوم را پس از بازگشت از منی روزه گیرد، و سپس هفت روز را پس از بازگشت به وطنش روزه بگیرد، و بدین ترتیب بجای قربانی، ده روز کامل را روزه گرفته است، و باید روزه او در ماه ذی‌الحجه باشد و اگر روزه نگرفت باید یک قربانی را در منی ذبح کند، و اگر نتوانست در مکه باقی بماند و بسوی کسانش بازگشت در راه، و یا پس از بازگشت به وطنش روزه بگیرد.

و جایز است این سه روز را پس از عمره مستقیماً در آغاز ذی‌الحجه روزه بگیرد و این در صورتی است که مالی نداشته باشد، ولی اگر دوباره دارایی یافت قربانی بر او واجب نمی‌گردد، ولی اگر ایام تشریق را از دست نداده بهتر است آن را بجای آورد، و احوط در هفت روز باقیمانده آن است که موالات نیز رعایت شود.

۴- مستحب است قربانی فربه باشد و قوچی باشد شاخدار و سیاه و قوی و بهتر است قربانی اگر شتر یا گاو باشد ماده و چنانچه میش و یا بز باشد از میان نرها انتخاب گردد.

۵- مستحب است قربانی به سه قسمت تقسیم شود که یک سوم آن را خود و خانواده‌اش بخورند و یک سوم دیگر را به همسایگان و سائلان دهند و یک سوم آخر را میان فقرا تقسیم کنند. استحباب خوردن از آن مورد تأکید است.

۶- مستحب است حاجی در صورتی که بتواند، خود قربانی را ذبح یا نحر کند، والا مستحب است دست خویش را بر دست شخص ذبح کننده نهد و هنگام ذبح بگوید:

"وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مَّسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي."

و پس از آن بگوید:

"اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَمُوسَى كَلِيمِكَ وَمُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ."

۶- حلق و تقصیر

قرآن کریم:

۶- حلق و تقصیر

قرآن کریم:

(ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ... (۱۸۳)).

"سپس آلودگی را از خود دور کنند و نذرهای خویش را ادا کنند."

حدیث شریف:

حدیث شریف:

۱- امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود:

"إِذَا ذَبَحْتَ اضْحَيْتَكَ فَاحْلِقْ رَأْسَكَ، وَاغْتَسِلْ، وَقَلِّمْ أَظْفَارَكَ، وَخُذْ شَارِبَكَ" (۱۸۴).

"هرگاه قربانی خود را ذبح کردی سرت را بتراش و غسل کن و ناخن را کوتاه کن و سیلت را بگیر".

۲- از ابو عبدالله بن سنان نقل است که گفت: نزد حضرت صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: فدایت شوم! مفهوم این سخن خداوند سبحان: (ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ) چیست؟ حضرت علیه السلام فرمود:

"أَخَذُ الشَّارِبِ وَقَصُّ الْأَظْفَارِ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ" (۱۸۵...).

"گرفتن سیل و کوتاه کردن ناخن و نظایر آن".

۳- از امام رضا علیه السلام نقل است که فرمود:

"التَّفْتُ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ، وَطَرْحُ الْوَسَخِ، وَطَرْحُ الْإِحْرَامِ عَنْهُ" (۱۸۶).

"تفت" یعنی گرفتن ناخنها، و آلودگی از خود دور کردن، و از احرام در آمدن".

۴- از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

"لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ حَلْقٌ، وَيَجْزِيهِنَّ التَّقْصِيرُ" (۱۸۷).

"زنان حلق نمی کنند، بلکه تقصیر کردن، آنها را کفایت می کند".

۵- از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

"أَعْلَمُ أَنَّكَ إِذَا حَلَقْتَ رَأْسَكَ فَقَدْ حَلَّ لَكَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا النِّسَاءَ وَالطَّيْبَ" (۱۸۸).

"بدان که هرگاه موی سرت را کوتاه کردی همه چیز، جز زن و عطر بر تو حلال می گردد".

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

حلق یا تقصیر ششمین واجب از واجبات حج تمتع است و بر مردی که برای نخستین بار به حج مشرف می شود برای مراعات احتیاط واجب است سر خویش را بتراشد، ولی دیگران بین تراشیدن و تقصیر یعنی گرفتن مقداری از موی سر یا ریش یا سیل یا ناخن مخیرند. اما زن حتی اگر برای نخستین بار به حج مشرف می شود باید تقصیر کند نه حلق.

احکام حلق و تقصیر:

احکام حلق و تقصیر:

۱- حاجی باید هنگام حلق و تقصیر نیت قربت به خداوند سبحان داشته باشد.

۲- حلق و تقصیر باید در روز عید صورت گیرد، ولی شخص مضطر از این حکم مستثناست و می تواند شب عید هنگام کوچ کردن مشعر به منی بدان پردازد.

۳- احوط آن است که حاجی حلق و تقصیر را از روز عید به تأخیر نیندازد مگر به ضرورتی.

۴- کسی که از روی جهل یا فراموشی در منی حلق و تقصیر نکند باید به آنجا باز گردد و حلق و تقصیر کند حتی پس از پایان یافتن ذی الحجّه، و با دشواری این امر، ملزم به انجام حلق و تقصیر خواهد بود هر کجا که باشد و بنا به احتیاط باید موی خود را به منی فرستد.

۵- همه اموری که قبلاً با احرام بستن برای حاجی حرام شده بود پس از حلق و تقصیر بر او حلال می گردد جز عطر و زن.

۷- طواف زیارت

قرآن کریم:

۷- طواف زیارت

قرآن کریم:

خداوند می فرماید: ...وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ... (۱۸۹).

... "و بیت العتیق را طواف کنید" ...

حدیث شریف:

حدیث شریف:

۱- از معاویه بن عمّار به نقل از ابو عبدالله علیه السلام آمده است که گفت: از حضرت پیرامون متمتعی پرسیدم که کی باید خانه خدا را زیارت کند؟ حضرت علیه السلام فرمود:

"يَوْمَ النَّحْرِ أَوْ مِنَ الْعَدِ، وَلَا يُؤَخَّرُ، وَالْمُفْرَدُ وَالْقَارِنُ لَيْسَا بِسِوَاءِ مُوسَعٍ عَلَيْهِمَا" (۱۹۰).

"روز قربانی کردن [یعنی روز عید] یا فردای آن روز و نباید به تأخیر افتد. ولی برای شخص قارن و مفرد چنین نیست و می تواند تأخیر بیندازد".

۲- از ابو عبدالله علیه السلام در حدیثی دیگری آمده است:

"لَا بَأْسَ أَنْ تُؤَخَّرَ زِيَارَةُ الْبَيْتِ إِلَى يَوْمِ النَّحْرِ، إِنَّمَا يُسْتَحَبُّ تَعْجِيلُ ذَلِكَ مَخَافَةَ الْأَحْدَاثِ وَالْمَعَارِضِ" (۱۹۱).

"باکی نیست اگر حاجی زیارت بیت الله را تا روز نفر [یعنی روز بازگشت از منی به مکه] به تأخیر اندازد ولی مستحب است از ترس زُخدادها و پیشامدها شتاب شود".

۳- از امام صادق علیه السلام در حدیثی آمده است که فرمود:

"فَإِذَا أَتَيْتَ الْبَيْتَ يَوْمَ النَّحْرِ فَقُمْتَ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ قُلْتَ: اللَّهُمَّ ائِنِّي عَلَى نَسِيكَ، وَسَلِّمْنِي لَهُ، وَسَلِّمَهُ لِي، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَعْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأَوْفُ طَاعَتِكَ، مُتَبِعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوِكَ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ ثُمَّ تَأْتِي الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فَتَسَلِّمُهُ وَتَقْبَلُهُ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاسَلِّمَهُ بِيَدِكَ وَقَبْلِ يَدِكَ، وَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاسَلِّمْتَهُ وَكَبَّرْ وَقُلْ كَمَا قُلْتَ حِينَ طَفْتَ بِالْبَيْتِ يَوْمَ قَدِمْتَ مَكَّةَ. ثُمَّ طُفَّ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ كَمَا وَصَفْتُ لَكَ يَوْمَ قَدِمْتَ مَكَّةَ. ثُمَّ صَلَّ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ رَكَعَتَيْنِ، تَقْرَأُ فِيهِمَا بِقَوْلِ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ. ثُمَّ ارْجِعْ إِلَى الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ فَقَبْلُهُ إِنْ اسْتَطَعْتَ وَاسْتَقْبَلُهُ وَكَبَّرْ" (۱۹۲).

"هرگاه در روز نحر [روز عید] به خانه خدا آمدمی بر در مسجد می ایستی و می گویی: "خداوند! مرا بر انجام آئینت یاری رسان و مرا تسلیم آن گردان و آن را رام من کن. خدایا! همچون انسانی بیمار و خواری که به گناه خود معترف است از تومی خواهم گناهان مرا ببخشی و به نیازم بازگردانی. خداوند! من بنده توام و شهر، شهر تو و خانه، خانه تو، آمده‌ام در حالیکه رحمت تو را طالبم و آهنگ طاعت تو رادارم، و فرمانت را پیروی می کنم و به قضا و قدر تو خشنودم. همچون بیچاره‌ای که به نزد تو آمده و فرمانت می برد و از عذاب تو هراسان است و از عقوبت بیمناک، از تومی خواهم که مرا مشمول عفو خود گردانی و از آتش به رحمت پناهم دهی".

سپس کنار حجر الاسود می آیی آن را لمس کرده می بوسی و اگر نتوانستی آن را لمس کن و دست خود را بوس، و اگر نتوانستی روبروی آن بایست و تکبیر بگو و بگو همان چیزی را که هنگام آمدن به مکه به گاه طواف بیت الله گفتی. سپس هفت شوط خانه

راطواف کن همانگونه که روز آمدن به مکه کردی. سپس در نزد مقام ابراهیم دو رکعت نماز بگزار و در آن "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ" و "قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ" را بخوان. سپس به کنار حجرالاسود بازگرد و اگر توانستی آن را ببوس و روبروی آن بایست و تکبیری بگویی."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

طواف زیارت هفتمین واجب از واجبات حج تمتع است و بر حاجی واجب است همان گونه که در طواف عمره تمتع گفتیم هفت شوط به دور کعبه طواف کند، که این طواف، طواف حج تمتع نیز نامیده می‌شود، و تفاوتی نیست میان آن و طواف عمره مگر در نیت، پس نیت طواف زیارت می‌کند قربهً إلى الله تعالی.

۸ - نماز طواف زیارت

۸ - نماز طواف زیارت

این هشتمین واجب از واجبات حج تمتع است که در نماز طواف عمره تمتع به تفصیل احکام آن بیان شد، و تفاوتی میان آن نیست مگر در نیت و حاجی باید نیت نماز طواف زیارت کند برای تقرب به خدا.

۹ - سعی

حدیث شریف:

۹ - سعی

حدیث شریف:

از امام جعفر صادق علیه السلام در حدیثی آمده است که:

"... ثُمَّ أَخْرَجَ إِلَى الصَّافَا فَاصْبَعُ عَلَيْهِ، وَاصْنَعْ كَمَا صَنَعْتَ يَوْمَ دَخَلْتَ مَكَّةَ، ثُمَّ انْتِ الْمَرْوَةَ فَاصْعِدْ عَلَيْهَا، وَطُفْ بَيْنَهُمَا سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ، تَبْدَأُ بِالصَّافَا وَتَخْتِمُ بِالْمَرْوَةَ، فَإِذَا؛ فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ أَحَلَلْتَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَحْرَمْتَ مِنْهُ إِلَّا النِّسَاءَ" (...۱۹۳).

"... سپس به صفا بیرون شو واز آن بالا رو و آن کن که در روز ورود به مکه کردی، سپس به مروه آی و از آن بالا شو و هفت بار میان آن دو سعی کن که از صفا می‌آغازی و به مروه می‌انجامی. پس آنگاه که چنین کردی هر چیز که بر تو حرام شده بود حلال گردد مگر زنان..."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

سعی، نهمین واجب از واجبات حج تمتع است پس حاجی باید بین صفا و مروه با همان شیوه‌ای که در عمره تمتع سعی کرده است سعی کند جز آن که نیت سعی حج تمتع به قصد تقرب به خدا بجای می‌آورد و پس از این سعی تقصیری در کار نیست و حرمت به کارگیری عطر پس از پایان یافتن سعی از میان می‌رود.

۱۰ - طواف نساء**حدیث شریف:**

۱۰ - طواف نساء

حدیث شریف:

۱ - از ابو عبدالله علیه السلام در حدیثی آمده است که فرمود:

... "ثُمَّ ارْجِعْ إِلَى الْبَيْتِ وَطُفْ بِهِ أَشْبُوعًا آخِرًا، ثُمَّ تَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ قَدْ أَخَلَّتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَفَرَّغَتْ مِنْ حَجِّكَ كُلَّهُ وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْرَمْتَ مِنْهُ" (۱۹۴).

"سپس به سوی خانه خدا رو و هفت بار دیگر بدور آن طواف کن، سپس نزد مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز بگزار و در پی آن همه چیز بر تو حلال می‌گردد و از همه اجزاء حجّت و هر آنچه بر تو حرام شده بود فراغت می‌یابی."

۲ - از امام صادق علیه السلام در حدیثی نقل است که فرمود:

... "وَإِذَا طَافَ طَوَافَ النِّسَاءِ فَقَدْ أَحَلَّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَحْرَمَ مِنْهُ إِلَّا الصَّيْدَ" (۱۹۵).

... "هرگاه حاجی طواف نساء را بجای آورد همه چیز بر او حلال گردد مگر شکار."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

طواف نساء دهمین واجب از واجبات حجّ تمتّع است و آن جز در نیت کاملاً به طواف عمره تمتّع می‌ماند که باید نیت کند طواف نساء را انجام می‌دهد. طواف نساء بر مردان و زنان و کودکان واجب است و نزدیکی جنسی حلال نمی‌شود مگر پس از آن، و اگر شخصی آن را فراموش کند، زن بر او حرام می‌گردد تا اینکه به مکّه باز گردد و طواف را انجام دهد، و یا اینکه، در صورت عدم توانایی بازگشت به مکّه، به کسی و کالت دهد که از سوی او به طواف بپردازد.

۱۱ - نماز طواف نساء

۱۱ - نماز طواف نساء

این یازدهمین واجب از واجبات حجّ تمتّع است و آن از نظر احکام و شرایط جز در نیت کاملاً نظیر نماز طواف عمره تمتّع است که قبلاً گفتیم، پس بر حاجی واجب است که نیت نماز طواف نساء را قربةً إلى الله ببندد.

پس از فراغت از این نماز بهره بریهای جنسی بر حاجی روا می‌گردد. این نماز بر مردان و زنان واجب است. این آئین‌های پنجگانه (طواف زیارت و نماز آن، سعی، و طواف نساء و نماز آن) باید پس از اعمال منی بجای آورده شود، ولی جایز است انسان مضطرّ همچون زنی که از حیض بهراسد یا پیر مردی که از انبوهی مردم بیم کند آنها را جلو اندازد، و نیز شخص ترسان و مریض همگی این آئینها را پیش از وقوف در عرفات انجام می‌دهند و سپس هنگامی که اعمال منی (رمی و ذبح و حلق) را تکمیل کردند حجتشان کامل می‌شود و محرمات احرام همگی برای آنها حلال می‌گردد.

۱۲ - مبیت در منی**حدیث شریف:**

۱۲ - مبیت در منی

حدیث شریف:

از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

"إِذَا فَرَعْتَ مِنْ طَوَافِكَ لِلْحَجِّ وَطَوَافِ النَّسَاءِ فَلَمَّا تَبَيْتَ إِلَّا بِمِنَى، إِلَّا أَنْ يَكُونَ شُغْلُكَ فِي نُسَيْكَكَ، وَإِنْ خَرَجْتَ بَعِيدَ نِصْفِ اللَّيْلِ فَلَا يَضُرُّكَ أَنْ تَبَيْتَ فِي غَيْرِ مِنَى" (۱۹۶).

"هرگاه از طواف حج و طواف نساء فارغ شدی جز در منی بیتوته نکن مگر آنکه مشغول عبادت باشی و اگر پس از نیمه شب خارج شدی به تویانی نمی‌رساند اگر در غیر از منی بیتوته کنی."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

بیتوته کردن در منی دوازدهمین واجب از واجبات حج تمتع است. و مقصود از آن بیتوته کردن در منی است در طول دو شب یازدهم و دوازدهم ماه ذی‌الحجه که "مبیت" نامیده می‌شود، به این صورت که از اول شب تا؛ لاً ۴ نیمه آن در آنجا بیتوته کنی، یا از نیمه آن تا طلوع خورشید، که باید با نیت تسلیم در برابر اوامر الهی و تقرب به او صورت گیرد.

احکام مبیت:

احکام مبیت:

۱ - واجب است حاجی در طول این مدت بدون آن که تفاوتی در این که خواب و یا بیدار باشد در منی بماند.

۲ - حاجی باید برای هر شبی که در منی عمدتاً بیتوته نکرده یک گوسفند فدیة دهد.

۳ - گروهی هستند که اگر در منی بیتوته نکنند گناهی نکرده‌اند و کفاره بر آنها واجب نمی‌شود و ایشان کسانی هستند که پس از ادای مناسک از مکه مکرمه بسوی منی خارج شده‌اند ولی در راه خواب ایشان را ربوده و یا کسانی که در طول شب در مکه مکرمه به عبادت اشتغال داشته‌اند یا کسانی که معذور بوده‌اند (مانند کسی که فراموش کرده باشد، یا نداند، یا بیمار و یا پرستار بیماری باشد) و هر کسی که مبیت در منی برای او دشوار باشد.

۴ - حاجیان مستحب است در ایام تشریق در منی بمانند و همچنان مستحب است اینگونه تکبیر گویند:

"اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَاللَّهُ أَحْمَدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا."

این شعار اهل منی است که پس از نمازها و در هر زمان و مکانی که بخواهند آن را سر می‌دهند.

۵ - بر کسی که تا غروب آفتاب روز دوازدهم در منی باقیمانده واجب است که شب سیزدهم را نیز در آنجا بیتوته کند. همچنین مبیت در شب سیزدهم بر کسی که در احرام از زنان و شکار پرهیز نکرده واجب است. و اولی این است که این حکم، رفت (اعمال جنسی)، فسوق (گناه)، جدال (قسم) و هر آنچه خداوند در احرام حرام کرده را، شامل گردد.

۶- کسی که روز دوازدهم به مکه روان شود نباید از حدود منی خارج شود، مگر پس از زوال آفتاب [ظهر شرعی]، ولی کسی که در روز سیزدهم بیرون می‌شود جایز است پیش از زوال آفتاب نیز خارج گردد.

۱۳- رمی جمره‌های سه گانه

حدیث شریف:

۱۳- رمی جمره‌های سه گانه

حدیث شریف:

از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود:

"مَنْ تَرَكَ رَمَى الْجِمَارِ مُتَعَمِّدًا لَمْ تَحِلَّ لَهُ النِّسَاءُ وَعَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ" (۱۹۷).

"کسی که رمی جمره‌ها را عمداً ترک کند زن بر او حلال نگردد و سال بعد باید حج گزارد."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

رمی جمره‌های سه گانه آخرین واجب از واجبات حج تمتع است و مقصود از آن رمی جمره‌های (اولی، وسطی و جمره عقبه) در روز یازدهم، دوازدهم و نیز سیزدهم در صورت بیتوته در شبانگاه آن در منی است.

احکام رمی:

احکام رمی:

۱- رمی جمره‌های سه گانه هر روز به ترتیب واجب است یعنی حاجی نخست باید جمره اولی و در پی آن جمره وسطی و در پایان جمره عقبه را؛ نعرمی کند و اگر خللی در ترتیب این رمی پیش آید باید بخشهای خطا اعاده گردد.

۲- رمی هر یک از این جمره‌ها باید همه روزه با هفت ریگ صورت پذیرد. واجبات و احکام رمی را در رمی جمره عقبه به تفصیل بیان کرده‌ایم که می‌توانید بدان رجوع کنید.

۳- اگر حاجی پس از رمی دریافت که به یکی از جمرات چهار ریگ افکنده است باقیمانده را کامل می‌کند و اعاده بعدیها بر او لازم نیست، ولی اگر بداند کمتر از چهار ریگ افکنده باید آنها را کامل کند و بعدیها را اعاده نماید.

۴- اگر فراموش کند جمره‌ها و یا یکی از آنها را در روزی رمی نماید در روز بعد آن را قضا می‌کند، و اگر به مکه رفت، باید باز گردد و آنچه را فراموش کرده رمی کند، و اگر ایام تشریق را از دست داد یا از مکه خارج شد احوط آن است که کسی را در سال آینده، برای رمی در ایام تشریق نایب بگیرد.

۵- بیمار، ترسان و کسی که در روز کاری ضروری دارد در شب رمی می‌کند و کسی که مطلقاً توانایی رمی را ندارد همچون کودکان و یا کسانی که عضوی از آنها شکسته نایب می‌گیرند.

بخش پنجم

سایر احکام

۱ - حج افراد

حدیث شریف:

بخش پنجم

سایر احکام

۱ - حج افراد

حدیث شریف:

۱ - از امام رضا علیه السلام نقل است که در نامه‌ای به مأمون فرمود:

"... وَلَا يَجُوزُ الْحَجُّ إِلَّا مَتَمَّتًا، وَلَا يَجُوزُ الْقِرَانُ وَالْأَفْرَادُ الَّتِي تَسْتَعْمِلُهُ الْعَامَّةُ إِلَّا لِأَهْلِ مَكَّةَ وَحَاضِرِيهَا" (۱۹۸).

"... حج قران و افراد که عامه آن را بکار می‌برند جز برای اهل و ساکنان مکه جایز نیست."

۲ - از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود:

"الْمُفْرَدُ لِلْحَجِّ عَلَيْهِ طَوَافُ بِالْبَيْتِ وَرَكَعَتَانِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَعْيٌ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَطَوَافُ الزِّيَارَةِ، وَهُوَ طَوَافُ النِّسَاءِ، وَلَيْسَ عَلَيْهِ هَدْيٌ وَلَا أُضْحِيَّةٌ" (۱۹۹...).

"کسی که حج افراد بجای می‌آورد باید خانه خدا را طواف کند و نزد مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز بگزارد و بین صفا و مروه سعی کند و به طواف زیارت یعنی همان طواف نساء پردازد و قربانی بر او واجب نمی‌گردد..."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

حج افراد، وظیفه اهالی مکه و ساکنان اطراف آن است یعنی کسانی که فاصله و وطنشان با مکه بیش از شانزده فرسنگ - حدود نود کیلومتر - نباشد و در حج افراد، دادن قربانی واجب نیست.

و اما چگونگی حج مفرد و اعمال آن:

اعمال حج افراد:

اعمال حج افراد:

۱ - احرام حج افراد از میقات و یا از همان جایی است که برای وی جایز است طبق آنچه در باب احرام عمره تمتع ذکر کردیم، و همه احکام مزبور، در این جا نیز جاری است.

۲ - وقوف در عرفه دقیقاً همان است که در حج تمتع ذکر شد.

۳ - وقوف در مشعر الحرام همچنانکه گفته شد.

۴ - رفتن به منی برای ادای اعمال منی که عبارت از: رمی، حلق و یا تقصیر بدون قربانی می‌باشد.

۵ - طواف حج بر حسب شرایط و احکام مذکور در طواف عمره تمتع.

۶ - دو رکعت نماز طواف.

۷- سعی میان صفا و مروه همچنان که گفته شد.

۸- طواف نساء.

۹- دو رکعت نماز طواف نساء.

احکام حج افراد:

احکام حج افراد:

۱- ارتباطی میان حج افراد و عمره وجود ندارد و آنها دو واجب جدا از یکدیگر هستند. پس اگر حاجی قبلاً به عمره مفرده رفته باشد از او ساقط می‌شود، و اگر استطاعت عمره مفرده را نداشته و تنها استطاعت حج را یافته بر او عمره واجب نمی‌شود، و اگر استطاعت هر دو را با هم یافته باید پس از حج، عمره مفرده بجای آورد، و می‌تواند هر وقتی را برای آن برگزیند و بهتر آن است که آن را زودتر به انجام رساند، بدینسان بر او واجب نیست که در طول ماههای حج و در سالی که در آن حج می‌گزارد عمره مفرده بجای آورد.

۲- شخص مفرد می‌تواند طواف حج و سعی را حتی در حال اختیار قبل از وقوف در عرفات و مشعر الحرام انجام دهد، اگر چه احوط آن است که طواف نساء را تا پس از مناسک منی به تأخیر اندازد.

۳- میقات احرام در حج افراد همان منزل حاجی و یا یکی از میقاتهای پنجگانه‌ای است که در احرام عمره تمتع ذکر شد، اگر از یکی از آنها گذر کند، و اگر گذرش بر آنها نیفتاد احوط آن است که از منزل خود احرام بندد البته در صورتی که منزلش خارج از مکه باشد، ولی اگر منزلش در مکه قرار داشته باشد احوط آن است که به ادنی الحل (خارج مرز حرم) برود و از آنجا احرام بندد.

۴- دادن قربانی در حج افراد واجب نمی‌باشد و اما استحباب دارد.

۲- حج قرآن

حدیث شریف:

۲- حج قرآن

حدیث شریف:

از حضرت صادق علیه السلام نقل است که فرمود:

"الْقَارِنُ لَا يَكُونُ إِلَّا بِسَيَاقِ الْهَدْيِ، وَعَلَيْهِ طَوَافُ بِالْبَيْتِ وَرَكَعَتَانِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَسَعْيٌ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَطَوَافُ بَعْدَ الْحَجِّ، وَهُوَ طَوَافُ النِّسَاءِ" (۲۰۰).

"شخصی که حج قرآن بجای می‌آورد باید قربانی را با خود همراه کند و به طواف بیت الله بپردازد و نزد مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز بگزارد، میان صفا و مروه سعی کند و پس از حج به طواف نساء بپردازد."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

حج قرآن نیز از وظایف اهل مکه و کسانی است که در اطراف آن زندگی می‌کنند، مشروط بر آنکه دوری آنها از مکه بیش از

شانزده فرسنگ (چهل و هشت مایل و حدود نود کیلومتر) نباشد. در این حجّ بعلاوه آنچه در حج افراد واجب است حاجی باید هنگام احرام یک قربانی همراه خود داشته باشد تا در زمان ذبح آن، در منی ذبح نماید. و به همین سبب این حجّ "قران" نامیده شده است.

احکام حجّ قران:

احکام حجّ قران:

- ۱ - احرام در حجّ قران با اشعار، یا تقلید و یا تلبیه صورت می‌پذیرد. "اشعار" عبارت از آن است که کوهان شتر از سمت راست شکافته شود، و "تقلید" یعنی آویختن نعلی که در آن نماز گزارده بر گردن قربانی (خواه شتر، یا گاو یا گوسفند مانند)، و جایز است که تقلید را با بند، یا با نخ و نظایر آن انجام دهد.
- ۲ - کسی که احرام حجّ قران بسته نمی‌تواند به حجّ تمتّع عدول کند.
- ۳ - بر شخصی که حجّ قران بجای می‌آورد مستحبّ است تلبیه، اشعار و تقلید را با هم انجام دهد.
- ۴ - شخصی که حجّ قران بجای می‌آورد می‌تواند طواف را بر وقوف در عرفات و مشعر الحرام مقدّم دارد.
- ۵ - بهتر است کسانی که حجّ قران و افراد انجام می‌دهند، اگر پیش از رفتن به مشاعر (عرفات، مزدلفه و منی) طواف کنند تلبیه را دوباره گویند.

۳ - احکام حجّ زنان

حدیث شریف:

۳ - احکام حجّ زنان

حدیث شریف:

- ۱ - از معاویه بن عمّار نقل است که گفت: از ابو عبدالله علیه السلام درباره زنی پرسیدم که بدون سرپرست برای حجّ به مکه می‌رود. پس حضرت علیه السلام فرمود: "لَا بَأْسَ، تَخْرُجُ مَعَ قَوْمٍ ثِقَاتٍ" (۲۰۱).
- "اگر با گروهی مورد اطمینان برود اشکالی ندارد".
- ۲ - از ابو جعفر علیه السلام نقل است که کسی از حضرت علیه السلام درباره زنی پرسید که همسر دارد و اما او اجازه حجّ به این زن را نمی‌دهد. حضرت علیه السلام فرمود: "تَحُجُّ وَإِنْ لَمْ يَأْذَنْ لَهَا" (۲۰۲).
- "به حجّ می‌رود حتی اگر همسرش اجازه ندهد".
- ۳ - از ابی عیینه به نقل از ابو عبدالله علیه السلام آمده است که گفت: از حضرت پیرامون پوششهای زن مُحْرِم سؤال کردم. پس حضرت علیه السلام فرمود: "الثِّيَابُ كُلُّهَا مِمَّا خَلَمَا الْقَفَازِينَ وَالْبُرُوقَ وَالْحَرِيرَ، قُلْتُ: أَتَلْبَسُ الْخَزَّ؟ قَالَ: "نَعَمْ، قُلْتُ: فَإِنَّ سِدَاهُ إِبْرِيْسَمٌ وَهُوَ حَرِيرٌ؟ قَالَ: "مَا لَمْ يَكُنْ حَرِيرًا خَالِصًا فَلَا بَأْسَ" (۲۰۳).
- "هر نوع جامه بر او حلال است جز دستکش، چهره پوش و حریر". عرض کردم: آیا می‌تواند خز هم بپوشد؟ حضرت علیه السلام فرمود: "آری". عرض کردم که تار آن حریر است؟ حضرت علیه السلام فرمود: "اگر حریر خالص نباشد اشکالی ندارد".
- ۴ - از یعقوب بن شعیب نقل است که گفت: به ابو عبدالله علیه السلام عرض کردم: چگونه است اگر زن پیراهنی بر تن کند که دکمه

دارد و یا حریر، خز و دیباچ می‌پوشد. حضرت علیه السلام فرمود:

"نَعَمْ، لَا بَأْسَ بِهِ، وَتَلْبَسُ الْخُلْخَالَيْنِ وَالْمُسْكَ" (۲۰۴).

"آری باکی بدو نیست حتی اگر خلخال و دست بند هم بکار زند."

۵- از عیص بن قاسم نقل است که گفت: به ابو عبدالله علیه السلام عرض کردم آیا زن در حال حیض می‌تواند احرام بزند؟

حضرت علیه السلام فرمود:

"نَعَمْ، تَغْتَسِلُ وَتَلْبِي" (۲۰۵).

"آری غسل می‌کند و تلبیه می‌گوید."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

۱- در وجوب حج بر زن مستطیع اجازه شوهر شرط نیست، و او باید حتی اگر شوهرش مانع شود حج گزارد، و چنین است حکم زنی که با اجازه شوهرش نذر حج کرده، که پس از نذر، به منع شوهر اعتنا نمی‌شود.

۲- در استطاعت زن همراهی همراهان مَحْرَمِ او شرط نیست، البته در صورتی که بتواند خویش را از خطرها حفظ کند، حتی اگر مجرد باشد.

۳- زنی که توان حج ندارد، مگر با همراهی از محارم خویش، تحقق استطاعت وی بسته به بودن چنین کسی است و اگر همراهی محرم متوقف بر پرداخت هزینه سفر او باشد، بر زن واجب است که آن را تأمین نماید و جزء هزینه حج خودش به شمار می‌رود، پس در این صورت- اگر زن توانایی تأمین هزینه حج خود و همراه محرم را دارد مستطیع است و گرنه مستطیع نمی‌باشد.

۴- زنی که مهرش برای هزینه‌های حج کافی باشد و همسرش بتواند آن را بدو بپردازد، آن زن باید مهر خود را از شوهرش مطالبه کند و اگر همسرش این مهر را بدو پرداخت آن زن مستطیع خواهد شد.

۵- اگر زن حائضی بخواهد داخل مسجد شجره و یا دیگر مساجد در میقاتها احرام بزند، باید در حالی نیت احرام کند که از این مساجد گذرمی‌کند اگر درهای این مساجد گوناگون باشد، یا هنگام بیرون آوردن چیزی باشد که در این مساجد نهاده شده است، و همچنان می‌تواند کنار این مساجد بدون دخول در آنها احرام بزند، یا پیش از میقات به وسیله نذر احرام بزند، مثل اینکه نذر کند که در مدینه منوره احرام بزند.

۶- زنی که به میقات می‌رسد در حالی که حیض است و نمی‌داند آیا پیش از پایان یافتن زمان عمره تمتع پاک می‌شود و یا نه، نیت احرام مافی الذمه می‌کند، پس اگر پاک شد عمره تمتع و حج آن را بجای می‌آورد و در غیر این صورت حج افراد را با احرامی که در آن بسر می‌برد می‌گزارد.

۷- غسل احرام بر زن حائض و زنی که در نفاس است استحباب دارد چنانکه بر دیگران.

۸- زنی که به هنگام طواف حیض می‌شود باید طواف خود را قطع کند و در دم از مسجد الحرام خارج شود و پس از پاک شدن طواف را کامل گرداند، البته مشروط بر آنکه شوط چهارم را به پایان رسانیده باشد، اما اگر به شوط چهارم نرسیده باشد باید طواف را از آغاز از سر گیرد.

۹- در سعی بین صفا و مروه طهارت شرط نیست، زیرا محل سعی از مسجد الحرام نمی‌باشد و از همین رو زن در حال حیض می‌تواند بین صفا و مروه سعی کند.

۱۰- زنی که می‌ترسد به علت انتظار پاک شدن از حیض و بجای آوردن طواف عمره تمتع، از وقوف به عرفات باز بماند، باید نیت

خود را از عمره تمتع به حج افراد تغییر دهد، و پس از بجای آوردن اعمال حج افراد یک عمره مفرد به جای آورد و حج او صحیح و از حجه الاسلام هم کفایت می‌کند.

۱۱ - بر زنانی که می‌ترسند مبدا نتوانند به سبب حیض به طواف حج تمتع و نماز آن، سعی، طواف نساء و نماز آن پس از بازگشت از منی پردازند، جایز است این اعمال را جلو اندازند و پیش از رفتن به عرفات و پس از بستن احرام حج انجامش دهند.

۱۲ - زن می‌تواند هر آنچه از دوختنی‌ها می‌خواهد بر تن کند، ولی جایز نیست هنگام احرام دو کف دست و چهره‌اش را بپوشاند.

۱۳ - مستحاضه کثیره باید برای طواف یکبار و برای نماز طواف احتیاطاً بار دیگر غسل کند، مگر آنکه خون او تا پایان نماز قطع شود که در این هنگام یک غسل پیش از طواف کافی خواهد بود.

۱۴ - زن می‌تواند به منظور عقب انداختن حیض برای پرداختن به هنگام به اعمال حج همچون طواف، قرص بخورد.

۴ - حج پسر بچه و دختر بچه

حدیث شریف:

۴ - حج پسر بچه و دختر بچه

حدیث شریف:

۱ - از عبدالله بن سنان، به نقل از ابو عبدالله علیه السلام آمده است که گفت: از حضرتش شنیدم که می‌فرمود: "مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِرُؤَيْيَةَ وَهِيَ حَاجٌّ، فَقَامَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ وَمَعَهَا صَبِيٌّ لَهَا، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيَحُجُّ عَنْ مِثْلِ هَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ، وَلَكِ أَجْرُهُ" (۲۰۶).

"پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حال حج به روئیه رسید پس زنی پیش آمد در حالی که پسر بچه‌ای به همراه داشت. پس عرض کرد یا رسول الله! آیا چنین کودکی می‌تواند حج گزارد؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: آری و اجرش از آن توست."

۲ - از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند کودکان از کجا برای احرام برهنه می‌گردند؟ حضرت علیه السلام فرمود: "كَانَ أَبِي يُجَرِّدُهُمْ مِنْ فَحٍّ" (۲۰۷).

"پدرم آنها را از فح برهنه می‌کرد."

۳ - از زراره به نقل از یکی از دو حضرت علیهما السلام آمده است که فرمود:

"إِذَا حَجَّ الرَّجُلُ بَائِنَهُ وَهُوَ صَغِيرٌ فَإِنَّهُ يَأْمُرُهُ أَنْ يَلْبِيَ وَيَفْرُضَ الْحَجَّ، فَإِنْ لَمْ يُحْسِنْ أَنْ يَلْبِيَ لَبَّوْا عَنْهُ وَيُطَافُ بِهِ وَيُصَلَّى عَنْهُ" قُلْتُ: لَيْسَ لَهُمْ مَا يَذْبَحُونَ، قَالَ: "يُذْبِحُ عَنِ الصَّغَارِ، وَيَصُومُ الْكِبَارِ، وَيَتَّقَى عَلَيْهِمْ مَا يَتَّقَى عَلَى الْمُحْرِمِ مِنَ الثَّيَابِ وَالطَّيْبِ، وَإِنْ قَتَلَ صَيْدًا فَعَلَى أَبِيهِ" (۲۰۸).

"اگر مردی پسرش را که خرد است به حج برد باید به او دستور دهد که لیبیک گوید و نیت حج نماید اگر نتوانست بخوبی لیبیک گوید از عوض او لیبیک می‌گویند و او را طواف می‌دهند و بجای او نماز می‌گزارند،" عرض کردم: آنها نمی‌توانند قربانی دهند؟ حضرت علیه السلام فرمود: "بجای کودکان ذبح می‌شود و بزرگان روزه می‌گیرند. جامه و عطری که از بزرگان بازداشته می‌شود از ایشان نیز بازداشته می‌شود و اگر کودک شکاری کرد کفاره آن بر پدرش خواهد بود."

۴ - از شهاب به نقل از ابو عبدالله علیه السلام آمده است که از حضرتش پیرامون پسر ده ساله‌ای پرسیدم که آیا حج می‌گزارد؟ حضرت علیه السلام فرمود:

"عَلَيْهِ حِجَّةُ الْإِسْلَامِ إِذَا احْتَلَمَ، وَكَذَلِكَ الْجَارِيَةُ عَلَيْهَا الْحَجُّ إِذَا طَمِثَتْ" (۲۰۹).

"اگر محتلم می شود بر اوست حجه الاسلام و اگر دختر هم حیض شود حج بدو واجب می گردد."

۵- از ابو عبدالله علیه السلام در حدیثی آمده است که فرمود:

"لَوْ أَنَّ غُلَامًا حَجَّ عَشْرَ حَجَجٍ ثُمَّ احْتَلَمَ كَانَتْ عَلَيْهِ فَرِيضَةُ الْإِسْلَامِ" (۲۱۰).

"اگر پسر بچه‌ای ده بار حج گزارد و سپس محتلم شود باز باید این فریضه اسلامی را بجای آورد."

۶- از ابو الحسن موسی علیه السلام نقل است که فرمود:

"لَيْسَ عَلَى الْمَمْلُوكِ حَجٌّ وَلَا عُمْرَةٌ حَتَّى يُعْتَقَ" (۲۱۱).

"بر برده نه حج و نه عمره است تا آزاد گردد."

۷- از ابو عبدالله علیه السلام پیرامون این آیه قرآنی: (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا)، رسیده است که فرمود:

"مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ، مُخَلِّي سِرْبِهِ، لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ فَهُوَ مُسْتَطِيعٌ لِلْحَجِّ" (۲۱۲).

"کسی که جسمش سالم باشد، راهش باز، و توشه‌اش برقرار و مرکبش فراهم باشد، برای حج مستطیع خواهد بود."

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

- ۱- حج بر کودک غیر بالغ که ممیز نگشته مستحب است و از او صحیح می‌باشد، ولی برای او حج واجب حساب نمی‌شود.
- ۲- اگر کودک ممیز پس از بلوغش و قوف در مشعر الحرام را درک کرد برای حج واجب او کافی است، اگرچه احرامش پیش از بلوغ او باشد.
- ۳- کودکی که نیت حج استجابی کرده به گمان اینکه نابالغ است، ولی بعداً معلوم شود که در حال حج بالغ بوده است، از حج واجب او کفایت می‌کند.
- ۴- بر سرپرست کودک غیر ممیز مستحب است او را مُحْرِم کند و جامه احرام بر پیکرش پوشاند و سرپرست، خود نیت می‌کند و در صورت توانایی کودک تلبیه را به او تلقین می‌نماید و در غیر این صورت خود از سوی کودک تلبیه می‌گوید.
- ۵- هزینه‌های حج افزون بر هزینه‌های معمولی کودک همچون قربانی، پرداختن کفاره‌ها و نظایر آن، اگر صلاح کودک در حج باشد، از اموال او کسرمی‌گردد، مگر در کفاره شکار که در صورتی که سرپرست او پدرش باشد پرداخت آن بر اوست و احوط آن است که غیر پدر نیز آن را بپردازد، زیرا او مسؤول حفظ کودک است.
- ۶- سرپرست باید تا آنجا که می‌تواند خود کودک را وادارد تا اعمال حج و عمره را بجای آورد، و آنچه را کودک توان انجام آن را ندارد خود انجام دهد، و همچنان باید مانع از آن شود که کودک به محرمات احرام دامن آلاید.

۵- احکام نیابت

حدیث شریف:

۵- احکام نیابت

حدیث شریف:

- ۱- از امام صادق علیه السلام پیرامون مردی پرسیدند که از سوی دیگری حج می‌گزارد، آیا این مرد نیز اجر و پاداش می‌برد؟ حضرت علیه السلام فرمود:

"لِلَّذِي يُحُجُّ عَنِ الرَّجُلِ أَجْرٌ وَثَوَابٌ عَشْرٍ حَجَّجَ، وَيُغْفَرُ لَهُ وَلِأَبِيهِ وَلِأُمِّهِ وَلِإِثْنَيْهِ وَلاِثْنَيْتِهِ وَلِأَخِيهِ وَلِأَخْتِهِ وَلِعَمِّهِ وَلِعَمَّتِهِ وَلِخَالَهِ وَلِخَالَتِهِ، إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ" (۲۱۳).

"برای فردی که از سوی دیگری حج می‌گزارد، ده برابر یک حج اجر و ثواب در نظر گرفته می‌شود، خود او، پدر، مادر، پسر، دختر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله‌اش بخشوده می‌گردند خداوند بسی بخشاینده است".

۲- از ابو عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود:

"يُحُجُّ الرَّجُلُ عَنِ الْمَرْأَةِ، وَالْمَرْأَةُ عَنِ الرَّجُلِ، وَالْمَرْأَةُ عَنِ الْمَرْأَةِ" (۲۱۴).

"مرد می‌تواند بجای زن حج بگزارد و زن بجای مرد و زن بجای زن".

۳- از زید شحام به نقل از ابو عبدالله علیه السلام آمده است که گفت: از حضرت علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

"يُحُجُّ الرَّجُلُ الصَّرُورَةَ عَنِ الرَّجُلِ الصَّرُورَةَ، وَلَا تَحُجُّ الْمَرْأَةُ الصَّرُورَةَ عَنِ الرَّجُلِ الصَّرُورَةَ" (۲۱۵).

"مردی که برای نخستین بار به حج می‌رود می‌تواند از سوی مردی که تاکنون به حج نرفته حج گزارد. ولی زنی که برای نخستین بار به حج می‌رود نمی‌تواند از سوی مردی که تاکنون به حج نرفته حج گزارد".

۴- از محمد بن عبدالله قمی آمده است که گفت: از ابوالحسن الرضاعلیه السلام پیرامون مردی پرسیدم که به او پول یک حج را می‌دهند تا از سوی کسی حج گزارد و او نیز بر خود تنگ نمی‌گیرد، ولی با این حال مقداری از هزینه حج باقی می‌ماند، آیا این باقیمانده را به صاحبش باز می‌گرداند و یا نه؟ حضرت فرمود: "لَا، هِيَ لَهُ" (۲۱۶).
نه، این از آن اوست".

تفصیل احکام:

تفصیل احکام:

۱- نیابت در حج واجب و مستحب از سوی مرده، و از سوی زنده در حج مستحبی مطلقاً (در صورت توانایی و عدم توانایی) جایز است، و در حج واجب در صورتی شخص زنده می‌تواند نایب گیرد که نتواند بدلائلی همچون پیری و یا بیماری که به بهبودی آن امیدی نیست به اعمال حج پردازد.

۲- در نایب امور زیر شرط است:

اول - بلوغ بنا بر احوط.

دوم - عقل.

سوم - ایمان (صحت مذهب).

چهارم - اطمینان به اینکه شخص نایب می‌تواند مناسک حج را بصورت صحیح بر گزارد و اگر شخص نایب گیرنده پیش از نایب گرفتن و یا پس از ادای مناسک اطمینان یابد کافی است.

پنجم - آشنا بودن به مناسک و احکام حج گرچه با راهنمایی دیگران باشد.

۳- اشخاص ناتوان، بیمار و معذورانی که حج بر ایشان واجب گشته، در صورتیکه امیدی به از میان رفتن عذرشان نیست واجب می‌باشد که نایب گیرند.

۴- هم جنسی میان کسی که نایب می‌گیرد و شخص نایب شرط نیست پس صحیح است مردی از سوی زن و یا زنی از سوی مرد حج گزارد.

۵- جایز است مردی که برای نخستین بار به حج می‌رود از سوی مردی که تاکنون به حج نرفته حج گزارد و زنی که برای نخستین

بار به حج می‌رود از سوی زنی که تاکنون به حج نرفته حج را بجای آورد، ولی احتیاطاً جایز نیست زنی که تاکنون به حج نرفته از سوی مردی که به مکه مشرف نشده حج را بجای آورد و مکروه است زنی که برای نخستین بار به حج می‌رود از سوی مردی که قبلاً به حج رفته، حج بگذارد، و همچنان مکروه است نیابت زنی که برای چندمین بار به حج می‌رود از مردی که تاکنون به حج نرفته است.

۶- اگر نایب پس از احرام و پس از دخول در حرم مُرد، از منوب عنه یعنی کسی که حج برای او صورت می‌گیرد کفایت می‌کند و حج از او ساقط می‌گردد، اما اگر پیش از دخول به حرم بمیرد حج احتیاطاً بر ذمه منوب عنه باقی خواهد ماند. و در این میان تفاوتی میان گونه‌های حج نیست.

۷- اگر نایب پس از احرام و پس از دخول در حرم بمیرد تمام اجرت نیابت به او تعلق می‌گیرد.

۸- نایب حق ندارد از آنچه که قبلاً توسط منوب عنه شرط شده تخلف کند، مگر با اجازه او.

۹- اگر نایب کاری کند که موجب کفاره گردد خود باید کفاره را بدهد نه نایب گیرنده.

۱۰- بر نایب واجب نیست افزوده هزینه‌های حج را از پیش خودپردازد، و همچنان بر او واجب نیست باقیمانده هزینه را به شخص نایب گیرنده پردازد، گرچه مستحب است چنین نماید.

۱۱- اگر نایب حج خود را با جماع پیش از وقوف در مشعر الحرام باطل کرد باید حج را تمام کند و حج را در سال آینده از سر گیرد و بر شخص نایب گیرنده پرداخت چیزی تعلق نمی‌گیرد.

۱۲- نمی‌توان در حج واجب نیابت بیش از یک نفر را به عهده گرفت، ولی در حج مستحبی می‌توان چنین کرد.

۱۳- می‌تواند چنین باشد که در یک سال داوطلبانه و یا در حج مستحبی چند نفر از یکنفر نایب شوند، همانگونه که در چند حج واجب، چند نفر می‌توانند چنین کنند، چنانکه یکی از ایشان از سوی دیگری حجه الاسلام گزارد و آن دیگری از سوی او حج نذری بجای آورد.

۱۴- نایب می‌تواند پس از فراغت یافتن از مناسک حج برای خود عمره مفرده و یا طواف بجای آورد و همچنان می‌تواند برای دیگری نیز چنین کند.

۱۵- نایب باید منوب عنه را مشخص کند و قصد نیابت نماید و مستحب است در همه مواقع نام شخص منوب عنه را بر زبان آورد.

۱۶- مستحب است از سوی ائمه علیهم السلام حج نیابتی گزارد و نیز از سوی پدر، مادر، نزدیکان و مؤمنان در حج و طواف قصد نیابت کند، البته در صورتیکه غایب و یا معذور باشند.

احکام شخص بازداشته شده از حج

اشاره

احکام شخص بازداشته شده از حج

(مصدود و محصور)

حدیث شریف:

حدیث شریف:

از ابو جعفر علیه السلام نقل است که فرمود:

"الْمُضِيدُ يُذْبِحُ حَيْثُ ضِيدٌ، وَيَرْجِعُ صَاحِبُهُ فَيَأْتِي النَّسَاءَ، وَالْمُحْضِيُّ وَرُيِّعَتْ بِهِ يَدِيهِ فَيَعِدُّهُمْ يَوْمًا، فَإِذَا بَلَغَ الْهُدَىٰ أَحْيَلَّ هَذَا فِي مَكَانِهِ" (۲۱۷).

"شخص بازداشته شده از حج هر جا که بازداشته شد ذبح می‌کند و باز می‌گردد و زنان بر او حلال می‌شوند. و شخص بیماری که نمی‌تواند حج را ادامه دهد، قربانی خود را می‌فرستد و وعده می‌گذارد، پس هرگاه قربانی ذبح شد، در مکانی که هست از احرام رها می‌شود."

الف - احکام مصدود

الف - احکام مصدود

"مصدود" به کسی گفته می‌شود که پس از بستن احرام، دشمن مانع از بجای آوردن اعمال حج او می‌شود.

مهمترین احکام مصدود بدینقرار است:

۱ - کسی که دشمن مانع از آن شده که مناسک عمره و یا حج را کامل کند می‌تواند از احرام بیرون آید، و این امر با ذبح قربانی در همان محلی که هست حاصل می‌شود، و احتیاط مستحب آن است که به نیت تحلل (رهاشدن از احرام) باشد و به این وسیله همه محرمات احرام حتی زن بر او حلال می‌گردد، و احتیاط واجب آن است که برای تکمیل رها شدن از احرام حلق و تقصیر کند، و اگر قربانی همراه داشت آن را ذبح و یا نحر کند و این او را از دادن قربانی دیگری بسنده است.

۲ - حج از مصدودی که استطاعتش به همان سال اختصاص دارد ساقط می‌شود، ولی کسی که قبلاً استطاعت حج را یافته و به عهده او مستقر شده باشد، یا تا سال بعد مستطیع باقی بماند، باید حج را بجای آورد و حج از او ساقط نمی‌گردد.

۳ - شخص مصدود اگر بتواند از راه دیگری به مسیر خود ادامه دهد نمی‌تواند از احرام خارج شود، بلکه باید مناسک حج را کامل گرداند. مگر آنکه این کار با دشواری (خرج) همراه باشد.

۴ - اگر حاجی از وقوف در عرفات و مشعر الحرام بازداشته شود، در همان محل بازداشته شدن با ذبح قربانی تحلل می‌یابد، ولی اگر از وقوف در یکی از دو موقف بازداشته شود آنچه را از آن بازداشته شده است ترک می‌کند و مناسک باقیمانده را بجای می‌آورد و حجش صحیح است.

و اگر از تمامی و یا پاره‌ای از اعمال منی بازداشته شد، پس اگر توانست نایب بگیرد واجب است چنین کند و اگر نتوانست به وظیفه مصدود عمل می‌کند.

و در صورتیکه از انجام اعمال مکه مکرمه پس از بازگشت از منی بازداشته شود، اگر بازداشتن تا پایان ذی‌الحجه ادامه یافت حکم مصدود بر او جاری می‌شود، و در غیر اینصورت باید تا پایان ذی‌الحجه، خود مناسک حج را بجای آورد، ولی اگر نتوانست برای ادای مناسک مکه کسی را از سوی خود نایب بگیرد اقوی صحیح بودن حج اوست.

۵ - اگر حاجی از بازگشت به منی در حالی بازداشته شد که اعمالش را در مکه به پایان برده، باید در صورت امکان در همان سال برای اعمال منی نایب بگیرد و در غیر اینصورت باید برای سال آینده نایب برگزیند و حجش صحیح خواهد بود.

ب - احکام محصور

ب - احکام محصور

"محصور" به آن حاجی گفته می‌شود که بیماری مانع از آن شده است که مناسک حج را به پایان رساند.

و اینک مهمترین احکام آن:

- ۱ - اگر حاجی پس از احرام محصور گردد و خواهان تحلل باشد باید قربانی را به مکه فرستد تا در آنجا ذبح گردد در صورتی که احرام عمره تمتع داشته باشد و اگر احرام حج داشته باشد در روز عید در منی ذبح می‌شود.
- ۲ - شخصی که احرام عمره مفرده دارد قربانیش را با همراهانش به مکه می‌فرستد تا در وقتی که بدان اتفاق کرده‌اند ذبح شود تا پس از آن تحلل یابد.
- ۳ - شخصی که احرام عمره تمتع و عمره مفرده واجب دارد پس از ذبح قربانی تحلل می‌یابد، و جز زن همه محرمات احرام بر او حلال می‌گردد و در عمره واجب همچنان زن برای او حرام باقی می‌ماند تا بعداً عمره تمتع و حج گزارد و یا کسی را مأمور کند که از سوی او طواف نساء بجای آورد، ولی در عمره مستحب پس از ذبح، زن نیز بر او حلال می‌گردد.
- ۴ - اگر حاجی از درک و قوف در عرفات و مشعر الحرام محصور گردد با ذبح تحلل می‌یابد و جز زن همه محرمات احرام بر او روا می‌گردد تا آنکه اعمال حج را بجای آورد و یا نایب بگیرد، اما اگر تنها از درک یکی از دو موقف محصور گردد بر او چیزی نیست و حجش صحیح است.
- ۵ - اگر بیماری تا پس از اعمال منی ادامه یافت، پس اگر توانست به منی باز گردد و خود قضای اعمال آن را انجام دهد بر او واجب است که چنین کند، و گرنه باید برای ذبح و رمی نایب بگیرد و با حلق و تقصیر تحلل می‌یابد.
- ۶ - اگر حاجی پس از مناسک منی از مناسک مکه محصور شد، اگر توانست تا پایان ذی الحجّه خود اعمال را انجام دهد بر او واجب است که چنین کند و در غیر اینصورت باید نایب بگیرد.
- ۷ - اگر حاجی از همه مناسک منی و مکه محصور شد باید قربانی خود را به منی فرستد تا ذبح شود و پس از ذبح تحلل می‌یابد، ولی پس از آن باید حج را اعاده کند و این در صورتی است که نتواند در دیگر مناسک منی و مکه نایب بگیرد ولی اگر توانست وجه اقوی این است که گرفتن نایب کفایت از حج می‌کند، اگرچه احوط آن است که سال بعد نیز حج گزارد.

بخش ششم

پیرامون زیارت و دعا

زیارت پیامبر و اهل بیت او

بخش ششم

پیرامون زیارت و دعا

زیارت پیامبر و اهل بیت او

حاجی گرامی باید بداند که اینک در خدمت پیامبر اکرم و در آستانه مسجد شریف او در مدینه منوره یعنی جائی است که هنوز شراره‌های وحی و عطر نبوت از جای جای آن به مشام می‌رسد، چه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

"مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إِلَيَّ فِي حَيَاتِي" (۲۱۸).

"هر که پس از مرگ آرامگاه مرا زیارت کند چونان کسی است که در زمان زندگی من بسوی من هجرت کرده است."

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

"صَلُّوا إِلَى جَنْبِ قَبْرِ النَّبِيِّ وَإِنْ كَانَتْ صَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ تَبْلُغُهُ أَتَيْنَا كَانُوا (۲۱۹).

"در کنار آرامگاه پیامبر درود بر او فرستید، اگرچه درود مؤمنان هر جا که باشند بدو می‌رسد."

و امام باقر علیه السلام در پرسش یکی از اصحابش که از حضرت سؤال نمود: مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ مُتَعَمِّدًا؟ قَالَ: "الْجَنَّةُ" (۲۲۰).

"پاداش کسی که آگاهانه پیامبر را زیارت کند چیست؟ فرمود: "بهشت".

پس بودند را در مدینه غنیمت شمار و نماز در مسجد النبی، فراوان‌بگزار و درود بسیار بر پیامبر فرست که صدایت را می‌شنود، و تو نمی‌توانی هر گاه که بخواهی چنین کنی و هر گاه به مسجد داخل شدی از نزدیک آرامگاه شریفش بر پیامبر درود فرست و بدان که میان آرامگاه و منبر او باغی است از باغهای بهشت چرا که پیامبر خود فرموده است:

"مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمِثْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَمِثْبَرِي عَلَى تَرْعِ الْجَنَّةِ، وَقَوَائِمِ مِثْبَرِي رُتَبٌ فِي الْجَنَّةِ" (۲۲۱).

"میان خانه و منبر من باغی است از باغهای بهشت و منبر من بر نهری از نه‌های فردوس قرار گرفته و پایه‌های منبرم در درون بهشت است."

پس هر گاه آهنگ زیارت او کردی با غسل و دعا برای این زیارت آماده شو با رویکردی ژرف به آنجایی نظر کن که رسول اکرم در آنجا غنوده و محل هبوط ملائکه است، و اینک تفصیل چگونگی زیارت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله: پیش از دخول:

مستحب است از باب جبرئیل در آیی و صد بار تکبیر گویی و اذن دخول را چنین خوانی:

"اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابِ بَيْتِ مَنْ أَنْبَأَ بِيُوتِ نَبِيِّكَ صِلْ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدَمَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَقُلْتُ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بِيُوتِ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيَرُدُّونَ سِلَامِي وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بَلَدِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ، وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلًا، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صِلِّ لِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا، وَأَسْتَأْذِنُ الْمَلَائِكَةَ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا.

ءَأَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أذِنْتَ لِأَخْدِمَ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِدَلِكْ فَأَنْتَ أَهْلٌ لِدَلِكْ" (۲۲۲).

سپس کنار ستون جلو، در بخش راست قبر نزد سر قبر، و در زاویه آن می‌ایستی در حالیکه رو به قبله داری و دوش سمت چپت به جانب قبر است و دوش سمت راستت به طرف منبر که آن محل سر پیامبر صلی الله علیه و آله است و می‌گویی:

"أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَيْحَتِ لَأُمَّتِكَ، وَجَاهِدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَمِدْتَ اللَّهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَعَلَّظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَقْدَنَا بِكَ مِنَ الشُّرُكِ وَالضَّلَالَةِ.

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صِلْمَاتِكَ وَصِلْمَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَاءِكَ الْمُزْسَلِينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْبَاقِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِيَّتِكَ وَنَجِيَّتِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيَّتِكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَآتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: (وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا) وَإِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي، إِنِّي أَتَوَّجُهُ بِكَ

إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي (۲۲۳).

و اگر نیازی داشتی قبر پیامبر را پشت شانه‌ات قرار ده و رو به قبله بایست و دو دستت را به آسمان بالا ببر و نیازت را بخواه، شاید که به خواست خدا بدان دست یابی (۲۲۴).

سپس رو به قبله بایست و بگو:

"اللَّهُمَّ إِلَيْكَ الْجَأْتُ ظَهْرِي، وَإِلَى قَبْرِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ أَسْتَبْدُثُ ظَهْرِي، وَالْقَبْلَةَ الَّتِي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَسْتَقْبِلُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْدِيحْتُ لِمَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرٌ مِمَّا أَرْجُو، وَلَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرًّا مَا أَخِذَرُ عَلَيْهَا، وَأَصْدِيحْتُ الْأُمُورَ بِيَدِكَ فَلَمَّا فَفَقِيرٌ أَفْقَرُ مِنِّي، رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ مِن خَيْرٍ فَقِيرٌ، اللَّهُمَّ ازْدُدْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ فَإِنَّهُ لَا رَادَّ لِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ إِشْرَاقِي، أَوْ تُغَيِّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَيْكَ عِنْدِي، اللَّهُمَّ كَرِّمْنِي بِالتَّقْوَى، وَجَمِّلْنِي بِالنِّعَمِ، وَأَعْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَأَرْزُقْنِي شُكْرًا لِعَافِيَتِكَ" (۲۲۵).

سپس دل خود را متوجه بانوی زنان جهان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها می کنی و با خشوع قلب به زیارتش می پردازی و می گویی:

"يَا مُمْتَحِنُهُ اِمْتَحَنِكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجِدَكَ لِمَا اِمْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءٌ مُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَتَانَا بِهِ وَصِيَّتُهُ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صِدْقًا كَالْحَقِّتِنَا بِتَصَدِّقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّهَا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ" (۲۲۶).

و سپس می گویی: "السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحَسَنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصُّدَيْقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْحُورَاءُ الْإِنْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُظْلَمَةُ الْمُعْصُوبَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمُفْهُورَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضِيَّتِ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ وَرُسُلُهُ وَمَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَتَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخَطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، مُبْغِضٌ لِمَنْ ابْغَضْتَ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَحَسِيبًا وَجَازِيًا وَمُثَبِّتًا وَرَحْمَةً لِلَّهِ وَبَرَكَاتُهُ" (۲۲۷).

سپس میان قبر و منبر دعای روایت شده را بر زبان می آوری و اگر انبوهی مردم، مانع شد، از جانی این دعای را می خوانی که حتی الامکان به قبر نزدیکتر باشد و می گویی:

"اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ جَنَّتِكَ، وَشُعْبَةٌ مِنْ شُعَبِ رَحْمَتِكَ الَّتِي ذَكَرَهَا رَسُولُكَ، وَأَبَانَ عَنْ فَضْلِهَا وَشَرَفِ التَّعْبُدِ لَكَ فِيهَا، فَقَدْ بَلَّغْتِنِيهَا فِي سَلَامَةٍ نَفْسِي فَلَكَ الْحَمْدُ يَا سَيِّدِي عَلَى عَظِيمِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ فِي ذَلِكَ، وَعَلَى مَا رَزَقْتَنِيهِ مِنْ طَاعَتِكَ وَطَلَبِ مَرْضَاتِكَ، وَتَعْظِيمِ حُرْمَةِ نَبِيِّكَ بِزِيَارَةِ قَبْرِهِ، وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ وَالتَّرَدُّدِ فِي مَشَاهِدِهِ وَمَوَاقِفِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَوْلَايَ حَمْدًا يَنْتَظِمُ بِهِ مَحَامِدُ حَمَلَةِ عَرْشِكَ وَسِيَّكَانِ سَمَاوَاتِكَ لَكَ، وَيَقْضِي عَنْهُ حَمِيدٌ مِنْ مَضَى، وَيَفْضَلُ حَمْدٌ مِنْ بَقِيٍّ مِنْ خَلْقِكَ لَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَوْلَايَ حَمِيدٌ مَنْ عَرَفَ الْحَمْدَ لَكَ، وَالتَّوْفِيقَ لِلْحَمْدِ مِنْكَ حَمْدًا يَمْلَأُ مَا خَلَقْتَ، وَيَبْلُغُ حَيْثُ مَا أَرَدْتَ، وَلَا يَحْجُبُ عَنْكَ، وَلَا

يَنْفَضِي دُونَكَ، وَيَبْلُغُ أَقْصَى رِضَاكَ، وَلَا يَبْلُغُ آخِرَهُ أَوْ ائِلَ مَحَامِدِ خَلْقِكَ لَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ مَا عَرَفْتَ الْحَمْدَ، وَأَعْتَقَدَ الْحَمْدَ، وَجُعِلَ ابْتِدَاءَ الْكَلَامِ الْحَمْدُ، يَا يَا قِي الْعِزِّ وَالْعَظَمَةِ، وَدَائِمَ السُّلْطَانِ وَالْقُدْرَةِ، وَشَدِيدَ الْبُطْحِ وَالْقُوَّةِ، وَنَافِذَ الْأَمْرِ وَالْإِرَادَةِ، وَوَسِعَ الرَّحْمَةَ وَالْمَغْفِرَةَ، وَرَبَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ، كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَكَ عَلَيَّ يَفْضُرُ عَنْ أَيْسَرِهَا حَمْدِي، وَلَا يَبْلُغُ أَذْنَاهَا شُكْرِي، وَكَمْ مِنْ صِنَائِعٍ مِنْكَ إِلَيَّ لَا يُحِيطُ بِكُنُيْهَا وَهَمِي، وَلَا يَقِيْدُهَا فِكْرِي. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نَبِيِّكَ، الْمُصِطَفَى بَيْنَ الْبَرِيَّةِ طِفْلاً، وَخَيْرِهَا شَاباً وَكَهْلاً، أَطْهَرَ الْمُطَهَّرِينَ شَيْمَةً، وَأَجْوَدَ الْمُسْتَمَطَّرِينَ دِيمَةً، وَأَعْظَمَ الْخَلْقِ جُرْثُومَةً، الَّتِي أَوْضَحَتْ بِهَ الدَّلَالَاتِ، وَأَتَمَّتْ بِهَ الرِّسَالَاتِ، وَخَتَمَتْ بِهَ التُّبُوتِ، وَفَتَحَتْ بِهَ الْخَيْرَاتِ، وَأَظْهَرَتْهُ مَظْهَرًا، وَابْتَعَثَتْهُ نَبِيًّا وَهَادِيًّا أَمِينًا مَهْدِيًّا وَدَاعِيًّا إِلَيْكَ وَدَالًّا عَلَيْكَ، وَحُجَّةً بَيْنَ يَدَيْكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمَعْصُومِينَ مِنْ عِتْرَتِهِ، وَالطَّيِّبِينَ مِنْ أُسْرَتِهِ، وَشَرَّفْ لِمَدْيِكَ بِهَ مَنَازِلَهُمْ، وَعَظِّمْ عِنْدَكَ مَرَائِبَهُمْ، وَاجْعَلْ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى مَجَالِسَهُمْ، وَارْفَعْ إِلَى قُرْبِ رَسُولِكَ دَرَجَاتِهِمْ، وَتَمِّمْ بِلِقَائِهِ سُورَهُمْ، وَوَفِّرْ بِمَكَانِهِ أَنْسَهُمْ (۲۲۸).

و سپس نزد ستون توبه دو رکعت نماز می گزاری و می گویی:

"اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ لَا تَهْنِي بِالْفَقْرِ، وَلَا تُدَلِّنِي بِالدِّينِ، وَلَا تُرَدِّنِي إِلَى الْهَلَاكَةِ، وَاعَصِمْنِي كَيْ أَعْتَصِمَ، وَأَصِلِحْنِي كَيْ أَنْصَلِحَ، وَاهْدِنِي كَيْ أَهْتَدِيَ، اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى اجْتِهَادِ نَفْسِي، وَلَا تُعَذِّبْنِي بِسُوءِ ظَنِّي، وَلَا تَهْلِكْنِي وَأَنْتَ رَجَائِي، وَأَنْتَ أَهْلُ أَنْ تُغْفِرَ لِي وَقَدْ أَخْطَأْتُ. وَأَنْتَ أَهْلُ أَنْ تُغْفُو عَنِّي، وَقَدْ أَقْرَرْتُ. وَأَنْتَ أَهْلُ أَنْ تُقِيلَ، وَقَدْ عَثَرْتُ. وَأَنْتَ أَهْلُ أَنْ تُحْسِنَ، وَقَدْ أَسَأْتُ. وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، فَوَفِّقْنِي لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، وَيَسِّرْ لِي الْيَسِيرَ، وَجَنِّبْنِي كُلَّ عَسِيرٍ، اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ، وَبِالطَّاعَاتِ عَنِ الْمَعَاصِي، وَبِالغِنَى عَنِ الْفَقْرِ، وَبِالْجَنَّةِ عَنِ النَّارِ، وَبِالْإِبْرَارِ عَنِ الْفُجَّارِ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ" (۲۲۹).

سپس به آرامگاه ائمه علیهم السلام در بقیع رومی می کنی و با این زیارت اذن دخول می طلبی:

"يا مَوْلَى يا اَبْناءَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكُمْ وَابْنُ أُمَّتِكُمْ، الدَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ، وَالْمَصْغَرُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَالْمُعْتَرَفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ قاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ، ءَأَدْخُلُ يا مَوْلَى؟ ءَأَدْخُلُ يا أَوْلِياءَ اللَّهِ؟ ءَأَدْخُلُ يا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَلِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ" (۲۳۰؟)

سپس امام حسن مجتبی را چنین زیارت می کنید:

"السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَحَجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِرَاطَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا لِسَانَ حِكْمَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ناصِرَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبِرُّ التَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْأَمِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ بِالتَّنْزِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ بِالتَّأْوِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَاهِرُ الْخَفِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصَّادِقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِيقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَى يَا أبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ" (۲۳۱).

و بر امام حسن علیه السلام با این دعا درود می فرستیم:

"اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ ابْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ، وَوَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، عَشْتُ مَظْلُومًا، وَمَصَيْتَ شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ" (۲۳۲).

سپس به زیارت امام علی بن الحسین علیه السلام رومی می آوری و می گویی:

"السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُتَهَجِّدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُوَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ الْعَارِفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلْفَ السَّابِقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ وَصَايَا

الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ضَوْءَ الْمُسْتَوْحِشِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْمُجْتَهِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَاجَ الْمُزْتَاوِسِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دُخْرَ الْمُتَعَبِّدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَهَابَ الْعِلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَهَابَ الْوَيْدَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ الْقِيَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْخَلَاصِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ النَّدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَدْرَ الدُّجَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَوَاهُ الْحَلِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّابِرُ الْحَكِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَيْسَ الْبَكَائِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَضِيحَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَى يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ وَأَبُو حُجَجِهِ، وَابْنُ أَمِينِهِ وَأَبُو أَمَنَائِهِ، وَأَنَّكَ نَاصِحٌ فِي عِبَادَةِ رَبِّكَ، وَسَارِعٌ فِي مَرْضَاتِهِ، وَخَيِّبٌ أَعْدَاءَهُ، وَسِرْرَةٌ أَوْلِيَاءَهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ عَبَدْتَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ، وَاتَّقَيْتَهُ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَأَطَعْتَهُ حَقَّ طَاعَتِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَعَلَيْكَ يَا مَوْلَى يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ أَفْضَلُ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ (۲۳۳).

و سپس بر امام چهارم چنین درود می فرستی:

"اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ الَّذِي اسْتَخْلَصِيَهُ لِنَفْسِكَ، وَجَعَلْتَ مِنْهُ أُمَّةً الْهُدَى الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، اخْتَوَتْهُ لِنَفْسِكَ، وَطَهَّرَتْهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَاصْطَفَيْتَهُ وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا مَهْدِيًا. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ حَتَّى تَبْلُغَ بِهِ مَا تَقَرَّرَ بِهِ عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ" (۲۳۴).

سپس به مرقد امام محمد باقر علیه السلام روی می آوری و چنین زیارت می کنی:

"السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَاقِرُ بِعِلْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَاحِصُ عَنْ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُسَيَّبُ لِحُكْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ بِقِسْطِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِحُ لِعِبَادِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّلِيلُ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَبِيبُ الْمَتِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَضْلُ الْمُبِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّوْرُ السَّاطِعُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْيَدْرُ اللَّامِعُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْأَبْلَجُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَاحُ الْأَسْرَجُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّجْمُ الْأَزْهَرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَوْكَبُ الْأَبْهَرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُتَزَّرُ عَنِ الْمُعْضَلَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُعْصُومُ مِنَ الزَّلَّاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّكِيُّ فِي الْحَسَبِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّفِيعُ فِي النَّسَبِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الشَّفِيقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَصِيرُ الْمَشِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَى أَنَّكَ قَدْ صَدَقْتَ بِالْحَقِّ صِدْقًا، وَبَقَرْتَ الْعِلْمَ بَقْرًا، وَنَزَّزْتَهُ نَزْرًا، لَمْ تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، وَكُنْتَ لِدِينِ اللَّهِ غَيْرَ مُكَاتِمٍ، وَقَضَيْتَ مَا كَانَ عَلَيْكَ، وَأَخْرَجْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ دِينِ اللَّهِ إِلَى دِينِ اللَّهِ، وَأَمَرْتَ بِطَاعَةِ اللَّهِ، وَنَهَيْتَ عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ، حَتَّى قَبَضَكَ إِلَى رِضْوَانِهِ، وَذَهَبَ بِكَ إِلَى دَارِ كَرَامَتِهِ، وَإِلَى مَسَاكِنِ أَصْفِيَائِهِ وَمُجَاوِرَةِ أَوْلِيَائِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ" (۲۳۵).

سپس بر حضرتش علیه السلام چنین درود می فرستی:

"اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ وَإِمَامِ الْهُدَى، وَقَائِدِ أَهْلِ التَّقْوَى، وَالْمُنْتَجِبِ مِنْ عِبَادِكَ، اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا لِبِلَادِكَ، وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِكَ، وَمُتَزَجِمًا لَوْحِيكَ، وَأَمَرْتَ بِطَاعَتِهِ، وَحَدَّرْتَ مِنْ مَعْصِيَتِهِ فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبُّ أَفْضَلُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَمْنَائِكَ يَا رَبُّ الْعَالَمِينَ" (۲۳۶).

در پی آن به مرقد امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روی می آوری و با این زیارت به حضرتش علیه السلام درود می فرستی:

"السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الصَّادِقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ النَّاطِقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَائِقُ الرَّائِقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّنَامُ الْأَعْظَمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَضِيحَ الظُّلُمَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَافِعَ الْمُعْضَلَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِفْتَاحَ الْخَيْرَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعِينَ الْبَرَكَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْحُجَجِ وَالذَّلَالَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْبُرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاشِئَ حُكْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاصِلَ الْخَطَابَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمِيدَ الصَّادِقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا لِسَانَ النَّاطِقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلْفَ السَّابِقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَعِيمَ الصَّادِقِينَ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُتَمَلِّمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَهْفَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْطَائِعِينَ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَى أَنَّكَ عَلِمْتَ الْهُدَى وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقَى، وَشَمْسُ الصُّحَى، وَبَحْرُ النَّدَى وَكَهْفُ الْوَرَى، وَالْمَثَلُ الْأَعْلَى، صَلِّ

اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْعَبَاسِ عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ("۲۳۷").

سپس به امام چنين درود می فرستی:

"اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، خَازِنِ الْعِلْمِ، الدَّاعِي إِلَيْكَ بِالْحَقِّ، وَالثُّورِ الْمُبِينِ. اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ مَعِيدَ كَلَامِكَ وَوَحْيِكَ، وَخَازِنَ عِلْمِكَ، وَلِسَانَ تَوْحِيدِكَ، وَوَلِيَّ أَمْرِكَ، وَمُسْتَحْفَظَ دِينِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَحَجَجِكَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ" ("۲۳۸").

و اگر بخواهی یک زیارت برای همه امامان بخوانی چنین می گویی:

"السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَى أُمَّةِ اللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقَرِّينَ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأِدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ وَالَاهُمْ فَقَدُوا إِلَى اللَّهِ، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدُوا عَادَى اللَّهِ، وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدُوا عَرَفَ اللَّهَ، وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدُوا جَهِلَ اللَّهَ، وَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدُوا اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدُوا تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَحَزَبْتُ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عِدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنَّ وَالنَّاسِ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ" ("۲۳۹").

دعاء مکارم الأخلاق

دعاء مکارم الأخلاق

بر حاجی گرامی است که در سفر حج دعا، بسیار بخواند که گنجینه معارف اهل بیت علیهم السلام و کلید رحمت الهی است. و ما برای شما دعای مکارم الاخلاق را برگزیدیم که اگر توانستید در ایام حج همه روزه آن را بخوانید که امید است به وسیله آن خداوند شما را به آداب والای اسلامی مزین گرداند و چنان گرداند که به خواست خدا با توشه‌ای پر از ایمان به وطنتان بازگردید، و دعا این است:

"اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْ بَايْمَانِي أَكْمَلَ الْإِيْمَانِ، وَاجْعَلْ يَقِيْنِي أَفْضَلَ الْيَقِيْنِ، وَأَنْتَهُ بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ.

اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نَيْتِي، وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِيْنِي، وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْاهْتِمَامُ بِهِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْتَلْنِي عِدَاةً عَنْهُ، وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيْمَا خَلَقْتَنِي لَهُ، وَأَعْنِنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ وَلِمَا تَفْتَنِي بِالنَّظَرِ، وَأَعِزَّنِي وَلِمَا تَبْتَلِيْنِي بِالْكِبْرِ، وَعَبَّدْنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ، وَأَجْرِلِ النَّاسَ عَلَى يَدَيَّ الْخَيْرَ وَلَا تَمْحَقْهُ بِالْمَنِّ، وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ، وَأَعِصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَزْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا، وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَخَدْتْ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بَقَدْرِهَا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَتَّعْنِي بِهُدَى صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَطَرِيقَهُ حَقًّا لَا أَزِيغُ عَنْهَا، وَتَفِيهِ رُشْدٍ لَا أَشْكُ فِيهَا، وَعَمَّرْنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذَلِكَ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتِكَ إِلَيَّ أَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبَكَ عَلَيَّ.

اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ خَصْلَةَ تَعَابٍ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتَهَا، وَلَا عَاقِبَةَ أُوْتُبُ بِهَا إِلَّا حَسَنْتَهَا، وَلَا أَكْرَمَةً فِيَّ نَاقِصَةً إِلَّا أَنْمَمْتُهَا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحْبَبَةِ، وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَنَةَ، وَمِنْ عِدَاوَةِ الْأَذْنَبِينَ الْوَلَايَةَ، وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرَّةَ، وَمِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصِيرَةَ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِينِ تَضْيِیحِ الْمِقَّةِ، وَمِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِينَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ، وَمِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةِ الْأَمْنَةِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَلِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي، وَظَفْرًا بِمَنْ عَانَدَنِي، وَهَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي، وَقُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي، وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي، وَسَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي، وَوَقْفَنِي لِبَطْءِهِ مَنْ سَدَدَنِي، وَمُتَابَعَهُ مَنْ أَرْشَدَنِي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَيِّدُذُنِي لِأَنَّ أُعَارِضَ مَنْ عَشَّيْتُ بِالنُّصِيحِ، وَأَجْرِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبُرِّ، وَأَثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبِدْلِ، وَأَكْفِي مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ، وَأَخَالَفَ مَنْ اعْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَأُعْضِيَ عَنِ السَّيِّئَةِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَلِّئِي بِحَلِيَّتِهِ الصَّالِحِينَ، وَأَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَيْدِ، وَكَطْمِ الْغَيْظِ، وَإِطْفَاءِ النَّاتِرَةِ، وَضَمِّ أَهْلِ الْفِرْقَةِ، وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْمَبِينِ، وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَسَيْئَرِ الْعَائِيَةِ، وَلِينِ الْعَرِيكَةِ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَسُكُونِ الرِّيحِ، وَطِيبِ الْمُخَالَفَةِ، وَالسَّبْقِ إِلَى الْفِضَّةِ، وَإِيثَارِ التَّفْضِيلِ، وَتَرْكِ التَّغْيِيرِ، وَالْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ، وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ، وَاسْتِقْلَالِ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَأَكْمِلْ ذَلِكَ بِدَوَامِ الطَّاعَةِ وَتُرُومِ الْجَمَاعَةِ، وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَمُسْتَعْمَلِي الرَّأْيِ الْمُخْتَرِعِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ، وَأَقْوَى قُوَّتِكَ فِي إِذَانِي إِذَا نَصَبْتُ، وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا الْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ، وَلَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ، وَلَا مُجَامَعَةِ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ، وَلَا مُفَارَقَةِ مَنْ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولَ بِحُكِّ عِنْدَ الضَّرُورَةِ، وَأَسَدَ تِلْكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَأَنْتَضِرُ إِلَى إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْئَلَةِ، وَلَمَّا تَفَتَّي بِالْإِسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَرْتُ، وَلَمَّا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ، وَلَمَّا بِالْتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونِكَ إِذَا رَهَيْتُ، فَاسْتَحِقْ بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ وَمَنْعَكَ وَإِعْرَاضَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رَوْعِي مِنَ التَّمَنِّيِ وَالتَّطَنِّيِ وَالتَّحْسِيدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَذَكُّرًا عَلَى عَيْدُوكَ، وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هَجْرٍ أَوْ شَتْمٍ عَرَضٍ، أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ، أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَإِعْرَاقًا فِي الشَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ، وَشُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَاعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ، وَإِحْصَاءً لِمِنَّكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي، وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي، وَلَا أَضِلَّنَّ وَقَدْ أَمَكَّنْتَكَ هِدَايَتِي، وَلَا أَفْتَقِرَنَّ وَمَنْ عِنْدَكَ وَسْعِي، وَلَا أَطْعِنَنَّ وَمَنْ عِنْدَكَ وَجِدِي.

اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَقَدْتُ، وَإِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَإِلَى تَجَاوُزِكَ اسْتَقْتْتُ، وَبِفَضْلِكَ وَثِقْتُ، وَلَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ، وَلَا فِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ، وَمَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا فَضْلَكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ.

اللَّهُمَّ وَأَنْظِفْنِي بِالْهُدَى، وَالْهَمْنِي التَّقْوَى، وَوَقِّفْنِي لِلتِّي هِيَ أَرْكَى، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى.

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِي الطَّرِيقَةَ الْمُتْلَى، وَاجْعَلْنِي عَلَى مِلَّتِكَ أَمُوتُ وَأَحْيَا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَمَتَّعْنِي بِالْإِقْتِصَادِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ، وَمِنْ أَدِلَّةِ الرَّشَادِ، وَمِنْ صِيَالِحِي الْعِبَادِ، وَارْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ، وَسَلَامَةَ الْمِرْصَادِ.

اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخْلِصُهَا، وَأَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصِمُهَا.

اللَّهُمَّ أَنْتَ عِمْدَتِي إِنْ حَزَنْتُ، وَأَنْتَ مُنْتَجِعِي إِنْ حُرْمْتُ، وَبِكَ اسْتِعَانَتِي إِنْ كَرِهْتُ، وَعِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفُ، وَلَمَّا فَسَدَ صِدْمَا، وَفِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرًا، فَامْتَنَنَّ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ، وَقَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ، وَقَبْلَ الصَّلَالِ بِالرَّشَادِ، وَكَفَيْتَنِي مَعْرَةَ الْعِبَادِ، وَهَبْ لِي أَمْرًا يَوْمَ الْمَعَادِ، وَامْنَحْنِي حُسْنَ الْإِرْشَادِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَادْرَأْ عَنِّي بِلُطْفِكَ، وَاغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ، وَأَصِلْخَنِي بِكَرَمِكَ، وَدَاوِنِي بِصَبْرِكَ، وَأَظْلِنِي فِي ذِرَاكَ، وَجَلِّلْنِي رِضَاكَ، وَوَقِّفْنِي إِذَا اسْتَكَلْتُ عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْدَاهَا، وَإِذَا تَشَابَهَتْ الْأَعْمَالُ لِأَزْكَاهَا وَإِذَا تَنَاقَصَتْ الْمِلَالُ لِأَرْضَاهَا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَوَجَّحْنِي بِالْكَفَايَةِ، وَسَيِّمْنِي حُسْنَ الْوِلَايَةِ وَهَبْ لِي صِدْقَ الْهِدَايَةِ، وَلَا تَفْتِنْنِي بِالسَّعَةِ، وَامْنَحْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ، وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا، وَلَا تَزِدْ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا، وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنَعْنِي مِنَ السَّرْفِ، وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ، وَوَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَاتِ فِيهِ، وَأَصِبْ بِي سَبِيلَ الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيهَا

أُتِفِقُ مِنْهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي مَوْنَةَ الْإِكْتِسَابِ، وَارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ اخْتِسَابٍ، فَلَا أُسْتَعْلَى عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا أُخْتَمِلَ إِضْرَ تَبَعَاتِ الْمَكْسَبِ.

اللَّهُمَّ فَاطِنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ، وَأَجْزِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أَرْهَبُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلِمَا تَبْتَدِلُ حِيَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَاسْتَوْزِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَأَسْتَعِطِي شَرَارَ خَلْقِكَ، فَافْتِنَ بِحَمْدٍ مَنْ أَعْطَانِي، وَأُبْتَلِي بِذَمِّ مَنْ مَعَنِي، وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَالْمَنْعِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ، وَفَرَاغاً فِي زَهَادَةٍ، وَعِلْماً فِي اسْتِعْمَالِ، وَوَرَعاً فِي إِجْمَالِ. اللَّهُمَّ اخْتِمْ بَعْفُوكَ أَجْلِي، وَحَقِّقْ فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي، وَسَهِّلْ إِلَيَّ بُلُوغَ رِضَاكَ سُئُلِي، وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَبَهَّنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ، وَأَنْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلاً سَهْلاً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَأَنْتَ مُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ."

"خداوندا! درود بر محمد و آلش بفرست، و ایمان مرا به آخرین مرتبه کمال برسان، و یقینم را برتر از همه یقینها بکن، و اعمالم را نیکوترین اعمال که مستحق بهترین پاداش باشد قرار بده. نیتهای خیر مرا با لطف و کرمت به بهترین نیت تبدیل کن، و اعمال نیکم را بهترین اعمال قرار بده.

خداوندا! بتوفیق لطف و کرمت نیت و علاقه مرا به انجام امور خیر بیشتر گردان، و یقینم را به آنچه که در نزد توست صحیح تر بگردان، و با قدرت کامله خود اعمال فاسدی را که از من قبلاً سر زده اصلاح کن.

خداوندا! بر محمد و آلش درود بفرست و مرا از سعی و کوشش درباره کارهای دنیایی که مرا از توجه به آخرت باز می‌دارد بر حذر بدار، و نگذار من در فکر کارهای دنیا باشم، بلکه مرا به انجام کارهایی که فردا از من درباره آن سؤال خواهی کرد وادارم کن. روزهای فراغت مرا به انجام کارهایی به سر آر که به خاطر آنها مرا آفریده‌ای، و با احسان و انعام مرا از مردم بی‌نیاز کن، و به روزیهایی که به من می‌دهی وسعت بخش، مرا به خودخواهی و تکبر مبتلا نساز، بلکه مرا به واسطه داشتن صفت تواضع و فروتنی در میان مردم عزیز کن. عبادتهای مرا به وسیله عجب باطل مگردان، و دستان مرا در کارهای خیر و به یاری مردم به کار انداز، و مرا چنان کن که با منت گذاردن به دیگران به واسطه آن کمکها و نیکی‌ها آنها را در پیشگاهت از ارزش نیندازم.

خداوندا! به من عالیتین اخلاق را عنایت فرما، و مرا از فخر فروشی و مباهات به دیگران بازدار.

خداوندا! بر محمد و آلش درود بفرست، و هر درجه‌ای که از حیث بلندی مقام در میان مردم به من می‌دهی، به همان اندازه مرا در نزد خودم کوچک جلوه بده، و به هر اندازه عزت ظاهری در میان مردم به من می‌دهی، همان قدر هم در باطنم مرا به ذلت و حقارت متوجه‌ام کن.

خداوندا! بر محمد و آلش درود بفرست و مرا از هدایت و رشد شایسته‌ای بهره‌مند کن که به هیچ وجه حاضر نشوم آن هدایت و ارشاد را با چیز دیگری از متاع و تجملات دنیا عوض کنم، و راه راستین و صراط مستقیم را به من نشان بده، و به من توفیق بده که هرگز از آن راه راست برنگردم. باز هم به من نیت خیر کامل توأم با رشد عقلی عطا کن تا هیچگاه در آن نیت خیر شک نکنم.

خداوندا! اگر عمر من در طاعت و بندگی تو صرف می‌شود عمر طولانی به من عطا کن، و اگر عمر من چراگاه شیطان باشد فوراً آن را قطع کن و مرا به پیش خود ببر، تا از شیطان دور باشم، این قطع عمر را پیش از آنکه غضب تو بر من حتمی گردد انجام بده.

خداوندا! با قدرت و رحمت همه صفات زشت و فاسد مرا اصلاح کن، و وجود مرا از هر عیب و نقصی که موجب سرزنش و ملامت تو می‌گردد پاک گردان، و همه صفات و خصلتهای ناقص مرا در سایه راهنمائی به حد کمال برسان.

خداوندا! بر محمّد و آلش درود بفرست و در سایه لطف و احسانت کینه دشمنان را بامن، به مهر و محبت به آنان، و حسد ستمکاران را دربارهام به لطف و مودت آنان تبدیل فرما، و بدگمانی مردمان صالح و نیکوکار را درباره من به حسن ظنّ و به اطمینان خاطر آنان دربارهام مبدّل کن. دشمنی نزدیکانم را به من به دوستی مبدّل فرما، و با کرمتم مرا از عاق شدن به پدر و مادر و آزار خویشان و نزدیکان بازدار. و به من توفیق بده که به آنها نیکی و احسان کنم، و بی‌اعتنایی خویشانم را به من مبدّل به یاری و نصرت آنان بکن.

خداوندا! با عنایت خود مرا طوری هدایت کن که محبت ظاهری مردم مدارا کن و مکارنسبت به من به محبت واقعی قلبی تبدیل شود، باز هم به من لطف کن تا معاشرین و دوستانم با من خوشرفتاری کنند، نه اینکه در اثر عدم اعتماد سخنانم را قبول نمایند، و تلخی اعمال هر کدام از ظالمان را درباره من به شیرینی ایمن بودن از ستم آنان در سایه حمایت تو مبدّل فرما.

خداوندا! بر محمّد و آلش درود بفرست و مرا قدرت بده تا بتوانم در مقابل کسانی که به من ستم می‌کنند بایستم، و زبان مرا در برابر خصمانم گویا کن تا بتوانم با منطقی آنها را از دشمنی خود باز گردانم.

خداوندا! مرا به کسانی که دربارهام عناد و لجاجت می‌کنند پیروزی ده، و در برابر کسانی که می‌خواهند با من با مکر و حيله رفتار کنند به من مکرهایی القا فرما تا بوسیله آنها جلو مکر آنان را بگیرم.

خداوندا! به من توانایی را بده که در مقابل کسانی که می‌خواهند با من با قهر و غلبه رفتار کنند مقاومت کنم و بر آنها پیروز شوم. خداوندا! به من توفیق بده تا بتوانم عیب‌جویان و نکوهش‌کنندگان را با منطقی خاموش کنم و مرا از تهدید مردم سلامت بدار.

خداوندا! به من چشم بصیرت عطا کن تا از کسی که مرا به راه اصلاح و صواب می‌خواهد و به طریق هدایت می‌کشاند پیروی کنم. پروردگارا! بر محمّد و آلش درود بفرست و به من هم توفیق بده تا هر کس به من خدعه و خیانت کند در عوض با او به مهربانی رفتار نمایم. باز به من عنایت فرما که هر کس از من دوری جوید با محبت تلافی کنم. و به کسی که مرا از محبت و احسان محروم می‌سازد، در عوض عطا و بخشش کنم، و هر کس با من قطع دوستی می‌کند من بتوانم به او بیبوندم و با محبت او را به سوی خود جلب کنم.

خداوندا! باز هم به من عنایت کن تا کسانی که از من عیب‌جویی می‌کنند من آنها را با ذکر خیر یاد کنم. خداوندا! به من لطف کن تا در مقابل نکویی و محبت دیگران سپاسگزار باشم، و از کارهای بد مردم چشم‌پوشی کنم.

خداوندا! بر محمّد و آلش درود بفرست و نفس مرا به آن زیورها و زینتها آراسته کن که صالحان را زینت داده‌ای، و مرا لباس تقوی بپوشان که بتوانم در گسترش عدالت میان مردم سهمی داشته باشم، و بتوانم بر خشم خود فائق آیم، و باز هم به من توفیق عنایت کن که بتوانم آتش فتنه را در میان مردم خاموش سازم، و با انجام کارهای خوب و راهنمایی‌های نیک امت را از متفرّق شدن باز دارم، و میان مسلمین صلح بدهم، و نیکوکاری دیگران رافاش سازم، و کارهای زشت مردم را پنهان کنم، و با مردم خوش رفتار، فروتن، خوش‌اخلاق و بی‌تکبر باشم. باز هم به من عنایت فرما تا در هر کاری که فضل و کمال می‌آورد به دیگران سبقت بگیرم، و زیادی مالم را به مستحقین بدهم، نه اینکه آن را به اشخاص بدون استحقاق تسلیم کنم، و مردم را سرزنش و ملامت نکنم، و باز هم به من عنایت فرما تا؛ همیشه سخن حق را بگویم اگرچه آن سخن سخت و مشکل باشد و مردم آن را نپذیرند.

خداوندا! نفسم را چنان کن که کارهای خیر خود را اگرچه زیاده باشد اندک و ناچیز بدانم. از گفتن سخنان شرم‌آور و انجام فعلهای شرم‌آور مرا باز دار، و آنها را اگرچه خیلی کوچک هم باشند در نظرم بزرگ جلوه بده.

خداوندا! با ادامه در عبادت و بندگی همه این اوصاف نیک را که از تو طلب کرده‌ام در من کامل گردان، و به من توفیق بده که همیشه با جماعت مسلمین باشم، و از اهل بدعت و مدعیان باطل و ریاکار دوری جویم.

خداوندا! بر محمّد و آلش درود بفرست و به من عنایت فرما وقتی که به مرحله پیری و ناتوانی از کار رسیدم روزی مرا از خوان

کرمت وسیع‌تر گردان، و هنگامی که وارد رنج و مشقت می‌شوم مرا نیرومند کن تا در مقابل آنها استقامت ورزم، و مرا به مسامحه در عبادت و بندگیت مبتلا نگردان. مرا در شناسایی راه واقعی تو نابینا نکن، که کاری را انجام بدهم تا در معرض خلاف تو قرار بگیرم.

خداوندا! هرگز مرا با کسانی که در اثر گناه و عدم اعتقاد از تو دور شده‌اند دمساز نساز، و از کسانی که همیشه به درگاه تو رو می‌آورند مرا جدا ننما.

خداوندا! به من توفیق بده که هنگام ضرورت فقط به تو رو آورم، و وقت حاجت تنها از تو حاجت بخواهم، و هنگام فقر و مسکنت به درگاه تو تضرع و زاری کنم.

خداوندا! مرا به هنگام ضرورت با یاری خواستن از غیر ذات احدیت تو آزمایش نفرما و به من عنایت کن تا هنگام فقر و مسکنت فقط به درگاه تو خضوع و تضرع کنم، و یا هنگام ترس و فزع تنها در نزد تو ناله و زاری کنم، چون این کارها مرا مستوجب قهر و اعراض تو از من و محروم شدن از لطف و احسانت می‌سازد، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان.

خداوندا! آنچه که شیطان از آرزوها و حسادتها به قلب من الهام می‌کند تو با لطف و احسانت آنها را به یادآوری عظمت، و تفکر در قدرت و حکمت، و تدبیر در محدودشمنان مبدل کن. و آنچه را که شیطان می‌خواهد از فحش و سخنان لغو و بدگویی و ریختن آبروی دیگران و یا ادای شهادت باطل و غیبت از مؤمن غایب و یا بدگویی به مؤمن حاضر به زبان من جاری کند، همه اینها را مبدل کن به این که زبان من به ذکر حمد و ثنای تو غرق شدن در تعریف و تمجید ذات مقدس تو و شکر نعمتهای تو و اعتراف به احسان و کرم تو و شمردن نعمتهای بی‌شمار تو باز شود.

خداوندا! بر محمد و آلش درود بفرست و مرا از ظلم و ستم دیگران حفظ کن، چون تو قادری که ستم دیگران را از من باز داری، و نگذار من هم به دیگران ستم کنم چون تو می‌توانی با قدرت کاملات مرا از ستمکاری باز داری.

خداوندا! چون تنها تو قادر و توانا به هدایت من هستی پس مرا از گمراهی و ضلالت باز دار، و چون رزق و روزی من در نزد توست پس مرا به فقر و مسکنت گرفتار نفرما، و چون همه دارایی من از توست پس کرم کن تا من در اثر زیادی ثروت و دارایی طغیان نکنم.

خداوندا! من اکنون به سوی مغفرت تو آمده‌ام، و عزم درگاه عفو تو کرده‌ام، و مشتاقانه به در کرم و گذشت تو شتافته‌ام. چون من به فضل و کرم تو اعتماد کرده، به درگاهت چیزی ندارم که سبب مغفرت تو گردد، و در نامه اعمال من هم چیزی نیست که به خاطر آن مستحق بخشایش تو بشوم، بنابراین پس از آنکه من همه کارهای خود را سنجیدم دیدم جز فضل و احسان تو هیچ چیز سبب نجات من نمی‌شود. پس بر محمد و آلش درود بفرست و بر من هم تفضل و احسان کن تا زبانم به هدایت تو باز شود، تقوی و پرهیز کاری را به من الهام فرما، و مرا در انجام کارهای نیک و پاکیزه موفق بدار، و به کارهایی که خشنودی و رضایت تو در آنهاست بگمار.

خداوندا! از تو مسئلت می‌کنم که مرا به نیکوترین راه که طریق راستی و عدالت است هدایت فرما.

خداوندا! بر محمد و آلش درود بفرست و مرا از نعمت اقتصاد و میانه روی در زندگی بهره‌مند ساز، و مرا از اهل صواب و صلاح و از زمره راهنمایان طریق هدایت و رشد محسوب فرما، و جزو بندگان شایسته خود قرار بده، و نجات در روز قیامت را به من نصیب کن، و در راه دین حقت (اسلام) مرا از فریب شیطان سلامت بدار.

خداوندا! برای اینکه نفس من همه کارهایش را خالصانه در راه شناخت توحید و عبادت تو انجام دهد، آنچه که از اعمال گذشته‌ام ناشایسته است محو کن، و کارهای نیک و شایسته‌ای را که به خاطر تو انجام شده باقی بگذار.

خداوندا! اگر نفس مرا از کارهای زشت بازنداری او هلاک شونده است، بنابراین خداوندا در حال حزن و غم تنها تو مایه نشاط من

هستی، و در حال محرومیت، رحمت و عنایت تو جایگاه آسایش و امن برای من هست. اگر کار من سخت شود استغاثه و زاریم فقط به درگاه تو است، و می‌دانم که هرچه از من فوت شود و من موفق به انجام آن نباشم عوض آن در نزد تو هست، و برای هر چیزی که از من فاسد شود اصلاحش در نزد تو هست. خداوند! هرچه را که تو دگرگون کنی قطعاً از روی حکمت است، پس من در مقابل آن تسلیم هستم.

خداوند! پیش از آنکه بر من بلا نازل شود تو با عافیت دادن به من مرا از آن بلا محفوظ‌بدار، و با کرمیت قبل از اینکه از تو درخواست کنم حاجتم را روا کن، و پیش از آنکه گمراه‌شوم مرا به راه راست هدایت کن. باز هم با لطف و کرمیت مرا از رنج و تحکم و زورگویی‌بندگان حمایت کن، و مرا از ترس و وحشت روز قیامت با رحمت خود ایمن فرما، و با هدایت و راهنمایی نیک در حقم بخشش و عطف به خرج ده.

خداوند! بر محمد و آلش درود بفرست و با لطف و کرمیت از من در مقابل شرها و بدیها و آلام - دفاع فرما، و به من نعمت روزی و نیروی کار و تلاش عطا فرما، و با لطف مرا انسان شایسته و صالح قرار بده، و امراض مرا با عنایت کاملت مداوا کن و شفا بخش، و مراد سایه بلند رحمت خود قرار بده، و لباس رضا و خشنودی خود را بر تن من بپوشان، و هنگامی که امور زندگی‌ام باز هم مشتبه می‌شود و وقتی که در اثر اغوای شیطان همه کارهایک جور در نظرم جلوه کند تو مرا راهنمایی بفرما، تا پاکترین اعمال را تشخیص داده به آنها عمل کنم. هنگامی که ملل جهان در اثر غفلت و یا هر عامل دیگر با هم به تناقض و اختلاف برمی‌خیزند تو با لطف خود مرا هدایت کن، تا از میان آن اختلافات اعمالی را که سبب جلب رضایت توست انتخاب کنم، و انجام دهم. و در میان مردم مرا به حسن دوستی‌ات معروف گردان، و هدایت راستین به من عطا کن، و مرا با وسعت رزق و زیادی ثروت مفتون نگردان، و به من حسن تشخیص عطا کن تا بتوانم آن ثروت و مال را در راه صحیح صرف کنم.

خداوند! زندگی مرا توأم با رنج و مشقات و سختی بفرما، دعاها و راز و نیازم را به من باز نگردان چون من ضدی برای تو قائل نیستم، و یا اینکه من کسی را در قدرت و عظمت با تو شریک قرار نداده‌ام که مرا به آن شخصی حواله می‌کنی.

خداوند! بر محمد و آلش درود بفرست، و مرا از اسراف در زندگی بازدار و رزقم را از تلف شدن حفظ نما، و به دارایی‌ام برکت بده، و مرا هم هدایت کن که بتوانم در راه درست انفاق و احسان کنم.

خداوند! بر محمد و آلش درود بفرست و مرا در تحمیل رنج و زحمت کسب روزی حلال حمایت فرما، و از آنجائیکه گمان نمی‌برم به من روزی عطا کن، تا رنج و تعب طلب‌روزی را به دوش نکشم، بار خدایا! پس توبه قدرت کامله خود آنچه را که من با تلاش از تو می‌خواهم به من بده، و از آنچه که من ترس و بیم دارم مرا به عزت و کرمیت در پناهت قرار بده.

خداوند! بر محمد و آلش درود بفرست و ضمن دادن ثروت و دارایی به من صفت سخاوت و بخشندگی هم بده تا بوسیله آن سخاوت آبروی من حفظ شود. خداوند! جاه و مقام انسانی مرا با فقر و مسکنت خوار نساز، تا در اثر تهیدستی ناچار شوم از مردمی که آنها هم به تو محتاج هستند طلب روزی کنم و یا از مردمان شریر و پست درخواست عطا و بخشش نمایم. تا در نتیجه این نیازها مبتلا بستایش کسی باشم که به من چیزی بخشیده، و به مذمت کسی برخیزم که به من چیزی نداده است، در صورتی که تو تنها ولی نعمت و صاحب عطا و منع بر من هستی نه آن اشخاص.

خداوند! بر محمد و آلش درود بفرست، و به من صحت و سلامتی بده که آنها را در راه عبادت و بندگی تو صرف کنم، و به من زهد و تقوی عطا فرما تا نسبت به تجملات دنیایی طمع باشم و عمرم را صرف آنها نکنم، و به من دانشی عطا کن که توأم با عمل باشد، و به من ورع و پرهیزگاری بده و عمرم را با بخشش و غفرانت به پایان برسان، و همچنین راه رسیدن مرا به مقام رضا و خشنودی تو آسان‌تر گردان، و در همه احوال زندگی مرا با انجام کارهای نیک، خوب، و زیبا کن.

خداوند! بر محمد و آلش درود بفرست و با کرم و رحمتت روزهای غفلت مرا طوری کن که من به یاد تو باشم، و در همه ایام

مهلت عمرم مرا به طاعت و بندگی خودت موفق‌بدار، راهی را که مرا به محبت و دوستی تو می‌رساند به من نشان بده، و با این هدایتت خیر دنیا و آخرت را برایم کامل بگردان.

خداوندا! بر محمّد و آلش بهترین درودی را برسان که قبل از او به سایر پیامبران و اولیاءات فرستاده‌ای، و بعد از این هم از لحاظ لطف و عنایتت خواهی فرستاد، و به ما هم در دنیا نیکی و سعادت ببخش، و آخرت ما را هم با رحمت و کرمات خیر کن، و با عفو و مغفرت بی‌پایانت ما را در آخرت از عذاب جهنم حفظ کن."

نمایه

نمایه

- (۱) سوره بقره، آیه ۱۹۷.
- (۲) وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب وجوب الحجّ ص ۵، باب ۱، حدیث ۷.
- (۳) سوره ابراهیم، آیه ۳۷.
- (۴) سوره آل عمران، آیات ۹۷ - ۹۶.
- (۵) سوره حجّ، آیه ۲۵.
- (۶) سوره مائده، آیه ۲.
- (۷) سوره بقره، آیه ۱۲۵.
- (۸) سوره بقره، آیه ۱۲۶.
- (۹) همان، آیات ۱۲۸ - ۱۲۷.
- (۱۰) سوره حجّ، آیه ۲۶.
- (۱۱) همان، آیه ۲۷.
- (۱۲) سوره حجّ، آیه ۲۸.
- (۱۳) سوره صافات، آیات ۱۰۹ - ۱۰۲.
- (۱۴) سوره حجّ، آیه ۳۴.
- (۱۵) سوره حجّ، آیه ۳۶.
- (۱۶) سوره بقره، آیه ۱۹۶.
- (۱۷) و ۳ - همان.
- (۱۸)
- (۱۹) سوره بقره، آیه ۱۹۶.
- (۲۰) سوره بقره، آیه ۱۹۷.
- (۲۱) سوره بقره، آیه ۱۹۷.
- (۲۲) سوره مائده، آیه ۱.
- (۲۳) سوره قصص، آیه ۸۳.
- (۲۴) سوره کهف، آیه ۵۴.
- (۲۵) سوره حجّ، آیه ۳۰.

- (۲۶) سوره بقره، آیات ۱۹۹ - ۱۹۸.
- (۲۷) همان، آیات ۲۰۱ - ۲۰۰.
- (۲۸) سوره بقره، آیه ۲۰۳.
- (۲۹) سوره حج، آیه ۲۹.
- (۳۰) سوره حج، آیات ۳۱ - ۳۰.
- (۳۱) سوره بقره، آیه ۱۲۵.
- (۳۲) همان، آیه ۱۵۸.
- (۳۳) سوره توبه، آیات ۲۰ - ۱۹.
- (۳۴) وسائل الشیعه، ج ۸، کتاب الحج، آداب السفر إلى الحج، ص ۲۵۰، باب ۲، حدیث ۱.
- (۳۵) وسائل الشیعه، ج ۸، کتاب الحج، آداب السفر إلى الحج، ص ۳۰۳، باب ۳۳، حدیث ۳.
- (۳۶) همان، ص ۳۰۴، باب ۳۴، حدیث ۱.
- (۳۷) همان، ص ۳۰۲، باب ۳۱، حدیث ۲.
- (۳۸) همان، ص ۳۱۰، باب ۴۲، حدیث ۱.
- (۳۹) وسائل الشیعه، ج ۸، کتاب الحج، آداب السفر إلى الحج، ص ۳۲۰، باب ۴۹، حدیث ۱۴.
- (۴۰) همان، ص ۳۱۰، باب ۴۲، حدیث ۲.
- (۴۱) همان، ص ۳۱۱، باب ۴۳، حدیث ۱.
- (۴۲) وسائل الشیعه، ج ۸، کتاب الحج، آداب السفر إلى الحج، ص ۳۱۳، باب ۴۴، حدیث ۱.
- (۴۳) وسائل الشیعه، ج ۸، کتاب الحج، آداب السفر إلى الحج، ص ۲۶۲، باب ۸، حدیث ۲.
- (۴۴) همان، ص ۲۶۲، باب ۸، حدیث ۳.
- (۴۵) همان، ص ۲۸۳، باب ۲۰، حدیث ۵.
- (۴۶) همان، ص ۲۹۸، باب ۲۹، حدیث ۲.
- (۴۷) وسائل الشیعه، ج ۸، کتاب الحج، آداب السفر إلى الحج، ص ۳۰۷، باب ۳۸، حدیث ۱.
- (۴۸) همان، ص ۳۰۵، باب ۳۵، حدیث ۱.
- (۴۹) همان، ص ۳۲۶، باب ۵۴، حدیث ۱.
- (۵۰) وسائل الشیعه، ج ۸، کتاب الحج، آداب السفر إلى الحج، ص ۳۰۵، باب ۳۶، حدیث ۱.
- (۵۱) همان، ص ۳۲۱، باب ۴۹، حدیث ۱۶.
- (۵۲) همان، ص ۳۳۰، باب ۵۸، حدیث ۱.
- (۵۳) وسائل الشیعه، ج ۸، کتاب الحج، آداب السفر إلى الحج، ص ۳۳۶، باب ۶۵، حدیث ۱.
- (۵۴) همان، ص ۳۳۷، باب ۶۷، حدیث ۱.
- (۵۵) وسائل الشیعه، ج ۵، کتاب الحج، آداب السفر إلى الحج، ص ۳۱۴، باب ۴۶، حدیث ۱.
- (۵۶) همان، ص ۳۱۵، باب ۴۷، حدیث ۱.
- (۵۷) همان، ص ۳۲۸، باب ۵۵، حدیث ۶.
- (۵۸) وسائل الشیعه، ج ۵، کتاب الحج، آداب السفر إلى الحج، ص ۳۲۷، باب ۵۵، حدیث ۱.

- (۵۹) همان، ص ۳۲۹، باب ۵۶، حدیث ۱.
- (۶۰) وسائل الشیعه، ج ۵، کتاب الحج، آداب السفر إلى الحج، ص ۳۲۳، باب ۵۲، احادیث ۱ و ۲.
- (۶۱) وسایل الشیعه، ج ۸، ابواب اقسام الحج، ص ۱۵۰ تا ۱۵۳، باب ۲، حدیث ۴.
- (۶۲) مصباح الشریعه، باب ۲۱.
- (۶۳) سوره آل عمران، آیه ۹۷.
- (۶۴) سوره حج، آیات ۲۸ - ۲۷.
- (۶۵) سوره توبه، آیه ۱۲۲.
- (۶۶) سوره حج، آیه ۲۸.
- (۶۷) وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب وجوب الحج، ص ۷، باب ۱، حدیث ۱۵.
- (۶۸) وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب وجوب الحج، ص ۱۳، باب ۳، حدیث ۳.
- (۶۹) همان، ص ۱۷، باب ۶، حدیث ۳.
- (۷۰) همان، ص ۱۹، باب ۷، حدیث ۱.
- (۷۱) وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب وجوب الحج، ص ۵، باب ۱، حدیث ۷.
- (۷۲) همان، ابواب اقسام حج، ص ۱۴۸، باب ۱، حدیث ۱.
- (۷۳) وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب وجوب حج، باب ۱۲، ص ۳۰، حدیث ۲.
- (۷۴) همان، ص ۳۰، باب ۱۳، حدیث ۲.
- (۷۵) همان، ص ۳۲، باب ۱۵، حدیث ۲.
- (۷۶) وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب وجوب الحج، ص ۲۳، باب ۸، حدیث ۱۰.
- (۷۷) همان، ص ۲۵، باب ۹، حدیث ۴.
- (۷۸) وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب وجوب الحج، ص ۴۰، باب ۲۲، حدیث ۵.
- (۷۹) همان، ص ۲۷، باب ۱۰، حدیث ۷.
- (۸۰) فقه الرضا، به نقل از سلسله‌الینابیع الفقهیته، ج ۷، ص ۴.
- (۸۱) وسائل الشیعه، ج ۸، کتاب حج، ابواب مواقیت، باب ۱، ص ۲۲۲، حدیث ۳.
- (۸۲) وسائل الشیعه، ج ۸، کتاب حج، ابواب مواقیت، ص ۲۳۰، باب ۷، حدیث ۱.
- (۸۳) همان، ص ۲۳۶، باب ۱۲، حدیث ۲.
- (۸۴) همان، ص ۲۳۷، باب ۱۳، حدیث ۲.
- (۸۵) وسائل الشیعه، ج ۸، کتاب حج، ابواب مواقیت، ص ۲۴۳، باب ۱۷، حدیث ۸.
- (۸۶) همان، ص ۲۴۳، باب ۱۸، حدیث ۱.
- (۸۷) همان، ص ۲۴۷، باب ۲۲، حدیث ۱.
- (۸۸) سوره بقره، آیه ۱۹۶.
- (۸۹) وسایل الشیعه، ج ۸، ابواب اقسام حج، ص ۱۴۹، باب ۲، حدیث ۲.
- (۹۰) سوره بقره، آیه ۱۹۷.
- (۹۱) وسایل الشیعه، ج ۹، ابواب احرام، ص ۳، باب ۱، حدیث ۴.

- ۹۲) همان، ص ۶، باب ۳، حدیث ۲.
 ۹۳) همان، ص ۲۱، باب ۱۵، حدیث ۲.
 ۹۴) همان، ص ۳۶، باب ۲۷، حدیث ۱.
 ۹۵) وسایل الشیعه، ج ۹، ابواب احرام، ص ۲۴، باب ۱۷، حدیث ۱.
 ۹۶) همان، ص ۴۷، باب ۳۶، حدیث ۱.
 ۹۷) همان، ص ۵۰، باب ۳۷، حدیث ۳.
 ۹۸) وسایل الشیعه، ج ۹، ابواب احرام، باب ۳۸، حدیث ۲.
 ۹۹) همان، ص ۵۷، باب ۴۳، حدیث ۱.
 ۱۰۰) همان، ص ۶۱، باب ۴۵، حدیث ۴.

۱۰۱) خدایا! از تو می‌خواهم مرا از کسانی قرار دهی که تو را اجابت کردند و به وعده تو ایمان آوردند و امرت را پیروی کردند. من بنده تو و در اختیار تویم، حفظ نمی‌شوم مگر تو مرا حفظ کنی و نمی‌گیرم مگر آن چه تو به من دهی، تو از حج یاد کردی پس از تو می‌خواهم عزم مرا بر اساس کتاب و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن بندی، و مرا در آنچه سستم استوار گردانی و مناسک من را با آسانی و عافیت و سلامت قرار دهی، و مرا از میهمانان خود قرار ده که از آنها خشنودی و نامشان برده‌ای و نگاشته‌ای.

خدایا! من از دیاری دور بدین جا آمده‌ام و در طلب خشنودی تو دارائیم را هزینه کرده‌ام. خدایا حج و عمره مرا کامل گردان. بار خدایا! من می‌خواهم عمره تمتع را از برای حج بر اساس کتاب تو، و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله تو بجا آورم، پس اگر عارضه‌ای پیش آمد که مرا از آن بازداشت، در همان جا مرا از احرام رها کن.

خدایا! اگر نتوانستم حج را بجا آورم پس به انجام عمره توفیق ده، احرام بسته بر توموی، پوست، گوشت، خون، استخوان، مغز و اعصاب من از زنان، جامه و بوی خوش، این چنین طالب تویم و روز واپسین".

۱۰۲) سپاس خدای را که به من روزی داد آنچه را بدان شرمگاه خود را بپوشانم، و در آن واجب خویش را بجای آورم، و خدایم را بپرستم، و بدانجا روم که فرمانم داده. سپاس مر خدای را که آهنگش کردم و او مرا رساند، و خواستمش پس یاریم داد، و مرا پذیرفت و مرا از خویش محروم نساخت. خواستم پس به من داد پس اوست سنگر، امان، پناهگاه، پشتیبان، امید، گریزگاه و ذخیره و عده من به هنگام سختی و آسانی".

- ۱۰۳) سوره مائده، آیه ۱.
 ۱۰۴) سوره مائده، آیه ۹۶.
 ۱۰۵) سوره مائده، آیه ۲.
 ۱۰۶) سوره بقره، آیه ۱۹۷.
 ۱۰۷) وسایل الشیعه، ج ۹، ابواب تروک احرام، ص ۷۴، باب ۱، حدیث ۱.
 ۱۰۸) وسایل الشیعه، ج ۹، ابواب تروک احرام، ص ۸۸، باب ۱۲، حدیث ۳.
 ۱۰۹) همان، ص ۹۰، باب ۱۴، حدیث ۷.
 ۱۱۰) همان، ص ۹۴، باب ۱۸، حدیث ۸.
 ۱۱۱) وسایل الشیعه، ج ۹، ابواب تروک احرام، ص ۹۸، باب ۲۱، حدیث ۳.
 ۱۱۲) همان، ص ۱۰۹، باب ۳۲، حدیث ۴.

- (۱۱۳) همان، ص ۱۱۱، باب ۳۳، حدیث ۲.
- (۱۱۴) وسایل الشیعه، ج ۹، ابواب تروک احرام، ص ۱۱۴، باب ۳۴، حدیث ۳.
- (۱۱۵) همان، ص ۱۱۴، باب ۳۵، حدیث ۱.
- (۱۱۶) همان، ص ۱۲۷، باب ۴۶، حدیث ۴.
- (۱۱۷) همان، ص ۱۲۸، باب ۴۷، حدیث ۱.
- (۱۱۸) وسایل الشیعه، ج ۹، ابواب تروک احرام، ص ۱۲۹، باب ۴۸، حدیث ۱.
- (۱۱۹) همان، ص ۱۳۲، باب ۴۹، حدیث ۴.
- (۱۲۰) همان، ص ۱۳۷، باب ۵۴، حدیث ۱.
- (۱۲۱) همان، ص ۱۴۴، باب ۶۲، حدیث ۳.
- (۱۲۲) وسایل الشیعه، ج ۹، ابواب تروک احرام، ص ۱۵۷، باب ۷۱، حدیث ۱.
- (۱۲۳) همان، ص ۱۶۱، باب ۷۷، حدیث ۱.
- (۱۲۴) همان، ص ۱۶۳، باب ۷۸، حدیث ۳.
- (۱۲۵) وسایل الشیعه، ج ۹، ابواب تروک احرام، ص ۱۶۶، باب ۸۱، حدیث ۱.
- (۱۲۶) همان، ص ۱۷۳، باب ۸۶، حدیث ۴.
- (۱۲۷) به خواست خدا کفار و احکام مفضل آن را بیان خواهیم کرد.
- (۱۲۸) سوره بقره، آیه ۱۲۵.
- (۱۲۹) وسایل الشیعه، ج ۹، کتاب الحج، ابواب مقدمات الطواف، ص ۳۱۴، باب ۱، حدیث ۱.
- (۱۳۰) وسایل الشیعه، ج ۹، کتاب الحج، ابواب مقدمات الطواف، ص ۳۱۸، باب ۵، حدیث ۳.
- (۱۳۱) همان، ص ۳۸۳، باب ۴۵، حدیث ۷.
- (۱۳۲) همان، ص ۴۱۴، باب ۱۹ من ابواب الطواف، حدیث ۱.
- (۱۳۳) وسایل الشیعه، ج ۹، کتاب الحج، ابواب مقدمات الطواف، ص ۴۷۹، باب ۷۱، حدیث ۵.
- (۱۳۴) همان، ص ۴۸۹، باب ۷۵، حدیث ۱.
- (۱۳۵) نگاه کنید به نقشه شماره ۳.
- (۱۳۶) خداوندا! در کتابت گفتی و گفته تو حق است که: (وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكَّلِ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ) خداوندا! امیدوارم از کسانی باشم که دعوت تو را اجابت کرده‌اند. من در حالی از سرزمینی دور می‌آیم که پیام تو را شنیده‌ام و دعوت را اجابت کرده‌ام و فرمانت را سر نهاده‌ام و این همه در پرتو فضل و احسان تو بر من بوده است. پس سپاس برای تو به سبب آنکه مرا موفق گردانیدی و من از این اعمال نزدیکی به تو و یافتن مأوایی در کنار تو را می‌خواهم، و امیدوارم گناهان مرا ببخشی و بر من ممت نهاده توبه‌ام را قبول کنی. خداوندا! درود بفرست بر محمد و آل محمد، و جسم مرا بر آتش حرام گردان، و از عذاب و کیفرت ایمنم کن، به رحمت خودت ای ارحم الراحمین."
- (۱۳۷) سلام بر تو ای پیامبر و رحمت و برکات او بر تو. به نام خدا و به یاری خدا و آنچه خدا خواسته، سلام بر پیامبران و فرستاده‌های خدا، سلام بر رسول الله، سلام بر ابراهیم خلیل الله، و حمد از آن خدای جهان آفرین است.
- به نام خدا و به یاری خدا و از خدا و به سوی خدا و آنچه خدا خواسته و بر آیین رسول الله و بهترین اسماء الهی، و حمد برای خدا و سلام بر رسول الله، سلام بر محمد بن عبدالله، سلام بر تو ای پیامبر و رحمت و برکات الهی بر تو، سلام بر انبیاء و رسولان خدا،

سلام بر ابراهیم خلیل الرحمان، سلام بر پیامبران و درود بر خداوند جهانیان، سلام بر ما و بندگان صالح خدا. خداوندا! درود بفرست بر محمّد و خاندان محمّد، محمّد و خاندانش را مبارک گردان، بر محمّد و خاندان محمّد رحم گیر چنانکه بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی و مبارکشان گرداندی و بر ایشان رحم گرفتی که تو ستوده بزرگی.

بار خدایا! درود بفرست بر محمّد و خاندان محمّد که بنده و پیامبر توست، خدایا درود بفرست بر ابراهیم که دوست توست، و درود فرست بر پیامبران و فرستادگانت، و سلام بر پیامبران و سپاس برای خداوند جهانیان. خداوندا! درهای ایمان را برای همیشه مادامی که مرابقی نگهداشته‌ای به رویم بگشای، بزرگ است ستایش تو، سپاس برای خدایی که مرا از میهمانان و زائران خود قرار داد و از کسانی گرداند که مساجد او را آباد می‌کنند و در شمار کسانی گرفت که با ایشان به نجوا می‌پردازد.

خدایا! من بنده تو و زائر خانه تو هستم و هر میهمانی حقی دارد بر صاحبخانه، و توبه‌ترین و کریم‌ترین صاحبخانه هستی، پس ای خدا، ای رحمان، از تو می‌خواهم، تو که خدایی نیست جز خودت، یگانه‌ای هستی بی‌هیچ انباز، و تو واحد هستی احد و صمد، نه زاده‌ای و نه زاده شده‌ای و نه همسنگی از برای توست، و این که محمّد بنده و رسول توست درود خدا بر او و خاندانش. ای جواد، ای کریم، ای ماجد، ای جبار، ای کریم، از تو می‌خواهم نخستین هدیه‌ات را به من برای زیارت کردن من تو را، آزاد کردن من از آتش قرار دهی."

(۱۳۸) خدایا! مرا از آتش برهان."

(۱۳۹) و رزق حلال و پاکت را بر من بگستران و شرّ شیاطین جنّ و انس و فاسقان عرب و عجم را از من بگردان."

(۱۴۰) به نام خدا و به یاری خدا و بر آیین پیامبر خدا که درود خدا بر او و خاندانش باد."

(۱۴۱) بار خدایا! من در این جایگاهم و در نخستین مناسک خود از تو می‌خواهم توبه‌ام را بپذیری و از گناهم در گذری و بار از من برگیری. سپاس مر خدای را که مرا به خانه خود رساند، بار خدایا من گواهی می‌دهم این خانه محترم توست که آن را جایگاهی قرار داده‌ای برای مردم، و برای جهانیان موجب امنیت و برکت و هدایت گردانده‌ای. بار خدایا بنده، بنده توست و شهر، شهر تو و خانه، خانه تو، آمده‌ام در حالی که رحمت تو طالبم و آهنگ فرمانبری از تودارم و دستورت را گردن می‌نهم و راضیم به قضای تو. از تو به سان تهیدستی که به نزد آمده‌ام از کیفیت هراسان است گدایی می‌طلبم. خدایا درهای رحمت را به روی من گشای و مرا در فرمانبری از تو و خشنودیت به کار گیر."

(۱۴۲) سپاس از آن خدایی است که تو را بزرگ داشت و شریف گرداند و تکریمت کرد و جایگاهی قرار دادت برای مردم و موجب امتیّت، برکت و هدایت جهانیان قرار داد."

(۱۴۳) سپاس خدای را که ما را بدین جا، ره نموده و اگر خدا هدایت‌مان نمی‌کرد بیگمان رهنمی‌یافتیم. مُنَزّه است خدا و سپاس از آن خداست و خدایی نیست جز الله، الله اکبر و خدا بزرگتر است از آفریدگانش و خدا بزرگتر است از هر که از او هراسناکم و بر حذریم، نیست خدایی جز الله که یگانه است و شریکی ندارد، مُلک و حمد از آن اوست، زنده می‌گرداند و می‌میراند، می‌گرداند و زنده می‌گرداند، در حالی که خود او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد، خیر در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست، خداوندا! درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد، محمّد و خاندانش را مبارک گردان چونان بهترین درود و برکت و رحم بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، که تو ستوده بزرگی، و سلام بر همه پیامبران و فرستادگان، و حمد برای خداوند جهانیان است. خدایا من به وعده تو ایمان دارم و پیامبرانت را تصدیق می‌کنم و از کتابت پیروی می‌نمایم."

(۱۴۴) بار خدایا! امانتم را ادا کردم و پیمانم را بستم تا گواه همراهی من باشی. خدایا! کتابت را وسنت پیامبرت را تصدیق دارم، گواهی می‌دهم که خدایی نیست جز الله یکتاست بی‌هیچ انبازی و اینکه محمّد بنده و رسول اوست. به خدا ایمان آوردم و به شیطان، طاغوت، لات، عزّی و پرستش هر شریکی در برابر خدا کفر ورزیدم."

- (۱۴۵) خدایا! به سوی تو دستانم را گشوده‌ام و به آنچه در نزد توست گرایش فراوان یافته‌ام، پس تسییح مرا بپذیر و مرا ببخش و بر من رحم گیر. خدایا به تو پناه می‌برم از کفر و فقر و جایگاههای خواری در دنیا و آخرت."
- (۱۴۶) شاذروان کناره کعبه را گویند که زیر ساز آن را تشکیل می‌دهد.
- (۱۴۷) سوره بقره، آیه ۱۵۸.
- (۱۴۸) وسائل الشیعه، ج ۹، کتاب الحج، ابواب السعی، ص ۵۱۰، باب ۱، حدیث ۱.
- (۱۴۹) همان، ص ۵۱۱، حدیث ۲.
- (۱۵۰) وسائل الشیعه، ج ۹، کتاب الحج، ابواب السعی، ص ۵۲۱، باب ۶، حدیث ۱.
- (۱۵۱) هروله؛ نوعی حرکت بین راه رفتن و دویدن است و می‌توان گفت تند راه رفتن یا آهسته دویدن است.
- (۱۵۲) وسائل الشیعه، ج ۹، ابواب التقصیر، ص ۵۳۹، باب ۱، حدیث ۴.
- (۱۵۳) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب احرام الحج والوقوف بعرفه، ص ۲، باب ۱، حدیث ۱.
- (۱۵۴) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب احرام الحج والوقوف بعرفه، ص ۹، باب ۹، حدیث ۱.
- (۱۵۵) همان، ص ۲۲، باب ۱۸، حدیث ۲.
- (۱۵۶) همان، ص ۲۵، باب ۱۹، حدیث ۹.
- (۱۵۷) عرفات مکانی است در نزدیکی "جبل الرحمه" که در جنوب شرق مکه مکرمه و در فاصله ۲۲ کیلومتری آن قرار دارد با مساحت تقریبی ۱۲ کیلومتر طول و هشت کیلومتر عرض که حدود مرزهای آن چنین است: ثویه، عرنه، نمره، ذی المجاز و مازمین که تنگه میانه عرفات و مزدلفه است. نگاه کنید به نقشه شماره ۳) به نقل همراه با تصرّف از "تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۱۳۹."
- (۱۵۸) بار خدایا! تنها به تو توّسل جُستم و بر تو اعتماد ورزیدم و تو را طلبیدم. از تو می‌خواهم این سفر مبارک گردانی و نیازم را برآوری و مرا از کسانی قرار دهی که امروز بدانها می‌بالی."
- (۱۵۹) سرائر، به نقل از سلسله الینابیع الفقهیة، ج ۸، ص ۵۴۵.
- (۱۶۰) سوره بقره، آیات ۱۹۹-۱۹۸.
- (۱۶۱) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب الوقوف بالمشعر، ص ۳۴، باب ۱، حدیث ۱.
- (۱۶۲) همان، ص ۳۷، باب ۴، حدیث ۲.
- (۱۶۳) خدایا! مرا از آتش برهان."
- (۱۶۴) خدایا! خداوند مشعر الحرام مرا از آتش برهان، از رزق حلال و پاکت بر من بگستران، فاسقان جنّ و انس را از من دور کن. خدایا! تو بهترین مطلوب و بهترین فراخوانده و بهترین مسؤول هستی و برای هر میهمانی جائزه‌ای است، پس جائزه مرا در این سرزمین و این وقوف آن قرار بده که از لغزشم چشم پوشی و پوزشم را بپذیری، از گناهم در گذری و سپس تقوی در دنیا را توشه من قرار ده به رحمتت ای ارحم الراحمین."
- (۱۶۵) خدایا! روزگار مرا سالم گردان، توبه‌ام را بپذیر، دعوت‌م را پاسخ گو و نگهدار خانواده‌ام باش."
- (۱۶۶) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب رمی جمرة العقبة، ص ۶۸، باب ۱، حدیث ۳.
- (۱۶۷) همان، حدیث ۵.
- (۱۶۸) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب رمی جمرة العقبة، ص ۷۲، باب ۵، حدیث ۱.
- (۱۶۹) همان، ص ۷۹، باب ۱۳، حدیث ۲.

- (۱۷۰) همان، ص ۸۱، باب ۱۴، حدیث ۷.
- (۱۷۱) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب رمی جمرة العقبة، ص ۸۴، باب ۱۷، ح ۹.
- (۱۷۲) خداوندا! اینها ریگهای من هستند پس آنها را بحساب من بگذار و در علم قبولشان کن."
- (۱۷۳) خدا بزرگتر است، خدایا! شیطان را از من دور کن، خدایا! کتاب و سنت پیامبرت را تصدیق دارم، خدایا! این را حج و عملی پذیرفته شده و تلاشی سپاس گزارده و گناهی بخشوده شده قرار ده."
- (۱۷۴) خدایا! به تو اعتماد ورزیده‌ام و بر تو توکل کرده‌ام، پس تو نیکو خدایی هستی و نیکو اربابی و نیکو یاری."
- (۱۷۵) سوره بقره، آیه ۱۹۶.
- (۱۷۶) سوره حج، آیات ۳۷ - ۳۶.
- (۱۷۷) سوره حج، آیه ۲۸.
- (۱۷۸) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب الذبح، ص ۸۵، باب ۱، حدیث ۱.
- (۱۷۹) همان، ص ۸۶، باب ۱، حدیث ۴.
- (۱۸۰) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب الذبح، ص ۱۴۴، باب ۴، حدیث ۱۳.
- (۱۸۱) همان، ص ۱۴۵، باب ۴۰، حدیث ۱۴.
- (۱۸۲)
- (۱۸۳) سوره حج، آیه ۲۹.
- (۱۸۴) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب الحلق والتقصیر، ص ۱۷۷، باب ۱، حدیث ۱.
- (۱۸۵) همان، ص ۱۷۹، باب ۱، حدیث ۸.
- (۱۸۶) همان، ص ۱۷۸، باب ۱، حدیث ۶.
- (۱۸۷) همان، ص ۱۸۹، باب ۸، حدیث ۳.
- (۱۸۸) همان، ص ۱۹۳، باب ۱۳، حدیث ۴.
- (۱۸۹) سوره حج، آیه ۲۹.
- (۱۹۰) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب زیارة البيت، ص ۲۰۲، باب ۱، حدیث ۸.
- (۱۹۱) همان، حدیث ۹.
- (۱۹۲) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب زیارة البيت، ص ۲۰۵، باب ۴، حدیث ۱.
- (۱۹۳) وسائل الشیعه، ج ۱۰، کتاب الحج، ابواب زیارة البيت، باب ۴، ص ۲۰۵، ح ۱.
- (۱۹۴) همان.
- (۱۹۵) وسائل الشیعه، ج ۱۰، کتاب الحج، ابواب الحلق والتقصیر، ص ۱۹۳، باب ۱۳، حدیث ۱.
- (۱۹۶) وسائل الشیعه، ج ۱۰، کتاب الحج، ابواب العود إلى منی، ص ۲۰۶، باب ۱، حدیث ۱.
- (۱۹۷) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب العود إلى منی، ص ۲۱۴، باب ۴، حدیث ۵.
- (۱۹۸) وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب اقسام الحج، ص ۱۸۸، باب ۶، حدیث ۸.
- (۱۹۹) همان، ص ۱۵۷، باب ۲، حدیث ۱۳.
- (۲۰۰) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۵۶، باب ۲، حدیث ۱۲.
- (۲۰۱) وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب وجوب الحج، ص ۱۰۹، باب ۵۸، حدیث ۳.

- (۲۰۲) همان، ص ۱۱۱، باب ۵۹، حدیث ۴.
- (۲۰۳) همان، ج ۹، ابواب الاحرام، ص ۴۲، باب ۳۳، حدیث ۳.
- (۲۰۴) وسایل الشیعۀ، ج ۹، ابواب الاحرام، ص ۴۱، باب ۳۳، حدیث ۱.
- (۲۰۵) همان، ص ۶۵، باب ۴۸، حدیث ۵.
- (۲۰۶) وسائل الشیعۀ، ج ۸، ابواب وجوب الحجّ، ص ۳۷، باب ۲، حدیث ۱.
- (۲۰۷) همان، ابواب المواقیت، ص ۲۴۳، باب ۱۸، حدیث ۱.
- (۲۰۸) وسائل الشیعۀ، ج ۸، ابواب اقسام الحجّ، ص ۲۰۸، باب ۱۷، حدیث ۵.
- (۲۰۹) همان، ابواب وجوب الحجّ، ص ۳۰، باب ۱۲، حدیث ۲.
- (۲۱۰) همان، ص ۳۰، باب ۱۳، حدیث ۲.
- (۲۱۱) همان، ص ۳۲، باب ۱۵، حدیث ۲.
- (۲۱۲) وسائل الشیعۀ، ج ۸، ابواب وجوب الحجّ، ص ۲۳، باب ۸، ح ۱۰.
- (۲۱۳) وسائل الشیعۀ، ج ۸، ابواب النیابۀ فی الحجّ، ص ۱۱۶، باب ۱، حدیث ۶.
- (۲۱۴) همان، ص ۱۲۴، باب ۸، حدیث ۶.
- (۲۱۵) وسائل الشیعۀ، ج ۸، ابواب النیابۀ فی الحجّ، ص ۱۲۵، باب ۹، حدیث ۱.
- (۲۱۶) همان، ص ۱۲۶، باب ۱۰، حدیث ۲.
- (۲۱۷) وسائل الشیعۀ، ج ۹، ابواب الإحصار والصدّ، ص ۳۰۴، باب ۱، حدیث ۵.
- (۲۱۸) وسائل الشیعۀ، ج ۱۰، ابواب المزار، ص ۲۶۳، باب ۴، حدیث ۱.
- (۲۱۹) همان، ص ۲۶۴، باب ۴، حدیث ۲.
- (۲۲۰) همان، ص ۲۶۰، باب ۳، حدیث ۱.
- (۲۲۱) وسائل الشیعۀ، ج ۱۰، ابواب المزار، ص ۲۷۰، حدیث ۲، باب ۷.
- (۲۲۲) خدایا! من ایستادم بر دری از درهای خانه‌های پیغمبرت، رحمت تو بر او و آلش، و تو منع کردی مردم را که در آیند جز با اجازه او، فرمودی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید درنیاید به خانه‌های پیغمبر جز اینکه اجازه داده شود به شما. خدایا! من معتقد به احترام صاحب این زیارتگاه شریفم در غیبت او، چنانچه معتقدم در حضور او، و می‌دانم که رسالت و خلفایت علیهم السلام زنده‌اند نزد تو و روزی خورند، می‌بینند ایستادنم را، و می‌شنوند سخنم را، و جواب دهند سلامم را، و می‌دانم که تو محجوب کردی از گوشم سخن آنان را، و گشودی درفهمم را به مناجات لذیذ آنان، و من نخست: از تو اجازه خواهم پروردگارا، ثانیاً: اجازه خواهم از رسالت صلی الله علیه و آله، و ثالثاً: از فرشتگانی که موکل این بقعه مبارکه‌اند. آیا داخل شوم ای رسول خدا؟ آیا داخل شوم ای حجّت خدا؟ آیا داخل شوم ای فرشتگان خدا که مقربید و مقیم این زیارتگاه هستید؟ اجازه‌ام ده مولایم برای دخول، بهتر اجازه‌ای که به یکی از دوستان‌دهی و اگر من اهل آن نباشم تو اهل آنی."
- (۲۲۳) گواهم که نیست معبود حقّی جز خدای یگانه و بی‌شریک، و گواهم که محمّد بنده و رسول‌اوست، و گواهم که تو رسول خدایی، و تو محمّد بن عبدالله هستی، و گواهم که تو تبلیغ کردی رسالت‌های پروردگارت را، و نصیحت کردی برای امتت، و جهاد کردی در راه خدا، و پرستیدی خدا را تا رسیدی به یقین از روی حکمت و پند نیک، و ادا کردی آنچه را بر توست از حقّ، و تو مهربانی بر مؤمنین و سخت‌گیر بر کافران، برساند خدا ترا به برتر شرافت مقام مکّرمان، حمد خدا را که ما را به وسیله تو از شرک و گمراهی نجات داد، خدایا مقّرر کن صلوات تو و صلوات فرشتگان مقرب و پیغمبران مرسلت را و بندگان نیک را و اهل آسمانها و

زمینها و هر که تسیح تو کند، ای پروردگار جهانیان از اولین و آخرین، بر محمد بنده و رسالت و پیغمبرت و امینت و همرازت و دوستت و برگزیده‌ات و مخصوصت و ویژه‌ات و بهتر خلقت، خدایا بده به او درجه بلند، و بیاور برایش وسیله از بهشت، و برانگیزش به مقام پسندیده‌ای که رشک برند به او اولین و آخرین، خدایا تو گفتی که اگر وقتی ستم می‌کردند می‌آمدند نزد تو آرمزش می‌خواستند از خدا، و طلب آرمزش می‌کرد برای آنها رسول، و می‌فهمیدند که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است، و من نزد پیامبرت آمدم آرمزش جو و توبه کار از گناهانم، و من به وسیله تو روی آوردم به خدا پروردگارم و پروردگارت تا پیامرزد گناهان مرا".

(۲۲۴) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۶، حدیث ۱، باب ۶ از ابواب المزار.

(۲۲۵) بار خدایا! به تو پناه آورده‌ام، و به قبر پیامبر، بنده، و رسالت پشتم را استوار گرداندم، و به قبله‌ای که برای محمد صلی الله علیه و آله برگزیدی روی آوردم. خدایا! من چنانم که خیر مورد نظر خود را برای خویش مالک نیستم، و نمی‌توانم شری را از نفس خود دور کنم، و امور همه به دست توست، پس هیچ کس فقیرتر از من نیست، خدایا من نیازمند آن خیری هستم که توفرو فرستادی. خدایا مرا به خیر خود بازگردان که کسی نمی‌تواند فضل تو را رد کند. خدایا به تو پناه می‌برم از اینکه اسم مرا تبدیل کنی، یا پیکرم را دگرگون سازی، یا نعمت را بر من از میان ببری. خدایا مرا به تقوی بیارای و به نعمت آراسته‌ام گردان و به عافیت آبادم گردان و برای عافیت سپاس روزی من کن".

(۲۲۶) ای آزموده، آزمودت خدائیکه آفریدت پیش از آفرینش تو، و یافتت در آزمایش بردبار، مامعتقدیم که ما دوست شما و باور کنندگان و بردبارانی هستیم برای هر آنچه پدرت و وصی او آورده، رحمت خدا بر او و آتش، ما از تو خواهیم که اگر تو را تصدیق کردیم، همانا برسان مارا به تصدیق ما به آن دو، تا مژده دهیم خود را که به تحقیق که پاکیم به سبب ولایت تو".

(۲۲۷) درود بر تو ای دختر رسول خدا، درود بر تو ای دختر پیغمبر خدا، درود بر تو ای دختر حبیب خدا، درود بر تو ای دختر خلیل خدا، درود بر تو ای دختر برگزیده خدا، درود بر تو ای دختر امین خدا، درود بر تو ای دختر بهترین خلق خدا، درود بر تو ای دختر بهترین پیغمبران خدا و رسولانش و فرشتگانش، درود بر تو ای دختر بهترین خلق، درود بر تو ای بانوی زنان جهانیان از اولین و آخرین، درود بر تو ای مادر حسن و حسین دو سید جوانان اهل بهشت، و درود بر تو ای صدیقه شهیده، درود بر تو ای پسندیده، درود بر تو ای با فضیلت پاک، درود بر تو ای حوریه آدمی نژاد، درود بر تو ای پرهیزگار پاک، درود بر تو ای همراز فرشته‌ودانا، درود بر تو ای ستمدیده و حقش غصب شده، درود بر تو ای فشار دیده مقهور، درود بر تو ای فاطمه دختر رسول خدا و برکات او و رحمت خدا بر تو و بر جان و تنت، گواهم که تو در گذشتی با دلیل روشن از طرف پروردگارت، و گواهم که هر که شادت کند شاد کرده رسول خدا را، و هر که بر تو ناسپاسی کند ناسپاسی کرده رسول خدا را، و هر که آزارت دهد آزار داده رسول خدا، و هر که با تو حفظ رابطه کند حفظ رابطه کرده با رسول خدا، و هر که از تو ببرد پس بریده است از رسول خدا، زیرا تو پاره تن و جان اوایی که در تن اوست گواه گیرم خدا و رسولان و فرشتگانش را که راضیم از هر که تو از او راضی هستی، و خشمندهم بر هر که تو بر او خشمندهمی، بیزارم از کسی که تو از او بیزاری، دوستم با هر که تو او را دوستش داری، دشمنم با هر که تو دشمنش داری متفّرم از هر که تو از او متنّفری، دوستم با هر که تو با او دوستی، و بس است به خدا که گواه باشد، حسابگر، کیفر ده و پاداش بخش".

(۲۲۸) خدایا! درود فرست بر محمد و خاندان محمد. خدایا! این باغی است از باغهای بهشت تو، لال و شاخه‌ای از شاخه‌های رحمت که پیامبرت بیانش داشته، و پرده از فضیلت و شرف تعبّد در آن برداشته، و تو آن را به هنگام سلامت نفس من به من ابلاغ کردی، پس سپاس از تو ای آقای من برای نعمت بزرگی که به من عطا نمودی و برای طاعت خود، و طلب خشنودیت، و بزرگداشت حرمت پیامبرت به زیارت قبر او، و تسلیم در برابر او، و امد و شد در مشهدها و موقفهای او ارمغانم کردی. پس سپاس از آن توست ای

آقای من، سیاسی که سیاسهای حاملان‌عرش و ساکنان آسمانهايت را در نظم خود دارد، و حمد گذشتگان پیرامون آن نارساست، و حمد آیندگان از آفریده‌های تو فضل دارد. سپاس از آن توست ای آقای من، سپاس کسی که سپاست را شناخته، و توفیق حمد در دست توست حمدی که آکنده است آفریده‌های تو را، و به هر کجا خواهی رسد، و بر تو پوشیده نیست، و در برابر تو از میان نمی‌رود، و به نهایت‌درجه خشنودی تو رسد، و به پایان آن نخستین حمدهای آفریده‌ها تو از تو نرسد، و حمد از آن توست مادامی که حمد را شناختم و به حمد باور یافتم، آغاز سخن حمد قرار داده شد. ای جاودانه عزت و عظمت. و ای همیشه چیره و قدرتمند، و ای با هیبت و با نیرو و کسی که فرمان و اراده‌اش نافذ است، و رحمت و مغفرتش گسترده، و دنیا و آخرت را پرورنده، چه نعمتهای بسیار تو بر من که از بیان ساده‌ترین آن ناتوانم، و شکر من به ناچیزترین آنها نرسد، و چه نیکوکاریهایی که در حق من روا داشتی که از فراوانی در وهم ناید، و اندیشه‌ام در بندش نکشد. خدایا! درود فرست بر پیامبرت مصطفی در دوران کودکی و جوانی و کهنسالی، درودی بر پاکیزگان از حیث رفتار و بارترین بارندگان و بزرگترین آفریده تو که نشانه‌ها را با او آشکار ساختی، و رسالتها را با او به اتمام رساندی و نبوتها را با او ختم کردی، و درخیرها را با او گشودی، و پاک آشکارش کردی، و او را به عنوان پیامبر و رهنا و امین و مهدی برگزیدی، و دعوتگری که بسوی تو فرامی‌خواند، و به راه رهنمون می‌شود، و دلیلی است دربارگاه کبریائیت. خدایا! بر معصومین از عترت، و طیبین از خاندانش درود فرست و جایگاه‌ایشان را نزد خود بالا بر، و مراتبشان را در بارگاه خود عظمت بخش، و نشستگاه‌هایشان را در رفیق اعلی قرار ده، و به نزدیکی پیامبرت درجاتشان را فزونی بخش و با دیدار او خوشحالیشان را کمال ده، و با جایگاه او انس ایشان را فراهم آور."

(۲۲۹) خدایا! درود فرست بر محمّد و خاندانش. خدایا! مرا به فقر خوار نساز، و به قرض ذلیم نگردان، و به نابودیم مکشان، و مرا حفظ کن تا محفوظ باشم، و اصلاحم گردان تا صالح شوم، و رهم بنما تاره یابم. خدایا! مرا یاری رسان تا جان خویش به تلاش و کوششت افکنم، و مرا بر پایه بدگمانیم عذاب نکن، و تو برای بخشودن من سزامندی، و من اقرار کردم، و تو اهل درگذشتنی، در حالی که من لغزیدم و تو اهل نیکی کردنی، در حالی که من بدی کردم و تویی اهل تقوی و مغفرت، پس مرا در آنچه دوست می‌داری و بدان خشنودی موقّق گردان، و آسانهارا برایم مقدور ساز و هر دشواری را از من دور گردان. خدایا! مرا با حلال از حرام بی‌نیاز گردان، و با طاعت از معصیت دور دار، و با بهشت از دوزخم بازدار، و با نیکوکاران از بدکاران دورم گردان. ای کسی که همچون مثل او چیزی نیست و اوست شنوای آگاه و تو بر هر چیزی توانایی."

(۲۳۰) ای آقایان من! ای فرزندان رسول خدا، بنده شما و کنیز زاده شما پیش شما، و ناتوان در برابر علوّ قدر شما و معترف به حقّ شما نزدتان آمده است، پناهجو از شما به قصد حرم شما و نزدیکی به مقام شما، متوسّل به سوی خدای توانا به وسیله شما. آیا داخل شوم ای اولیای خدا؟ داخل شوم ای فرشتگان خدا که در گرد این حرمید و مقیم این زیارتگاه هستید."

(۲۳۱) درود بر تو ای فرزند فرستاده پروردگار جهانیان، درود بر تو ای پسر امیرالمؤمنین، درود بر تو ای پسر فاطمه زهراء، درود بر تو ای پسر خدیجه کبری درود بر تو ای حبیب‌خدا، درود بر تو ای برگزیده‌خدا، درود بر تو ای امین‌خدا، درود بر تو ای حجّت‌خدا، درود بر تو ای نور خدا، درود بر تو ای راه خدا، درود بر تو ای بیان حکم خدا، درود بر تو ای یاور دین خدا، درود بر تو ای سید پاک، درود بر تو ای خوش کردار و فادار، درود بر تو ای قائم‌استوار، درود لائل بر تو ای دانای تنزیل، درود بر تو ای دانای تأویل، درود بر تو ای رهبر رهیاب، درود بر تو ای پاک پاکیزه، درود بر تو ای پرهیزکار پاکدامن، درود بر تو ای حق محقق، درود بر تو ای شهید صدیق، درود بر تو ای ابا محمّد الحسن بن علی و رحمت خدا و برکاتش."

(۲۳۲) خدایا! درود فرست بر حسن فرزند سرور پیامبران، و وصی امیرالمؤمنین، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیا. گواهی می‌دهم که تو پسر امیرالمؤمنین، امین خدا و فرزند امین او هستی. مظلوم زیستی و شهید رفتی. گواهی می‌دهم که تو امامی هستی هدایتگر و رهیافته. خدایا! درود فرست بر او، و بر روح و پیکر او در این دُعا از سوی من بهترین درود و سلام را

به او برسان."

(۲۳۳) سلام بر تو ای زین العابدین، سلام بر تو ای زیور متهجدین، سلام بر تو ای امام متقین، سلام بر تو ای ولی مسلمین، سلام بر تو ای آرامش دیده ناظرین و عارفین، سلام بر تو ای پسندیده سابقین، سلام بر تو ای وصی وصیین، سلام بر تو ای خزانه دار وصیتهای مؤسسلین، سلام بر تو ای روشنایی مجتهدین، سلام بر تو ای چراغ مرتاضین، سلام بر تو ای ذخیره متعبدین، سلام بر تو ای کشتی دانش، سلام بر تو ای آرامش صبوری، سلام بر تو ای ترازوی قصاص، سلام بر تو ای کشتی رهایی، سلام بر تو ای دریای بخشش، سلام بر تو ای ماه شب چهارده، سلام بر تو ای آه کشنده شکیبا، سلام بر تو ای صبور حکیم، سلام بر تو ای رئیس گرندگان، سلام بر تو ای چراغ مؤمنان، سلام بر تو ای آقای من ای ابو محمّد، گواهی می‌دهم که تو حجت خدا و پسر حجت او و پدر حجت‌های او و فرزند امین او و پدر اُمّنا ای او هستی. تو در عبادت پروردگارت خیراندیشیدی، و بسوی خشنودی خدا شتافتی، و دشمنان او را نومید ساختی، و اولیای او را شاد گرداندی. گواهی می‌دهم که تو خدا را آنگونه که باید پرستیدی، و چنانکه شاید تقوای او را در پیش گرفتی، و چنانکه شایسته است فرمانش بُردی، تا به یقین رسیدی. پس بر تو بادای مولای من، ای فرزند رسول خدا بهترین درود و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو."

(۲۳۴) خدایا! رحمت فرست بر علی بن الحسین سید عابدان، آنکه مخصوص خودت ساختی، و از نسل او امامان هدایت پرداختی، آنانکه به حق رهبرند و عدالت گستر، برگزیدیش برای خود. و پاکش کردی از پلیدی، و زبده اش ساختی، و او را رهبر و رهیاب نمودی، خدایا! رحمت فرست بر او بهتر آنچه رحمت فرستادی بر یکی از اولاد پیغمبرانت، تا برسانیش به مقامی که چشم او روشن شود در دنیا و آخرت، زیرا تو عزیز و حکیم هستی."

(۲۳۵) سلام بر تو ای شکافنده علم خدا، سلام بر تو ای کاونده دین خدا، سلام بر تو ای آشکارکننده حکم خدا، سلام بر تو ای قائم به داد خدا، سلام بر تو ای خیرخواه بندگان خدا، سلام بر تو ای دعوتگر بسوی خدا، سلام بر تو ای رهنمای به راه خدا، سلام بر تو ای ریسمان استوار، سلام بر تو ای فضیلت آشکار، سلام بر تو ای پرتو جهنده، سلام بر تو ای بدر درخشنده، سلام بر تو ای حق نمایان، سلام بر تو ای چراغ شب تاب، سلام بر تو ای ستاره درخشنده، سلام بر تو ای اختر خیره کننده، سلام بر تو ای بدور از دشواریها، سلام بر تو ای محفوظ از لغزشها، سلام بر تو ای والا- در حسب و نسب، سلام بر تو ای امام مهربان، سلام بر تو ای کوشک سربه فلک کشیده، سلام بر تو ای حجت خدا بر همه خلائق. گواهی می‌دهم ای آقایم که تو حق راپاک شکافتی، و به درون دانش ره یافتی، و آن را پراکندی و در راه خدا نکوهش هیچ نکوهنده‌ای را بر نتافتی، و در دین خدا پوشنده بودی، و آنچه را بر تو بود بر آوردی، و کسانت را از ولایت جز خدا به ولایت خدا در آوردی، و به فرمانبری از خدا فرمان دادی، و از سرکشی خدا بازداشتی، تا آنگاه که تو را به رضوان خود بُرد و تو را در خانه کرامت خویش جای داد، و در جایگاه برگزیدگانش مأوی داد، و در کنار اولیایش بنشاند، و سلام بر تو و رحمت و برکات خدا از آن تو باد."

(۲۳۶) خدایا! رحمت فرست بر محمّد بن علی باقر العلم، و امام هدایت، و پیشوای اهل تقوی، و برگزیده از بندگان، خدایا! چنانکه او را وسیله هدایت بندگان و چراغ بلاغت، و ودیعه نگهدار حکمت ساختی، و مترجم وحی خود، و فرمان دادی به طاعتش، و قدغن کردی از نافرمانیش، رحمت فرست بر او، پروردگارا بهترین رحمتی که فرستادی بر یکی لال از اولاد پیغمبران و برگزیدگان و رسولانت و امین هایت ای پروردگار جهانیان."

(۲۳۷) سلام بر تو ای امام صادق، سلام بر تو ای وصی ناطق، سلام بر تو ای برتر با عطوفت، سلام بر تو ای رفیع، سلام بر تو ای راه مستقیم، سلام بر تو ای چراغ در تاریکی، سلام بر تو ای برطرف کننده دشواریها، سلام بر تو ای کلید خیرها، سلام بر تو ای رستنگاه برکات، سلام بر تو ای صاحب حجت‌ها و دلالتها، سلام بر تو ای صاحب برهانهای آشکار، سلام بر تو ای یاری کننده دین خدا، سلام بر تو ای ناشر حکم الهی، سلام بر تو ای فصل الخطابها، سلام بر لال تو ای برگزیده اندوها، سلام بر تو ای رکن راستگویان، سلام

بر تو ای زبان سخنگویان، سلام بر تو ای نیک گذشتگان، سلام بر تو ای جلودار صادقان و صالحان، سلام بر تو ای آقای مسلمانان، سلام بر تو ای غار پناه مؤمنان، سلام بر تو ای هدایتگر گمراهان، سلام بر تو ای آرامش فرمانبران، سلام بر تو، گواهی می‌دهم ای آقای من که تو نشانه هدایت و حلقه استوار و خورشید نیمروز و دریای بخشش و غار پناه مردم و الگوی الایی. درود فرستد خدا بر جسم و روح تو و سلام بر تو و بر عباس عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله که رحمت و برکات خدا از آن او باد".

۲۳۸) خدایا! رحمت فرست بر جعفر بن محمد صادق، خزانه دار علم، و دعوت کننده بسوی تو از روی درستی و روشنی آشکار، خدایا! چنانکه او را معدن کلام خود، و وحی و خزینه دار دانش، و زبان توحیدت ساختی و ولی امر و نگهبان دین خود نمودی، رحمت فرست بر او رحمتی که بر یکی از برگزیدگان و حجت‌های خود فرستادی، زیرا تو ستوده و بزرگواری".

۲۳۹) سلام بر اولیاء و برگزیدگان خدا، سلام بر ائمه و دوستان خدا، سلام بر یاران و جانشینان خدا، سلام بر جایگاههای شناخت الهی، سلام بر جایگاههای ذکر خدا، سلام بر آشکارکنندگان امر و نهی خدا، سلام بر دعوتگران بسوی خدا، سلام بر آرمنندگان در خشنودی خدا، سلام بر مخلصان در فرمانبری خدا، سلام بر راهنمایان بسوی خدا، سلام بر کسانی که کسی که به آنها دوستی ورزیده به خدا دوستی ورزیده، و کسی که با آنان به ستیز برخاسته با خداستیزیده، و کسی که آنها را شناخته خدای را شناخته است، و کسی که به منزلت آنها ناآگاه است خدا را نشناخته، و کسی که آنها را پناه گیرد به خدا پناه جسته، و کسی که از آنها دوری جسته از خدای دوری کرده است. عزیز و بزرگ است خدای، من صلحم برای آنکه با شما به صلح برخیزد و جنگم در برابر آن که با شما بستیزد. پنهان و نهان شما را باور دارم، و در این همه کار خویش به شما واگذارم. نفرین خدا بر دشمن خاندان محمد صلی الله علیه و آله از جن و انس و من از آنها به خدای پناه می‌برم و درود خدا بر محمد و خاندانش".

مورد: اول

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

